

# موفقیت واقعی چیست؟

گزیده ای از رهنمون های حضرت علی علیه السلام

از نهج البلاغه

مترجم:

مژگان سعیدی

ویرایش:

حمیدیان تبریزی

ویرایش انگلیسی:

دکتر سید حسن اختر

# موفقیت واقعی چیست؟

گزیده‌ای از رهنمون‌های حضرت علی علیه السلام از نهج البلاغه

ویرایش انگلیسی: دکتر سید حسن اختر

ترجمه از انگلیسی: مؤگان سعیدی

ویرایش فارسی: حمیدیان تبریزی

ناشر: انتشارات انصاریان

چاپ اول ۱۴۰۰ - ۱۴۴۳ - ۲۰۲۲

تعداد صفحات: ۳۰۶ ص.

قطع: وزیری

شابک:



انتشارات انصاریان

قم - جمهوری اسلامی ایران

خیابان شهدا - کوچه ۲۲ - ص.پ ۱۸۷

تلفن: ۳۷۷۴۱۷۴۴ (۲۵) (۹۸) دورنما: ۳۷۷۴۲۶۴۷

پست الکترونیک: Int\_ansarian@yahoo.com

www.ansariyan.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جهت سفارش نسخه ی انگلیسی کتاب می توانید به آدرس زیر مراجعه نمایید:

**amazon.com & www.islamquery.com**

همچنین، فایل پی دی اف کتاب حاضر در آدرس زیر قابل دسترسی می باشد:

**www.islamquery.com**

جهت ارتباط با نویسنده ی کتاب می توانید با آدرس ایمیل زیر در تماس باشید:

**Truesuccess12@gmail.com**

در صورت پرسش هرگونه سوال در مورد نسخه ی فارسی کتاب می توانید با آدرس

زیر با مترجم در ارتباط باشید:

**mozhan.saeidi@gmail.com**

## فهرست مطالب

۱۹	مقدمه
۲۰	یادداشت مترجم
۲۲	سخنی کوتاه در باره ی مرحوم سید رضی (ره) گردآورنده نهج البلاغه
۲۳	شرح حال اجمالی امام علی (ع)
۲۷	اظهار نظر دانشمندان و تاریخ شناسان در مورد حضرت علی (ع):
۳۱	بخش یک: (شناخت خداوند)
۳۲	در ستایش خداوند:
۳۴	یکتایی و یگانگی خداوند
۳۵	صفات الهی
۳۸	در مورد قدرت، عظمت، تعالی، و معرفت خداوند:
۴۲	در مورد دانش خداوند:
۴۳	نه کسی فرزند اوست و نه او پدر کسی است.
۴۵	رحمت، بخشش و فضل خدا:
۴۵	در مورد جاودانگی خداوند:
۴۶	برکات خداوند
۴۷	خداوند خالق و تامین کننده است:
۴۸	دعای خیر:
۴۹	خلقت آسمان، زمین و آفرینش آدم
۵۰	آفرینش جهان:
۵۱	عظمت خدا؛ آفرینش جهان:
۵۳	شکوه آفرینش:
۵۴	در باره کمال در خلقت:
۵۵	شرح آفرینش آدم:

۵۸	در باره خلقت مورچه:
۵۹	در باره خلقت خفاش:
۶۲	آفرینش ملخ:
۶۳	بخش دوم: (راهنمایی برای داشتن یک زندگی خداشناسانه)
۶۴	مشاوره‌ی حضرت به پسرش
۶۴	اهمیت معرفت خدا:
۶۶	چگونه برای نیازهای خود به درگاه خداوند دعا کنیم:
۶۸	فضایل صبر:
۶۸	زندگی در این جهان:
۶۹	سرنوشت بشریت:
۷۰	دفاع از آرمان‌های خداوند:
۷۰	معاملات شما با دیگران:
۷۱	غرور، حماقتی که آسیب می‌رساند:
۷۱	انفاق در هنگام توانایی:
۷۲	اهمیت عزت نفس:
۷۳	با خانواده خود به خوبی رفتار کنید:
۷۴	با ملاحظه با دشمن خود برخورد کنید:
۷۴	چگونه با ظلم مقابله کنیم:
۷۵	مرواریدهای خرد و راهنمایی برای پسرش:
۷۷	سخنان نهایی در نامه:
۷۷	عدالت، بی‌عدالتی و ظلم:
۷۸	خدا نسبت به مخلوقاتش عادل است:
۷۸	عدالت خدا برای فقرا و ثروتمندان:
۷۹	توصیه امام علی (ع) برای پرهیز از پوچی، افتخار کردن در عدالت و عمل نیک:

- ۸۰ ..... دستورالعمل های حضرت برای سربازان خود: ..... ۸۰
- ۸۰ ..... نیایش حضرت هنگام برخورد با دشمن: ..... ۸۰
- ۸۰ ..... نصایح حضرت در رابطه با امور دولتی: ..... ۸۱
- ۸۱ ..... توصیه هایی به فرزندان: ..... ۸۱
- ۸۱ ..... بخشی از نامه ای حاوی بر توصیه هایی به فرمانداران خود: ..... ۸۱
- ۸۱ ..... نصایح امام در مورد مالیات دهندگان: ..... ۸۲
- ۸۲ ..... یکی از سخنان امام: ..... ۸۲
- ۸۲ ..... عدم عدالت و ظلم ..... ۸۳
- ۸۳ ..... یک بی عدالتی بزرگ: ..... ۸۳
- ۸۳ ..... حقوق دیگران ..... ۸۳
- ۸۳ ..... حقوق خداوند متعال: ..... ۸۴
- ۸۴ ..... درباره حقوق افراد: ..... ۸۵
- ۸۵ ..... احقاق حقوق دیگران: ..... ۸۶
- ۸۶ ..... توزیع وجوه (خیریه) از خزانه عمومی: ..... ۸۶
- ۸۶ ..... مهربانی، تواضع، رفتار صحیح با خویشاوندان ..... ۸۸
- ۸۸ ..... خداوند شفقت را اجبار نکرده است: ..... ۸۸
- ۸۸ ..... صبوری و اصالت در شخصیت: ..... ۸۹
- ۸۹ ..... آداب ادب: ..... ۸۹
- ۸۹ ..... نصیحت حضرت علی در مورد سخاوت و رفتار خوب: ..... ۸۹
- ۸۹ ..... کسی که به آخرت ایمان دارد، سخاوتمند است. .... ۸۹
- ۸۹ ..... حق، پرهیز، و ویژگی های یک مومن ..... ۹۰
- ۹۰ ..... درباره مهار خواسته ها: ..... ۹۰
- ۹۰ ..... ویژگی های یک مومن: ..... ۹۱
- ۹۱ ..... توصیه حضرت: ..... ۹۱

- ۹۲ ..... خداشناسی
- ۹۲ ..... خصوصیات یک فرد متدین:
- ۹۳ ..... پرهیزکاری:
- ۹۴ ..... نمونه ای از مصیبت ها:
- ۹۴ ..... در مورد دروس (تلخ) آن:
- ۹۷ ..... یک حساب از مردم گذشته و یادگیری از زندگی آنها:
- ۹۷ ..... اهمیت خداپسند بودن:
- ۹۸ ..... توصیه ای برای تمرین خداآگاهی و احتیاط در برابر عشق به این دنیا:
- ۱۰۰ ..... توصیف وی از یک شخص وارسته:
- ۱۰۲ ..... فواید معرفت خدا:
- ۱۰۳ ..... افرادی که نه با کالا و نه با هیچ چیزی از یاد خدا دور نمی شوند:
- ۱۰۵ ..... بخش سوم: (ارتباط با خدا از طریق دعا)
- ۱۰۶ ..... دعایی برای باران:
- ۱۰۸ ..... دعایی برای بخشش:
- ۱۰۸ ..... دعای امام علی در حمد خدا و کوچکی خود:
- ۱۰۹ ..... دعایی برای طلب محافظت از خدا:
- ۱۱۰ ..... دعای توکل بر خدا:
- ۱۱۰ ..... التماس دعا برای هدایت و بخشش:
- ۱۱۱ ..... بخش چهارم: (کسب دانش حقیقی)
- ۱۱۲ ..... کشف ایشان در مورد دانش
- ۱۱۲ ..... درباره وظایف یک رهبر
- ۱۱۳ ..... دانش در مورد خداوند:
- ۱۱۳ ..... ایمان، دانش و معرفت را افزایش می دهد:
- ۱۱۳ ..... دانش در قرآن کریم:

- قرآن کریم حاوی اقیانوس های دانش است: ..... ۱۱۴
- دانش در مورد حقوق خدا: ..... ۱۱۴
- شیطان با معرفت ها را هم از راه به درمی کند: ..... ۱۱۴
- دانش اعضای (برگزیده) خاندان پیامبر (ص): ..... ۱۱۵
- اطلاعات بیشتر در مورد دانش خاندان پیامبر (ص): ..... ۱۱۵
- بهترین دانش: ..... ۱۱۵
- ما به میزان معرفت مان آزمایش خواهیم شد: ..... ۱۱۵
- دانش نشانه تمایز است: ..... ۱۱۶
- دانش سطحی: ..... ۱۱۶
- مشاوره در مورد دانش: ..... ۱۱۶
- عمیق فکر کردن: ..... ۱۱۶
- احترام به دستورات دانش: ..... ۱۱۶
- مردم پس از مرگ بر اساس دانش خود "زندگی می کنند": ..... ۱۱۷
- دانش قدرت است: ..... ۱۱۷
- خرد و دانش: ..... ۱۱۷
- دانش بهتر از ثروت است: ..... ۱۱۷
- بخش پنجم: (جلوگیری از خواسته های دنیوی)..... ۱۲۱**
- آرزوهای جهانی ، اشتباه گرفتن حق با ناحق ..... ۱۲۲
- اشتباه گرفتن حق با ناحق: ..... ۱۲۲
- درباره خواسته های قلب و امیدهای زیاد: ..... ۱۲۳
- عشق به این دنیا و تأثیرات آن بر روح: ..... ۱۲۳
- غلط بودن خیریه و اسراف: ..... ۱۲۳
- درباره ریاکاری، پشت پرده ..... ۱۲۵
- شرح منافقین: ..... ۱۲۵

- در باره خیانت: ..... ۱۲۷
- در باره بد دهانی: ..... ۱۲۷
- در باره شنیده ها: ..... ۱۲۸
- بخش ششم: (توجه به توصیه های امام)..... ۱۲۹**
- احتیاط او در باره این جهان: ..... ۱۳۰
- مشاور او: ..... ۱۳۱
- پند و اندرز او: ..... ۱۳۱
- حمایت از مستضعفین: ..... ۱۳۲
- مشاوره در برابر فساد و ستم: ..... ۱۳۲
- توصیه او در برابر بی توجهی: ..... ۱۳۳
- سرنوشت یک پیشوای ظالم: ..... ۱۳۴
- احقاق حقوق دیگران: ..... ۱۳۵
- احتیاط در برابر فریب این جهان: ..... ۱۳۵
- نصیحت او برای اطاعت از خدا: ..... ۱۳۶
- در باره سو استفاده زبانی از دشمنان خود: ..... ۱۳۷
- در باره خود فریبی ، غفلت و جهل: ..... ۱۳۷
- مشاوره (وصیت) او به پسرانش: ..... ۱۴۰
- مغز شگفت انگیز انسان ..... ۱۴۲
- جهان مکانی برای کسب پاداش است: ..... ۱۴۲
- کلیدهای موفقیت: ..... ۱۴۳
- توصیه او به عمویش: ..... ۱۴۴
- بخش هفتم: (دولت)..... ۱۴۷**
- ظلم، خشم خدا را برمی انگیزد: ..... ۱۵۰
- افراد فقیر در ایمان خود قوی هستند: ..... ۱۵۰

- با همه با عدالت رفتار کنید: ..... ۱۵۱
- طبقات مختلف افراد جامعه: ..... ۱۵۳
- انتخاب فرمانده کل ارتش: ..... ۱۵۴
- مشاوره به استانداران و مأموران عمومی ..... ۱۵۶
- حقوق متقابل حاکم و مردم: ..... ۱۵۶
- نامه به یک مقام عالی مقام: ..... ۱۵۸
- نامه به قاضی یک استان: ..... ۱۵۸
- دستورالعمل هایی برای فرماندار جوان تازه منصوب شده در مصر: ..... ۱۶۰
- نامه ای به فرماندار بصره در عراق: ..... ۱۶۱
- نامه به یک مقام عالی دولت: ..... ۱۶۳
- نامه به یک مقام فاسد: ..... ۱۶۴
- دستورالعمل هایی به استاندار در مورد وفاداری با مردم: ..... ۱۶۵
- دستورالعمل برخورد رسمی با مخالفان: ..... ۱۶۵
- دستورالعمل های او برای ارتش و افسران ..... ۱۶۶
- بخش نامه ای به سرگروه های ارتش وی: ..... ۱۶۷
- دستورالعمل های فرمانده نیرویی که به جبهه نبرد می رود: ..... ۱۶۷
- سیاست های مالی او ، دستورالعمل هایی برای جمع آوری کننده مالیات ..... ۱۶۸
- اطلاعات بیشتر در مورد بودجه عمومی: ..... ۱۶۸
- تذکر به یک استاندار: ..... ۱۶۸
- بخش هایی از نامه به مأموران مالیات: ..... ۱۶۹
- دستورالعمل وی در مورد جمع آوری کنندگان مالیات: ..... ۱۶۹
- زندگی این جهان و مرگ ..... ۱۷۰
- طبیعت گذرا این جهان: ..... ۱۷۱

- بخش هشتم: (آماده شدن برای زندگی جاودانه)..... ۱۷۳
- زندگی این جهان، مرگ و پس از آن ..... ۱۷۴
- طبیعت گذرا این جهان: ..... ۱۷۴
- پست بودن این جهان: ..... ۱۷۶
- درباره جهان و مردم دنیا: ..... ۱۷۷
- دلیل خلقت ما: ..... ۱۷۹
- ای مخلوقات خدا، خدا را آگاه باشید؛ از دلیلی که او شما را آفریده است آگاه باشید. خود را مستحق (نعمت ها) قرار دهید که با توکل به خدا، و ترس از روز قیامت به شما وعده داده است. .... ۱۷۹
- احتیاط در برابر فریب های جهان: ..... ۱۸۱
- درباره نحوه برخورد این دنیا با کسانی که به آن پیوستند: ..... ۱۸۳
- آمادگی برای روز قیامت: ..... ۱۸۳
- درباره جمع آوری امور مورد نیاز برای جهان بعدی: ..... ۱۸۴
- جنبه های معنوی مرگ و آمادگی برای روز قیامت: ..... ۱۸۵
- درسی که می توانید از کسانی که گذشته اند یاد بگیرید: ..... ۱۸۶
- مشاوره ی حضرت در مورد مرگ، معنویت آن و آمادگی برای آن: ..... ۱۸۷
- از کسانی که قبل از شما از دنیا رفتند پند بگیرید: ..... ۱۹۰
- درباره فرشته مرگ: ..... ۱۹۰
- درباره بهشت ..... ۱۹۱
- بخش نهم: (فرمایشات امام علی (ع) درباره ی موضوعات متفرقه)..... ۱۹۳
- درباره پیامبر حضرت محمد (ص)..... ۱۹۴
- درباره سایر پیامبران ..... ۲۰۰
- سخنان امام علی (ع) در مورد خود: ..... ۲۰۳
- درباره خانواده محمد (ص) ..... ۲۱۳
- درباره اسلام: ..... ۲۱۷

- درباره قرآن کریم: ..... ۲۲۱
- کعبه (بیت الله) و حج (زیارت خانه خدا)..... ۲۲۶
- توصیه امام علی درباره سفر حج: ..... ۲۲۷
- عبادات آیینی اسلامی (نماز) ..... ۲۲۹
- درباره شیطان ..... ۲۳۰
- شک: ..... ۲۳۴
- محکومیت: ..... ۲۳۵
- عدالت: ..... ۲۳۶
- مبارزه (جهاد): ..... ۲۳۷
- مباحث متفرقه ..... ۲۳۷
- درباره زهد: ..... ۲۳۹
- بخش دهم: (گزیده‌ای از حکمت‌ها و راهنمایی‌ها)..... ۲۴۱
- نقل قول‌ها: ..... ۲۴۲
۷۰. مرواریدهای خرد: ..... ۲۴۹
۷۷. خوشا به حال آن شخص: ..... ۲۵۱
۷۹. سخنان ارزشمند ..... ۲۵۱
۱۲۵. مشاوره: ..... ۲۵۵
۱۴۹. طلب مغفرت، نیاز به شش شرایط زیر دارد: ..... ۲۵۸
- ضمیمه (ادامه سخنان حکمت‌آمیز حضرت امیر (ع)). ..... ۲۶۱



## نگاهی به برخی سخنان حضرت علی (ع)

- امداد رسانی به مضطرب و کمک به مظلومان کفاره گناهان کبیره است.
- بالاترین نوع پارسایی، پنهان داشتن آن است.
- شخص با فضیلت بهتر از خود فضیلت است و شخص بدکار بدتر از خود عمل نادرست است.
- بهترین ثروت رها کردن آرزوهای پرزحمت است.
- انسان خردمند قبل از سخن فکر میکند، درحالیکه انسان نادان قبل از تفکر حرف میزند.
- گناهی که تو را پشیمان ساخته و به توبه وادار نماید در نزد خداوند پسندیده تر است از عمل نیکی که شما را مغرور نماید.
- بخشش واقعی آن است که در حال قدرت بر انتقام باشد.
- ثروتی بالاتر از خرد و فقری بدتر از جهل نیست.
- میراثی بهتر از اخلاق نیک و حمایتی بهتر از همفکری نیست.
- صبر دو نوع است: صبر در مقابل آنچه باعث آزار توست و صبر در مقابل خواسته های (غیرممکن) خود.
- ثروت سرچشمه از اشتیاق است.
- پاسخ گوی گرم سلام ها باشید. توجه را با توجهی گرم تر پاسخ دهید. آغازگر یک لطف، سزاوار شایستگی بیشتری است.
- هرچه انسان، خردمندتر باشد کمتر سخن میگوید.

- هر نفس، انسان را یک قدم به مرگ نزدیکتر می گرداند.
- از شخصی که امید نجات را از دست می‌دهد در تعجبم درحالی‌که درهای تو به همچنان باز است.
- یک نصیحت: امید به رحمت خداوند را از دست ندهید و در همان حال نسبت به بازخواست او آگاه باشید.
- ثروتی ارزشمند تر از خرد نیست.
- صفتی بهتر از مودب بودن نیست.
- میراثی بهتر از رفتار نیک نیست.
- مقامی بالاتر از فروتنی نیست.
- در تعجبم از انسان خسیسی که همانند یک فقیر زندگی میکند در حالی‌که در دنیای دیگر باید حساب سنگینی پس دهد.
- از انسان متکبر و خسیس در تعجبم. دیروز تنها نطفه ای بیش نبود و فردا تنها یک جسد خواهد بود.
- در تعجبم از انسانی که می بیند خالق این دنیا خداوند است و هنوز نسبت به وجود خداوند در تردید است.
- در تعجبم از شخصی که متوجه شگفتی آفرینش است و هنوز از پذیرش این حقیقت که دوباره زنده خواهد شد سر باز می زند.
- در تعجبم از شخصی که رنج زیادی برای پیراستن این زندگی گذران متحمل میشود و از یاد زندگی جاودان غافل است.

- این دنیا خانه ی همیشگی ما نیست بلکه همانند بزرگراهی است و انسان مسافر آن است.
- دوست داشتن یکدیگر نیمی از خرد است.
- کسی که با عمل یک گروه موافق است، در انجام آن عمل سهیم می باشد.
- حرص و طمع قوه قضاوت و حکمت را کسل می کند.
- هر نعمت حامل حقی از خداوند است. اگر شخصی این حق را به جا آورد آن بر نعمت وی افزوده می شود اما اگر کسی کوتاهی نماید آن برکت ممکن است کم شود.
- خشم وابسته به جنون است و معمولاً تو به به همراه دارد. در غیر این صورت جنون ثابت خواهد شد.
- خداوند پر جلال، زندگی انسان فقیر را در ثروت دیگران قرار داده است. بنابراین زمانی که فقیری گرسنه می ماند، شخصی ثروتمند حق او را نادیده گرفته است و خداوند والا او را بازخواست خواهد نمود.
- ای مردم، بشر برای هیچ خلق نشده است، که خود را هدر دهد و یا اعمال بی هدف انجام دهد.
- رزق دو نوع است: رزقی که تو دنبال آن هستی و رزقی که آن دنبال تو است. حتی اگر تو در پی دومی نباشی، باهم آن تو را می یابد.
- کلمات قبل از آنکه آنها را بیان کنی هنوز در کنترل تو هستند اما هنگامی که آنها را بیان کنی، تو در کنترل آنها خواهی بود. بنابراین از کلام خود همانند جواهرات خود مراقبت نمایید. تنها یک کلام می تواند شما را به پاداش و یا مجازات دعوت نماید.

- مراقب باشید، ثروت یک برکت است. سلامت جسم نعمت است و نعمت بالاتر از آن نیز تزکیه نفس است.
- عاشقان خداوند به درون هرچیز توجه می کنند درحالیکه دیگران به ظاهر آنها نظر می کنند. عاشقان خداوند به بهره ی اخروی فکر می کنند و دیگران به فواید این دنیا می نگرند.
- عاشقان خداوند ثروت خود را کم تر اهمیت می دهند. آنها خواسته هایی که موجب ترس شان (در دنیای دیگر) می شود را سرکوب می کنند.

# مقدمه

## یادداشت مترجم

این کتاب ترجمه فارسی از کتاب "What is true success?" می باشد که برگرفته شده از فراز‌هایی از مطالب و محتوای نهج البلاغه است. کتاب موفقیت واقعی چیست اثری از دکتر سید حسن اختر است. دکتر اختر ساکن امریکا بوده و در حال حاضر امکان خرید کتاب از طریق آمازون موجود می باشد. منبع اصلی یعنی نهج البلاغه به زبان عربی بوده که توسط سید محمد رضی به تحریر گردآوری شده است. این کتاب دارای فراز‌های از ۲۳۹ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۹ سخن از امام علی (ع) می باشد.

کتاب اصلی نهج البلاغه شامل موضوعات مختلفی می شود که قسمت‌های مختلفی از هر موضوع در بخش‌های متفاوتی مطرح شده است و برای فراگیری یک موضوع باید تمام کتاب را مطالعه نمود. در این کتاب، تمام مطالب مرتبط با هر موضوع به صورت یکجا گردآوری شده و بدین ترتیب وقت کمتری برای مطالعه هر موضوع لازم است.

اولین بخش از این کتاب مفهوم توحید، خداشناسی، و خلقت بی نظیر او را به ما می آموزد. در بخش دوم، با مفهوم تقوا و زندگی همراه با آگاهی از خدا آشنا می شویم. بخش سوم به موضوع ارتباط با خدا از طریق دعا می پردازد. بخش پایانی شامل سخنان امام علی و راهنمایی‌های او می شود.

از خداوند برای فراهم آوردن امکان ترجمه‌ی این کتاب بسیار سپاس گزار بوده و طلب عفو برای هرگونه خطای ناخودآگاه در این ترجمه را دارم. در پایان، از مهندس حسین شجره که مشوق اصلی این ترجمه بوده، آقای حمیدیان تبریزی برای ویرایش، و نیز دکتر حسن اختر برای راهنمایی و حمایت در این راه کمال تشکر را دارم.

امید است که این کتاب روشنایی راهی برای خوانندگان بوده و پاسخ سوالات شما در ارتباط با موضوعات مطرح شده را فراهم آورد. بی شک نظرات شما در مورد کتاب و

ترجمه به ارتقای کیفیت کتاب بسیار کمک خواهد نمود. جهت ارتباط با مترجم لطفاً با ادرس ایمیل زیر در تماس باشید.

Mozhan.saeidi@gmail.com

## سخنی کوتاه درباره‌ی مرحوم سید رضی (ره) گردآورنده نهج البلاغه

سید رضی سخنان و نامه‌های امام علی را به زبان عربی، زبان اصلی، حدود هزار سال پیش گردآوری نموده است. این امر بیش حدود چهارصد سال پس از فوت امام علی اتفاق افتاد.

سید رضی در سال ۳۵۹ هجری در شهر بغداد در عراق به دنیا آمد. سلسله نسب او به حضرت محمد (ص) می‌رسد. او از یک خانواده‌ی بسیار دانشمندی ست. وی تحصیلات اولیه را زیر نظر شیخ مفید علیه الرحمه سپری نمود و پس از آن عازم موسسات عالی‌تری رفت که یکی از آن‌ها زیر نظر ابو احمد ابن محمد طبری اداره می‌شد. وی در آنجا رشته‌هایی مانند علوم قرآنی، حدیث، تاریخ اسلام، فلسفه، و ادبیات را خواند. دانشمندان زمان، او را عجب‌به می‌خواندند. در طول زندگی کوتاه ۴۷ ساله‌ی او، کتاب‌های زیادی نوشت. تفسیر قرآن او همواره مورد توجه دانشمندان بوده است.

او از زمان کودکی به نوشته‌ها و فرمودات حضرت علی خیلی علاقه داشت. برخی از کارهای جمع‌آوری شده‌ی اولیه‌ی امام علی از بین رفته‌اند. سید رضی تصمیم به جمع‌آوری آنها نمود. او سفرهای طولانی برای جمع‌آوری خطبه‌ها و نامه‌های امام علی نمود. آنها را به سه قسمت ذکر شده‌ی فوق جمع‌آوری نموده و به همه آنها نام نهج البلاغه را داد. برخلاف حال نامساعد جسمی، او ساعت‌های زیادی را سالیان زیادی روزانه برای این جمع‌آوری سپری نمود. او نهایت تلاش خود را نمود تا نوشته‌های اصل را جمع‌آوری و انتشار نماید.

## شرح حال اجمالی امام علی (ع)

حضرت علی خویشاوند و داماد حضرت محمد بود. تولد: او در سال ۶۰ میلادی در خانه خدا دیده به جهان گشود. پدر وی حضرت ابوطالب، سرلشکر قبیله ی هاشمی و عموی حضرت محمد بود. مادر او فاطمه بنت اسد از طایفه ای نجیبی بود.

دوران کودکی: حضرت محمد علی را همچون کودک خویش بزرگ کرد و در نتیجه، عطف عمیقی میان آن دو شکل گرفت. هنگامی که حضرت محمد در سن چهل سالگی به نبوت رسید، امام علی، کسی که هنوز دوازده سال سن داشت، اولین شخصی بود که دعوت او را پذیرفت و برای کمک و حمایت پیامبر (ص) قول داد.

در چهارمین سال از نبوت خویش، حضرت محمد خویشاوندان خویش را به اسلام دعوت نمود تا به پرستش خدای یگانه روی آورند و به آنها اعلام نمود که او فرستاده ی خداست. او با بی تفاوتی و حتی تمسخر آنها روبرو شد. علی جلو آمد و با حضرت محمد بیعت نمود، قول به محافظت از او را داد و ایمان خویش را تازه نمود. حضرت محمد خشنود شد و علی را به عنوان یار و جانشین خود اعلام نمود. کسانی که آنجا حاضر بودند، شروع به خنده و تمسخر کردند، و علاوه بر این ابوطالب را سرزنش نمودند و گفتند او تنها از پسر خود فرمان می برد.

اما علی به عهد خویش وفادار مانده، او را چون سایه حمایت و دنبال کرد و از او در مقابل دشمنان محافظت نمود و حتی جان خود را برای نجات اسلام به خطر انداخت.

برای نجات زندگی پیامبر (ص)، علی به جای وی در بستر او خوابید: مشرکان مکه نقشه کشیدند که پیامبر اسلام را بکشند تا مانع از انتشار پیام او شوند. پیامبر از این خبر آگاه شده و تصمیم به مهاجرت گرفت (که به هجرت، شروع تقویم اسلامی، مشهور است) و به شهر مجاور، مدینه رفت. او از علی درخواست نمود تا در رختخواب او بخوابد تا مشرکان را گمراه نموده و زمان بیشتری برای هجرت او فراهم بشود تا مکه را ترک نماید.

امام علی این مسئولیت را با کمال میل به جان خرید و زندگی خود را به خطر انداخت تا جان حضرت در امان بماند.

### شهر مدینه خوشامدگوی پیامبر (ص) خویش بود:

در حالیکه اسلام در مدینه در حال گسترش و پویایی بود، مشرکان جنگ‌های زیادی را در برابر حضرت محمد به پا نمودند تا این دین جدید را از ریشه برکنند. حضرت علی در خط مقدم دفاع از پیامبر قرار داشت و یکی از عاملین اصلی در این امر بود. شجاعت و شمشیر زنی او در عربستان مثال زدنی بود.

پیامبر دختر خود را به ازدواج با حضرت علی درآورد: پیامبر خواستگاران زیادی را از قبایل سرشناس و ثروتمند رد نمود. او مشتاقانه درخواست علی را قبول نمود. او برای برکت ازدواج آنها دعا نمود و به پیشگاه خداوند برای خوشبختی و شادی و پیروزی آنها دعا نمود. این اتفاق، رابطه‌ی پیامبر و حضرت علی را گرم‌تر نیز نمود.

سفر زیارتی پیامبر: دهمین سال پس از هجرت، هنگامی که پیامبر از آخرین حج خود باز می‌گشت، کاروان را در میانه‌ی راه متوقف کرده و همه را جمع نمود. آنگاه "آخرین خطبه" را ایراد نمود. او از پیش هشدار داده بود که پایان دوران او نزدیک است. در اواخر خطبه اش اعلام نمود، خداوند مولای من و تمام ایمان‌آوردگان است. سپس سوال نمود، آیا به این گفته ایمان دارید؟، تمام حضار آن را تایید نمودند.

سپس با جدیت بیان داشت: پس بشنوید و به خاطر بسپارید: هرکه را من مولا هستم، علی مولای اوست. او برای من همچون هارون برای موسی است. خداوندا با کسی که او را دوست دارد دوست شو و با کسی که با او دشمنی دارد، دشمن باش. به کسانی که به او کمک می‌کنند، کمک کن و کسانی که او را نا امید می‌کنند، نا امید گردان. هنگامی که این سخنان را می‌گفت، علی را به همه مردم نشان داد.

این رویداد در سند امام احمد بن حنبل، بخش ۵ و صفحه ۲۸۱ و نیز در کتاب امام غزالی سرالعالمین بیان شده است. مولانا عسکری جعفری اظهار می دارد که ۱۵۳ نویسنده ی مشهور این رویداد را، معروف به غدیرخم، ثبت نموده اند.

علی به عنوان خلیفه و حاکم: پس از مرگ خلیفه ی سوم، علی (ع) به خواست مردم خلیفه شد. در زمان حکومت وی، اولویت اصلی او حذف والیان فاسد از دولت اسلامی بود. او خواستار صداقت، امانت، مسئولیت پذیری و دلسوزی در مقام های دولتی بود. او شخصا دارای سبک زندگی پر مشقتی بود.

هنگامی که وی مالک اشتر را به عنوان والی مصر منصوب کرد، مسئولیت سرپرستی امور مهم را خودش به عهده گرفت. او به موضوعاتی چون خداشناسی، صداقت، عدالت و فروتنی اهمیت خاصی قایل بود.

محقق و فیلسوف مشهور عرب می گوید که دستورات حضرت علی موجب بهتر اداره شدن جامعه است. به همین دلیل علی را برای این دستورات ارج می نهیم. اصول اداره شهرها کتاب نهج البلاغه ذکر شده است و در سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۰۲ در جلسه ای توسط حاکمان و مقامات دولتی توصیه گردید که از این اصول در الگوی حاکمیت خود استفاده کنید. (لطفا به نامه مالک اشتر، نامه شماره ۵۳، دستور به مالک اشتر، مراجعه کنید.)

در حدود شش سال حضرت علی مجبور به مقابله با فساد شد و با یورش برخی فرمانداران روبرو بود. او در چندین جنگ شرکت نمود تا از اصول خود و حکومت اسلامی محافظت نماید. ایشان در سن شصت و سه سالگی در حالی که توسط دشمن هنگام نماز در مسجد زخمی شده بودند درگذشتند. ایشان فرمودند: "خداوندا سپاسگزارم که مرا به مقام شهادت رساندی. رحمت و بخشایش تو مرا به جلال قلمرو تو سوق میدهد."

## گستره ی علم و دانش حضرت:

ارتباط نزدیک او با پیامبر موجب کسب دانش عظیمی شده بود که کس دیگری به آن علم دست نیافت. دانش گسترده او شامل زیست شناسی، پزشکی، ستاره شناسی، فلسفه، فقه اسلامی، ریاضیات، بلاغت و دیگر علوم می شد. (لطفاً به خطبه معروف شماره یک در نهج البلاغه مراجعه کنید.)

## نهج البلاغه:

اثر فوق الذکر ارزشمند، شامل خطبه ها، نامه ها و سخنان امام علی است. این متون توسط سید رضی جمع اوری شده و گفته میشود که مطالب موجود در آن تنها در باب معرفت، دانش و فصاحت و راهنمایی در کنار قرآن کریم است. آموزه های امام علی نه تنها برای مسلمانان بلکه برای همه انسان ها سودمند است، موجوداتی که در جستجوی حقیقت و عدالت هستند و آرزوی خدا شناسی را دارند.

## اظهار نظر دانشمندان و تاریخ شناسان در مورد حضرت علی (ع):

### ابن ابی الحدید:

این مفسر مشهور مصری در مورد کتاب نهج البلاغه می گوید: شخصیت حضرت علی دارای ابعاد متضاد است. او شجاع ترین انسان و دلاوری منحصر به فرد طول تاریخ است. با آنکه افراد جنگجو معمولاً سرسخت، بی رحم و خونخواه هستند، او مهربان، دلسوز، خونگرم و مسئولیت پذیر بود. این خصوصیات یک انسان پرهیزکار و با خداست. او با ثروتمندان و فقرا دوست بود و نیز با خردمندان و افراد عامی نیز دوست بود. تمام افراد جایگاه یکسانی در قلب او داشتند؛ او با افراد سالم، معلول، بیوه، مظلوم و مستضعفان، مهربان بود. او همیشه لبخند بر لب داشت و به دیگران سلام می کرد. او فردی بسیار شوخ طبع بود و در بحث ها کسی نمی توانست بر او غلبه کند.

### علامه عسکری جعفری:

محقق برجسته و مترجم دانشگاه می گوید: جهان نمی تواند مثال دیگری را بیابد که همچون علی مبارزی درجه یک باشد. مطالعات تاریخی نشان می دهد که او همواره تنها یک شمشیر همراه با خود در نبردها داشت. برای اسلام، او همواره در خط مقدم دفاع، میان جبهه، و نیز در خط انتهایی دفاع حضور داشت.

### توماس کارلایل:

مورخ، منتقد، نویسنده و جامعه شناس اسکاتلندی (۱۷۹۵-۱۸۸۱): کسی نیست که علی، این جوان رعنا را دوست نداشته باشد. همانگونه که خودش نشان می دهد، او همزمان شجاع و پر از محبت است. او همواره دارای فضل، حقیقت جو و مهربان بود.

(از کتاب درباره قهرمانان تاریخ، ۱۸۴۱، سخنرانی شماره ۲)

## ادوارد گیون:

بزرگترین مورخ انگلیس (۱۷۳۷): غیرت و تقوایی که علی داشت را بعد از او کسی نشان نداد. او همچون یک شاعر، سرباز و انسان مقدس خردمندی بود که سخنان اخلاقی و مذهبی او هنوز گویا زنده هستند. هر کس تسلیم فصاحت و جسارت اوست. او هرگز حضرت محمد را از اولین لحظه‌ی مبارزه تا به آخرین منسک مراسم تشییع تنها نگذاشت. او برادر و معاون او و همچون هارون دوم بود.

(شرح ظهور و پیشرفت، صفحه ی ۸۳)

## دکتر هندی استب:

فیلسوف، فیزیکدان، پزشک (۱۶۷۶-۱۶۳۲): دنیا برای علی ارزشی نداشت، از خدا بسیار می ترسید، همیشه صدقه می داد. در تمام اعمالش فروتن و مهربان بود. او بسیار شوخ طبع و هوشمند بود. او بر تمام علوم‌ی که نیاز به تمرین داشتند اشراف داشت.

## چارلز میلز:

نویسنده ی برجسته ی تاریخی زمان خود (۱۸۸۸-۱۷۸۸):

وجود حضرت علی بعنوان یک خطیب تاثیرگذار و یک جنگجوی شجاع برای ملتی که قضاوت و شجاعت برای آن جامعه مایه ی فضیلت بود بسیار ارزشمند است.

## سیمون اوکلی:

استاد زبان عربی در دانشگاه کمبریج (۱۷۷۸-۱۶۷۸): نکته ی قابل توجه در مورد او این است که مادر حضرت علی در مکه و در خانه ی خدا او را به دنیا آورد، که هرگز برای شخص دیگری چنین اتفاقی تکرار نشد.

(لندن، ۱۸۴۹، صفحه ی ۳۳۱).

## واشنگتن اروینگ:

اولین مرد نویسنده ی امریکا (۱۸۵۹-۱۷۸۳): او از نجیب ترین نژادها بود و دارای سه خصلت با ارزش اعراب بود که شامل فصاحت، شجاعت و بخشندگی بود. پیامبر او را به سبب داشتن روحی بی باک، شیر خدا نامید. فصاحت وی در برخی از گفته های اعراب هنوز باقی مانده است. فصاحت بلاغت او میان همه الگو است. از بزرگواری او موارد مکرری را داریم که در آنها ذره ای خودخواهی و منافع شخصی به چشم نمیخورد. ایشان با زبانی شاعرانه و بلاغت بیان صحبت می نمودند و بسیاری از سخنان ایشان امروزه به زبان های مختلف ترجمه شده است. واشنگتن ایروینگ: او دارای سه ویژگی برتر اعراب بود: شجاعت، فصاحت و مظلومیت.

## رابرت دوری او زبرن:

(۱۸۳۵-۱۸۸۹): ایشان بهترین و خوش قلب ترین مسلمانانی است که در تاریخ اسلام محمدی حفظ نموده است.

## علامه مسعودی:

تاریخ شناس اسلامی برجسته میگوید: "درخشان ترین نام متعلق به اولین مسلمان، رفیق پیامبر در تبعید، همراه وفادار او برای مبارزه و پاسداری از ایمان، هم‌مرز صمیمی پیامبر در طول زندگی، خویشاوند ایشان که از تعلیمات ایشان بهره برده بود. هنگام سخن از فداکاری، عدالت، خلوص، علم و حقوق همگی باید علی را در نظر بگیریم. جستجوی ما بیهوده خواهد بود اگر در میان پیشینیان او بجز پیامبر و نیز متاخرین وی دوباره به دنبال یافتن فضیلت هایی بگردیم که خداوند به ایشان اعطا نموده بود.

### دکتر عطا محی الدین:

حضرت علی دارای استعداد‌های مختلفی بود. از بزرگترین متقین، قانون گزاران، ژنرال ها، دولت مردان، دانشمندان، و سرپرستانی بود که تاکنون دنیا به خود دیده است. او دارای دانش حضرت آدم، فضیلت حضرت نوح، فداکاری حضرت ابراهیم، و عظمت حضرت موسی، غیبت و تقوی حضرت عیسی، صبر حضرت ایوب، خرد حضرت سلیمان، دلاوری اسکندر بزرگ، خرد افلاطون، عالم و مصلح اعظمی بود.

### جورج جورداق:

حضرت علی قوانین محکمی را وضع نموده بود و سرمشقی را برای حقوق بشر و رفاه جامعه بشری از خور برجا گذاشته است که ریشه های آنها در اعماق زمین و شاخه های آنها تا به آسمان ها گسترش می یابد.

برای اطلاعات بیشتر در مورد این موضوع، به "جملات دانشمندان و مورخان در مورد حضرت علی"، مراجعه کنید.

# بخش یک:

(شناخت خداوند)

یگانگی معبود، آفرینش بهشت، زمین و آدم و همچنین  
صفات او چون عفو و مهربانی

اندیشه اسلامی نسبت به خداوند مفهومی دقیق و مشخص است؛ اسلام برگرفته از کتاب مقدس قرآن و از آموزه‌های حضرت محمد(ص)، پیامبر اسلام است.

حضرت علی (ع) ۱۴۰۰ سال پیش زندگی می‌کرد، زمانی که اسلام در حال توسعه در عربستان بود. او با محمد(ص)، پیامبر خداوند، خویشامند بود. ایشان دارای این امتیاز بود که حضرت محمد مصطفی وی تربیت نموده بود. او دارای دانش کامل نسبت به مفاهیم قرآنی بود.

در ادامه مجموعه‌ای از سخنان امام در مورد مفهوم خدا آورده شده است. این خطبه‌ها در طی سال‌های زیادی ارائه شده است. آنچه در اینجا آورده شده مجموعه‌ای منتخب می‌باشد و امید به آن است که خواندن آن برای خواننده لذت بخش بوده و موجب روشنفکری گردد.

### در ستایش خداوند:

ستایش مخصوص خداوند است، که توصیف آن با کلمات امکان‌پذیر نیست و نعمت‌های او قابل شمارش نیست. عمق ادراکات آدمی زاد نمی‌تواند به بزرگی جایگاه وی دسترسی پیدا کند، و نمی‌تواند به درک او برسد. هیچ محدودیتی برای توصیف او وجود ندارد.

(خطبه ۱)

خداوند عالی مرتبه است که محدوده تلاش‌ها نمی‌تواند به او برسد و هیچ خردی به او نمی‌رسد. او تنها موجودی است که هیچ‌گونه محدودیت و پایانی ندارد.

(خطبه ۹۳)

ستایش مخصوص خداوند است که همه‌ی آفرینش او را ستایش می‌کنند، تحت قدرت و تعالی او هستند. من او را به خاطر نعمت‌های بی‌پایان و هدایایی که ارزانی داشته ستایش می‌کنم. بخشش تمامی ندارد. او از حال و گذشته آگاهی دارد. او آفرینش را با

دانش نامحدودی طراحی کرده و آن را با ظرفیت نامحدود خود، و بدون نیاز به یادگیری و دنبال کردن هیچ نمونه قبلی و هیچ گونه کمکی به وجود آورده است.

(خطبه ۱۹۰)

ستایش مخصوص خداوند است که تسلیم شدن در برابر او بزرگترین افتخار است و امید در عفو برای نافرمانی اوست. تنها به او تکیه می‌کنم و تنها از او یاری می‌جویم تا راهنمایی ام کند گمراه نشوم. خداوند کسی است که غضب او بزرگترین غضب است. او برآورنده ی نیازهای ایمان آورندگان است. او والاترین ارزش ها را دارد.

(خطبه ۱)

خداوندا! ستایش مخصوص توست که نعمت ها را می‌بخشی و هر چه را بخواهی می‌گیری، و هر آنچه را بخواهی تسکین می‌دهی. ستایشی به عظمت خلقت و ستایشی که برای تو جاودانه است.

(خطبه ۱۵۹)

**توصیه ی حضرت به مردم برای ستایش و شکرگزاری از خداوند.**

به شما توصیه می‌کنم که خداپرست باشید و او را برای نعمت هایی فراوانی که ارزانی داشته شکر گزارید. او شما را انتخاب کرد و با رحمت با شما رفتار نمود. شما همواره گناهان آشکارا مرتکب می‌شوید اما او آنها را پنهان نگاه داشته است. او همواره به شما برای تو به فرصت داده است.

(خطبه ۱۸۷)

## یکتایی و یگانگی خداوند

مهمترین وظیفه در دین، شهادت دادن به یکتایی خداوند است. کمال شناخت او، شهادت است. کمال شهادت به او، ایمان به یکتایی اوست. کمال ایمان به یگانگی او، یگانه دانستن اوست. کمال باور به او، خالص دانستن او از هر صفتی است؛ و خالص دانستن او از هر صفتی، انکار او از متعلقات است. زیرا هر موجودی که به او صفاتی نسبت داده می‌شود، از خود صفات مجزاست.

بنابراین هرکسی که تلاش به توصیف خداوند نماید، همانند او را می‌خواهد خلق بکند و هرکس مانند او را خلق کند، او را دارای شریک کرده و هرکس او را دارای شریک بداند، او را نشناخته است. و هرکس او را نشناسد، او را دارای خطا می‌داند و هرکس او را دارای خطا بداند، محدودیت‌هایی را برای او برشمرده است. در واقع، انحصار و منحصر بودن او را انکار کرده است.

هر که گوید که خدا در چیست، خدا را درون چیزی قرار داده و هر که گوید که خدا بر روی چیزی جای دارد، دیگر جای‌ها را از وجود او تهی کرده است. خداوند همواره بوده است و از عیب حدوث، منزّه است. موجود است، نه آنسان که از عدم به وجود آمده باشد، با هر چیزی هست، ولی نه به گونه‌ای که همنشین و نزدیک او باشد، غیر از هر چیزی است، ولی نه بدان سان که از او دور باشد. کننده کارهاست ولی نه با حرکات و ابزارها. به آفریدگان خود بینا بود، حتی آن زمان، که هنوز جامه هستی بر تن نداشتند. تنها و یکتاست زیرا هرگز او را یار و همدمی نبوده که فقدانش موجب تشویش گردد.

(خطبه ۱)

من شاهد و گواه هستم که هیچ خدایی جز خداوند یگانه نیست. او همتایی ندارد. این گواهی است که با صراحت آزموده شده و جوهر اعتقاد ماست. ما تا زمانی که زنده هستیم به آن چنگ می‌زنیم، آن را ذخیره می‌کنیم، در مقابل مصیبت‌هایی که بر ما وارد می‌شود می‌ایستیم که این تایید اعتقاد و اولین قدم به سمت اقدامات خوب و لذات الهی است. این وسیله‌ای برای دور نگاه داشتن شیطان است.

(خطبه ۲)

کسی که او را با حالات مختلف اختصاص دهد، به یگانگی وی ایمان ندارد، یا کسی که او را به هریک از آفریده‌هایش تشبیه بکند، واقعیت خود او را درک نکرده است. کسی که او را در تصورات خود به تصویر می‌کشد، کسی غیر از او را دیده است. او کار می‌کند اما نه با کمک ابزار. او اقدامات لازم را انجام می‌دهد اما نه با نیاز به مشورت. او ثروتمند است اما نه از طریق کسب ثروت.

(خطبه ۱۸۵)

او واحد و یکتا است. او ابدی است بدون هیچ حدی. او وجود دارد بدون هیچ پشتیبانی. او بزرگ است اما نه از نظر بعد فیزیکی. او در مقام بزرگی و دارای اقتدار عالی است.

(خطبه ۱۸۴)

## صفات الهی

من باور دارم که او یک اصل است. من از او راهنمایی می‌جویم زیرا او نزدیک است به من و او راهنما است. من به دنبال کمک او هستم زیرا که او تواناست و همه مشکلات در برابر او تسلیم می‌شود. من به وابسته هستم زیرا که او هم درد و هم درمان است.

(خطبه ۸۲)

ستایش مخصوص خداوند است، زیرا شرط او مقدم است بر هر شرطی، به گونه ای که او اولین و آخرین او قلمداد می شود و قبل از پنهان شدن آشکارا تلقی می شود. هرکه دارای افتخار است در برابر خدا فروتن است و هرکه قدرتمند محسوب میشود در برابر خدا ضعیف است. در حقیقت هر ملکی متعلق به اوست.

هرکسی جز خداوند که دانشی دارد، دانش را از او آموخته است. هرکسی ممکن است مهارت های آموخته اش را از دست بدهد. هیچ کس جز او قادر به شنیدن صداهای دور و ضعیف نیست درحالیکه صداهای بلند ممکن است او را ناشنوا کند. هر بیننده ای جز او نسبت به اشیای ریز کور است. هر آنچه او آشکار ساخت در مقایسه با او ناچیز است و هر آنچه توسط او پنهان شده باشد را نمی توان آشکار نمود.

آنچه را آفریده نه برای استحکام قدرت خود و نه برای ترس از عواقب نبودن آن در گذر زمان بوده است، و نه ترس از برخی همسالان و رقیبان بوده است. همه موجودات توسط او تغذیه می شوند و فروتن اند. او اندرون هیچ جسمی جای نمی گیرد. آفرینش او را خسته نکرد و هیچ عملی او را ناتوان نمی سازد. هیچ گاه بدگویی به عزم او نیامده است. حکم او حتم است، خرد او کامل است و حکومت او قاطعانه است. او در مواقع پریشانی جستجو می شود و حتی به هنگام شادی و نعمت نیز باید خدا را یاد نمود.

(خطبه ۶۴)

ستایش مخصوص خداوند است که از همه چیز بالاتر است و از راه فضل خود به خلق نزدیک است. او بهترین پاداش ها و مطمئن ترین مامن از همه ی مصیبت ها و سختی ها است. من او را برای سخاوت دلسوزانه اش می ستایم.

(خطبه ۸۲)

ستایش مخصوص خداوند است که سخاوتمند است و بخشش اش او را فقیر نمی کند. هرکسی که چیزی را ببخشد آن را از دست می دهد به جز او. او همواره نیکوکار است و

به سرتاسر آفرینش هدایایی می بخشد. او هر آنچه برای امرا معاش مخلوقات نیاز است را تامین کرده است و می کند. او راه رسیدن به موفقیت را برای کسانی که روی به سوی او می آورند باز می کند. او سخاوتمندانه نیازها را پاسخ میدهد و حتی در صورت عدم درخواست، پاداش ها را به مخلوقات می بخشد.

او قبل از هر چیز وجود داشته است و در انتها بعد از هر چیز است به گونه ای که هیچ چیز غیر از او باقی نخواهد ماند. او قابل دیده شدن و فهمیده شدن توسط انسان ها نیست. گذر زمان در او اثری ندارد و او نیازمند به مکان مشخصی نیست ک نیاز به حرکت داشته باشد.

او آنقدر قدرتمند است که هنگامی که تخیل پیکان های خود را بسوی فهمیدن او می پراند، و هنگامی که ذهن در تلاش برای فهمیدن عمق و جوی اوست، و هنگامی که قلب تلاش برای فهمیدن او دارد، همه ی آنها به عقب رانده می شوند. آنها با این علم باز خواهند گشت که ذات وجود او را نمی توان درک نمود.

#### (خطبه ۹۰)

او خالق است، بدون هیچ زحمت و فعالیتی. او شنونده است بدون استفاده از هیچ اندام جسمی. او بیننده است اما نه با بالا بردن پلک، بلکه او همواره شاهد است، اما بدون همجواری جسمی. او متمایز است، اما نه از طریق هیچ اندازه گیری. او آشکار است اما نه از طریق جسم و تجسم. او پنهان است اما نه به معنای فیزیکی.

او از مخلوقات متمایز است، زیرا او بر آنها غلبه دارد و بر آنها مسلط است. درحالیکه مخلوقات به دلیل اطاعت از او و از این رو که به سوی او بازخواهند گشت از او متمایز هستند.

خواند صحبت میکند اما نه از طریق گفتار و بدون نیاز به زبان. او می شنود بدون نیاز به گوش. او به یاد می آورد بدون هیچ حفظ کردن و به خاطر سپردنی. او همه چیز را تعیین

می‌کند بدون نیاز به اندوخته‌ی ذهنی. او عاشق است بدون اینکه دچار احساسات بشود. او دارای غضب است اما بدون اینکه درد ایجاد کند.

(خطبه ۱۸۵)

### در مورد قدرت، عظمت، تعالی، و معرفت خداوند:

ستایش مخصوص خداوند است که به درون تمام امور پنهان نفوذ می‌کند و تمام امور هویدا بسوی اوست. او را نمیتوان با چشم انسانی دید، نمی‌توان او را انکار کرد، ذهن که وجود او را اثبات می‌کند نمی‌تواند او را درک کند. درجه‌ی او عالی‌ترین درجه ممکن است، او به قدری نزدیک است که هیچ کس نمی‌تواند نزدیک‌تر از خودش باشد. تعالی و مرتبه‌ی بلند او، او را از هیچ یک از مخلوقاتش دور نمی‌کند. خداوند ذهن انسان را از ذات خود آگاه نکرده است و این توانایی را به او نداده است. با این وجود، او انسان را از دریافت آگاهی محروم نکرده است. بنابراین، تمام مخلوقات علائم وجود او را تایید می‌کنند تا زمانی که ذهن‌های انکارکننده نیز به او ایمان می‌آورند. خداوند فراتر از آنچه توصیف شده توسط کسانی که او را با چیزها مقایسه می‌کنند، یا کسانی که او را نفی می‌کنند توصیف می‌شود.

(خطبه ۴۷)

همه چیز به پیشگاه او تسلیم است و همه چیز به خاطر او وجود دارد. او ثروت فقرا، افتخار فرومایه گان، انرژی افراد ضعیف و پناهگاه مظلومان است. او سخن همه موجودات را می‌شنود و هرکه سخن نگوید، او تمام اسرار آنها را می‌داند. معیشت همه به او بستگی دارد و بازگشت همه به سوی اوست.

خداوندا، چشم‌ها شما را ندیده است، اما شما قبل از اوصاف وجود داری. تمام مخلوقات آفرینش را به دلیل تنهایی خلق نکرده‌ای و نه منفعتی برای وجودت دارند. هیچ کس نمیتواند از تو بگریزد. اگر کسی از شما سرپیچی نماید، اقتدار و بزرگی خود

را از او دریغ نمیداری و هرکه از تو پیروی کند منفعتی برای تان ندارد. کسی که از داوری شما مخالف است نمی تواند بدون خواست تو تغییر کند و کسی که از فرمان شما دور است، بدون تو نمی تواند آن را انجام دهد. تمام رازها برای خداند آشکار است و هر آنچه برای دیگران ناشناخته است برای شما شناخته شده است.

(خطبه ۱۰۸)

اگر خداوند تمام آنچه را که در معادن زیر زمین وجود دارد، گنجینه های کوه ها، طلا، نقره، مروارید، و مرجان را از اقیانوس ها بگیرد، هیچ تاثیری بر بزرگی خداوند نخواهد داشت و نه چیزی از دارایی های او کاسته نمی شود. او چنین فضل ها و گنجینه هایی دارد که با تامین خواسته های موجودات کاهش نمی یابد. او چنین موجود سخاوتمندی است. هرگز از فضایل او کم نمیشود و نیز درخواست های مکرر از طرف جستجوگران، او را ناامید نمیکند.

(خطبه ۹۰)

این جهان و جهان بعدی همه تسلیم امر اوست. درختان هر صبح و عصر او را عبادت می کنند که این امر برای انسان ناشناخته است و میوه های رسیده به خواست او تولید می شوند و به بار می آیند.

(خطبه ۱۳۲)

ستایش مخصوص خداوندی است که اقتدار، جلال، شکوه و عظمت خود را به عالمیان نشان داده است و با شگفتی های آفرینش چشم ها را خیره می کند. اذهان از درک واقعیت صفات او بسیار دور هستند. من شاهد هستم و یقین، اخلاص و اعتقاد راسخ دارم که خدایی جز خداوند یکتا وجود ندارد.

(خطبه ۱۹۷)

خداوند اجزای جدا از هم را پیوند می‌دهد و اجزایی که به هم پیوسته هستند را از یکدیگر جدا می‌کند. او هیچ محدودیت زمانی و مکانی ندارد. او بسیار فراتر از چشم بینندگان است.

(خطبه ۱۸۵)

حضور و یا عدم حرکت در او رخ نمی‌دهد. این امر اما چگونه ممکن است؟ اوست که موجب حرکت است چگونه می‌تواند در معرض چیزی باشد که خود آفریده است؟ و چگونه می‌تواند چیزی در او ظاهر شود حال آنکه خود خالق بوده است؟ اگر این امر درست بود، او تحت تنوع قرار می‌گرفت، هستی او قابل تقسیم به بخش‌هایی می‌شد و از واقعیت جلوگیری می‌شد تا ابدی بشود. اگر ابتدایی داشت، باید دارای نقطه پایانی نیز می‌بود. او بسیار بالاتر از اموری است که تحت تاثیر چیزی قرار بگیرد.

(خطبه ۱۸۵)

خداوند از ندای جانوران موجود در جنگل‌ها، گنا‌هانی که مردم در خلوت می‌کنند آگاه است. او از هر حرکتی در اعماق اقیانوس‌ها و نیز از بالا آمدن آب اقیانوس‌ها با ورزش باد شدید آگاه است.

(خطبه ۱۹۷)

آیا آنها به عظمت قدرت خداوند و گستردگی سخاوت او اندیشیده‌اند؟ آنها ممکن است به راه درست برگردند (با ایمان آوردن به خداوندی خدا) و ممکن است از عذاب الهی بترسند (بخاطر انکار خداوند)، اما دریغ که قلب‌ها بخشنده و چشم‌ها بسته است. آیا آنها به مخلوقات ریز و کوچکی که خداوند به آنها جان داد نمی‌نگرند. چگونه خداوند به جثه‌ی آنها نیرو داد تا بتوانند حرکت کنند، به آنها قدرت شنوایی داد، اجزای مختلف بدن آنها را خلق نمود و این موجودات ریز را آفرید؟

(خطبه ۱۸۴)

خداوند مخلوقات را بدون داشتن هیچ گونه مثال و نمونه ای و بدون نیاز به هیچ گونه کمکی خلق نمود. خداوند زمین را خلق کرد و آن را در میان سایر ستارگان بصورت معلق و بدون نیاز به نیرویی نگه داشت، آن را در جای معینی بدون هیچ کمکی حفظ نمود، آن را بدون هیچ ستونی بلند نمود، و از آن در برابر آفات محافظت نمود. کوه ها را بر روی زمین هم چون میخ درآورد، سنگ ها را محکم ساخت، نهرها را جاری ساخت و دره های فراخی آفرید. هرآنچه او آفریده است بدون عیب و نقص است.

هنگامی که اراده به خلق هر گونه ای نماید، به آن چیز می گوید باش و آن می شود، اما این امر از طریق صدایی ناهنجار و گوش خراش رخ نمی دهد. عمل خلقت از طریق کلمات او انجام می پذیرد، می گوید "باش" و می شود.

(خطبه ۱۸۵)

ستایش مخصوص خداوند است کسی که دیده نمی شود و بدون نیاز به تجربه قبلی، می آفریند بدون هیچ مشکلی. سلطنت مخصوص اوست، قدردانی برای توان اوست.

او بوسیله سخاوت و بزرگی خود، عظمت خویش را نشان میدهد. او است کسی که مخلوقات خود را آفرید تا زمین را از مخلوقات مملو نماید و پیامبران خود را فرستاد بسوی مردم تا به ناتوانی های خود پی ببرند. پیامبران او نسبت به مشکلات هشدار می دهند، تا مثال های خوبی فراهم آورند، تا راهنمایی فراهم آورند.

پیامبران برای بیان قوانین و آنچه منع است فرستاده شده اند. هشدار برای پاداش و مجازات (بهشت و جهنم) خداوند برای اطاعت و عدم اطاعت. من او را می پرستم، زیرا او مخلوقات خود را دوست دارد که او را پرستند. او برای هر چیز میزانی قرار داده است. برای هر اندازه، محدودیت زمانی قرار داده است، و برای هر محدودیت زمانی یک مستنداتی قرار داده است.

(خطبه ۱۸۲)

## در مورد دانش خداوند:

تمام امور زیر سلطه خداوند است و چیزی از احاطه او خارج نیست. ما به او باور داریم، همانند آنکه او را دیده باشیم (با چشمان بصیرت) پاداش و وعده آخرت تضمین شده است؛ ایمانی که خلوص آن هر شریکی را از او دور می‌سازد، و ایمانی که هر شک و شبهه‌ای را از بین می‌برد.

(خطبه ۱۱۳)

او دانش خود را از کسی نیاموخته است و او همه امور را بدون توجه با بازتاب آن یا تامل و نیاز آن برآورده می‌سازد.

(خطبه ۲۱۲)

هیچ امری او را مشغول نمی‌سازد. گذر زمان هیچ تاثیری روی او ندارد. او محدود به هیچ مکانی نیست و زبان‌ها قاصر از توصیف او هستند. تعداد قطرات آب اقیانوس‌ها، تعداد ستارگان آسمان، و یا حتی میزان بادها همگی بر او آشکار است. حرکت مورچه‌ها و یا حرکت حشرات در شب تاریک بر او آشکار است. او مطلع از مکان تک‌تک برگ‌هایی است که بر روی زمین می‌افتند. او آگاه به حرکت مخفی چشم‌هاست.

(خطبه ۱۷۷)

بنابراین، خداوند از آنچه در رحم است با خبر است، دختر است یا پسر، زشت است یا زیبا، سخاوتمند است یا نه، بدخلق است یا باتقوا، و کسی که به بهشت می‌رود و همنشین پیامبران می‌شود و یا به جهنم می‌رود. رمز عالم بر کسی هویدا نیست، تنها خدا آگاه است، مگر علمی که خداوند به حضرت محمد (ص) ارسال نمود.

توجه: امام علی فرموده است که علم پیامبر به ایشان نیز منتقل شده است.

(خطبه ۱۲)

خداوند، با شکوه و جلال، هیچ چیزی از او پنهان نیست، آنچه انسان ها شب و روز انجام می دهند. او از همه جزئیات آگاه است و آگاهی او شامل همه امور می شود. اندام شما شاهد است و ارتشی تشکیل می دهند بر ضد خود شما، درون شما در خدمت اوست (شاهد کارهای بد شماست)، و حتی هنگامی که تنها هستید، او با شماست.

(خطبه ۱۹۸)

**نه کسی فرزند اوست و نه او پدر کسی است.**

او دارای فرمی نیست و بنابراین امکان تغییری وجود ندارد. او هیچ گاه تولید نشد و به دنیا نیامد. اگر اینگونه بود، او دارای محدودیت می شد. او بسیار متعالی تر از آن است که دارای فرزندی باشد. او بسیار عالی تر از آن است که دارای شریکی باشد. احساسات، تصورات و وهم و گمان انسان نمی تواند به او برسد. نمی توان عدی به نسبت داد. او والاتر از تصورات و فهم است. او از مکانی به مکان دیگر نقل مکان نمی کند. گذر شب و روزها موجب پیر شدن او نمی شوند. تاریکی و روشنایی بر او اثری ندارند.

(خطبه ۱۸۵)

خداوند پایانی بر این جهان می آورد و رستاخیز را همانگونه که می خواهد، می آورد: او پایانی بر جهان می آورد، چون او همواره وجود دارد و بنابراین هر چیزی غیر از او نیست.

پایان جهان پس از خلقت، پدیده ی عجیبی بیش از آفرینش او برای او نیست. رستاخیز چگونه خواهد بود؟

حتی تمام مخلوقات او، همراه با انسان، با به کار بردن تمام خرد خود، نمی توانند حشره ای را پدید بیاورند. آنها مبهم و آزار دهنده خواهند بود. تمام نیروها و برنامه های آنها از بین می رود و خسته و ناامید می شوند، به شکست های خود آگاه می شوند، ناتوانی

خود را می‌پذیرند و به ضعف خود آگاه می‌شوند که حتی نمی‌توانند حشره‌ای را بر خلاف میل خدا از بین ببرند.

قطعا، پس از پایان جهان، خداوند با جلال به تنهایی باقی خواهد ماند. او پس از انهدام دنیا همچنان باقی خواهد ماند، همانگونه که قبل از همه چیز او وجود داشت. در آن هنگام، زمان، مکان و گذر زمان در حیات متوقف می‌شوند. قطعا هیچ چیز جز خداوند ماندگار نیست، یگانه و نیرومند. همه چیز به او بازمی‌گردد. خلقت دارای هیچ قدرتی نبود، و نیستی او نیز به قدرت خویش نیست. اگر موجودی دارای قدرت بود تا از نابودی خود جلوگیری کند، آنگاه می‌توانست به بودن خود تا بی‌نهایت ادامه دهد.

هنگامی که خداوند خلقتی انجام دهد، آن موجود او را به خود مشغول نمی‌سازد و مشکلی برای او پیش نمی‌آورد، و عمل خلقت او را خسته نمی‌کند. او برای افزایش قدرت خود چیزی را خلق ننمود، و نه به خاطر ترس از چیزی، و نه برای کمک گرفتن در مقابل دشمنی، و نه برای مقابله با دشمنی، و نه برای افزایش وسعت خود، و نه به دلیل احساس تنهایی.

او به همه مخلوقات پایان می‌دهد، نه به دلیل نگرانی از چیزی که به او سلطه گیرد و نه برای هیچ تغییر دیگری. مدت زمان موجودیت زمین او را خسته نمی‌کند. اگرچه، خداوند با جلال، آن را مهربانی خود پرورش داده است، آن را با فرمان خود دست نخورده نگاه داشته است، و آن را با قدرت خود کامل نموده است. و پس از ویرانی آن، او را احیا می‌کند، نه چون به آن نیاز دارد، و نه برای بدست آوردن هیچ نیرو و نه افتخاری.

(خطبه ۱۸۵)

## رحمت، بخشش و فضل خدا:

ستایش مخصوص خداست که کسی از رحمت او مایوس نشود، کسی از فضل او از کسی محروم نمی شود، بخشش او شامل همه می شود و برای او کسی بر دیگری برتری ندارد. فضل و رحمت او هرگز متوقف نمی شود.

(خطبه ۴۵)

آگاه باش که او تو را برای هدفی خلق نموده است و تو را کاملاً رها نکرده است. او از میزان نعمت هایشبه تو آگاه است. او را ستایش کن و به سخاوت او استناد کن. هیچ پرده ای میان او و تو نیست و نه دری میان تو و او بسته نیست. او در هر مکان و هر زمان حاضر است، او همیشه با انسان هست و ارزانی نعمت چیزی از او نمی کاهد.

(خطبه ۱۹۴)

## در مورد جاودانگی خداوند:

هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست، او یکی است و شریکی ندارد به گونه ای که چیزی پیش از او وجود نداشت. او آخرین است به گونه ای که چیزی پس از او وجود نخواهد داشت. نمی توان او را به چند جز تقسیم نمود. قلب ها از درک او عاجز اند و چشم ها نمی توانند او را ببینند.

(خطبه ۸۴)

ستایش مخصوص خداوند است، کسی که بوده و خواهد بود و همه چیز، آسمان، زمین، و انسان همگی تحت سلطنت او هستند. او در تخیل نمی گنجد و قابل درک نیست. کسی که از او چیزی بخواهد، او را از توجه به دیگران باز نمی دارد. و نه بخشش او، از فضل او می کاهد. او را نمی توان با چشم سر دید و نه به مکان وابسته است. او دارای

فرزند نیست و نیازی به کمک برای خلقت ندارد. او را نمی‌توان با حواس درک کرد و فراتر از تصور انسان است.

(خطبه ۱۸۱)

وجود او مقدم بر هر چیزی است و او پیش از هر چیزی وجود داشت. این نشانه‌ی والای اوست. خلقت اندام‌های حساس نشانه‌ی قدرت او در آفرینش است و آفرینش چنین اندام‌های حساسی نشانه‌ی آن است که او همانندی ندارد و چیزی همانند او در آفرینش وجود ندارد. او خالق تمام امور متضاد است؛ نور در مقابل تاریکی، روشنایی مقابل غم و اندوه، خشکی مقابل رطوبت، و گرما برعکس سرما.

نمی‌توان گفت که او پس از عدم وجود، بوجود آمد؛ زیرا در این صورت ویژگی‌های موجودات به او باز می‌گردد. هیچ تمایزی بین او و آفرینش او وجود ندارد و بنابراین خالق و مخلوق برابر می‌شوند و درد یک مقطع زمانی قرار می‌گیرند (که اینگونه نیست).

(خطبه ۱۸۵)

### برکات خداوند

مقدمه: حس بویایی هدیه‌ای از طرف خداوند است. بدن ما دارای توانایی‌های بینایی، گفتار، گردش خون و غیره است که همگی هدایایی از طرف خداوند هستند. عقل، دانش، قدرت استدلال، و ایمان ما موهبت هستند. پدر و مادر، فرزندان، خویشاوندان، و دوستان هدایایی از او به ما هستند. خورشید، ماه، طبیعت و تمام سیاره‌های کوچک و بزرگ متعلق به او هستند و بسیاری دیگر فراتر از دانش ما وجود دارند که همگی نعمت‌های خداوند برای بشر است. ما توانایی درک او را نداریم و نمی‌توانیم از او برای نعماتش تشکر کنیم. در ادامه دیدگاه حضرت در مورد جست و جوی نعمت‌های خداوند است، در حالیکه در همان حال، به سرنوشت خود نگاه نمی‌کنیم.

### یادآوری نعمت های خداوند به مردم:

خداوند گوش را ساخته تا آنچه مهم است را دریابیم و چشم داده تا حقیقت را ببینیم و کور نماییم.

(خطبه ۸۰)

او به شما روزی داده ، شما را با دانش خود محاصره کرده است ، پاداش وعده داده شده و به شما پاداش و هدیه داده است.

(خطبه ۸۲)

### خداوند خالق و تامین کننده است:

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که شناخته شده ولی دیده نمی شود. بدون نیاز به تأمل می آفریند و کیست که همیشه وجود دارد. او بود زمانی که نه آسمان و بهشتی بود، نه شبی تاریک، نه اقیانوسی آرام، نه کوهی با گذرگاههای وسیع، نه زمینی با دشت ها و دشت ها و نه هیچ موجودی. او پدیدآورنده همه آفرینش، ارباب، مالک و تأمین کننده آن است. خورشید و ماه مطابق میل او (قوانین او) حرکت می کنند.

روزی را تقسیم می کند، اعداد و شمار اعمال و نفس ها را هم می داند. او از نگاه های یواشکی و آنچه در سینه ها پنهان است آگاه است. او محل اقامت (رعیت خود) را در صلب (پدران) و رحم (مادران) و زمانی که به پایان زندگی می رسد (آرامگاه روح) می داند.

(خطبه ۸۹)

نعمت های خود را به اشتراک بگذارید و برای دانش بیشتر دعا کنید (توصیه به پسر خود):

اگر در اطراف خود افراد فقیر، نیازمند و بی بضاعتی را می شناسید و مایلید که از دارایی خود با آنها قسمت کنید، بدانید که این خصلت یک نعمت است. ثروت خود را با آنها تقسیم کرده و بخشش کنید. به دیگران در حد توانایی خود کمک کنید ، و با همنوعان مهربان و دلسوز باشید. به این وسیله، خود را از مسئولیت سنگین بازپرسی در زور قیامت و نحوه استفاده شما از نعمت ها رهایی بخشید.

بدین ترتیب، شما در پایان سفر (زندگی پس از مرگ) سبک و تازه می باشید، و در آنجا برای شما ذخیره کافی در نظر گرفته شده و برای انجام وظیفه خود در قبال خدا و بشریت در زندگی دنیوی خود پاداش داده می شوید. به وسیله ی دعا کردن، به خداوند نزدیک شوید و هر زمان نیازمند گنجینه های او شدید، دعا کنید و از او عطای برکاتش را خواهان باشید.

(نامه ۳۱)

به راستی، آن (مرگ) به عنوان مهمترین حالت به شما خواهد آمد بزرگترین واقعه زندگی شما ممکن است نعمت و پاداش برای آن داشته باشد و یا ممکن است مجازات ها و رنج هایی را به دنبال داشته باشد. این است برای اینکه شما تصمیم بگیرید که آیا به سمت صلح دائمی پیش بروید و برکت ، بهشت ، یا به سوی لعنت ابدی ، یعنی جهنم.

(نامه ۲۷)

دعای خیر:

حمد خدایی را که انعامش پایان نپذیرد و کس سپاس فضل و کرمش نتواند.

(خطبه ۴۸)

به آنها (بندگان خدا) فرصت داده می شود تا رهایی پیدا کنند، راه درست را نشان داد و مجاز به زندگی (روی زمین) و جستجوی (او) است، یه آنها که لطف می کند تاریکی تردیدها از آنها دور شده است و آنها در این دوره از زندگی به عنوان یک مکان آموزشی برای ساخت آزاد هستند. آماده شدن برای روز قیامت ، برای جستجوی هدف با اندیشیدن، برای تأمین منافع و تأمین محل اقامت (ابد) (دنیای بعدی)

(خطبه ۸۲)

ستایش خداوندی است که بازگشت همه موجودات خلق شده به سوی او است، پایان همه امور ما او را به خاطر عظمت او ستایش می کنیم.

سخاوت، خیرات برهان های او، افزایش نعمت های او و به لطف ، ستایش ممکن است حقوق او را برآورده کند، با سپاس بازپرداخت کنید، (ما) در نزدیکی پاداش های او (در آخرت)، و این بر پاداش مهربانی او افزوده می شود.

(خطبه ۱۸۱)

## خلقت آسمان، زمین و آفرینش آدم

مقدمه: از هیچ چیز، حیوانات ، گیاهان، حیوانات، حشرات، خدا آفرینش خود را از آن بیرون آورده است.

میکروب ها، عناصر طبیعت، همه برای ما ایجاد شده اند.

خداوند در کتاب مقدس می فرماید که خورشید ، ماه و گاوها برای ما، و او به ما دستور می دهد در مقابل او را تسبیح و ستایش کنیم. حضرت علی (ع) در اینجا برخی از آفرینش ها را برشمرده، آنها را از نظر خودش بررسی می کند. چشم انداز، ابراز شگفتی و ستایش می فرستد و سپاسگزاری از خدا با کلمات زیبا می نماید.

خداوند با قدرت مطلق خود خلقت را پدید آورد ، پراکنده شد از طریق شفقت او می پیچد و زمین را با لرزه کوه ها در می آورد.

(خطبه ۱)

## آفرینش جهان:

او آفرینش را از ابتدا آغاز کرد ، بدون نیاز به انجام تغییر ، بدون استفاده از هیچ آزمایش و بدون نیاز به هر حرکتی انجام داد. او به همه چیزهای خلقت محدودیت زمانی آنها اختصاص داد، به آنها انواع ، ویژگی ها و خصوصیات آنها را اعطا کرد. او قبل از اینکه آفرینش را به وجود بیاورد ، دانش کاملی داشت. وجود ، محدودیت ها ، محدوده ها ، تمایلات و پیچیدگی های آنها را به خوبی می دانست.

وقتی خداوند متعال روزنه هایی را در جو ، وسعت زمین و لایه های بادهای ایجاد کرد ، او آب را به درون آن ، موج هایش طوفانی است و موج هایش یکی بیش از دیگری می جهد. او آن را روی بادهای تند و طوفان های قدرتمند باراند ، به آنها دستور داد آن را پس بزنند (به عنوان باران) ، وزش باد را کنترل کرد نیروی باران ، و محدودیت های آن را تعیین کرد. باد وزید زیر آن در حالی که آب بیش از حد به آن بدهکار بود. خدای متعال باد را آفرید ، مکان آن را تعیین کرد ، حرکت آن را شدت بخشید و آن را به همه جا فرستاد سپس ، به او دستور داد تا باد را از هوا بلند کند.

آبها و تشدید امواج اقیانوس ها. بنابراین ، باد آنرا مانند خلال کشک ، تا زمانی که سطح آن بالا رفت و سطح با کف پوشانده شد. سپس حق تعالی کف را بلند کرد تا باد و وسعت وسیع ، و هفت آسمان را ساخت. او آسمان سفلی را یک جهش ثابت و آسمان بالایی را قرار داد. سقف محافظ بدون ستون برای حمایت از آن یا میخ برای نگه داشتن آن با یکدیگر. سپس ، او پایین ترین آسمان را با ستارگان و درخشان و شهاب سنگ تزئین کرد،

و سپس او خورشید درخشان و لرزش را به حالت تعلیق درآورد. ماه، آسمان های گردان را ایجاد می کند و می چرخاند.

(خطبه ۱)

### عظمت خدا؛ آفرینش جهان:

عظمت و قدرت منحصر به فرد برای خدا و نوآوری اوست. زمینی خشک را از آب اقیانوس بی سر و صدا و پرتحرک ساخته است.

سپس آن را به صورت لایه ها درآورد و آنها را به هفت آسمان جدا کرد. سپس آنها به دستور او ثابت شدند (موقعیت خود را تغییر دادند). آنها مطیع او بودند و با ترس از او تسلیم شدند.

وی همچنین سنگها، تپه ها و کوه های بلند را ایجاد کرد. آنها را گذاشت و ثابت کرد. آنها را در موقعیت های مربوطه به خود قرار داده و آنها از زمین بلند شدند در حالیکه ریشه های آنها عمیق بود. او کوه ها را بالاتر از دشت ها برافراشت و آنها را برافراشت. قله های آنها را بلند و بدن های شان را بلند کرد. او آنها را مانند گیره در اعماق زمین ساخته است. در نتیجه، زمین پایدار شد. در غیر این صورت، سطح آن تسلیم می شود، با ساکنانش غرق می شود، یا حرکت می کند و تکان می خورد.

از این رو ستایش شده است که زمین را پایدار ساخته، زمین را مهار کرده است. به این ترتیب، او زمین را به یک گهواره گسترش می دهد و آن را برای مخلوقاتش به شکل دشت های بیش از اعماق اقیانوس گستراند. او آن را ثابت کرد، بنابراین ممکن است حرکت نکند. او با بادهای شدیدی آب را به حرکت درآورد و ابرها را برای کشیدن واداشت. "در این درسی برای کسی که از (خدا) می ترسد وجود دارد"

(قرآن ۷۹:۲۶) (خطبه ۲۱۰)

## اطلاعات بیشتر در مورد خلقت جهان:

در خلقت، بزرگ، ظریف، سنگین، سبک، قوی و ضعیف‌ها همه به یک اندازه مهم هستند. به طور مشابه، آسمان، هوا، بادها، و آب به همان اندازه مهم است. بنابراین، به خورشید، نگاه کنید. ماه، پوشش گیاهی، گیاهان، شب و روز. رعایت کنید. چشمه های جویبارها، کوه های عظیم، قله های بلند آنها، تنوع در طبیعت و تنوع زبانها. پس، وای به حال کسی که به خالق کافر نمی شود. او که معتقد است وجود دارد فلد می کند اما کشت کننده وجود ندارد و سازنده اشکال متنوع وجود ندارد. در خلقت، استدلال منطقی برای آنچه معتقد است ندارد. آیا می توان یک ساختمان را بدون سازنده ساخت؟

(خطبه ۱۸۴)

## درباره خلقت

خداوند خالقیت را بدون هیچ مثال قبلی پدید آورد. او به ما نشان داد قلمرو قدرت او و شگفتی هایی را نشان می دهد که از او صحبت می کنند. عقل اثبات قدرت خلاقیت و خرد او است. چیزهای شگفت انگیزی که می بینیم آفرینش او یک استدلال به نفع او است، و ما را به سمت او راهنمایی می کند. حتی یک خلقت بی جان ما را راهنمایی می کند نسبت به او، گویی که در سکوت خود "صحبت" می کند.

(خدایا)، من شاهد هستم که کسی که تو را با داشتن اندام تصور می کند یا جسمی هیچ شناختی از شما ندارد و قلب او نیز چنین است. متقاعد نشوید که هیچ شریکی ندارید. کسانی که شما را به بت های آنها هستند و تصور می کنند که شما مانند موجودات لباس می پوشید، آنها در داخل هستند. خطای آشکار من شاهد هستم که هرکس شما را با هر چیزی از خلقت شما مقایسه کند برای شما برابر است و هرکس که این کار را انجام دهد که طبق آیات صریح و ادله روشن کتاب شما (قرآن) کافر است. (من شاهد هستم که)

تو خدا هستی ، چه کسی نمی تواند با حد هوش (انسانی) درک شود و همچنین شما هیچ تغییری در وضعیت یا تغییر وضعیت کشش تخیل ندارید.

(خطبه ۹۰)

### شکوه آفرینش:

حاللق انسان ها زمین را گسترش داد، او نهرهایی را به وجود می آورد و گیاهان را رشد می دهد. بدو وجود او نه آغاز دارد و نه جاودانگی او پایانی دارد. پیشانی ها به او خم می شوند و لب ها یگانگی او را اعلام می کنند. او محدودیت های چیزهایی که در زمان ایجاد آنها بود. او خود را از هر شباهتی (به آفرینش او) خود جدا نگه داشت.

(خطبه ۱۶۲)

از جمله براهین خلقت او خلقت آسمان هاست که بدون ستون معلق هستند و بدون پشتیبانی پایدار هستند. او آنها را نشانه گرفت و آنها با فرمانبرداری و فروتنی با آنها پاسخ دادند. زودهنگام بودن اگر آنها خدایی او را تصدیق نمی کردند و اطاعت نمی کردند. به دستور او ، او آنها را به عنوان مکانی برای انتخاب انتخاب نمی کرد.

تخت او، محل اسکان فرشتگانش و مقصد پاک ها سخنان و اعمال صالح موجوداتش.

او ستارگان آسمان ها را به عنوان تابلوهایی ساخته است که به وسیله آنها مسافران روی زمین هدایت می شوند. تاریکی پرده های تاریک شب نه نور آنها را مسدود می کند و نه حجاب های شب تاریک. قدرت برای جلوگیری از نور ماه هنگام گسترش آن. جلال باد خدایا مناطق کم ارتفاع زمین یا مناطق مرتفع از او پنهان نیستند.

کوه ها، حتی وقتی تاریکی شب تاریک آنها را کفن می کند. رعد و برق ابرها در افق آسمان ها ، یا جرقه های رعد و برق در ابرها ، یا ریزش برگ هایی که از برگ آنها منفجر شده است. مکان هایی که توسط باد شدید یا ریزش آسمان وجود دارد ، از او پنهان

نیستند. او می‌داند که قطرات باران در کجا ریخته و در کجا قرار دارند. او می‌داند که چه معیشتی پشه تحمل می‌کند، و نیز چه در داخل رحم‌ها حمل می‌شود.

(خطبه ۱۸۱)

### درباره کمال در خلقت:

خداوند برای هر آنچه آفریده است محدودیت‌هایی قائل شده و محدودیت‌ها را برای آن ایجاد کرده است، و کارکرد آن را افزایش داده و کار را ظریف ساخته است. او مسیر خود را معین کرده است و از حد خود عبور نمی‌کند. موقعیت و رسیدن به پایان هدف خود کوتاه نیست.

هنگام فرمان چگونه می‌توانست سرپیچی کند، زیرا همه امور توسط او اداره می‌شوند. اراده؟ او خالق انواع اشیا بدون استفاده از تخیل، بدون اصرار انگیزه، بدون (زیر) هیچ آزمایش و بدون نیاز به شریکی که ممکن است به او کمک کرده باشد.

او در خلق چیزهای شگفت‌انگیز کامل است.

بنابراین، آفرینش به دستور او کامل شد؛ در اطاعت او خم شد و به ندای او پاسخ داد. تبدیلی یک حلزون حرکت (حشره) یا بی‌حرکی یک بهانه‌گیر مانع از پاسخ دادن او به صدا زدن. بنابراین، او چیزها را صاف کرد و حدود آنها را محدود کرد. با قدرت خود، انسجام را در جنبه‌های متناقض آنها ایجاد کرد و به کسانی که شبیه هم بودند پیوست. سپس، آنها را به انواع مختلف جدا کرد که در اندازه‌ها، مقادیر، خصوصیات و اشکال متفاوت هستند. او آنها را ساخت و هر طور که خواست به آنها شکل داد.

(خطبه ۹۰)

## شرح آفرینش آدم:

خداوند خاک رس را از انواع سخت، نرم، شیرین و ترش زمین جمع کرد سپس آن را در آب فرو برد تا تصفیه شود و سپس آنرا ورز داد و رطوبت اضافه کرد تا چسبناک شود. از آن، او تصویری با منحنی ها، مفاصل، اندام ها و بخش ها. او آن را محکم کرد تا جایی که خشک شد برای یک مدت مشخص سپس او از روح خود به آن دمید. پس از آن به شکل یک انسان با ذهن حاکم بر او، عقلی که او استفاده می کند و اندام هایی که به او خدمت می کنند موقعیت خود را تغییر دهید. او به او حکمتی بخشید که بین آنها تفاوت ایجاد می کند. حقیقت و دروغ و حس چشایی و بویایی. او مخلوطی از است خاک رس های با رنگ های مختلف، مواد منسجم و خصوصیات متفاوت مانند گرما، سرما، نرمی و سختی.

(خطبه ۹۰)

## آفرینش آدم (ادامه):

به انسانی که خدا در رحم های تاریک آفریده است، پشت لایه ها نگاه کنید. پرده ها (داخل شکم مادر)، از یک اسپرم کوچک.

سپس، آن را به صورت یک لخته بدون شکل، سپس به یک جنین و سپس به صورت یک لخته در آورد. نوزاد شیرخوار، سپس یک کودک، و در نهایت یک مرد. او به او یک قلب، یک زبان برای گفتن و چشم برای دیدن، تا بتواند درس (ازهر آنچه در اطراف او است) و به آن واکنش نشان دهید، و به هشدار توجه کنید و بدین ترتیب از شر پرهیز کنید.

(خطبه ۹۰)

### اطلاعات بیشتر در مورد خلقت انسان:

ای موجودی که منصفانه آفریده شده و پرورش یافته‌ای و در تاریکی رحم از او مراقبت می‌شود! شما با جوهر خاک رس و در یک مکان ساکت و برای مدت مشخص و یک اصطلاح ذخیره می‌شود. شما به عنوان جنین در رحم مادر خود حرکت کردید. نه به تماس پاسخ می‌دهد و نه صدایی می‌شنود. سپس، شما را از محل اقامت خود به مکانی که داشتید بیرون بردند، و شما هیچ شناختی از منتظران ندارید.

شما نمی‌دانستید چه کسی شما را برای دستیابی به تغذیه از پستان مادرتان راهنمایی می‌کند. کسی که قادر به درک نیست پیچیدگی‌های یک موجود فیزیکی قطعاً نمی‌تواند ذات خالق را درک کند.

(خطبه ۱۶۲)

## در مورد آفرینش اولین انسان و مقام پیامبران:

هنگامی که خدا زمین را گسترش داد و دستورات خود را اجرا کرد، او آدم (سلام الله علیه) را به عنوان بهترین آفرینش خود برگزید. او را وادار به اقامت در بهشت کرد و برای رزق و روزی خود ترتیب داد و آنچه را که ممنوع است به او اطلاع داد. او به آدم هشدار داد که نزدیک شدن به حرام، نافرمانی در برابر خدا تلقی می شود، و وضعیت او را به خطر می اندازد. با این حال، آدم نافرمانی کرد، و خدا آن را از قبل می دانست. در نتیجه، خدا او را پس از توبه او به زمین فرو فرستاد، تا زمین را با فرزندان خود (آدم) و برای او آباد کند و به عنوان یک پیامبر در میان مخلوقات خود خدمت کند.

هنگامی که آدم به رحمت خدا پیوست، خداوند بشریت را بدون آن رها نکرد شخص دیگری، که به عنوان اثبات و التماس او برای خداپذیری او خدمت می کند و پیوندی بین بشریت و خداست. او هم به وفور و هم به ندرت امرار معاش کرد. نعمت کم و همچنین فراوان را توزیع کرد. او هر کسی را با رفاه یا فقر آزمایش کرد، تصمیم گرفت تا بداند که چه کسی شکرگزار است و چه کسی صبور است. او تأثیر را با بیچارگی، ایمنی با مصیبت و لذت را با اندوه سنجید.

بعضی طولانی بودند و دیگران کوتاه بودند. او مرگ را برای همه تعیین کرده است.

از ماده موجود، یا از نمونه های موجود خلق نکرده است. او هر آنچه را که قصد داشت خلق کرد و سپس حدود آن را کسب کرد، و هرچه را که شکل داد بهترین شکل را به آن داد. اطاعت از او مقدر شده است؛ با این حال، هیچ فایده ای برای او ندارد. او دانش گذشته، دانش حال، دانش از آنچه در آسمان های بلند است و آنچه (در اعماق زمین) است دارد.

(خطبه ۹۰)

### درباره کسانی که گمراه هستند:

وقتی انسانی به بزرگسالی رسید، قربانی خودپنداری می‌شود و گیج می‌شود. او (انسان) خواسته‌های خود را برآورده می‌کند، در تحقق خواسته‌هایش مشغول می‌شود و به دنبال لذت‌های دنیا است.

او از عواقب اعمال خود نمی‌ترسد. او زندگی در پیگیری‌های بی‌پایان کوتاه خود را می‌گذراند. او هیچ پاداشی برای زندگی پس از مرگ دریافت نمی‌کند و نه او به تعهدات خود عمل می‌کند. در حالی که هنوز در لذت‌ها غوطه‌ور است بیماری مهلکی او را فرا می‌گیرد و دچار حیرت می‌شود. او شب‌ها در بیداری به دلیل اندوه و درد ناشی از بیماری می‌گذراند. بستگان او با رنج و عذاب مرگ، بی‌اختیار او را تماشا می‌کنند و او با بار سنگین می‌میرد.

(خطبه ۸۲)

### درباره خلقت مورچه:

آیا آنها موجودات ریزی را که او آفریده است نمی‌بینند؛ چگونه او سیستم‌های خود را طراحی کرد، به آنها شنوایی، بینایی و توانایی داد؟

به مورچه با بدن کوچک و فرم ظریف آن نگاه کنید. چگونه حرکت می‌کند و در مورد تأمین معاش خود دانه غذا را به سوراخ خود در زمین می‌رساند و آن را در جای خود قرار می‌دهد. در طول زندگی رزق و روزی خود را در تابستان برای استفاده در زمستان جمع می‌کند. خدا امور امرار معاش را برای او مهیا کرده است.

خداوند با او مهربان است، از نیازهای آن چشم‌پوشی نمی‌کند و از رزق و روزی آن را محروم نمی‌گرداند. اگر در مورد آناتومی و فیزیولوژی آن فکر می‌کنید، از چشم سر آن گرفته، شما از ایجاد آن شگفت‌زده خواهید شد و این قدرت خداوند است که او را بر پاهای خود ایستاده است. هیچ کس به او در پیدایش آن کمک نکرد و هیچ کس او را در

خلق آن یاری نکرد. از تصورات شما شناختی در مورد او درک نخواهد کرد، جز این که متوجه خواهید شد که خالق مورچه همان خاستگاه کف خرما است. خدا همه چیز را با جزئیات پیچیده آفریده است، و همه موجودات زنده منشأ مشابهی دارند.

(خطبه ۱۸۴)

### درباره خلقت خفاش:

نمونه ای از خلقت ظریف و شگفت انگیز و حکمت عالی او در خفاش ها دیده می شود. آنها در نور روز پنهان می مانند، اگرچه نور روز همه موارد دیگر را نشان می دهد. آنها در شب فعال هستند، در حالی که موجودات دیگر در شب استراحت می کنند. چشمانشان از نور روز مات شده است. خداوند آنها را به جای مخفی کردن در روز، در مکان های مخفی خود محدود کرده است. در نتیجه، آنها چشمان خود را در روز می بندند، شب را به عنوان چراغ در نظر می گیرند و در جستجوی امرار معاش خود علفه می خورند. تاریکی شب مانع بینایی آنها نمی شود و نیز تاریکی مانع پرواز آنها نیست. آنها رزق و روزی خود را در شب به دست می آورند.

با شکوه او که شب را به عنوان "روز" خفاش ها برای امرار معاش قرار داده و روز را برای استراحت و خواب آنها قرار داده است. او به آنها بال و بدون پر داده است. رگهای بال را کاملاً مشخص می بینید. این دو بال ظریف و در عین حال محکم هستند و درست برای پرواز مناسب هستند. هنگام پرواز، نوزادانشان برای محافظت به آنها آویزان می شوند. کودک هر کجا که می رود نزد والدین می ماند و تا وقتی که برای پرواز به اندازه کافی قوی نشود، آنجا را ترک نمی کند. با شکوه خداوندی است که همه چیز (بی نظیر) را بدون هیچ گونه سابقه ای می آفریند.

(خطبه ۱۵۴)

## درباره خلقت طاووس و پرندگان:

خداوند آفرینش‌های شگفت‌انگیزی را انجام داده است، از جمله افراد زنده، بی‌جان، ثابت و متحرک. وی برای قدرت خلاقیت خوب و توانایی خود چنین ادله روشنی را اثبات کرده است که ذهنها با تمجید از او تسلیم می‌شوند. خلقت او دلیل بر یگانگی اوست. او پرندگان با رنگها و اشکال گوناگون خلق کرده است که در گودالهای زمین، دهانه‌های گردنه‌های بلند و قله‌های کوهها زندگی می‌کنند.

آنها به اذن خدا پرواز می‌کنند. آنها در قسمت فضای باز با بالهای خود بال می‌زنند. خداوند آنها را از عدم به وجود می‌آورد. (او به برخی از آنها) اشکال عجیب و غریب داد، و استخوان‌ها و مفاصل آنها را فرم داد و آنها را با گوشت پوشاند. وی به دلیل سنگین بودن بدن مانع پرواز آسان بعضی از آنها در آسمان شد و به آنها اجازه داد فقط از زمین نزدیک به بال خود استفاده کنند. او آنها را با قدرت و خلاقیت نفیس خود در رنگ‌های مختلف قرار داده است.

شگفت‌آورترین آنها ایجاد طاووس است. خداوند نر آن را به متقارن‌ترین شکل آفرید، رنگ‌های متنوعی به آن داد و آنها را در طراحی جذاب قرار داد. دم آن (به طور غیرمعمول) بلند است. وقتی به ماده نزدیک است، دم تا خورده خود را پهن کرده و آن را بالا می‌برد تا سایه‌ای روی سر خود ایجاد کند، مثل اینکه بادبان قایق باشد. با حرکاتش به دم رنگارنگ خود احساس غرور می‌کند.

من همه اینها را از مشاهده (خودم) به شما می‌گویم. تصور می‌کنید پره‌های آن میله‌هایی از نقره و دایره‌های فوق‌العاده و طرح‌آفتابی روی آن از طلای خالص و زمرد سبز باشد. آنها شبیه یک دسته گل هستند. اگر آنها را به زیورآلات تشبیه کنید، آن‌ها مانند گوهرهایی با رنگ‌های مختلف هستند که نقره‌ای پر شده‌اند.

طاووس با غرور راه می رود ، و دم و بالهای خود را باز می کند ، زیبایی و رنگ های خود را تحسین می کند. روی تاج سر آن دسته ای از پرهای رنگارنگ سبز قرار دارد. گردن آن به شکل جام شروع می شود و کشش تا شکم آن به صورت رنگ موی یمن است ، یا مانند پارچه ابریشمی است که روی آینه صیقلی قرار می گیرد و به نظر می رسد با حجاب سیاه پوشانده شده است. به دلیل درخشش بیش از حد و روشنایی بیش از حد ، به نظر می رسد که یک رنگ سبز شاداب با آن مخلوط شده است.

در امتداد دهانه گوشهای آن ، یک خط از رنگ درخشان گل مروارید مانند انتهای نازک قلم وجود دارد. سفیدی به پس زمینه سیاه می تابد. به سختی رنگی وجود دارد که آن را نداشته باشد ، سطح آن جلا داده شده و ظاهر آن روشن و ابریشمی است. بنابراین مانند شکوفه های پراکنده ای است که توسط باران های بهار یا آفتاب تابستان چاشنی نشده اند. با این حال ، هنگامی که نگاه خود را به پاهای خود بیندازد ، گریه می کند ، و غم و اندوه خود را نشان می دهد ، زیرا پاهای آن مانند پاهای خروس های نژاد متقابل هند و ایرانی نازک است.

همچنین پر و بال خود را می ریزد و لباس خود را می پوشد. همه آنها می ریزند اما دوباره رشد می کنند. آنها مانند ریزش برگ از شاخه ها از بین می روند و سپس رشد می کنند تا زمانی که دوباره به حالتی که قبل از ریزش آنها وجود داشت برگردند. رنگ های جدید با موارد قبلی مطابقت دارد و همه رنگ ها مانند رنگ اصلی بازیابی می شوند. اگر پر آن را به دقت بررسی کنید ، مانند گل رز قرمز به نظر می رسد که با سبز زمرد و سپس زرد طلایی احاطه شده است.

(خطبه ۱۶۴)

## آفرینش ملخ:

خدا به ملخ دو چشم قرمز با دو مردمک ماه مانند داد، به آن گوش‌های ریز داد، دهانش را مد کرد، دو دندان برای برش به آن داد و دو داس مانند ماسه مانند داشت تا با آنها چنگ بزند. کشاورزان از ملخ برای محصولات خود می‌ترسند، زیرا به مزارع (معمولاً به تعداد زیاد) حمله می‌کنند. آنها علیرغم کوچک بودن شان، محصول را از بین می‌برند. کشاورزان معمولاً قادر به راندن آنها نیستند.

(خطبه ۱۸۴)

## بخش دوم:

(راهنمایی برای داشتن یک زندگی

خداشناسانه)

مشاوره حضرت به پسرش برای زندگی موفق،

عدالت، بی عدالتی و ظلم، حقوق دیگران، مهربانی،

حسن نیت و رفتار خوب، تقوی و ویژگی های مؤمن

## مشاوره‌ی حضرت به پسرش

(بخش‌هایی از نامه شماره ۳۱)

مقدمه: گزیده‌های زیر از توصیه‌های عمیق امام علی (ع) به پسرش است. این توصیه بسیاری از جنبه‌های زندگی، رابطه با خدا، روش ذکر با خدا، رفتار با دیگران (تأکید بر خانواده، همسایگان، دوستان، حتی دشمنان) و آماده شدن برای زندگی در آخرت را شامل می‌شود. شخصیت بی‌عیب و نقص حضرت علی، تعالی معنوی، رابطه با خدا، مبارزه برای عدالت و درسهای سخت زندگی او از این توصیه‌ها مشهود است. او هر بیت از آنچه را که تبلیغ می‌کرد، تمرین می‌کرد. این سند قطعاً تأثیر عمیقی بر خواننده خواهد گذاشت.

### اهمیت معرفت خدا:

پسرم، اولین و مهمترین توصیه من به تو این است که خدا آگاه باشید. بنده مطیع او باشید. فکر او را همیشه در ذهن خود تازه نگه دارید. به مبانی اسلام (تسلیم در برابر خدا) که شما را با خدا مرتبط می‌کند، پیوسته و محتاط باشید. آیا ارتباط دیگری می‌تواند مستحکم‌تر، با دوام‌تر و پایدارتر از این باشد تا بتوانید احترام و ملاحظه بیشتری از جانب خدا را صادر کنید؟

پندها و نصایح خوب را بپذیرید و ذهن خود را با آنها تازه کنید. تقوا را بپذیرید و با کمک آن بر خواسته‌های بیش از حد خود غلبه کنید. شخصیت خود را با کمک ایمان واقعی با دین و خدا بسازید.

از آنجا که شما یک جوان نجیب، فاضل و با تقوا هستید، اطمینان دارم که هدایت الهی و شادمانی را دریافت خواهید کرد. من اعتقاد راسخ دارم که خدا به شما کمک می‌کند تا به اهداف خود در زندگی برسید. من از شما می‌خواهم که به خود قول دهید که به دقت از توصیه‌های من پیروی کنید.

خالق همچنین نابود کننده است. کسی که نابود کند این قدرت را دارد که همه چیز را دوباره به وجود بیاورد. کسی که مصیبت می فرستد همچنین قدرت محافظت از شما در برابر آن را دارد.

### مصیبت ها

به یاد داشته باش، پسر من، اگر غیر از خدای یگانه خدای دیگری وجود داشته باشد، او (دیگری) پیامبران خود را نیز می فرستاده است، و آنها به انسان و دامنه و جلال خدای دیگر اشاره می کرده اند. چنین چیزی اتفاق نیفتاده است. او خدای یگانه واقعی است که همه باید او را تصدیق و پرستش کنند. او این موضوع را خود (در قرآن) توضیح داده است. هیچ کس در حوزه قدرت و جلال او با او شریک نیست. او ابدی است، او همیشه چنین بوده است و همیشه باید به همین ترتیب باقی بماند.

او قبل از پیدایش جهان وجود داشته است. وجود او بدون آغاز است. او باقی خواهد ماند وقتی که هر چیز دیگری (در خلقت خود) از بین برود. وجود او بی پایان است. جلال خدا و وجود او برجسته، متعالی و غیرقابل مقایسه هستند. او فراتر از توان عقل (انسان) است. هیچ کس توانایی درک یا تجسم خدا را ندارد.

هنگامی که این حقایق را پذیرفتید، پس رفتار شما باید مانند شخصی باشد که متوجه شود مقام، قدرت و موقعیت خود در مقایسه با پروردگار چیزی نیست. شما می خواهید کسی باشید که می خواهد از طریق دعا و اطاعت نعمت خود را بدست آورد، کسی که از خشم و مجازات او می ترسد و کاملاً به کمک و محافظت او نیاز دارد. بخاطر بسپار، پسر من، خدا به تو دستور نداده است جز آنچه را که خوب است و نیکی را تبلیغ می کند، انجام دهد و تو را از هیچ چیزی منع نکرده است جز آنچه بد است و نتایج بدی به همراه خواهد داشت.

به یاد داشته باش، پسر من، بهترین توصیه من به تو این است که (تقوا) خدا را آگاه باشی، وظایفی را که خدا بر عهده تو گذاشته است، و پیروی از نیاکان و خویشاوندان (نجیب و پارسا) خود باش. به راستی، آنها افکار و اعمال خود را به دقت ارزیابی کردند و قبل از گفتن هر چیزی یا قبل از اقدامی با دقت ارزیابی کردند. من به شما توصیه می‌کنم از آنها الگو بگیرید.

### چگونه برای نیازهای خود به درگاه خداوند دعا کنیم:

به جز خدا از کسی کمک و محافظت نخواهید. دعاها، درخواست‌ها و تقاضاهای خود را فقط از خدا بخواهید، زیرا تنها در قدرت او استنکاف، محروم کردن و انکار دروغ است.

بنابراین، بهترین کار برای شما این است که از کسی که شما را آفریده است، شما را نگه می‌دارد و تغذیه می‌کند، که به شما یک ذهن متعادل و یک بدن معمول کار می‌کند، راهنمایی بخواهید. دعاوی شما باید فقط به او اختصاص داشته باشد، درخواستها و درخواستهای شما فقط به او اختصاص دارد و فقط باید از او بترسید.

پسر من، این حقیقت را دریاب، که پروردگار، صاحب و نگهدارنده گنجینه‌های آسمان و زمین، به تو اجازه داده است که آنها را بخواهی و آنها را یاد کنی، و او قول داده که دعای تو را برآورده کند. او به شما گفت که برای نعمتهای او دعا کنید، تا آنها را به شما عطا کند، و نعمتهای او را بخواهید، تا آنها را به شما ارزانی دارد. خداوند نگهبانانی تعیین نکرده است که دعای شما به او نرسد و همچنین نیازی نیست کسی از طرف شما شفاعت کند.

هر وقت او را صدا کردید شما را می‌شنود و هر زمان که او را دعا کنید دعای شما را می‌پذیرد. از خدا بخواهید که آرزوی قلبتان را به شما ارزانی دارد، اسرار قلب خود را در برابر او قرار دهید، در مورد تمام بلاهایی که بر شما وارد شده، از سختیهای پیش رویتان

بگوئید و برای غلبه بر آنها از او کمک بگیرید. در همه دشواری‌ها و پریشانی‌ها از یاری و پشتیبانی خدا استفاده کنید.

بخاطر بسپارید که اندکی که از طرف خداوند به شما اعطا می‌شود برای شما مفیدتر، شرافتمندانه و قابل احترام خواهد بود تا آنچه که به وفور از طرف انسان اعطا می‌شود. یک انسان چه چیزی می‌تواند به شما بدهد، جز آنچه تنها از طرف خداست؟

ممکن است از خدا بخواهید که به شما عمر طولانی و سلامتی عطا کند. شما ممکن است از او برای سعادت دعا کنید. شما ممکن است چنان لطف و بخشش‌هایی از او بخواهید که هیچ کس جز او قادر به اعطای آن نباشد.

به این فکر کنید که او به راحتی با اعطای این امتیاز که به او دعای خیر و مهربانی کنید، کلیدهای گنجینه‌های خود را به شما تحویل داده است. هر وقت محتاج شدید، باید دعا کنید، و او نعمت‌ها و برکات خود را به شما ارزانی خواهد داشت. بعضی اوقات متوجه می‌شوید که درخواستهای شما بلافاصله پذیرفته نمی‌شود، اما لازم نیست ناامید شوید، زیرا اعطای نیاز اغلب با هدف و قصد واقعی سالک است. گاهی اوقات نیاز به تأخیر می‌افتد زیرا پروردگار مهربان می‌خواهد پاداش‌های بیشتری را به خاطر تحمل صبر و مصیبت و مصائب دریافت کنید تا همچنان صادقانه به (دریافت) کمک او ایمان داشته باشید. بنابراین، ممکن است به شما لطف بیشتری نسبت به آنچه درخواست کرده‌اید، تعلق بگیرد.

گاهی اوقات دعای شما رد می‌شود؛ این ممکن است به نفع شما باشد، زیرا شما غالباً ندانسته مواردی را که برای شما مضر است درخواست می‌کنید. اگر درخواست‌های شما پذیرفته شود، ضرر شما بیشتر از سود شما خواهد بود و بسیاری از درخواست‌های شما ممکن است به گونه‌ای باشد که در صورت پاسخ به لعنت ابدی شما منجر شود. بنابراین، امتناع از پاسخگویی به درخواست‌های شما یک نعمت است. بنابراین، باید در طلب لطف‌های خداوند بسیار مراقب باشید. برای چنین چیزهایی که برای شما مفید

است دعا کنید. پسر عزیزم به یاد داشته باش که ثروت و قدرت (اگر برای آنها دعا کنی) مواردی است که همیشه با تو نمی ماند و ممکن است در زندگی آخرت به تو آسیب برسانند.

پسرم، بدان که نمی توانی هر آرزوی خود را برآورده کنی. نمی توانی انتظار فرار از مرگ را داشته باشی. بنابراین، در انتظارات، خواسته ها و هوس های خود واقع بین باشی. در درخواست ها منطقی (و واقع بینانه) باشی.

### فضایل صبر:

فضیلت صبر را در برابر رنج ها و مصیبت ها افزایش دهید. صبر یکی از عالی ترین اشکال اخلاقی شریف است و بهترین ویژگی است که می توان به دست آورد. به خدا توکل کنید و در هر مصیبت و رنجی صبر پیشه کنید، زیرا بدین وسیله خود و امور خود را به بهترین امین و قوی ترین نگهبان می سپارید.

### زندگی در این جهان:

کسانی که زندگی دنیا را به دقت مطالعه کرده اند، اتفاق می کنند در باره روزهایشان انگار می دانند که مسافرانی هستند که مجبورند آنجا را ترک خواهند کرد که قحط زده، ناسالم، و (اغلب) غیر دوستانه است. آنها می دانند که باید به سمت جهان بعدی که حاصلخیز، صمیمانه، و جایی که آذوقه ها، آسایش ها و لذت ها فراوان است حرکت کنند. آنها مشتاقانه سوار شده اند. آنها در سفر احساس خوشبختی می کنند و امید به برکت آینده را گرامی می دارند و رنج ها و گرفتاری ها و خطرات راه (در دنیا) فراق دوستان و کمبود غذا و کمبود آسایش در سفر (در دنیا) را با کمال میل پذیرفته اند تا به مقصد برسند. از تحمل سختی ها کینه ندارند و از صدقه و کمک به فقرا و نیازمندان ابایی ندارند.

هر قدمی که برای رسیدن به هدف خود برمی دارند، هر چند خسته کننده و طاقت فرسا باشد، یک اتفاق مبارک در زندگی خواهد افتاد.

برعکس، افرادی که به این دنیا وابسته اند متأسفانه در لذت های کوتاه مدت، سریع محو و در فساد آن غوطه ور می شوند. آنها مانند مسافرانی هستند که در منطقه ای حاصلخیز و شاد هستند و می دانند سفری که باید انجام دهند آنها را به سرزمینی خشک و نابارور رهنمایی خواهد کرد. آیا چیزی می تواند نفرت انگیزتر از سفر آنها باشد؟

هیچ چیز در این دنیا (واقعاً) برای شما مفید نیست، مگر اینکه در دنیای بعدی از کاربرد و ارزشی برخوردار باشد. اگر از چیزهایی که در این دنیا از دست داده اید ابراز ناراحتی می کنید، پس نگران از دست دادن چیزهایی باشید که از مزایای ابدی (در آخرت) برخوردار هستند. گذشته شما و بیشتر آنچه در اختیار داشتید، از شما دور شده است. تمام آنچه که در حال حاضر در اختیار شما است نیز (با مرگ شما) شما را ترک خواهد کرد.

### سرنوشت بشریت:

روح رام نشده (خواسته های بی بند و باری قلب) خود را با چشم انداز (یعنی فکر) مرگ تسلیم کنید. آنرا به یاد ذات گذرای زندگی و همه تله های آن بیندازد. به خود طبیعی خود اجازه دهید اجتناب ناپذیر بودن (برخورد) با بدبختی ها، ناملازمات، تغییر شرایط و تغییر اوقات را درک کند. زندگی افراد گذشته را مطالعه کنید.

شهرهای ویران شده، کاخ های فرسوده، تابلوهای در حال خرابی، آثار امپراطوری های سقوط کرده و ملت های نابود شده را مشاهده کنید. سپس در مورد زندگی آن افراد مراقبه کنید، در مورد اینکه آنها در زمان زنده بودن و در دست داشتن قدرت چه کردند، چه موفقیت هایی را به دست آوردند و چه سهم آنها در رفاه انسان ها بود.

اگر به دقت در مورد اینها تأمل کنید، می فهمید که هر یک از آن افراد از دیگران جدا شده و همه چیزهایی را که دوست داشتند، پشت سر گذاشتند و اکنون او در یک منزل

(قبر) منزوی است. بنابراین ، (درک کنید که) شما نیز به روشی مشابه (از این دنیا) خواهید رفت.

مراقبت کنید تا اقامتگاه آینده خود را تأمین کنید. نعمت های ابدی را برای لذت های گذرای این دنیای فانی مبادله نکنید.

درباره مواردی که نمی دانید صحبت نکنید. در مورد موضوعاتی که نمی توانید در مورد آنها تصمیم گیری کنید ، حدس بزنید یا در مورد آنها حکم صادر کنید ، خصوصاً وقتی که هیچ کس از شما نظر نخواست است. در جایی که احتمال گمراهی شما وجود دارد ، از این پیگیری دست بکشید. هنگامی که خطر سرگردانی در بیابان ناآگاهی و احتمال از دست دادن هدف شما وجود دارد ، بهتر است شما از تلاش برای کنار آمدن با خطرات پیش بینی نشده (با از دست دادن مسیر مستقیم) دست بکشید.

### دفاع از آرمان‌های خداوند:

از آرمان خدا دفاع کنید. هنگام دفاع از آرمان خدا ، نترسید که مردم شما را مسخره کنند ، اعمال شما را مورد سانسور قرار دهند و یا حتی به شما تهمت بزنند. از حق و عدالت بدون ترس و جسارت کمک کنید (و از آن دفاع کنید). متحمل صبر و تحمل مصائب پیش آمده باشید و با شجاعت با موانعی که بر سر راه شما قرار دارند روبرو شوید سعی کنید به فقه و کلام کاملاً مسلط باشید و شناخت کاملی از قوانین دین داشته باشید.

### معاملات شما با دیگران:

هرچه برای خود دوست دارید ، همان را برای دیگران دوست بدارید. هرچه دوست ندارید برای شما اتفاق بیفتد ، دیگران را از چنین اتفاقاتی در امان نگه دارید. به کسی ظلم و استبداد نکنید ، زیرا مطمئناً دوست ندارید مورد ظلم و ستم قرار بگیرید. با دیگران مهربان و دلسوز باشید ، همانطور که می خواهید دیگران با شما رفتار کنند.

اگر در دیگران عادت های قابل اعتراض و نفرت انگیزی مشاهده کردید ، از ایجاد این عادت ها در خود خودداری کنید. اگر از دریافت نوع خاصی از درمان از دیگران احساس خوشبختی و رضایت دارید ، پس با دیگران نیز به همین روش رفتار کنید. در مورد دیگران طوری صحبت نکنید که دوست نداشته باشید دیگران در مورد شما صحبت کنند. از رسوائی و افترا پرهیز کنید ، زیرا دوست ندارید خود را رسوا کنید.

### غرور، حماقتی که آسیب می رساند:

به یاد داشته باش ، پسر ، پوچی و غرور احمقانه است. این صفات آسیب جدی به شما وارد می کنند و سلامتی شما را به خطر می اندازند. بنابراین ، یک زندگی متعادل داشته باشید (یعنی نه مغرور باشید و نه از عقده حقارت رنج ببرید) و برای تأمین هزینه های زندگی صادقانه تلاش کنید.

برای دیگران "خزانه دار" نباشید [توجه: این یک تشبیه مناسب از شخص بخیل است که ثروت را اندوخته و می میرد ، ثروت خود را پشت سر می گذارد تا دیگران از آن لذت ببرند]. هرگاه از جانب پروردگار برای رسیدن به چیزی که می خواهید راهنمایی می خواهید ، پس از نعمت خود مغرور نشوید ، بلکه فرومایه و مطیع خدا باشید ، زیرا می دانید که موفقیت شما از رحمت او بوده است.

### انفاق در هنگام توانایی:

به یاد داشته باشید که خیرات و کارهای نیک شما مانند وام هایی (به خدا) است که او به شما در دنیا و بسیار در آخرت بازپرداخت می کند. بنابراین ، هنگامی که متمول و صاحب قدرت هستید ، از ثروت و قدرت خود به گونه ای استفاده کنید که در قیامت ، هنگامی که نیازمند و درمانده باشید ، به شما بازگردانده شود. معلوم است پسر ، گذر تو (از این جهان به جهان بعدی) از طریق یک دره مخوف ، یک سفر بسیار دشوار و طاقت فرسا انجام می شود.

در این سفر، یک مرد (مسافر) با وزن کمتر (یعنی گناهان و مسئولیت‌های کمتر) بسیار بهتر از آن است که یک فرد بیش از حد سنگین (با گناهان و درآمد غیر صادقانه) باشد. اولی می‌تواند سریعتر و راحت‌تر از دومی سفر کند. باید از این دره عبور کنید. سفر شما را به بهشت یا جهنم می‌برد.

بنابراین، عاقلانه است که پیش از این مایحتاج خود را ارسال کنید، تاپیش از شما به آنجا (به بهشت) برسد. قبل از ورود مقدمات رزرو و مقدمات اقامت خود را انجام دهید، زیرا بعد از مرگ، احتمال شانس دوم برای جبران اشتباهات وجود ندارد.

اگر در سفر به روز قیامت افراد فقیر و نیازمندی را پیدا می‌کنید که حاضرند بار شما را حمل کنند (یعنی دریافت‌کنندگان ثروت یکبار مصرف شما که در امور خیریه به شما داده می‌شود)، پس این امر را یک برکت بدانید. بنابراین، خود را از مسئولیت سنگین ارائه حساب در روز قیامت درباره چگونگی استفاده از نعمت‌های خداوند (یعنی سلامتی، ثروت، قدرت و موقعیت) خلاص کنید.

### اهمیت عزت نفس:

از راه دقیق صادقانه امرار معاش کنید و به چنین درآمدی بسنده کنید. اجازه ندهید خواسته‌های شما، شما را به گونه‌ای سوق دهد که با ناامیدی و ضرر روبرو شوید. به یاد داشته باشید که هرکسی که (از خدا) چیزی را تقاضا کند همیشه آن را دریافت نمی‌کند. کسی که خواسته‌های خود را کنترل کند از احترام به خود محافظت می‌کند. در بعضی مواقع، ممکن است خواسته‌های قلبتان را با استفاده از وسیله‌ای که باعث می‌شود عزت نفس خود را از دست بدهید، تأمین کنید، اما هیچ چیز در این دنیا نمی‌تواند از دست دادن عزت نفس، اشراف و افتخار را جبران کند.

پسرم مواظبت کن و مواظب باش که خودت را برده (مطیع) شخص دیگری قرار ندهی. خداوند شما را یک انسان آزاده آفریده است. آزادی خود را در ازای هیچ چیز (این دنیا)

مبادله نکنید. در ثروت و قدرتی که به طور نامناسب بدست آمده هیچ خیری وجود ندارد.

### **طمع منجر به نابودی می شود:**

پسرم مواظب باش ، تا بخل و حرص تو را به سمت نابودی و لعنت سوق ندهد. هیچ کس جز خدا را خیرخواه خود قرار ندهید.

تمام تلاش خود را برای رسیدن به این اشراف انجام دهید ، زیرا خدا به شما کمک خواهد کرد (از نعمت ها) چه دیگران به شما کمک کنند یا نه.

محافظت از داشته های خود و صرفه اقتصادی بهتر از این است که از دیگران بخواهید. تلخی فقر در واقع بهتر از رسوایی گدایی است. غالباً ، یک فرد سعی می کند چیزی را بدست آورد که اثبات می کند هنگام دستیابی به آن مضر است.

### **با خانواده خود به خوبی رفتار کنید:**

با اعضای خانواده خود بدرفتاری نکنید و مانند آنها "بی رحمانه ترین فرد زنده" رفتار نکنید. به دنبال شخصی که سعی می کند از شما جلوگیری کند ، بدوید.

بزرگترین دستاورد شخصیت شما این است که با وجود خصومت برادران ، همچنان به او دوستی نشان می دهید. به برادر خود نیکی کنید ، حتی اگر او متمایل به آسیب رساندن به شما باشد. هنگامی که او خویشتاوندی (با شما) را نادیده می گیرد یا از آن خودداری می کند ، سعی کنید با او دوست شوید ، در صورت نیاز به او کمک کنید و سعی کنید رابطه خود را حفظ کنید.

اگر او با شما با حساست رفتار کرد و از کمک به شما امتناع ورزید ، با او سخاوت داشته باشید و از لحاظ مالی (در نیاز او) از او حمایت کنید. اگر او باعث ناراحتی یا آزار شما شد ، در عوض با او مهربانی و ملاحظه رفتار کنید. اگر کسی به شما آسیب رساند ، بهانه

های او را بپذیرید. با او طوری رفتار کنید که گویی او خیرخواه است و شما ذی نفع او هستید.

مراقب باشید که این کار را به صورت نامناسب و هنگام برخورد با کسانی که لیاقتش را ندارند انجام دهید.

با اعضای خانواده خود با عشق و احترام رفتار کنید، زیرا "آنها بال‌هایی هستند که شما با آنها پرواز می‌کنید و دستهایی هستند که از شما حمایت می‌کنند و از شما دفاع می‌کنند." آنها افرادی هستند که وقتی دچار مشکل می‌شوید و به آنها احتیاج دارید، به شما کمک می‌کنند.

### **با ملاحظه با دشمن خود برخورد کنید:**

نسبت به دشمن خود مراقب باشید، زیرا به شما اجازه می‌دهد (از نظر اخلاقی) از او بالاتر بروید و یا از شدت خصومت او می‌کاهد.

اگر می‌خواهید با دوست خود رابطه خود را قطع کنید، رابطه با آنها را به طور کامل قطع نکنید، زیرا ممکن است بعداً بخواهید آن را جبران کنید.

### **چگونه با ظلم مقابله کنیم:**

اگر شما یک قربانی ظلم هستید، اجازه ندهید بیش از حد شما را نگران کند، زیرا یک ستمگر در واقع برای خود آسیب می‌رساند، و راه‌های سود (معنوی) را برای شما باز می‌کند.

## مرواریدهای خرد و راهنمایی برای پسرش:

- فرد معقول به نصیحت توجه می کند و از آن بهره می برد. مانند شخصی نباشید که نصیحت در او تأثیری نداشته باشد.
- جانوران کسانی هستند که برای پیروی به اجبار نیاز دارند.
- با صبر و با ایمان به پروردگار مهربان، بر غم ها، نگرانی ها و بدبختی ها غلبه کنید.
- کسی که راه مستقیم را رها کند (از فضیلت چشم پوشی کند) بدین ترتیب صداقت و تفکر منطقی را از دست می دهد و در نتیجه به خود آسیب می رساند.
- دوست واقعی کسی است که پشت سر شما بخوبی صحبت کند.
- آرزوهای زیاد منجر به بدبختی می شود.
- هرکس حقیقت را رها کند زندگی خود را فشرده و پریشان می کند.
- صداقت و قناعت دارایی هایی هستند که اعتبار و منزلت را به ارمغان می آورند.
- محکم ترین رابطه، رابطه ای است که بین خدا و آنچه و دوست می دارد پرورش یابد.
- شخصی که به شما اهمیتی نمی دهد دشمن شماست.
- اگر در رسیدن به هدفی احتمال مرگ یا صدمه وجود دارد ، عدم رعایت آن ایمنی است.
- در مورد نقاط ضعف و نقص (دیگران) صحبت نکنید.
- فرصت ها دیگر تکرار نمی شوند.
- در بعضی مواقع ، خردمندان در رسیدن به هدف خود ناکام می مانند ، در حالی که عاقلان قادر به این کار هستند.
- پرهیز از افراد نادان مانند ارتباط با خردمندان است.

- هرکس به این دنیا اعتماد کند خیانت میبندد و هرکس به آن اهمیت دهد رسوا میشود.
- قبل از خرید خانه ، از همسایگان خود مراقبت کنید.
- از موضوعات مسخره در مکالمه خود بپرهیزید ، حتی اگر دیگران را نقل قول می کنید.
- شخصی را که نظر خوبی در مورد شما دارد ، مأیوس نکنید. اجازه ندهید که نظر خود را تغییر دهد.
- از طریق امیدهای غیر منطقی ، نامعقول و اسراف رفاه خود را به خطر نیندازید.
- امیدهای بیهوده دارایی احمقان است.
- فریب چاپلوسی را نخورید.
- معاش دو نوع است: یکی که دنبال آن می روید و دیگری که شما را تعقیب می کند. خداوند مورد آخر را برای شما مقدر کرده است و حتی اگر دنبال آن نباشید، آن به شما می رسد.
- با دشمن دوست خود دوست نشوید که مبادا دوست شما دشمن شما شود.
- خرد در یادآوری تجربیات گذشته و بهره مندی از آنها نهفته است.
- بهترین تجربه همان تجربه ای است که بهترین مشاوره را ارائه می دهد و احتیاط را آموزش می دهد.
- قبل از دست دادن فرصت ها از آنها استفاده کنید.
- هرکسی تلاش کند موفق می شود.
- پس از عزیمت از این دنیا ، کسی بر نمی گردد.
- بدترین حماقت اتلاف فرصت ها (انجام کار خوب) در این زندگی و از دست دادن راه نجات است.

• مطیع بودن و التماس کردن در هنگام نیاز، و مغرور و ظالم بودن در هنگام ثروتمندی و قدرتمندی، از زشت ترین صفات شخصیت انسان است.

• هرگز با شخصی که به شما نیکی کرده بدرفتاری کنید.

به یاد داشته باشید، خود را با تعهدات بیش از حد سنگین نکنید (یعنی بیش از حد خود را متعهد نکنید)، تا شاید نتوانید آنها را به طور افتخاری انجام دهید.

### سخنان نهایی در نامه:

پسر عزیزم! پس از دادن این توصیه ها به شما، شما را به پروردگار می سپارم. او شما را در دنیا و در آخرت یاری می کند، راهنمایی می کند و از شما محافظت می کند. از او می خواهم که شما را در هر دو جهان تحت حمایت خود قرار دهد.

### عدالت، بی عدالتی و ظلم

یکی از زیباترین نام های خدا العدل، "عادل" است. مفهوم عدالت (عدل) در ایمان مومن مهم است، زیرا خداوند عادل است و عدالت را از ما می خواهد. کسانی که نسبت به هم نوعان خود ظلم می کنند و بدون توبه می میرند، در روز قیامت بار سنگینی بر دوش خواهند کشید. حضرت علی (ع) بالاترین موازین عدالت را اعمال می کرد.

وی به زیردستان، فرمانداران، باجگیران و نیروهای مسلح توصیه کرد که بالاترین استانداردهای عدالت را رعایت کنند و در برابر رفتارهای ناعادلانه تحمل صفر نشان دهند. در بخشهای بعدی، حضرت علی به زیبایی، عدالت را با تهذیب نفس، تعالی معنوی و خشنودی خداوند گره می زند.

## خدا نسبت به مخلوقاتش عادل است:

مطمئناً خداوند نسبت به مخلوقات خود ظلم نمی‌کند.

(خطبه ۱۷۷)

## خداوند بسیار منصف است:

او بیش از این بزرگ است که در برابر مخلوقاتش ظلم نمی‌کند. او در خلقت خود با عدالت سر و کار دارد و در دستورات اوست

(خطبه ۱۸۴)

## عدالت خدا برای فقرا و ثروتمندان:

او امرار معاش را با کمال مقرر کرد. او آن را کم و زیاد و سخاوتمندانه توزیع کرد. او این کار را با عدالت انجام داد تا هرکسی را که می‌خواهد با سعادت یا با بیچارگی آزمایش کند و قدرشناسی و استقامت ثروتمندان و همچنین فقرا را آزمایش کند. عدالت او به همه آنها کشیده می‌شود و فضل او علی‌رغم کمبودهایی که دارد، آنها را در بر می‌گیرد.

(خطبه ۹۰)

وقتی کسی از حضرت علی سهم اضافی پول از خزانه عمومی خواست، ایشان این پاسخ را دادند: آیا به من دستور می‌دهی که به کسانی که من بر آنها (برای اداره) منصوب شده‌ام ظلم کنم؟ به خدا قسم، من این کار را انجام نمی‌دهم، تا زمانی که زمین زنده بماند، و تا زمانی که ستاره‌ها باقی بمانند.

حتی اگر این اموال (شخصی) من بود، من آن را به طور مساوی بین آنها توزیع می‌کردم، به ویژه هنگامی که این اموال متعلق به خدا باشد. برحذر بودن؛ مطمئناً، دادن ثروت به افراد ناشایست، اسراف و تجمل است. ممکن است اهداکننده (در نظر مردم) در این جهان اوج بگیرد، اما جایگاه او را در دنیای بعدی (نزد خدا) پایین می‌آید.

این ممکن است او را نزد مردم تکریم کند ، اما در برابر خدا رسوا کند. اگر مردی اموال خود را به کسانی بدهد که حقی در آن ندارند ، یا لیاقت آن را ندارند ، خداوند او را (اهدا کننده) از شکرگذاری دریافت کنندگان محروم می کند. سپس ، اگر او (خیرخواه) در روزهای سختی قرار می گرفت و به کمک احتیاج داشت ، آنها (دریافت کنندگان غیر شایسته) احتمالاً رفقای ناشایست و دوستان نادان بودند.

(خطبه ۱۲۵)

**توصیه امام علی (ع) برای پرهیز از پوچی ، افتخار کردن در عدالت و عمل نیک:**

افتخار شما باید به دست آوردن ویژگی های خوب ، کارهای قابل ستایش و موارد قابل تحسین باشد. شما باید به عادت های ستودنی مانند کمک به همسایه ، تحقق قراردادهای ، همراهی با نیکوکاران ، مخالفت با غرور ، گسترش سخاوت ، پرهیز از خونریزی ، اجرای عدالت ، کنترل خشم و پرهیز از ایجاد مشکل در زمین افتخار کنید.

(خطبه ۱۹۱)

در مورد انسان هایی که خداوند را مادام به خاطر می آورند ، عدالت را تمرین میکنند ، و دیگران را نیز به این اعمال دعوت می نمایند:

انسان هایی وجود دارند که یاد خداوند را در راس امور دنیوی شان قرار داده اند تا مبادا امور دنیوی آنها را غافل نماید. آنها زندگی شان را بدین شیوه میگذرانند. آنها با انسان های غافل صحبت میکنند ، و آنها را نسبت به اموری که با قوانین خدا متناقض است هشیار می سازند. آنها از اجرای عدالت خوشنود بوده و به تمرین مداوم آن می پردازند و هنگامی که به اعمال ممنوعه میرسند ، خود نیز از انجام آنها بازداری می کنند.

(خطبه ی ۲۲۰)

## دستورالعمل‌های حضرت برای سربازان خود:

در انجام جنگ پیش قدم نباشید، اجازه دهید دشمن تان جنگ را آغاز نماید. هنگامی که شما در طرف حق و عدالت هستید، خداوند بسیار خوشنود است. دشمنان خود را به حال خود واگذارید تا جنگ را شروع کنند. شروع خصومت از سوی آنها، اثبات دیگری بر بر حق بودن شما خواهد بود.

(نامه ی ۱۴)

## نیایش حضرت هنگام برخورد با دشمن:

پروردگارا! اجازه بده تا حقیقت پیروز باشد؛ اجازه بده تا مردم به عدالت و بر حق بودن ما ایمان آورند.

(نامه ی ۱۵)

## نصایح حضرت در رابطه با امور دولتی:

اگر می‌توانید نسبت به خداوند در کارهایتان احترام، عشق و شکرگزاری قایل باشید، سپس دو باور را همیشه زنده نگاه دارید (بهشت و جهنم). میزان گرامی داشتن عشق، احترام و ستایش خداوند برای هر انسانی متناسب با میزان هوشیاری او نسبت به خداوند تصویری است که از خداوند در ذهن انسان مانده است. همانا، هرکس به عدالت خداوند ایمان داشته باشد و از عذاب او بترسد، بهترین پاداش‌ها از جانب خداوند در انتظار اوست.

(نامه ۲۷)

### توصیه هایی به فرزندان:

هنگامی که به اثبات خداوند می پردازید، از مورد تمسخر قرار گرفتن توسط مردم، و قضاوت شدن و مورد تهمت قرار گرفتن نگران نباشید. بلکه باید با قدرت بیشتر و بدون ترس به اثبات عدالت و حقیقت بپردازید.

صبورانه دردها را تحمل کنید؛ شجاعانه با مشکلاتی که بر سر راه تان می آیند مقابله کنید. هرکجا دلایل حاکم بر عدالت و حقیقت را یافتید، از آن حمایت کنید.

(نامه ۳۱)

### بخشی از نامه ای حاوی بر توصیه هایی به فرمانداران خود:

همواره به یاد داشته باش: همیشه با آنها با همدلی، مهربانی، احترام و با خوشحالی رفتار کنید. هنگامی که با مردم از درجات مختلف برخورد میکنید، شامل غنی یا فقیر، بزرگ و یا کوچک، باید عادلانه رفتار نمایید گویی فرقی با یکدیگر ندارند در اینصورت مهم ترین شخص در استان تحت فرمانروایی شما هیچ انتظاری برای رفتاری والا تر نخواهد داشت و افراد پایین تر از مهربانی و عدالت شما بی نصیب نخواهند ماند. اگر عدالت و مساوات را در نظر نگیرید، مطمئنا یک مستبد و ستمگر تلقی خواهید شد. به یاد داشته باشید که هیچ چیز نمیتواند ظلم و ستم را جبران کند.

(نامه های ۴۶، ۵۳ و ۵۹)

### نصایح امام در مورد مالیات دهندگان:

با مالیات دهندگان با مساوات و عدالت رفتار کنید؛ با مهربانی و صبوری به خواسته های آنان گوش بسپارید زیرا شما نماینده ی مردم هستید و نمایندگان اقتدار شما را نشان می دهند.

(نامه ۵۱)

## یکی از سخنان امام:

هنگامی که از امام علی (ع) در مورد ایمان سوال شد، فرمودند که چهار اصل نشان دهنده ی ایمان هستند: شکیبایی، عقیده، عدالت و جهاد.

عدالت دارای چهار جنبه است: عمق ادراک، ژرف بودن دانش، انصاف در قضاوت و روشنی ذهن. زیرا هرکسی که تلاش در فهم یک مسئله دارد، باید در مورد آن مطالعه کند، آن را شفاف سازی کند، فکر کند و تصمیم صحیح را اتخاذ کند. هرکس تلاش در دستیابی به هدف داشته باشد، باید صبر و تحمل کافی داشته باشد. هرکس چنین نماید، عدالت را در راه دین در نظر گرفته است و دارای زندگی خوبی خواهد بود. مادامی که عدالت و مساوات برای شما با اهمیت باشند، رفتارتان با همه افراد نیز باید منصفانه و عادلانه باشد.

(سخنان ۳۱)

## عدم عدالت و ظلم

بی عدالتی سه نوع است: (۱) بی عدالتی که خداوند آن را نخواهد بخشید. (۲) بی عدالتی که بدون تردید باقی نخواهد ماند (۳) بی عدالتی که ممکن است بخشیده شود بدون اینکه مورد بازپرسی قرار بگیرد. بی عدالتی که بخشیده نخواهد شد، پیوستن به خدایان دیگر و مشرک شدن است. خداوند می فرماید: همانا، خداوند آنچه که برای او شریک قرار میدهد را نخواهد بخشید.

(قرآن. ۴:۴۸، ۱۱۶)

بی عدالتی که بخشیده خواهد شد آن است که انسان همراه با ارتکاب شدن به گناهان کوچک در حق خود انجام می دهد، حال آنکه بی عدالتی که مورد بازپرس قرار خواهد گرفت آن است که در حق دیگران انجام بشود و مجازات در چنین مواردی ممکن است بیشتر باشد.

ای مردم، خوشا به حال کسی که کاستی های خودش او را از پرداختن به نواقص دیگران باز می دارد، کسی که روزی خود را از طریق حلال بدست می آورد، خود را به اطاعت از خدا مشغول می دارد، در توبه برای گناهان خود گریه می کند و مردم از او ایمن هستند. (خطبه ۱۷۵)

### یک بی عدالتی بزرگ:

در جامعه ای متشکل از افرادی صادق، با فضیلت، و هوشیار، ایجاد یک نظر بد در مورد یکی از اعضای آن، هنگامی که در واقع هیچ مورد ناعادلانه ای در مورد او دیده نمی شود، برای او یک بی عدالتی بزرگ است.

### حقوق دیگران

مقدمه: به رسمیت شناختن و احقاق حقوق دیگران نقشی اساسی در هر جامعه متمدن دارد. این عدالت، سعادت متقابل و صلح را تضمین می کند. اسلام بر حقوقی تأکید کرده است که در کتاب مقدس ذکر شده است.

علاوه بر این، علی بن حسین، نوه بزرگ حضرت محمد (ص)، ۱۴۰۰ سال پیش کتابچه ای نوشت که به عنوان "رساله حقوق" شناخته می شود. این حقوق خداوند بر رعایای او، حقوق مردم بر خدا، حقوق والدین، فرزندان، همسایگان، همشهریان، حاکم و غیره را توصیف می کند. حدود پنجاه طبقه از حقوق توصیف شده است. در ادامه، حضرت علی (ع) به برخی از این حقوق پرداخته است.

### حقوق خداوند متعال:

ای مردم، خدا را به یاد آورید، و (به یاد داشته باشید) که او در کتاب خود (قرآن) و حقوقی را که به شما سپرده است به شما سفارش کرده است به راستی که خداوند شما را

بیهوده خلق نکرده است ، نه شما را آزاد گذاشته است و نه شما را خودتان در نادانی رها کرده است.

(خطبه ۸۵)

برای احقاق حقوق واجب او (برای شهادت به یگانگی او ، شریک ساختن شخص دیگری با او و تنها پرستش او) و (سپاسگزارش) بخاطر نعمت ها و تعهدات بی شمار او از خدا کمک بگیرید.

(خطبه ۹۸)

ما او را در همه امورش ستایش می کنیم و برای احقاق حقوقش از او کمک می گیریم.

(خطبه ۹۹)

**برای احقاق حقوق خدا:**

با احقاق حقی که در کتاب خود (قرآن) به شما سفارش کرده است ، به خدا نزدیک شوید. او خواسته های خود را به وضوح از شما بیان کرده است . من شاهد هستم و از طرف شما در روز قیامت التماس می کنم.

(خطبه ۱۷۵)

**درباره حقوق افراد:**

و همچنین او (حاکم) نباید به ناحق با مال برخورد کند ، بنابراین گروهی را بر گروه دیگر ترجیح می دهد ، و همچنین هنگام تصمیم گیری نباید رشوه بپذیرد ، زیرا از حقوق (دیگران) سلب می کند.

(خطبه ۱۳۰)

## احقاق حقوق دیگران:

به هر کسی که خداوند ثروت عطا کند ، باید از آن در گسترش نیکی به خویشاوندان خود ، خشنودی آنها ، آزاد کردن زنجیرزنان (فقر و جهل) ، کسانی که از بیماری رنج می برند ، در دادن فقیران و بدهکاران استفاده کند. و حتی برای تحقق حقوق (دیگران) سختی را تحمل می کنند. مطمئناً ، دستیابی به این خصوصیات ، اگر خدا بخواهد ، بزرگترین دستاورد در دنیا و وسیله تمایز در دنیای بعدی (آخرت) است.

(خطبه ۱۴۱)

وی توجه به مومنان (نیازهای مومنان) را از همه احترام ها بالاتر اعلام کرده است. او حقوق آنها را در همان درجه (از اهمیت) که از خود گذشتگی (نسبت به خود و یگانگی او) قرار داده است ، قرار داده است. بنابراین ، مومن کسی است که از زبان و دست او در امر حقیقت ایمان دارد. بدرفتاری با یک مومن حلال نیست ، مگر در مواردی که قانون تعیین کرده باشد.

(خطبه ۱۶۶)

## حقوق متقابل حاکم و زیردستان:

بزرگترین حقوقی که خداوند سبحان واجب قرار داده است ، حق حاکم بر حاکم و حق حاکم بر زیردست است. این تعهدی است که خداوند سبحان به یکدیگر واگذار کرده است. او آن را مبنای محبت (متقابل) آنها و افتخاری برای دینشان قرار داده است. در نتیجه ، حکمرانی نمی تواند پیشرفت کند مگر اینکه حاکمان سالم باشند ، در حالی که حاکمان نمی توانند سالم باشند مگر اینکه حاکم ثابت قدم باشند.

(خطبه ۲۱۵)

### حاکمانی که حقوق مردم را انکار کردند:

به راستی، حاکمان قبلی به دلیل نارضایتی از حقوق مردم، به پایان غم انگیزی رسیده اند. آنها فاسد شدند و قابل خریداری بودند، سپس در معرض وسوسه گناهان و رذایل قرار گرفتند، که آنها را گمراه کرد، و آنها به دنبال ستمکاران رفتند.

(نامه ۷۹)

### توزیع وجوه (خیریه) از خزانه عمومی:

وای بر کسی که فقرا، مستمندان، متکدیان و کسانی که از حق خود محروم شده اند در برابر او شکایت می کنند.

(نامه ۲۶)

### حقوق یک دوست:

حقوق دوست خود را زیر پا نگذارید، زیرا وقتی او از حقوق خود محروم شود، دیگر دوست شما نخواهد ماند.

(نامه ۳۱)

### مهربانی، تواضع، رفتار صحیح با خویشاوندان

مقدمه: هدف غایی تمام خوبی ها خوشنودی خداوند و نزدیک شدن به او بدون انتظار و چشم داشتی است. همانگونه که امام علی در ادامه اشاره می فرماید، هر حرکتی که در جهت خوشنودی خلق خدا و نه خدا باشد، در نزد خدا پذیرفته نیست و در آخرت بهره ای ندارد. انسان متکبر به خدا نزدیک نخواهد شد. در قرآن بر مهربانی و شفقت تاکید شده است. حضرت محمد (ص) این امر را آموخته بودند که خداوند در قرآن کریم می فرماید که او بهترین اسوه برای پیروی و بهترین نمونه ی اخلاق است. امام علی ما را به یاد بخشش خداوند، محتاط بودن در برابر دشمن، تشویق پیروان در مراقبت

از نیاز اشخاص می اندازد و نیز یادآوری این نکته که نخستین شخص مغرور شیطان بود.

به راستی هدایای الهی از آسمان به زمین همانند قطرات باران برای هر فردی همانگونه که تقدیر است فرود می آیند، خواه فراوانی و فراخ باشد و خواه نقصان باشد. بنابراین، اگر دوست شما دارای ثروت فراوان و یا فرزند است، هرگز حسادت نکنید. یک فرد با ایمان به گونه ای رفتار نمیکند که موجب خجالت او شود.

فرد با ایمان که به درستی زندگی کند، یکی از این دو را در زندگی خواهد دید: زندگی سخاوتمندانه در این دنیا و یا پاداشی در زندگی جاوید. فرزند و ثروت از جمله آراستگی های این دنیا هستند در حالیکه اعمال با فضیلت برای آموزش زندگی جاوید هستند. و خدا میتواند هر دوی این فضایل را دریافت نماید.

نسبت به آنچه خداوند به شما هشدار داده آگاه باشید و نسبت به خداوند آگاه باشید که پس از این نیاز به عذرخواهی نخواهید داشت. هرگز خودنما و متظاهر نباشید، چرا که اگر شخصی به جز خدا را بستایید مورد پذیرش خداوند نخواهد بود.

از خداوند خواستار جایگاهی همچون شهیدان و همنشینی پیامبران و پرهیزکاران در زندگی آخرت شدیم.

ای مردم! یقیناً کسی نمی تواند بدون کمک خویشاوندان کاری را خواه فیزیکی و خواه فکری به خوبی انجام دهد. خویشاوندان همگی برای حمایت هر شخص آماده هستند که هنگام سختی ها او را حمایت کرده و مهربانی نثار او میکنند. خاطره ی خوبی که انسانی خداشناس از خود به جا میگذارد بهتر است از ثروتی که به جا می گذارد.

هوشیار باشید! اگر شخصی از نزدیکان شما دچار تنگدستی و نیاز شد، مبادا در کمک کردن به او خودداری نمایید. اگر شما دست کمک به فرد محتاج را بسته نگاه دارید، به هنگام احتیاج خویش نیز دیگران دست کمک از شما دریغ می دارند.

کسی که در کمک به خویشاوندان مهربان است، عشق بی پایان آنها را نثار خویش خواهد نمود.

(فراز ۲۳)

سکوت مایه‌ی احترام و شوکت است؛ رفتار عادلانه مایه‌ی افزایش دوستان است. خیرخواهی و کمک به دیگران مایه‌ی عزت است. حسن نیت نشانه‌ی خیرخواهی است. خدمت به بشریت مایه‌ی راهبری است. کلمات و سخنان درست مایه‌ی غلبه بر دشمنان است.

**خداوند شفقت را اجبار نکرده است:**

اگر خدوند اراده میکرد میتوانست آدم را به گونه‌ای از نور بیافریند که درخشش او چشم‌ها را خیره نماید، زیبایی او عقل‌ها را مدهوش کند و عطر او نفس‌ها را در سینه حبس نماید. اگر او چنین میکرد، تمام موجودات سر تعظیم در برابر فروتنی او فرود می‌آوردند و محاکمه‌ی شیطان و سایر فرشتگان بسیار آسان می‌شد.

(خطبه‌ی ۱۹۱)

**صبوری و اصالت در شخصیت:**

تقوا و پاکدامنی فرد صابر یکی از والاترین ارزش‌های انسانی، اصالت شخصیت، و بهترین شیوه‌ی رفتاری است که فردی میتواند برگزیند.

(نامه‌ی ۳۱)

## آداب ادب:

اصالت شخصیت خود را در رفتار مودبانه نشان می دهد.

### نصیحت حضرت علی در مورد سخاوت و رفتار خوب:

شما نیز باید عادات قابل تحسین را ستایش نمایید، همچون کمک به همسایگان، وفای بعهده، اهل فضل بودن، مخالفت با متکبر و سخاوتمند بودن با همگان.

(خطبه ی ۱۹۱)

**کسی که به آخرت ایمان دارد، سخاوتمند است.**

نصیحت حضرت علی به یکی از فرمانداران: با افرادی معاشرت نمایید که متعلق به خانواده هایی متدین و نجیب و با سنت های والا هستند؛ خانواده هایی مشهور به شجاعت، شهامت و سخاوت و بزرگی.

(نامه ی ۵۳)

### حق، پرهیز، و ویژگی های یک مومن

مقدمه: اعتدال در هر جنبه از زندگی در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. آن را هم حضرت محمد (ص) تمرین و تبلیغ کردند. تجمل و زهد دلسرد می شود. از طرف دیگر ، حتی پرستش بیش از حد که منجر به نادیده گرفتن وظایف دنیوی فرد شود، توصیه نمی شود. پیگیری آرزوهای بیهوده ضعف انسانی و سلاحی قدرتمند شیطان برای اغوا و گمراهی است. در بخشهای بعدی ، امام علی به مردم هشدار می دهد که برای جلوگیری از دام شیطان ، بر خدا متمرکز باشند.

## درباره مهار خواسته‌ها:

ای مردم! پرهیز به معنای کوتاه کردن آرزوها، سپاسگزاری از خداوند برای نعمت‌هایش و دور نگه داشتن خویش از چیزهای ممنوعه است. اجازه ندهید که پرهیز از موارد ممنوعه صبر (و رفتار) شما را از تغییر بدهد. خدا با استفاده از مثالهای روشن و درخشان کتابهای آشکار خود (قرآن، تورات و انجیل)، استدلالهای خود را برای شما به پایان رسانده است.

(خطبه ۸۰)

## ویژگی‌های یک مومن:

ای مخلوقات خدا! محبوب‌ترین خدا کسی است که خداوند او را بر احساساتش مسلط کرده است. چراغ هدایت در قلب او روشن می‌شود. او آنچه را دیگران از نظر دور (مرگ و قیامت) می‌دانند، فی الواقع نزدیک می‌داند. او (خدا) را بسیار به یاد می‌آورد و در راه او تلاش می‌کند. او رویکرد متعادلی به زندگی دارد. او خواسته‌های (بیهوده و بیش از حد) را کنار گذاشته و از گمراهی و احساسات در امان است. او کلید درهای هدایت است و درهای بسته را می‌گشاید.

وی قابل اعتمادترین و محکم‌ترین پشتیبانی‌ها را داشته است. اعتقاد او به خدا مانند روشنایی خورشید است. او خود را وقف بندگی خداوند سبحان کرده است. او در تاریکی مانند چراغ (هدایت) است. هر کاری که انجام داده به خاطر خدا بوده است، بنابراین خدا او را محبوب خود قرار داده است. او مانند معدن ایمان (و اعتقاد) است. او به خود امر کرده است که با عدالت عمل کند.

اولین قدم عدالت برای او رد خواسته‌های قلب است. او آنچه که درست است را توصیف می‌کند و طبق آن عمل می‌کند. قرآن (در همه امور) راهنمای اوست.

(خطبه ۸۶)

### تعداد اندکی هستند که در مسیر درست قدم می گذارند:

ای مردم، از تعداد اندکی از افراد پیرو راه درست تعجب نکنید. ای مردم، شما بر اساس انتخاب خود برای معاشرت با خیر یا شر (نزد خدا) گروه بندی شده اید. (ماجرای قوم ثمود را در کتاب مقدس بازگو کنید؛) فقط یک نفر شتر (مقدس) را کشت (در یک اقدام شورشی)، اما خداوند همه ساکنان را مسئول دانست و آنها را مجازات کرد، زیرا همه آنها به شر او رضایت دادند و با این عمل، آنها همراه با سرزمین خود، نابود شدند. ای مردم، آن که راه روشن (هدایت) را پیمود، به چشمه آب (خنک) می رسد و هر که راه راست را رها کند، مانند مسافر تشنه ای است که در بیابانی که آب ندارد گم می شود.

(خطبه ۲۰۰)

### توصیه حضرت:

انسان باید عزت را با اتخاذ خصوصیات زیر تأمین کند: او باید قبل از فرارسیدن روز قیامت از آن بترسد. او باید درک کند که زندگی زمینی کوتاه است و مکانی برای اقامت موقت است. خوشا به حال کسی که دارای قلبی با فضیلت باشد، که مطیع رهبر (صالح) و راهنما باشد و از کسی که او را گمراه می کند جدا شود. بنابراین، او مسیر ایمنی (و فضیلت) را طی می کند. وی با اطاعت از رهبر، قبل از بسته شدن درها به سوی هدایت می شتابد و در توبه و بخشش را باز می کند، و از این طریق (لکه گناه) گناه را از بین می برد.

(خطبه ۲۱۳)

## خداشناسی

### مقدمه:

واژه عربی پرهیز "تقوا" است. این کلمه در واقع یک کلمه جامع است که دارای بسیاری معانی مختلف است، از جمله پرهیزکاری، خداشناسی، ترس از خدا، احترام به خدا، خداپسندی و ترس از قطع ارتباط با خدا. در قرآن، کلمه تقوا بیش از دویست بار در موقعیت‌های مختلف به کار رفته است. همه پیامبران (ص) خدا تقوا را در بالاترین شکل خود انجام می‌دادند. آنها پیروان خود را به تقوا آموختند و راهنمایی کردند. تقوا، و نه ثروت و قدرت، انسان را به خدا نزدیک می‌کند.

### خصوصیات یک فرد متدین:

پندها (از جانب خداوند) فقط در مورد افرادی با قلب پاک، گوش شنوا، اعتقاد راسخ و ذهن روشن است. کسی که آگاه به خدا باشد (به توصیه‌های خوب) گوش می‌دهد، (فروتانانه) آن را می‌پذیرد؛ هنگامی که مرتکب گناه شده اید اگر آن را بپذیرید هنگام ترس (نتیجه گناه)، باعث می‌شود که او تقصیر خود را اصلاح کند.

هنگامی که دلهره (در مورد آخرت) دارد، (به کارهای خوب) تعجیل می‌کند؛ و او از روی اعتقاد راسخ اعمال ناپسند را انجام می‌دهد. هنگام هشدار، او توجه می‌کند؛ هنگامی که از او خواسته شود (از شر) پرهیز کند، این عمل را انجام می‌دهد. او به ندای (خدا) پاسخ می‌دهد و (به سوی او) جلب می‌شود؛ هنگام افتادن (در بدی)، توبه می‌کند؛ و، هنگامی که به او (راه درست) نشان داده شد، آن را برمیگزیند.

چنین مردی در جستجوی حقیقت مشغول بود و (از شر) خلاص شد. او با آگاهی از عزیمت خود از این دنیا (مرگ)، روزی (کارهای خوب) را جمع کرد، باطن خود را تطهیر کرد و برای دنیای بعدی نیز روزی جمع کرد.

سفر خود (به دنیای بعدی) و وسایلی را که در آنجا به آن احتیاج دارد، در کانون توجه قرار داد. او (محل زندگی) اقامت (دائمی) خود (در آخرت) را پیش از خود فرستاد. ای مخلوقات خدا، خدا را آگاه باشید و دلیلی را که او شما را آفریده است، از نظر دور نگه ندارید. خود را مستحق آنچه وعده داده (نعمتها) قرار دهید. به وعده های او اعتماد داشته باشید و از روز قیامت بترسید.

(خطبه ۸۲)

### پرهیزکاری:

ای مخلوقات خدا، من به شما توصیه می کنم که نسبت به خدایی که نمونه هایی آورده است (برای راهنمایی شما) آگاه باشید. او پوششی برای پوشاندن خود فراهم کرده و رزق و روزی فراوان برای شما فراهم کرده است. او شما را با نشانه های خود محاصره کرده است (تا او را بشناسید). او نعمتهای عظیم و هدایای گسترده ای به شما ارزانی داشته است. او با استدلال های قانع کننده ای (علیه عدم اطاعت از او) به شما هشدار داده است. او برای شما یک عمر در این مکان آزمایشات (دنیا) ثابت کرده است. شما در این دنیا آزمایش شده اید و (در روز قیامت) حساب خواهید داد.

(خطبه ۸۲)

ای مخلوقات خدا! من به شما توصیه می کنم که خدا را آگاه باشید. این روزی است که با آن (به دنیای بعدی) باز خواهید گشت. این ماده به شما کمک می کند تا به دنیای بعدی سفر کرده و با موفقیت به مقصد برسید.

ای مخلوقات خدا! مطمئناً، آگاهی از خدا، مردم خدا دوست را از اقدامات غیرقانونی نجات می دهد. آنها شبهای خود را در بیداری (در نماز) می گذرانند و در طول روز، تشنگی را تحمل می کنند (مثلاً از روزه گرفتن به خاطر خدا). آنها از طریق تحمل سختی به راحتی و آسایش (در آخرت) می رسند و از طریق تشنگی به اشباع (معنوی) می رسند.

آنها مرگ را نزدیک می‌دانند و بنابراین در انجام کارهای خوب شتاب می‌کنند. آنها (خواسته‌های افسار گسیخته و ناپسند) را کنترل می‌کنند و مرگ را در چشم خود نگه می‌دارند.

جهان (زندگی) جهان پر از درد و رنج، تغییر ثروت و درسهای (تلخ) است. این افراد زنده را به مرگ مبتلا می‌کند، افراد سالم را با بیماری و کسی را که در آسایش است با پریشانی و مصیبت همراه می‌کند.

### نمونه ای از مصیبت‌ها:

شما مردی را می‌بینید که (ثروتی) را جمع می‌کند که ممکن است (به طور کامل) از آن استفاده نکند و در آن ساختمانهایی را بنا می‌کند که در آن زندگی نمی‌کند. سپس او (این دنیا) را به دیدار پروردگار خود ترک می‌کند، اما بدون اینکه مال و املاک و مستغلات را با خود ببرد، از دنیا می‌رود.

### نمونه ای از تغییر ثروت:

شما یک انسان حقیر را می‌بینید که حسود می‌شود و یک مرد حسود که با از دست دادن ثروت خود و ضربه خوردن به او از نابودی و بدبختی حقیر می‌شود

### در مورد دروس (تلخ) آن:

یک مرد نزدیک است به خواسته‌های خود برسد، و سپس (ناگهان) مرگ رخ می‌دهد؛ بنابراین، نه آرزو حاصل می‌شود و نه سالک است. سبحان الله، لذتهای دنیا چقدر فریبنده است، عطش لذتهای دنیوی چقدر سیری ناپذیر است و سایه آن چقدر آفتابی (گرم) است. رویکرد (مرگ) را نمی‌توان برگرداند، و کسی که عزیمت می‌کند هرگز بر نمی‌گردد. سبحان الله، مرگ چقدر ممکن است به کسی نزدیک باشد، چشمگیر باشد

(وقتی حداقل انتظار نمی رود)، و مردگان چقدر دور هستند (به مکانی بدون بازگشت منتقل می شوند).

هیچ چیز به جز مجازات آن (برای افراد غیر قابل توبه) وحشتناک تر از شر نیست، و جز پاداش آن، هیچ چیز از حسن لذت بیشتری ندارد. شما باید بدانید که اندکی (که از طریق روش های صادقانه بدست آمده است) در دنیای بعدی پاداش زیادی دریافت می کند و آنچه در این دنیا بسیار زیاد است (غیر صادقانه بدست می آید) هیچ پاداشی نخواهد داشت. در بسیاری از موارد، سود کم است، در حالی که ضرر زیاد است.

خداوند امرار معاش شما را تضمین کرده و به شما امر کرده است که (به حق) رفتار کنید. بنابراین، پیگیری آنچه (قبلاً) برای شما تضمین شده است نباید بیش از آنچه به شما سفارش شده است (تعهدات) ارجحیت داشته باشد.

بنابراین، به سوی اعمال (خوب) بشتابید، تلاش کنید که تقوا داشته باشید و خود را برای مرگ آماده کنید (که ممکن است بدون اعلامیه به شما نزدیک شود).

الحمدلله خداوندی که حمد و یاد خود را وسیله ای برای افزایش نعمت های خود قرار داده است.

ای مخلوقات خدا! زمان سرانجام با زندگانی به همان روشی که با کسانی که از دنیا رفته اند برخورد می کند. زمان گذشته بازیابی نخواهد شد و هر آنچه که نگه دارید برای همیشه باقی نخواهد ماند. کسی که مشغول کار دیگری غیر از اصلاح خود باشد، روو بسوی نابودی است. طبیعت پایه او را عمیقاً در رذایل فرو می برد و کارهای بد او را خوب جلوه می دهد. بهشت مقصد کسانی است که پیش رو هستند (در کارهای خوب) و جهنم محل زندگی کسانی است که مرتکب گناهان (کبیره) می شوند (و بی توبه می میرند).

ای مخلوقات خدا، بدانید که تقوا خانه ای محکم است که از آن محافظت می کند، در حالی که بی تقوایی خانه ای ضعیف است، که از قوم خود که در آن پناه می گیرند محافظت نمی کند.

ای مخلوقات خدا، او راه صدق را به شما نشان داده و راههای آن را روشن ساخته است. بنابراین، (ممکن است) یا بدبختی (پیگیری باطل) یا سعادت ابدی راستگویان را انتخاب کنید. برای زندگی اخروی آماده شوید. مراقب کسی باشید که برای دنیای بعدی خلق شده است. او چه ارتباطی با این دنیا دارد؟ در حالی که فقط اثرات سو آن (احتکار غیرقانونی) را به همراه دارد، شخصی با ثروتی که به زودی پشت سر خواهد گذاشت، چه خواهد کرد؟ ای مخلوقات خدا! از خوبی هایی که خداوند به شما وعده داده است غافل نشوید و در بدی که از شما خواسته خودداری کنید، طمع نکنید. ای مخلوقات خدا! خدا را آگاه باشید و از روزی که اقدامات شما مورد قضاوت قرار می گیرد، بترسید. ای مخلوقات خدا! "خود" شما (روح یا ضمیر) مانند نگهبانی است که مراقب شماست. اندام های شما حافظان مراقبت هستند که اعمال شما را حفظ می کنند، و تعداد نفس های شما را (حتی ثبت می کنند). تاریکی شب تاریک نه می تواند اعمال شما را از آنها پنهان کند و نه حتی می توانید پشت درهای بسته نیز پنهان شوید. مطمئناً فردا (روز حساب) نزدیک است.

حال با تمام آنچه که در آن قرار دارد دور خواهد شد و آینده در پی آن خواهد آمد. همه با مرگ روبرو می شوند و در همان مکان، قبر، تنها قرار می گیرند. سپس (پرده های) باطل از روی شما برداشته می شود و بهانه های شما در آن زمان هیچ نتیجه ای نخواهد داشت. حقیقت آشکار خواهد شد. همه موارد مربوط به شما پاداش (خوب یا بد) آنها را کسب می کند. بنابراین، مشاوره خوبی بگیرید، از مثالها بیاموزید، و به هشدارها توجه کنید.

(خطبه ۱۵۶)

## یک حساب از مردم گذشته و یادگیری از زندگی آنها:

ای مخلوقات خدا ، به شما توصیه می کنم که به خدا احترام ورزید (تقوا پیشه کنید) ، او لباس خوبی به شما داد و به شما رزق فراوان بخشید. اگر کسی (در تاریخ) وجود داشت که بتواند نردبانی (برای صعود به آسمان) را به زندگی ابدی یا راهی برای جلوگیری از مرگ محکم کند ، این سلیمان ، پسر داوود بود. وی به همراه اعطای نبوت و مقام شرافتمندانه بر سرزمین جن و انس تحت کنترل قرار گرفت ، اما وقتی آنچه را که باید در غذا (پایان زندگی این جهان) به پایان می رساند تمام کرد و زمان (ثابت) خود را به پایان رساند ، کمان نابودی او را با تیر مرگ شلیک کرد و خانه هایش خالی شد. سرانجام گروه دیگری از مردم آنها را به ارث بردند. قطعاً قرن های گذشته برای شما عبرت دارد.

فراغنه کجا هستند؟ کجایند کسانی که با ارتش پیشروی کردند ، دشمنان خود را شکست دادند ، نیروهایی را بسیج کردند و شهرها را آباد کردند؟

(خطبه ۱۸۱)

### اهمیت خداپسند بودن:

بنابراین ، باید تلاش کنید که خدا را آگاه باشید ، زیرا این یک طناب است که محکم است ، ارتفاع آن بلند است و غیر قابل تخریب است. قبل از نزدیک شدن به مرگ آماده باشید ، زیرا بدون شک حساب در روز قیامت انجام می شود.

"این یک هشدار برای کسی است که دارای قوه ی ادراک است ، و یک درس برای کسی است که دارای جهل است."

(قرآن ۳۹:۷۳)

آنها از مجازات در امان هستند. محل سکونت آنها آرام خواهد بود و از اسکان خود راضی خواهند بود. آنها مردمی هستند که اعمالشان در این دنیا عقیف بود ، چشمهایشان

اشک آور بود ، شبهایشان در این دنیا به دلیل ترس و استغفار مانند روزها بود و روزهایشان به دلیل احساس تنهایی و جدایی (از پروردگارشان) مانند شبها بود. بنابراین ، خداوند بهشت را به عنوان پاداش و محل بازگشت (نهایی) آنها قرار داد.

در آزمایشات صبور باشید؛ در مسائلی که خداوند عجله نکرده است عجله نکنید. هرکسی از شما که در رختخواب خود بمیرد در حالی که از حقوق خدا ، حقوق پیامبرش و اعضای خانه پیامبر (ص) آگاهی دارد ، او به عنوان شهید خواهد مرد. پاداش او به عهده خداوند است و مستحق پاداش آنچه که اعمال خوبی را در نظر داشته است ، خواهد بود.

(خطبه ۱۸۹)

### توصیه ای برای تمرین خدا آگاهی و احتیاط در برابر عشق به این دنیا:

ای مخلوق خدا به تو نصیحت می کنم که خداشناسی داشته باشی ، زیرا این حق خدا بر تو است و حق تو را بر خدا ایجاد می کند و در (دستیابی به آن) و آگاهی از خدا در جستجوی تقرب با خدا تو را یاری می کنند. مطمئناً ، آگاهی از خدا یک محافظ و سپر است و برای فردا (روز قیامت) ، راهی به بهشت است. این راهی روشن است و هرکسی که روی آن قدم بگذارد موفق میشود. چه بسا کسانی که در این مسیر قدم بگذارند و عدالت را پیشه کنند، اندک خواهند بود! تعداد آنها بسیار کم خواهد بود و آنها افرادی هستند که خداوند متعال در کتاب مقدس به شرح زیر به آنها اشاره کرده است:

"و تعداد کمی از موجودات من سپاسگزار هستند!"

(قرآن ۱۳:۳۴)

بنابراین ، به سوی آن (تقوا) شتاب کنید و برای رسیدن به آن بکوشید. خواب خود (از غفلت) را با بیداری (از روی مراقب) مبادله کنید. آن را (تقوا) زینت قلب خود قرار دهید ، گناهان خود را با آن پاک کنید و بیماری های (معنوی) خود را با آن شفا دهید. از او

(بدبخت) که آن را نادیده گرفت ، عبرت بگیرید. مراقب باشید ، شما باید آگاه بوده و باید از طریق آن از خود مراقبت کنید.

او را فرومایه (از نظر ظاهری) که ممکن است خداوند به او مقام والایی (معنوی) داده باشد ، ملاحظه نکنید و او را فقط به این دلیل که این جهان به او مقام والایی بخشیده است (در مقام معنوی) والا ندانید. چشم خود را به چیزهای خیره کننده دنیا نیندازید ، به سخنان او که در مورد آنها لاف می زند و شما را به سمت آنها صدا می کند گوش ندهید. زرق و برق آن فریبکارانه است ، وعده های آن دروغ است ، و ثروتش به فنا می رود.

مراقب باشید ، این جهان ابتدا (فردی) را به خود جلب می کند و سپس فرو می پاشد. دروغ می گوید و از شما سو استفاده می کند. تکذیب می کند و ناشکر است. بدخواه است و (دوستداران خود) را رها می کند. جلب می کند اما در دسر ایجاد می کند. شرایط آن همیشه در حال تغییر است ، قدم های آن متزلزل است ، افتخار آن در واقع ننگ است ، جدی بودن آن شوخی است و قدر آن را فرومایگی است. محل غارت و ویرانی است. درباره عاشقان جهان ، غیر خدا ، این کتاب می گوید:

"پس بر آنها آسمان ها و زمین گریه کنند ، و به آنها احترام نگذاشتند."

(قرآن ۲۹:۴۴) (خطبه ۱۹۰)

معرفت خداوند کلید دریافت هدایت ، تأمین دنیای بعدی ، آزادی از هر نوع بردگی و رهایی از ویرانی است. با کمک آن ، سالک امیدوار است که به موفقیت (رستگاری) دست یابد.

کارهای خوب انجام دهید در حالی که انتظار بازگشت زیاد است ، در حالی که توبه می تواند سودمند باشد ، در حالی که دعاها شنیده می شود و در حالی که شرایط آرام است. به سرعت نسبت به اعمال (نیکوکارانه) قبل از پیری عجله کنید (شما را ضعیف می کند)

، بیماری ناتوان است ، یا مرگ شما را تسخیر می کند. مطمئناً مرگ به خوشحالی ها و لذت های شما پایان می دهد و باعث تحقق اهداف (دنیوی) شما می شود. مطمئناً این یک بازدید کننده ناخوشایند است ، اما یک دشمن شکست ناپذیر است که گویی ناگهان به سراغ شما آمده است.

بنابراین این شما هستید که می توانید لوازم زندگی آخرت را بدست آورید. بگذارید زندگی این دنیا شما را فریب دهد ، همانطور که پیشینیان را فریب داده است. قبرهای آنها محل زندگی آنها شد و ثروت آنها به دیگران منتقل شد. آنها نمی دانستند که چه کسی از آنها (قبور آنها) بازدید کرده است و حتی نمی توانند کسانی را که بر سر آنها گریه می کنند بشنوند. بنابراین مواظب این دنیا باشید که خیانتکار ، فریبکار و غیرصادق است. لذت های آن موقتی است و آثار ناشی از مصیبت های آن پایدار است.

(خطبه ۲۲۸)

### توصیف وی از یک شخص وارسته:

خداپسندان اهل تمایز هستند. گفتار آنها به حد مطلوب است ، لباس آنها ملایم و راه رفتن آنها فروتنانه است. آنها چشمان خود را به آنچه خداوند برای آنها حرام دانسته بسته نگه می دارند و گوشهای خود را با دانش مفید آنها تنظیم می کنند. در زمان آزمایش ، آنها آرام هستند. عظمت خالق در قلب آنها است و هر چیز دیگری برای آنها بی اهمیت به نظر می رسد. از نظر آنها ، بهشت و لذت هایش گویی در حالت جسم آنها هستند. از نظر آنها ، رنج ها و مجازات های جهنم به گونه ای است که گویی واقعا شاهد آنها هستند.

قلب آنها غمگین است (از دیدن رنج های اطراف خود) ، از خود در برابر شر محافظت می کنند ، بدن آنها لاغر است (به دلیل روزه گرفتن و کمتر غذا خوردن) ، نیازهای آنها اندک و روح آنها پاک است. آنها (سختی این زندگی) را برای مدت کوتاهی تحمل می

کنند، و در عوض، سعادت ماندگار (آخرت) را بدست می آورند. این معامله مفیدی است و خداوند آن را در دسترس آنها قرار داده است. دنیا سعی کرد آنها را مجذوب خود کند، اما آنها پاسخی به آن ندادند. دام را برای آنها قرار داد، اما آنها از آن اجتناب کردند. در طول شب ها، آنها کتاب مقدس (قرآن) را تلاوت می کنند، و از طریق تلاوت آن به دنبال تصفیه معنوی (تعالی بخش) هستند. وقتی با آیه ای در توصیف بهشت روبرو می شوند، جذب آن می شوند و آن را در تصورات خود تجسم می کنند. وقتی با آیه ای روبرو می شوند که حاوی توصیفی از جهنم است، احساس می کنند که صدای جهنم به گوش آنها می رسد. آنها سجده می کنند و برای نجات خود به خداوند متعال التماس می کنند. آنها لاغر و ضعیف به نظر می رسند (به دلیل روزه داری و عادت های غذایی سخت گیرانه).

آنها کارهای خوب خود را نادیده می گیرند. آنها سریع تقصیر را قبول می کنند. وقتی کسی آنها را ستایش می کند، با خود می گویند، "من خودم را بهتر از دیگران می شناسم، و پروردگارم من را بهتر از من می شناسد." آنها سپس دعا می کنند: "خدایا، طبق آنچه آنها می گویند با من رفتار نکن، مرا از آنچه در مورد من فکر می کنند بهتر کن و مرا (از کمبودهای من) ببخش که آنها نمی دانند."

ویژگی متقی این است که او در دین قدرت دارد، در کنار نرمی دارای استحکام است، ایمان با اعتقاد راسخ، اشتیاق به (جستجوی) دانش، اعتدال در ثروت، فداکاری در عبادت، لطف در محرومیت، تحمل در سختی، آرزو برای حلال، و متنفر بودن از حرص و آز. او کارهای نیکوکارانه انجام می دهد اما همچنان احساس ترس می کند (به دلیل عدم انجام کار کافی). او صبح و عصر خدا را شکر و ستایش می کند. خنک بودن چشم او در موهبت هایی است که جاودانه است (در آخرت)، و نسبت به مسایل معنوی ارجح هستند.

امیدها و آرزوهای دنیوی او بسیار اندک و ساده ، روحیه اش راضی ، وعده های غذایی او کوچک و ساده ، دینش ایمن و خشم او سرکوب شده است. از او فقط خوبی انتظار می رود. شر از او بسیار دور است. او را که به او ستم می کند می بخشد و به او که او را محروم می کند می بخشد. با کسی که رفتار بدی دارد، به خوبی رفتار می کند.

او نرم زبان است؛ گفتار ناشایست با او فاصله زیادی دارد. گناهان او وجود ندارد و فضایل او بسیار زیاد است. برخورد او در هنگام مصیبت ها با وقار است. او در زمان پریشانی صبور است و در هنگام آسودگی شکرگزار (از خدا) است. او با مردم حتی اگر از آنها بدش بیاید ، عادلانه برخورد می کند و به خاطر عزیزانش مرتکب گناه نمی شود. او حتی قبل از ارائه مدارکی علیه او ، حقیقت را اعتراف می کند. او از آنچه در حضانتش است دریغ نمی کند و تعهد خود را فراموش نمی کند. او به دیگران نام بد نمی گذارد و به همسایه خود آسیب نمی رساند. او از بدبختیهای دیگران احساس خوشبختی نمی کند. او از آنچه اشتباه است دوری می کند و به آنچه درست است پایبند است.

اگر به او ظلم شود ، او تحمل می کند و اجازه می دهد تا خدا از جانب او انتقام بگیرد. مردم از او احساس امنیت می کنند. او به خاطر زندگی آخرت در این زندگی سختی ها را تحمل می کند. دوری او از دیگران از طریق زهد و تطهیر است و قرب او با کسانی که نزدیک است از طریق مهربانی است. دور نگه داشتن او از مردم به دلیل پوچی یا احساس برتری نیست ، و نه نزدیکی او با آنها فقط برای نمایش است.

(خطبه ۱۹۲)

### فواید معرفت خدا:

یک انسان آگاه از خدا مشکلات را از خود دور می کند. دشواریها برای او آسان می شود ، رزق و روزی بیشتر می شود ، لطف خدا سر می رسد و برکت مانند باران فرو می ریزد.

بنابراین خدا را آگاه باشید. خدا نصیحت خوبی به شما می کند. او رسول خود را برای هدایت شما فرستاد، و به شما لطف می کند. بنابراین، منحصرأ خود را وقف خدا کنید.

(خطبه ۱۹۷)

### افرادی که نه با کالا و نه با هیچ چیزی از یاد خدا دور نمی شوند:

مطمئناً، خداوند سبحان و متعال، ذکر خود را نوری برای قلب ها قرار داده است. با کمک این نور، مردم خداپسند بصیرت پیدا می کنند، که آنها را به تسلیم اراده الهی راهنمایی می کند.

در زمان هایی که هیچ پیامبری در میان مردم نبود، افراد خداپسند (تقدس مآب) بودند که خداوند به وسیله آنها افراد خود را راهنمایی می کرد. آنها به هرکسی که راه صالح را پیش گرفتند بشارت می دهند، اما هرکس راه نادرستی را در پیش بگیرد، او را از نابودی بر حذر می دارند. به این ترتیب، آنها به عنوان چراغ (هدایت) در میان تاریکی های جهل خدمت می کردند.

افرادی هستند که به ذکر (خدا) اختصاص داده شده اند و آن را به جای مسائل دنیوی ترجیح داده اند. تجارت آنها را از یاد خدا دور نمی کند.

خواهید دید که آنها چشمه های هدایت هستند. فرشتگان به دور آنها می چرخند، پیامهای صلح (از آسمان) بر آنها نازل خواهد شد، و آنها بسیار افتخار خواهند کرد زیرا خداوند خدمات آنها را ارج نهاد. آنها با فروتنی او را طلب می کنند و از او طلب آمرزش و درخواست نعمت می کنند. خدا با بخشش فقیر نمی شود و کسانی را که تلاش می کنند به او نزدیک شوند ناامید نمی کند.

(خطبه ۲۲۰)



بخش سوم:

(ارتباط با خدا از طریق دعا)

دعاهای حضرت امیر (ع)

### مقدمه:

دعا عملی است که در آن از خداوند در مورد امری درخواست می‌شود و او نیاز فرد را برطرف می‌کند. در اسلام، این امکان به عنوان شکلی از عبادت و منبع دستیابی به قرب و رضایت خداوند، از جایگاه مهمی برخوردار است.

حضرت علی (ع) مجموعه بزرگی از ادعیه را که از پیامبر (ص) آموخته بود، در اختیار مسلمانان قرار داد. برخی از ادعیه الهی از پیامبر الهام گرفته شده و برخی دیگر توسط فرشته جبرئیل آورده شده است. در زیر چند نمونه از دعاها آورده شده است. دعاها در زبان اصلی خود به زبان عربی، دارای کیفیت شعری و موزون و تأثیر معنوی عمیقی هستند. علاوه بر این، دعاها نمونه‌ای از برتری ادبیات را ارائه می‌دهند.

### دعایی برای باران:

مطمئناً خداوند مخلوقات را به دلیل کارهای شورشان (غیر قابل توبه) با کاهش میوه‌ها، کم‌نگه داشتن نعمت‌ها و بستن گنجینه‌های خیر، امتحان می‌کند، تا کسی که می‌خواهد توبه کند، توبه کند، کسی که می‌خواهد (از شر) روی گرداند، کسی که می‌خواهد به یاد بیاورد (خوبی فراموش شده) ممکن است به یاد بیاورد، و کسی که می‌خواهد (از شر) خودداری کند ممکن است این کار را انجام دهد. خداوند سبحان، استغفار (خود) را وسیله‌ای برای ریختن معیشت و رحمت قرار داده است، همانگونه که خداوند فرموده است:

«از پروردگار خود طلب آمرزش کنید! به راستی، او بسیار بخشنده است، او از ابر بر شما باران می‌فرستد و از راه ثروت و پسران (فرزندان) به شما کمک می‌کند.»

(قرآن ۱۷: ۱۰-۱۲)

خدا رحمت کند کسی را که توبه کرده، گناهان را ترک کرده و قبل از مرگ در انجام کارهای خوب شتاب کرده است.

"خدای من! هنگامی که کودکان و جانوران گریه می کنند، از رحمت تو، به امید سخاوت و بخشش تو، و ترس از عذاب و عقوبت تو، از زیر پرده ها و پوشش ها (خانه ها) به سوی تو بیرون آمده ایم. اوه خدای من! ما را از باران خود بنوشان و ما را ناامید نکن و سالها ما را در خشکسالی نگذار و ما را به خاطر آنچه نادانان در میان ما مرتکب شده اند مجازات نکن، ای مهربان ترین مهربانان.

خدای من! ما نزد تو آمده ایم تا از تو خواهش کنیم، زیرا خشکسالی و قحطی ما را رانده است، نیازهای ناراحت کننده ما را درمانده کرده و ناگواری های دردسرساز بی وقفه بر سر ما آمده است. اوه خدای من! ما از تو می خواهیم که ما را ناامید باز نگردانی، و ما را با چشمانی فرومایه باز نگردانی، و ما را به سختی به خاطر گناهان خود تنبیه کنی، و بر اساس اعمال (شر) ما با ما رفتار نکنی.

اوه خدای من! رحمت خود، نعمت خود، رزق و روزی خود و ترحم خود را بر ما بریز و لذت ما را از نوشیدنی ها زیاد کن، زیرا عطش ما را فرو می نشاند، گیاهان سبزی تولید می کند که با آن همه چیز از دست رفته دوباره رشد می کند و همه آنچه خشک شده است به زندگی دوباره برمی گردد. این باید میوه های رسیده تازه و فراوان برای ما به ارمغان بیاورد. با استفاده از آن، ممکن است دشتهای سیراب شوند، رودخانه ها شروع به جریان کنند، گیاهان شاخ و برگ رشد دهند و قیمت ها کاهش یابد. مطمئناً شما بر هر آنچه بخواهید قدرتمند هستید."

(خطبه ۱۴۲)

## دعایی برای بخشش:

اوه خدای من! مرا بخاطر آنچه بیش از آنچه در مورد من می دانی ببخش. اگر (به گناهان) بازگردم، تو به آمرزش بازمی گردی. خدای من، آنچه را که به خودم قول داده ام و به آنها نرسیده ام، ببخش. خدای من، آنچه را که با زبان خود به تو نزدیک می شدم، ببخش، اما قلبم با آن مخالفت کرد و آن را انجام ندادم. خدای من، من را برای نگاه بد، گفته های پست، خواسته های قلب و خطاهای گفتاری را ببخش.

(خطبه ۷۷)

## دعای امام علی در حمد خدا و کوچکی خود:

اوه خدای من! شما شایسته توصیف زیبا و عالی ترین احترام ها هستید. اگر آرزویی به سمت شما باشد، پاسخ شما بهترین است. اگر امید در شما سرمایه گذاری شده باشد، شما بزرگترین کسی هستید که امید دارید. خدای من! تو چنان قدرتی به من ارزانی داری که غیر از تو را ستایش نمی کنم و جز تو را مدیحه سرایی نمی کنم. من ستایش خود را به سمت دیگران که علت ناامیدی و شیطنت هستند، معطوف نمی کنم. تو زبان مرا از تمجید از رعایای انسانیت (ترجیح دادن به تو) و مدیحه سرایی از مخلوقات خود (و نه از خودت) بازداشته ای. خدای من! هرکسی که ستایش کند، او حق دارد پاداشی دریافت کند. مطمئناً، من با نگاهی به گنجینه های رحمت و ذخیره های بخشش شما، به (ستایش) شما روی آورده ام.

اوه خدای من! در اینجا یکی ایستاده است، که منحصرأً به یگانگی تو ایمان آورده است، که متعلق به توست و کسی را که مستحق چنین مداحی هایی نیست، جز تو نمی داند. خواسته من نسبت به تو به گونه ای است که به جز سخاوت تو هیچ چیز نمی تواند فقر آن را درمان کند، جز سخاوت تو هیچ چیز نمی تواند نیاز آن را برآورده کند. بنابراین،

به ما (درخواستها و نیازهای ما) اکتفا کنید و ما را از کشیدن دستهای خود به سوی شخص دیگری غیر از خود راحت کنید.

"مطمئناً، تو بر همه چیز قدرتمند هستی." (قرآن ۶۶: ۸)

(خطبه ۹۰)

### دعایی برای طلب محافظت از خدا:

الحمدلله که مرا چنین ساخته است که هنوز به مرگ نرسیده ام (هنوز زنده هستم)، نه بیمار هستم، نه بخاطر اعمال ناپسند خود پاسخگو شده ام، و نه بدون فرزندان هستم و نه رها شده ام دینم و پروردگارم را باور می کنم. نه هوش من تحت تأثیر قرار گرفته است و نه مجازات افراد گذشته را مجازات کرده ام. من غلامی هستم که در اختیار تو هستم. من در افراط و تفریط مقصر بوده ام. تو التماس دعایم را بر من تمام کردی، و من هیچ التماس (قبل از تو) ندارم.

من هیچ نیرویی ندارم جز آنچه تو به من می دهی و نمی توانم فرار کنم مگر آنچه مرا از آن نجات دهی. اوه خدای من! من محافظت شما را از این می خواهم که با وجود ثروتهایتان بی بضاعت شوید، از اینکه گمراه شوید با وجود راهنمایی هایتان، از اینکه در قلمرو خود مورد آزار و اذیت قرار بگیرید، و از تحقیر شدن در حالی که اختیارات با شما است. اوه خدای من! بگذارید روح من اولین چیزهای والایی باشد که از من می گیرید، و بگذارید اولین اعتماد از نعمتهای شما باشد که به من سپرده شده است.

اوه خدای من! ما به جای محافظت از راهنمایی های شما، از روی گرداندن از فرمان شما، یا شورش در برابر دین شما، یا هدایت شدن توسط خواسته های خود، محافظت می کنیم.

(خطبه ۲۱۴)

## دعای توکل بر خدا:

اوه خدای من! چهره من (شخص من) را با سهولت در زندگی حفظ کن و مرا با بیچارگی رسوا نکن ، مبادا مجبور شوم از کسانی که (خودشان) از تو دریافت می کنند امرار معاش کنم یا سعی در جلب لطف تو کنم. در نتیجه خودم را در ستایش آنها (به جای تو) مشغول می کنم. در حقیقت ، شما استاد هستید ، که اهدا می کند و از کسی دریغ نمی دارید.

"به راستی ، شما بر همه چیز قدرت دارید." (قرآن ۶۶: ۸)

(خطبه ۲۲۳)

## التماس دعا برای هدایت و بخشش:

اوه خدای من! تو بیشترین علاقه را به عاشقان خود داری و آماده ترین برای کمک به کسانی هستی که به تو اعتماد دارند. تو آنها را در کارهای پنهان شان می بینی ، از آنچه در وجدانشان است آگاهی و از میزان هوش آنها اطلاع داری. در نتیجه ، اسرار آنها به روی تو باز است ، و قلب آنها مشتاقانه برای تو است. اگر تنهایی باعث دلزدگی آنها می شود ، یادآوری تو به آنها آرامش می بخشد. اگر پریشانی برایشان پیش آمد ، از شما طلب حفاظت می کنند ، زیرا آنها می دانند که افسار امور به دست شماست و حرکت آنها به دستورات شما بستگی دارد.

اوه خدای من! اگر قادر به بیان درخواست خود نیستم ، از نیازهای خود بی اطلاع هستم ، پس مرا به سمت بهبود خود راهنمایی کن و قلبم را به سمت هدف راهنمایی فرما. اوه خدای من! طبق بخشش خود با من رفتار کن و بر طبق عدالت خود با من رفتار نکن. (زیرا عدالت تو مرا مجازات خواهد کرد.)

(خطبه ۲۲۵)

# بخش چهارم:

(کسب دانش حقیقی)

دعاهای حضرت برای کسب دانش

## کشف ایشان در مورد دانش

مقدمه:

دانش سکولار برای فرد شناخت و احترام ایجاد می‌کند و ممکن است به ثروت منجر شود. دانش معنوی باعث می‌شود فرد به خدا نزدیکتر شود. در هر صورت، اگر دانش اکتسابی و کاربردی باشد، خرد و تهذیب را القا می‌کند و این دانش به معنای واقعی آن است. با این حال، اگر دانش تغییر مثبتی ایجاد نکند، صرفاً اطلاعات است. در این فصل، حضرت علی (ع) درباره دانش واقعی با بصیرت بحث می‌کند.

مثال‌ها:

### یک دانشمند نادان:

عالمی که مطابق دانش خود رفتار نکند مانند انسان نادانی است که از جهل خود هیچ بهره‌ای نمی‌برد. خداوند دانشمندی را با معیار بالاتری قضاوت خواهد کرد، و او را در معرض سرزنش بیشتر خدا (به دلیل کاستی هایش) قرار می‌دهم.

(خطبه ۱۰۹)

### درباره وظایف یک رهبر

قطعاً هیچ تعهدی بر عهده امام نیست جز انجام مسئولیت‌هایی که از طرف خداوند به وی محول شده است. یعنی انتقال هشدارها، توصیه‌های خوب، احیای آموزه‌های واقعی پیامبر، اجرای قانون (شرعی) و توزیع خیرات به مستحقان. بنابراین، در حالی که در مجاورت اهل دانش هستید، به کسب دانش بشتابید.

(خطبه ۱۰۴)

### دانش فرشتگان:

(پروردگارا) فرشتگان را در آسمان ها، بالاتر از زمین، قرار دادی. آنها بیشترین دانش را راجع به شما و خلقت شما دارند.

(خطبه ۱۰۸)

### دانش در مورد خداوند:

الحمدلله خداوند که چنین است که توصیف وی و یا شناخت واقعی از او امکان پذیر نیست. از آنجا که عظمت او فراتر از (درک) عقل است، بنابراین، عقل (به تنهایی) نمی تواند به قلمرو او منتهی شود.

(خطبه ۱۵۴)

### ایمان، دانش و معرفت را افزایش می دهد:

ایمان به سمت کارهای پر فضیلت راهنمایی می کند، در حالی که کارهای با فضیلت به رسیدن به ایمان کمک می کند. ایمان دانش را افزایش می دهد و دانش منجر به یاد مرگ می شود (یعنی واقعیت اجتناب ناپذیر).

(خطبه ۱۵۵)

### دانش در قرآن کریم:

بدانید که قرآن شامل آگاهی از آنچه در آینده خواهد آمد، داستان های گذشته، درمان بیماری های (اخلاقی و معنوی) شما و مقرراتی برای کمک به هر مشکلی که با آن روبرو هستید.

(خطبه ۱۵۷)

### اطلاعات بیشتر در مورد دانش در قرآن کریم:

خداوند سبحان ، کسی (مانند گذشته) را مانند این قرآن نصیحت نکرد ، زیرا این طناب محکم خداوند و وسیله قابل اعتماد او است. شکوفا شدن قلبها و چشمه های دانش است.

(خطبه ۱۷۵)

### قرآن کریم حاوی اقیانوس های دانش است:

قرآن معدن طلای اعتقاد و منبع اقیانوس های دانش است. این دانش به کسی که آن را گوش می دهد (و توجه می کند) اعطا می کند ، برای او که آنها را (با دیگران) مرتبط می کند ، مثل های شایسته ای دارد و برای فقیه احکام قاطعی دارد.

(خطبه ۱۹۷)

### دانش در مورد حقوق خدا:

هرکسی از شما که در رختخواب خود بمیرد در حالی که از حقوق خدا (یعنی تعهدات در برابر خدا) و حقوق پیامبرش و اعضای خانه پیامبر (ص) آگاهی دارد ، مرگ او مانند این است که شهید شده باشد. پاداش او بر عهده خداوند است.

(خطبه ۱۸۹)

### شیطان با معرفت ها را هم از راه به درمی کند:

ای مردم! از عواقب بیهودگی بترسید ، زیرا پوچی دام شیطان است ، و این نیرنگ بزرگ او و سمی است که به قلب مردم وارد می شود. به ندرت از قربانی خود چشم پوشی می کند.

(خطبه ۱۹۱)

### دانش اعضای (برگزیده) خاندان پیامبر (ص):

بدانید که ، قطعاً ، کسانی که به آنها دانش خدادادی اعطا شده است ، از آنچه خدا می خواهد محافظت شود ، محافظت می کنند و بدین وسیله چشمه ها (از برکات او) را (به نفع بشریت) جاری می کنند.

(خطبه ۲۱۳)

### اطلاعات بیشتر در مورد دانش خاندان پیامبر (ص):

آنها مایه حیات دانش و فریاد مرگ جهل هستند.

آنها دین را به شیوه ای سخت کوشانه درک کردند ، نه با شنیدن سخنان صرف و نه به دست آوردن از روایات ، زیرا مروج دانش بسیارند ، اما کسانی که آن را می فهمند ، اندک هستند.

(خطبه ۲۳۷)

### بهترین دانش:

بهترین دانش آن چیزی است که (صاحب آن) سود می برند. دانش بی فایده (دارنده) بدون سود است و ارزش یادگیری ندارد.

(نامه ۳۱)

### ما به میزان معرفت مان آزمایش خواهیم شد:

وجود ما به این دنیا ختم نمی شود و ما (در درجه اول) برای این جهان خلق نشده ایم. ما نباید از تمام انرژی خود برای به دست آوردن لذت ها ، قدرت و شکوه (زمینی) استفاده کنیم.

ما (به این دنیا) اعزام شده ایم تا با توجه به میزان دانش (یعنی درک) ، اهداف و اعمال خود مورد آزمایش قرار بگیریم.

(نامه ۵۵)

### دانش نشانه تمایز است:

دانش بهترین علامت تمایز است.

(سخن حضرت)

### دانش سطحی:

این دانش که فقط بر زبان شما باقی می ماند ، سطحی است. ارزش واقعی دانش هنگامی محقق می شود که به آن عمل کنید.

### مشاوره در مورد دانش:

برخی از افراد دانش خود را فقط با گفتن نشان می دهند ، در حالی که برخی دیگر در دانش خود تأمل می کنند و سعی می کنند معنای موجود در آن را دریابند.

### عمیق فکر کردن:

هیچ تعالی برتر از دانش نیست؛ هیچ دانشی برتر از تأمل و تدبیر عمیق نیست.

### احترام به دستورات دانش:

دانش قدرت است؛ به احترام و اطاعت فرمان می دهد. یک انسان دانشمند ممکن است مردم را وادار به اطاعت و پیروی از او کند و پس از مرگ او مورد ستایش و تکریم قرار گیرد.

## مردم پس از مرگ بر اساس دانش خود "زندگی می کنند":

کسانی که ثروت اندوزی می کنند ، اگرچه زنده هستند ، اما برای واقعیت های زندگی مرده اند و کسانی که به دانش دست می یابند ، حتی پس از مرگ نیز با توجه به دانش و خرد خود زنده خواهند ماند. دانشی که آنها پشت سر گذاشته اند باقی خواهد ماند.

### دانش قدرت است:

نظر شما نسبت به دیگران با دانش و خرد شما متناسب است.

### خرد و دانش:

کسی که از وقایع زندگی درس می گیرد ، بینایی پیدا می کند. کسی که بینایی می یابد خردمند می شود؛ و کسی که به خرد دست یابد ، به دانش دست می یابد.

### دانش بهتر از ثروت است:

به یاد داشته باشید ، دانش بهتر از ثروت است ، زیرا از شما محافظت می کند ، در حالی که شما باید از ثروت محافظت کنید. در صورت خرج کردن ، ثروت کاهش می یابد ، اما هرچه بیشتر از دانش استفاده کنید ، بیشتر نیز می شود. آنچه از طریق ثروت بدست می آورید با از بین رفتن ثروت از بین می رود ، اما آنچه از طریق دانش به دست می آورید حتی پس از از بین رفتن نیز باقی خواهد ماند.

### درباره دانش (توصیه او به یک همسفر):

کومایل بن زیاد می گوید يك بار هنگامی که حضرت علی (ع) از قبرستانی عبور کرد ، آهی بلند کرد و فرمود:

کومایل ، این قلبها (او به خود اشاره کرد) ظرف اسرار دانش و خرد است و بهترین ظرف ظرفی است که بیشترین نگهداری را داشته باشد و آن را (بهتر) حفظ کند. بنابراین ، آنچه را که به شما می گویم با دقت به خاطر بسپارید.

• به یاد داشته باشید ، مردم سه نوع هستند: نوع اول آن افراد دانشمندی هستند که در اخلاق حقیقت و فلسفه دین تبحر زیادی دارند. نوع دوم کسانی هستند که در مرحله کسب دانش هستند. و نوع سوم آن طبقه از افراد تحصیل نکرده (و ساده لوح) است. آنها از رهبران دروغگو پیروی می کنند ، به هر شعاری که می شنوند اعتقاد دارند و از محکومیت خود فاقد مبنای منطقی هستند.

• به یاد داشته باشید ، دانش بهتر از ثروت است ، زیرا دانش از شما محافظت می کند ، در حالی که شما باید از ثروت محافظت کنید. در صورت خرج کردن ، ثروت کاهش می یابد ، اما هرچه بیشتر از دانش استفاده کنید ، بیشتر نیز می شود. آنچه از طریق ثروت بدست می آورید با از بین رفتن ثروت از بین می رود ، اما آنچه از طریق دانش به دست می آورید حتی پس از از بین رفتن نیز باقی خواهد ماند.

• به یاد داشته باشید ، دانش یک قدرت است و به اطاعت فرمان می دهد. یک انسان دانشمند در طول زندگی خود می تواند مردم را وادار به اطاعت و پیروی از او کند و پس از مرگش مورد ستایش و تکریم قرار می گیرد.

به یاد داشته باشید که دانش مانند یک حاکم است ، در حالی که ثروت تحت سلطه ی آن است.

• ای کمیل! کسانی که ثروت جمع می کنند ، اگرچه زنده هستند ، اما برای واقعیت های زندگی مرده اند و کسانی که دانش کسب می کنند ، با توجه به دانش و خرد خود ، حتی پس از مرگ نیز زندگی می کنند.

[کمیل می گوید که پس از این پایان نامه کوتاه ، حضرت علی (ع) به سمت سینه خود اشاره کرد و فرمود]:

بین ، کمیل! در اینجا من گنجینه های دانش را در اختیار دارم. کاش کسی را پیدا می کردم که این را به اشتراک بگذارد. شخصی که می دانم در ازای لذتهای دنیوی نجات

خود را می فروشد. او دین را بهانه ای برای بدست آوردن قدرت و ثروت می کرد و از نعمت دانش برای کنترل افراد خداپسند و سواستفاده از افراد بی خبر استفاده می کرد. شخص دیگری که می شناسم دانش داشت ، اما به نور واقعی دین نرسیده بود و در کمترین ابهام یا تردید ، در حقیقت شک می کرد ، به دین بی اعتماد بود و شک می ورزید. بنابراین ، هیچ یک از آنها قادر به کسب دانش بالاتری نبودند که با من است.

شخص دیگری وجود دارد که برده نفس خود است (یعنی برده ای برای تأمین خواسته های روح خود) و حرص و آز او را به راحتی از مسیر دین می کشاند. شخص دیگر بنخیل است که برای درک و نگهداری ثروت جان خود را به خطر می اندازد. هر دو این افراد فایده ای برای دین و انسانیت نخواهند داشت. آنها مانند جانوران هستند و فقط به نیازهای (بیولوژیکی) خود پاسخ می دهند.

اگر متولیان واقعی دانش و خرد کاملاً از جوامع بشری ناپدید شوند ، ممکن است صدمات جبران ناپذیری به بشریت وارد کند. با این حال ، این زمین هرگز بدون افرادی نخواهد ماند که از حقیقت محافظت شده توسط خداوند محافظت خواهند کرد.

آنها ممکن است افراد شناخته شده ای باشند که علناً دانش خدایی را که به آنها آشکار شده است ، بیان می کنند ، یا ممکن است به دلیل تهدید به خشونت علیه آنها ، خود را از نگاه عمومی دور کنند. در حالت اخیر ، آنها مخفیانه مأموریت خود را برای حفظ و تبلیغ حقیقت همانطور که پیامبر خدا تعلیم داده اند ، انجام می دهند.

به خدا سوگند که این افراد بسیار اندک هستند ، اما ارزش و درجه آنها در برابر خدا بسیار بالا است. آنها دانش و مأموریت خود را قبل از مرگ به شخصی مانند آنها می سپارند. دانش آنها به آنها اجازه می دهد واقعیت های (پنهان) و حقیقت برتر را ببینند. مأموریت آنها سختی های بیش از حد را برای آنها به همراه دارد آنها مانند افراد عادی زندگی می کنند ، اما روح آنها تا اوج های حضرت عالی صعود می کند.

آنها نمایندگان خدا بر روی زمین هستند و مردم را به سوی خود دعوت می‌کنند. چقدر دوست دارم آنها را ملاقات کنم ، ای کمیل!

## بخش پنجم:

(جلوگیری از خواسته‌های دنیوی)

شناسایی حق با ناحق

امور خیر، اسراف، بخل، ریاکاری و طعنه زدن

## آرزوهای جهانی ، اشتباه گرفتن حق با ناحق

مقدمه: قلب ما می تواند مملو از عشق به امور دنیوی یا عشق به خدا باشد. نمی تواند هر دو عشق را همزمان تحمل کند. به ما گفته می شود که از چیزهای دنیا لذت ببرید اما در مورد آنها طمع نکنید. حضرت علی (ع) در پاراگراف آخر این سخنرانی به زیبایی فرموده است ، "وقتی کسی چیزی را دوست دارد ، او را کور می کند و قلب او را آزار می دهد." بنابراین ، به راحتی می توان فهمید که عشق به این دنیا و تلاش ها و لذت های آن منجر به فاصله گرفتن از خدا می شود. این امر منجر به فساد روح می شود.

### اشتباه گرفتن حق با ناحق:

علت اصلی شرارت ناشی از پیگیری خواسته های (دنیوی) است. خواسته های (بیهوده یا بیش از حد) و عمل به دنبال آنها در کتاب خدا منع شده است. اگر اشتباه خالص باقی مانده بود ، پنهان نمی ماند و اگر حق بدون خلوص با غلط خالص باقی مانده بود ، آنگاه کسانی که مخالف آن هستند ، جدا می شوند. با این حال ، معمولاً درست و غلط به گونه ای با هم مخلوط می شوند که افراد گیج می شوند. این یک ابزار قدرتمند و از اثرات شیطان است. فقط کسانی که از جانب خداوند متعال (از چنگال شیطان) نجیب و (محافظت شده) هستند، در امان خواهند ماند.

(خطبه ۵۰)

### ریاضت، باری را در آخرت سبک می کند:

هدف شما (پاداش در آخرت) پیش روی شماست و قیامت (ساعت). رستاخیز) به دنبال شماست. (خود را) نور (از گناه و اعمال قابل سرزنش). کسانی (که زودتر رفته اند) برای شما منتظرند.

(خطبه ۲۱)

## درباره خواسته‌های قلب و امیدهای زیاد:

ای مردم ، دو چیز در شما که بیشتر از همه می ترسم خواسته هایی است که بر اساس آن عمل می کنید و امیدهای بزرگ است. عمل به خواسته ها شما را از صدق باز می دارد و امیدآفرینی باعث می شود دنیای بعدی (مقصد نهایی خود) را فراموش کنید. بدانید که این جهان به سرعت در حال پیشرفت است (به سمت نابودی آن) ، و دنیای بعدی هرچه سریع تر نزدیک می شود. شما باید به دنبال دنیای بعدی باشید ، نه این دنیا ، زیرا در روز قیامت هر کس با آنچه که دنبال می کند همراه خواهد بود. بنابراین ، زمان عمل است ، زیرا در روز حساب توبه و جبران خسارت خیلی دیر است.

(خطبه ۴۲)

## عشق به این دنیا و تأثیرات آن بر روح:

وقتی کسی چیزی را دوست دارد ، او را کور می کند و قلب را آزار می دهد. سپس می بیند ، اما با چشمهای مبتلا ، و می شنود ، اما با گوش های کر. آرزوها ، عقل او را به خطر می اندازد و (عشق به جهان) قلب او را "مرده" می کند (از یاد خدا غافل می شود). در نتیجه ، او برده (خواسته های دنیوی) می شود و مطیع هرکسی می شود که این چیزها را برای او جلب کند و از مبلغ مشاوره نمی گیرد ، و از پند و اندرز خدا نیز مراقبت نمی کند.

(خطبه ۱۰۸)

## غلط بودن خیریه و اسراف:

مقدمه: قرآن تأکید زیادی بر انفاق و سخاوت کرده است. در مورد نگرش انسان نسبت به جمع آوری ثروت ، قرآن می گوید: "و مطمئناً او در عشق به ثروت خشن است" (۱۰۰: ۸). صدقه دادن به طور آشکار و مخفیانه برای رضایت خدا ، شخص را به او نزدیکتر

می‌کند. در بخشهای بعدی، حضرت علی (ع) هم فواید و هم آداب صدقه دادن را بیان کرده است.

### درباره خیریه:

خیریه اسلامی (زکات یا تطهیر) به عنوان یک واجب وضع شده است. هرکس آن را از طریق تطهیر روح خود پردازد، این به عنوان یک تصفیه کننده برای او و محافظت در برابر آتش (جهنم) است. بنابراین، هیچ کس (که آن را پرداخت می‌کند) نباید پس از آن احساس دل بستگی کند، و همچنین نباید از آن ناراحت باشد. هرکس آن را بدون قصد پاکسازی قلب خود پردازد، پاداش لازم را دریافت نمی‌کند. او مسلماً از آموزه های دین بی اطلاع است.

(خطبه ۱۹۸)

### درباره بخل:

شما ثروت خود را در خدمت خدا نمی گذرانید، گرچه اوست که به شما ثروت داده است و همچنین به خاطر او جان خود را به خطر نمی اندازید، گرچه اوست که شما را آفرید (و شما را زنده کرد). شما از عزتی که خداوند متعال به شما عطا کرده لذت می برید، اما او را در میان مخلوقاتش تکریم نمی کنید. شما باید از برادران ایمانی خود که زودتر (از این دنیا) رفتند درس بگیرید.

(خطبه ۱۱۶)

### اسراف:

کسی که سخاوت خود را نسبت به کسانی که ادعای آن را ندارند و یا بی لیاقت هستند نشان دهد، جز تمجید از ناآگاهان و قدردانی مردم ناشایست، چیزی کسب نخواهد کرد، و در امور خدا، بخشنده ممکن است بخیل باشد (در نظر گرفته شود).

بنابراین ، به هرکسی که خدا ثروت می بخشد ، باید از آن در ترویج نیکی در میان خویشاوندان خود استفاده کند. در سرگرمی ، کمک به زندانیان و مصیبت دیدگان. در دادن به فقیر و بدهکار. او باید در احقاق حقوق شایسته (دیگران) تلاش کند ، در این روند سختی ها را تحمل کند (در صورت لزوم) و از این طریق انتظار پاداش (از خدا) را داشته باشد. مسلماً دستیابی به این خصوصیات ، اوج عظمت در این جهان و دستیابی به تمایز در دنیای بعدی (توسط رحمت خدا) است.

(خطبه ۱۴۱)

### درباره ریاکاری، پشت پرده

مقدمه: در این فصل ، حضرت علی (ع) به برخی از بیماری های اجتماعی بسیار مهم مانند ریا و سرزنش پرداخته است که برای ایمان و جامعه بسیار مضر است. کلمه "منافق" در قرآن برای افرادی که از نظر ظاهری مسلمان بودند اما با اسلام دشمنی پنهانی داشتند به کار رفته است. در مواردی ، خدا هویت آنها را برای پیامبر (ص) فاش می کرد ، اما پیامبر اطلاعات را برای خود نگه می داشت و ریاکاری آنها را برملا نمی کرد. این امر نه تنها اشراف پیامبر را نشان می داد ، بلکه به حفظ صلح و اتحاد در جامعه نیز کمک می کرد. خلافتکاری در اسلام یک گناه بزرگ است ، همانطور که شایعه سازی و افشای گناهان و کاستی های دیگران نیز گناه است.

### شرح منافقین:

ما خدا را به خاطر همکاری که در انجام اطاعت خود و جلوگیری از نافرمانی به ما داده ، ستایش می کنیم و از او می خواهیم که نعمتهای خود را (بر ما) تمام کند ، و ما را به طناب (تکیه گاه) خود وادارد. ما شاهد هستیم که محمد (ص) بنده و پیامبر او است. او برای رسیدن به رضایت خدا همه سختی ها و غم ها را تحمل کرد. اعضای خانواده و نزدیکان او با او رنج می بردند ، در حالی که روابط دور بر ضد او بود. بزرگان جامعه و

در کل مردم علیه او اعلان جنگ کردند. مردم از شهرها و جوامع دور در مخالفت با او متحد شدند.

ای مخلوقات خدا به شما توصیه می‌کنم که خدا را آگاه باشید. من شما را از منافقان بر حذر می‌دارم، زیرا آنها خود گمراه هستند و به نوبه خود دیگران را گمراه می‌کنند. آنها (وانمود می‌کنند) از شما حمایت می‌کنند، اما در کمین شما کمین می‌کنند. در ظاهر، آنها دوستانه و صمیمی به نظر می‌رسند، در حالی که قلب آنها بیمار است. آنها یواشکی راه می‌روند و مانند نزدیک شدن بیماری (بالای بدن) پا می‌گذارند. گفتار آنها برای گوش‌ها تسکین‌دهنده و راحت‌کننده است، اما قصد و عمل آنها برعکس است. قربانیان بی‌خبر آنها بسیارند. آنها همدردی شما را از طریق اشک‌های حيله‌گر و دروغین به دست می‌آورند.

وقتی چیزی را می‌خواهند، اصرار بر داشتن آن دارند. اگر (کسی) را سرزنش کنند، (او) را رسوا می‌کنند. و اگر آنها علیه شخصی حکمی صادر کنند، مرتکب زیاده‌خواهی می‌شوند. آنها راهی پیدا می‌کنند تا هر حقیقتی را انکار یا تحریف کنند. گفتار آنها تردیدهایی را در ذهن شنونده ایجاد می‌کند. آنها وقتی چیزی را توصیف می‌کنند اغراق می‌کنند. در ابتدا، آنها راه حل‌های آسان ارائه می‌دهند، اما (بعداً) کارها را دشوار می‌کنند. آنها حزب شیطان هستند.

خداوند این را در مورد منافقان می‌فرماید:

"شیطان آنها را تسخیر کرده است، بنابراین آنها را وادار می‌کند که یاد خدا را فراموش کنند. آنها حزب شیطان هستند. برحذر باشید! به راستی، حزب شیطان بازنده است" (قرآن ۱۹: ۵۸).

(خطبه ۱۹۳)

## درباره خیانت:

ای مردم! مطمئناً وفای به عهد همزاد حقیقت است. من سپر بهتری (در برابر گناه) نمی دانم. کسی که واقعیت بازگشت (به خدا) را بپذیرد، هرگز خیانت نمی کند. ما در دوره ای هستیم که مردم خیانت را هوشمندانه و خردمندانه می دانند. نادان آن را زیرکی می نامند. عاقبت آنها چیست؟ آنها با خشم خدا و قصاص روبرو خواهند شد.

(خطبه ۴۱)

## درباره بد دهانی:

کسانی که مرتکب گناه نمی شوند و (از گناهان) در امان بوده اند باید گناهکاران را ترحم کنند. آنها در شکرگذاری خدا مشغول هستند و وقت (یافتن عیب و نقص) دیگران را ندارند. معاصری که برادرش را مقصر می داند (پشت سرش) و از او ایرادی می گیرد، چه عذر و بهانه ای دارد؟

آیا او به یاد نمی آورد که خدا گناهان خود (معترضین) را که بزرگتر از گناهان برادرش بود، پنهان کرده است؟

چگونه خود او (برادرش) در مورد گناهان خود ناسزا می گوید در حالی که خود مرتکب چنین گناهی شده است؟

حتی اگر گناه مشابهی مرتکب نشده باشد، ممکن است گناهان بزرگتر دیگری نیز مرتکب شده باشد. به خدا قسم، حتی اگر او گناهان بزرگی مرتکب نشده باشد بلکه فقط گناهی کوچک مرتکب شده باشد، افشای گناهان دیگران خود یک گناه بزرگ است.

ای مخلوق خدا، در افشای گناه (یا تقصیر) کسی سریع نباش، زیرا ممکن است خدا او را ببخشد و حتی در انجام یک گناه کوچک نیز احساس امنیت نکنی، زیرا ممکن

است خداوند به خاطر آن تو را معجزات کند. بنابراین ، هرکدام از شما که عیب های دیگران را می داند نباید آنها را افشا کند ، و باید مشغول شکر خدا باشید که شما را از آنچه دیگران درگیر آن بوده اند نجات داده است.

(خطبه ۱۳۹)

### درباره شنیده ها:

ای مردم! اگر شخصی برادر خود را ثابت قدم در ایمان و در راه درست بداند ، نباید به آنچه مردم در مورد او می گویند گوش دهد. شایعات و صحبت های شما بسیار گسترده می تواند باشد ، در حالی که خدا شنونده است و او شاهد است.

"هیچ فاصله ای بین حقیقت و دروغ جز چهار انگشت نیست."

معنای این جمله را از حضرت علی نقل کردند ، در نتیجه او چهار انگشت خود را جمع کرد و آنها را بین گوش و چشم خود قرار داد و گفت: "این دروغ است وقتی می گوید ،" من چنین و چنان شنیده ام" ، در حالی که حقیقت است وقتی می گوید ، "من آن را دیده ام" (یعنی با چشم خود).

(خطبه ۱۴۰)

## بخش ششم:

(توجه به توصیه‌های امام)

مشاوره و راهنمایی‌های امام

- کلیدهای موفقیت

## مقدمه:

در این مجموعه پند و اندرز، حضرت علی (ع) مردم را به تقوا، صداقت، راستگویی و خداشناسی دعوت می‌کند. این دانش برتر و بالاترین سطح معنویت وی را نشان می‌دهد. در چند کلمه، او موفقیت را، که به دست آوردن رستگاری از طریق دعا و شکر خدا، توبه و استغفار همراه با کفاره است، تعریف می‌کند. او سخن رانی نیک و در عین حال فصیح است. مثالها و سناریوها در اینجا تأثیر زیادی بر خواننده می‌گذارد.

## احتیاط او درباره این جهان:

کتاب خدا (قرآن) در میان شماست، استدلالهای آن (قانع کننده) است و پیام آن محکم (و روشن) است. مانند ساختمانی است که ستون‌های آن مستحکم است و غیرقابل تخریب است.

خداوند پیامبر (ص) را پس از فاصله (از نظر زمانی) با پیامبران قبلی، هنگامی که صحبت‌های زیادی (در مورد آمدن او) بود، منصوب کرد. با او، خداوند سلسله پیامبران را پایان داد و بدین وسیله آیات خود را به پایان رساند. سپس او (خدا) از پیامبر در برابر کسانی که او را رد می‌کردند و با در مخالفت بودند، دفاع کرد. کسانی که "کور معنوی" هستند، فراتر از این جهان (مادی) را نمی‌بینند. دید یک بیننده (به عنوان مثال، کسی که با چشم قلب نگاه می‌کند) از طریق قلب نفوذ می‌کند و می‌فهمد که محل زندگی (واقعی) فراتر از این جهان است. بنابراین بیننده چشم انتظار خروج از این جهان است (از طریق مرگ اجتناب ناپذیر)، در حالی که ناینیان (از نظر معنوی) می‌خواهند در اینجا بمانند (تا آنجا که ممکن است). اولی برای دنیای بعدی (از این دنیا) روزی را جمع می‌کند، در حالی که دومی فقط برای این دنیا می‌اندوزد.

باید بدانید که انسانی (که به این دنیا وابسته است) به سختی از زندگی (دنیا) اشباع شده است، زیرا منافع (در آخرت) را پس از مرگ پیش بینی نمی‌کند.

شما با هم به دنبال خواسته‌های (دنیوی) هستید و در جمع آوری ثروت با یکدیگر به شدت رقابت می‌کنید. روح شرور (شیطان) شما را گیج کرده و فریب او شما را گمراه کرده است. برای تو و خودم از خدا یاری می‌جویم.

(خطبه ۱۳۲)

### مشاور او:

ای مخلوقات خدا! از موعظه و نصیحت بهره مند شوید. راهپیمایی شما به سمت مکانی است که همه باید به آنجا بروند، یعنی مرگ. کتاب مقدس می‌گوید:

"با هر شخص یک همراه و یک شاهد وجود دارد."

(قرآن ۲۱:۵۰)

همراه (فرشته) او را به سمت روز قیامت سوق می‌دهد، در حالی که شاهد (فرشته) شواهد و مدارکی درباره اعمال او ارائه می‌دهد.

(خطبه ۸۴)

### پند و اندرز او:

عذاب خدا در برابر دشمنانش علی‌رغم رحمت بی‌حد و حصر او سخت است و شفقت او نسبت به دوستانش علی‌رغم مجازات (قدرت) او بسیار زیاد است. او بر کسی که او را به چالش می‌کشد غلبه می‌کند و کسی را که با او درگیر می‌شود نابود می‌کند (به عنوان مثال، فرعون که علیه موسی جنگید). او کسی را که با او مخالف است رسوا می‌کند و کسی را که خصومت می‌ورزد جلب می‌کند. او برای کسی که به او توکل کند کافی است. او به کسی که به او التماس می‌کند اعطا می‌کند. او (سخاوتمندانه) کسی را که به او قرض می‌دهد بازپرداخت می‌کند. خداوند به او پاداش می‌دهد، که از او تشکر می‌کند.

ای مخلوقات خدا، قبل از بررسی، خود (اعمال) را بررسی کنید. قبل از اینکه مقابله کنید، مطیع او باشید. بدانید که اگر کسی به مشاور خود تبدیل نشود (یعنی مسئولیت امور خود را به عهده بگیرد)، پس شخص دیگری نمی‌تواند این کار را برای او انجام دهد.

(خطبه ۸۹)

### حمایت از مستضعفین:

به خدا قسم من از طرف مظلوم انتقام خواهم گرفت و ظالم را به دادگاه خواهم آورد.

(خطبه ۱۳۵)

### مشاوره در برابر فساد و ستم:

ای مردم عربستان، شما قربانی مصیبت‌هایی خواهید شد که بسیار نزدیک است. شما باید از نشئه بودن ثروت اجتناب کنید، از مجازات‌هایی که به شکل ناملايمات به وجود می‌آید ترس داشته باشید و در برابر شیطنت‌ها ثابت قدم باشید. مراقب باشید، شیطنت به طور نامحسوس آغاز می‌شود، اما به یک کراهت بزرگ تبدیل می‌شود.

ستمگران با مشاوره (متقابل) شروع به (شیطنت) می‌کنند. آنها در (تأمین چیزهای) این دنیای حقیر با یکدیگر درگیر هستند. پیرو رهبر را نکوهش خواهد کرد، و رهبر (پیروان) با پیروان اختلاف خواهد کرد. آنها یکدیگر را سرزنش و نفرین خواهند کرد. قلب‌ها پس از محکم شدن متزلزل می‌شوند (از عدم ایمان)، مردم پس از هدایت گمراه می‌شوند، خواسته‌ها افزایش می‌یابد و نظرات متناقض می‌شوند.

هرکس که به سوی این شیطنت پیش رود نابود خواهد شد، قضاوت صحیح اندک خواهد بود، و ظالمان صریح خواهند گفت. این شیطنت ارکان ایمان را متزلزل کرده و پیوندهای اعتقاد راسخ را در هم خواهد شکست. خردمندان از آن دور می‌شوند، در

حالی که افراد شرور آن را در آغوش می‌گیرند. این باعث ایجاد هرج و مرج خواهد شد. مردم خویشاوندی را ترک می‌کنند و ایمان را کنار می‌گذارند.

برخی از افراد (صادق) کشته می‌شوند و به شهادت می‌رسند، و برخی دیگر دچار ترس و وحشت می‌شوند، (ناامیدانه) به دنبال محافظت هستند. مردم با وعده‌های جعلی و اعتقادات جعلی فریب خواهند خورد. در آن زمان، شما نباید طرف شیطنت‌ها و نوآوری‌ها باشید. در عوض، ستون اطاعت (از خدا) شوید. به جای مظلومیت به سمت ملاقات با خدا پیش بروید. از مسیرهای شیطان و مکانهایی که قصد طغیان دارند، خودداری کنید. شکم خود را با لقمه‌های غیرقانونی پر نکنید. شما (در نهایت) خدا را ملاقات خواهید کرد، که اطاعت خود را برای شما آسان کرده و نافرمانی را غیرقانونی اعلام کرده است.

(خطبه ۱۵۰)

### توصیه او در برابر بی‌توجهی:

خداوند مجازات گناهانشان را برای گناهکاران (غیر قابل توبه) روشن می‌کند و حجاب غفلت آنها را از بین می‌برد. من به شما و خودم از چنین سرنوشتی بر حذر می‌دارم. فردی باهوش از مشاوره خوب گوش می‌دهد، تعمق می‌کند، مشاهده می‌کند و از آن بهره می‌برد. او در مسیری روشن قدم می‌گذارد و از گرفتاری جلوگیری می‌کند.

ای شنوندگان من! از رخوت بیرون بیایید، از خواب بیدار شوید و اقدامات عجولانه خود را بررسی کنید. در مورد آنچه از طریق پیامبر به شما رسیده است، یعنی روز قیامت تعمق کنید. افکار باطل خود را برطرف کنید، غرور خود را رها کنید، و مکان آخر استراحت خود (به عنوان مثال قبر) را به یاد بیاورید. در هنگام برخورد با دیگران با شما برخورد خواهد شد، آنچه را که می‌کارید درو خواهید کرد و آنچه امروز ارسال می‌کنید فردا با شما روبرو می‌شود. بنابراین روز (حساب) خود را تأمین کنید. ای شنوندگان از

ترس! اکنون رفتار کن ، ای بی خیال! هیچ کس مانند او که به دانش (از جانب خدا) عطا شده است شما را هشدار نخواهد داد.

اگر کسی با یکی از کارهای زیر که تو به نکرده است ، برای دیدار با خدا این دنیا را ترک کند ، کارهای خوب او را از مجازات نجات نمی دهد:

(الف) برای خدا شریک قایل شده باشد

(ب) بی اراده یک انسان بی گناه را کشته باشد

(ج) عیب ها و گناهان دیگران را پنخش کند

(د) نوآوری در دین را برای منافع شخصی معرفی کرده باشد

(ه) با دیگران با ناعدالتی برخورد کرده باشد

(و) درگیر معاملات اشتباه شده باشد

(خطبه ۱۵۲)

### سرنوشت یک پیشوای ظالم:

من به شما توصیه می کنم که خدا را آگاه باشید. شما باید بدانید که در میان تمام آفرینش ها ، برجسته ترین فرد در برابر خدا یک امام (رهبر) عادل است که (از نظر الهی) هدایت می شود و او نیز به نوبه خود دیگران را راهنمایی می کند. او در کنار راههای شناخته شده آموزه های پیامبر ایستاده و با نوآوری ها (در دین) مخالف است. مطمئناً ، بدترین فرد در برابر خدا ، امام ظالمی است (رهبر) که گمراه شده و دیگران را گمراه می کند.

(خطبه ۱۶۳)

## احقاق حقوق دیگران:

خداوند سبحان، کتاب راهنما (قرآن) را نازل کرده است، که در آن فضیلت و رذایل را تبیین کرده است. شما باید فضیلتی را اتخاذ کنید که به موجب آن راهنمایی می‌شوید و از رذیلت دور می‌مانید تا در راه درست گام بردارید. به خاطر خدا به تعهدات خود عمل کنید و او شما را به بهشت می‌رساند.

مطمئنأ خداوند برخی موارد را حرام دانسته و بعضی موارد را حلال اعلام کرده است. وی احترام گذاشتن به هم خویشان را بسیار مهم اعلام کرده است. او حقوق آنها را در همان درجه (از اهمیت) قرار داده است که همان ارادت (نسبت به خودش) است. بنابراین، مومن کسی است که از زبان و دست او هر کسی ایمن باشد. بنابراین، ستم یا آزار و اذیت مومن حرام است.

در امر (حقوق) موجودات و شهرهایش خداشناس باشید زیرا حتی در مورد زمین و جانوران (یعنی محیط زیست و اکوسیستم) از شما سوال می‌شود. از خدا اطاعت کن وقتی فضیلت را می‌بینید، آن را برگزینید و وقتی رذیلت می‌بینید، از آن پرهیز کنید.

(خطبه ۱۶۶)

## احتیاط در برابر فریب این جهان:

ای مخلوقات خدا! من به شما توصیه می‌کنم که خدا را آگاه باشید، زیرا این بهترین توصیه و بهترین چیز در نزد خداوند است. شما باید وظایف خود را انجام دهید و از کارهای منع شده خودداری کنید. تا زمانی که صحت آن را پیدا نکنید، در انجام (اقدام) عجله نکنید.

بدانید که این دنیایی که به آن چشم طمع می‌ورزید، گاهی اوقات شما را ناراحت و گاه خوشنود می‌کند. این محل اقامت شما (دائمی) و محل اقامت شما نیست که برای آن آفریده شده‌اید. بدانید که این برای همیشه دوام نخواهد داشت، و شما به طور نامحدود

در اینجا زندگی نخواهید کرد. در حالی که اینجا هستید ، به سوی خانه ای که به آن دعوت شده اید (در آخرت) پیش بروید و قلب های شما از (عشق به) دنیا دور شود.

(خطبه ۱۷۲)

### نصیحت او برای اطاعت از خدا:

از احکام خدا پیروی کنید ، زیرا خداوند شما را هدایت روشنی قرار داده است و شما هیچ بهانه ای ندارید (در غیر این صورت عمل کنید). وی اعمالی را که تأیید می کند و کارهایی را که تأیید نمی کند به روشنی برای شما توضیح داده است. پیامبر خدا می فرمود: "(راه به) بهشت با چیزهای ناخوشایند (یعنی وظایف، آزمایشها و گرفتاریها) احاطه شده است ، در حالی که (جاده به) جهنم توسط خواسته های (جذاب) احاطه شده است."

باید بدانید که اطاعت از خدا ممکن است ناخوشایند باشد (گاهی اوقات) ، در حالی که نافرمانی او لذت بخش است (اغلب). خداوند کسی را که بر خواسته های خود کنترل کرده و اشتهای (بیهوده) قلب خود را مهار می کند ، پیامرزد ، زیرا قلب از طریق خواسته ها منجر به نافرمانی می شود.

ای مخلوقات خدا ، بدانید که این قرآن یک مشاور و راهنما است که هرگز فریب نمی دهد و گمراه نمی کند و هیچ دروغی را در بر ندارد. هیچ کس این قرآن را نخواند یا به آن گوش ندهد اما هدایت وی افزایش می یابد یا کوری خاصی (معنوی) برطرف می شود. بنابراین ، برای درمان بیماری های خود به دنبال آن باشید و در (غلبه بر) ناراحتی ها و مشکلات خود کمک کنید. بسیاری از بیماریهای معنوی را درمان می کند ، مانند بی ایمانی ، ریا ، گمراهی و غیره. بنابراین ، از طریق آن (تلاوت قرآن) و از طریق دعا به خدا نزدیک شوید.

(خطبه ۱۷۵)

## درباره سو استفاده زبانی از دشمنان خود:

من از شما بد دهنی (حتی) دشمنان خود را دوست ندارم. با این حال، اگر اقدامات آنها را به یاد بیاورید و بازگو کنید، بهتر است. به جای سو استفاده از آنها، بگویید، "خدایا! آنها را نجات دهید، آشتی بین آنها و ما ایجاد کنید و آنها را از گمراهی خود بیرون کنید، تا کسی که از حقیقت غافل است، در مورد آن دانش کسب کند، و کسی که تمایل به عصیان دارد ممکن است از آن روی برگردد."

(خطبه ۲۰۵)

## درباره خودفریبی، غفلت و جهل:

ای مردم! چه چیزی باعث جسارت شما در انجام (ارتکاب) گناه شده است؟ چه چیزی شما را در مورد خدا فریب داده و شما را به نابودی خود راضی کرده است؟ آیا هیچ درمانی برای بیماری شما وجود ندارد و یا بیداری از خواب امکان ندارد؟

آیا مانند دیگران به خود ترحم نمی‌کنید؟ به طور کلی، وقتی می‌بینید کسی در معرض تابش نور آفتاب است، برای او سایه فراهم می‌کنید، یا اگر کسی را که به درد شدیدی مبتلا شده است مشاهده می‌کنید، از سر ترحم نسبت به او گریه می‌کنید (دلسوزی کنید). چه عاملی باعث شده است که شما نسبت به مصیبت (معنوی) خود اینقدر مدارا کنید؟ چه چیزی مانع از گریه شما بر سر خودتان شده است، اگرچه زندگی شما برای شما با ارزش‌ترین زندگی است ولی چرا ترس از بیماری که ممکن است شب شما را به وجود آورد، شما را بیدار نمی‌کند، و همچنان از خدا بخاطر گناهانتان در راه خشم هستید؟

شما باید تلاش کنید تا از بیماری که قلب شما را آزار داده است خلاص شوید و از خواب غافلان بیدار شوید. تلاش کنید که مطیع خدا باشید و از یاد او لذت ببرید. شما در حال فرار از او هستید، در حالی که او شما را به سوی خود فرا می‌خواند. او شما را به عفو و

تقصیرهای خود به خاطر لطف خود فرا می‌خواند. قطعاً والای خداوند متعال است ، که سخاوتمند است ، در حالی که شما ضعیف هستید (در ایمان) ، اما چنان جرات دارید که از او سرپیچی کنید ، زیرا می‌دانید که تحت حمایت او زندگی می‌کنید و تغذیه شما از مهربانی نامحدود او ناشی می‌شود. او شما را از مهربانی خود محروم نمی‌کند و محافظت خود را از بین نمی‌برد. در حقیقت ، شما حتی یک لحظه از مهربانی‌های او ، لطفی که اعطا کرده بود ، گناهی که پنهان کرد و یا بلایی بود که از شما دور رانده شد ، بی بهره نبودید!

به راستی که دنیا شما را فریب نداد ، اما شما فریب آن را ترجیح دادید. برای او که به آن وابسته نیست ، منزل عادلانه ای است و برای او که آن را به عنوان یک اقامتگاه دائمی نمی‌داند ، محل مطلوبی است.

فقط کسانی که دنیا را رد می‌کنند در آخرت با فضیلت محسوب می‌شوند. هنگامی که زمین لرزه زمین را لرزاند و روز قیامت با تمام سختی‌های آن بشارت داده شود ، آنگاه مردم به مکانهای عبادت خود پناه می‌برند. آنها به هدف ارادت خود خواهند چسبید. مردم با رهبران متبوع خود هم‌گروه خواهند بود. در آن روز ، استدلال‌ها بی‌فایده خواهد بود و بهانه‌ها رد می‌شوند.

بنابراین ، اکنون باید دوره ای را که ممکن است بهانه شما را پذیرفته و ادعای شما را بپذیرد ، برای خود انتخاب کنید. از چیزهای دنیا چیزهایی که برای شما مفید است (در دنیای بعدی) بگیرید ، برای سفر (ابدی) خود لوازم تهیه کنید و نجات خود را (در آخرت) حفظ کنید.

(خطبه ۲۲۱)

مردی از حضار از حضرت علی (ع) خواست که در مورد داشتن زندگی هوشیارانه راهنمایی کند، پس از آن حضرت علی او را چنین نصیحت کرد:

در زمره افرادی نباشید که می‌خواهند بدون کار برای آنها بازدهی خوبی کسب کنند، یا کسانی که امید زیادی دارند و توبه را به تعویق می‌اندازند و مانند پارسا صحبت می‌کنند اما لذتهای دنیوی را ترجیح می‌دهند.

از کسانی نباشید که علی رغم سخاوت، ناراضی هستند. آنها به وسایل متوسط خود راضی نیستند. آنها به خاطر آنچه در یافت می‌کنند خدا را شکر نمی‌کنند و به درخواست بیشتر ادامه می‌دهند. آنها دیگران را به کارهای خوب دعوت می‌کنند که خودشان آنها را انجام نمی‌دهند. آنها نیکی را در دیگران می‌دانند، اما آن را قبول نمی‌کنند. آنها از افراد شرور بدشان می‌آید، اما در واقع شیوه‌های زندگی خود را دنبال می‌کنند.

آنها به دلیل گناهان بیشمار خود از مرگ می‌ترسند، اما سبک زندگی گناه آلود خود را اصلاح نمی‌کنند. اگر بیمار شوند، توبه نشان می‌دهند، اما با به دست آوردن سلامتی دوباره به روش‌های گذشته خود باز می‌گردند. هنگامی که با بدبختی روبرو می‌شوند، به خدا متوسل می‌شوند، و از او تقاضای تسکین می‌کنند، و هنگامی که آسایش می‌آید، با سهولت و راحت فریب می‌خورند و غافل می‌شوند، و نمازهای آیینی اجباری را ترک می‌کنند.

ذهن آنها با خیال پردازی و امیدهای زیاد جلب می‌شود و از روبرو شدن با واقعیت‌های زندگی بیزارند. آنها مجازات سختی را برای گناهان دیگران پیش بینی می‌کنند، اما برای گناهان خود انتظار مجازات بسیار سبکی را دارند. ثروت این گونه افراد را مغرور، سرکش و شرور می‌کند. و مشکلات مالی آنها را ناامید و مأیوس می‌کند.

بلاها و مصائب امید آنها را می‌کاهد و بی‌تاب می‌شوند. آنها در موعظه تبحر دارند اما در اجرا ضعیف هستند. آنها زود به لذت‌های دنیوی دست می‌یابند اما در مورد به دست

آوردن مزایای آخرت بی توجه هستند. آنها غالباً دیگران را مورد انتقاد قرار می دهند ، سریعاً در صدور احکام قضاوت می کنند و در حالی که از تقصیرهای خود چشم پوشی می کنند ، به عمل خود می بالند. آنها معاشرت افراد ثروتمند و با نفوذ را که اتلاف وقت در تجملات و رذایل است ، ترجیح می دهند و از معاشرت با افراد با تقوا کم برخوردار هستند. آنها خواستار اطاعت از دیگران هستند ، اما مطیع خدا نیستند. آنها عوارض خود را به راحتی جمع می کنند ، اما به راحتی از آنچه متعلق به دیگران است دست نمی کشند. آنها از خدا نمی ترسند. آنها در عوض از رعایای او می ترسند.

(نامه ۳۱)

### مشاوره (وصیت) او به پسرانش:

(این توصیه قبل از مرگ وی ، پس از آن بود که دشمن در هنگام نماز در مسجد امام علی را با تیغی مسموم بر اثر ضربات کشنده بر روی سرش زخمی کرد.)

پسرانم ، من به شما توصیه می کنم که خدا را آگاه باشید. دنبال این دنیای فاسد نروید ، اگرچه ممکن است سعی کند شما را فریب دهد. به دنبال آن نباشید ، اگرچه ممکن است شما را جستجو کند ، و غمگین نشوید و برای اموری که این دنیا دست نیافتنی است ، آرزو کنید. اجر و نعمت های ابدی خداوند شما را برای همه آنچه می گوید و می کنید راهنمایی میکند. ظالمان و ستمگران را حقیر بدارید و برای مظلومان یار و یاور باشید.

من به شما و به فرزندان دیگرم ، به نزدیکانم و به همه کسانی که وصیت نامه من را دریافت می کنند ، به شما سفارش می کنم که خدا را آگاه باشید و پرهیزکار باشید. با یکدیگر جز به انجام معاملات منصفانه و صادقانه نکوشید. و پیوندهای خود را با خویشاوندان خود تقویت کنید ، زیرا من از پدر بزرگ شما ، پیامبر (ص) شنیده ام که می گوید: "از بین بردن خصومت متقابل ، احساس کدورت و نفرت، بهتر از نماز و روزه است."

وقتی مسئله یتیمان بی پناه است ، مواظب خدا باشید. هرگز نباید اجازه دهید آنها از گرسنگی بمیرند. تا زمانی که برای محافظت از آنها در آنجا هستید ، هیچ آسیبی به آنها وارد نخواهد شد. پیامبر (ص) همیشه این مسئولیت را نصیحت و به ما یادآوری کرده بود ، به گونه ای که ما غالباً تعجب نمی کردیم که پیامبر خدا حتی ممکن است سهمی از ارث ما را به (یتیمان) اختصاص دهد.

در مورد آنچه در قرآن کریم است نگران باشید ، مبادا دیگران در پیروی از اصول آن و اطاعت از دستورات آن از شما پیشی بگیرند. در مورد همگام شدن با نمازهای واجب از خدا بترسید ، زیرا نمازهای واجب ستون های ایمان شما هستند. در مورد بیت مقدس او نگران باشید. نگذارید خلوت شود ، زیرا اگر خالی از سکنه باشد ، بازنده خواهید بود. فراموش کننده خدا نباشید.

در راه او با زبان خود ، با ثروت خود و با زندگی خود مبارزه کنید. دوستی متقابل ، عشق و حمایت از یکدیگر را توسعه دهید. مراقب باشید که بی احتیاط و جز همدردی با یکدیگر روبرو نشوید و رفتار نکنید. مردم را به انجام کارهای خوب ترغیب کنید و آنها را به پرهیز از شر امر کنید. اگر این کار را نکنید ، شرور و بدکاران حکمرانان شما خواهند شد ، و اگر با کمال میل به آنها اجازه دهید حاکم شما باشند ، خداوند دعای شما را اجابت نمی کند.

ای مردم ، اجازه ندهید از قاتل من انتقام گرفته شود و با شمشیرهای کشیده در آن پرسه زنید. علاوه بر این ، قتل عام مخالفان من را شروع نکنید و مراقب باشید که فقط قاتل من به عنوان مجازات اعدام شود (مطابق قانون کشور) ، زیرا مجازات جرم قتل برای قاتل مرگ است و هیچ کس نباید مورد آزار و اذیت قرار گیرد.

اعدام مردی که مرا زخمی کرد تنها زمانی اتفاق می افتد که تسلیم زخم تحمیل شده توسط وی شوم و این مجازات فقط یک ضربه شمشیر برای پایان دادن به زندگی او خواهد

بود. او نباید قبل از مرگ شکنجه شود، و نباید دست و پایش قطع شود، زیرا من از پیامبر (ص) شنیده‌ام که می‌گوید: "کسی را مثله نکن، چه سگ شرور باشد."

(نامه ۴۷)

## مغز شگفت انگیز انسان

به مغز یک انسان نگاه کنید؛ یک اندام فوق العاده است. ببینید چه گرایش‌های خوب و بدی از آن نشأت می‌گیرد. از یک سو، گنجینه‌های دانش و خرد را در خود جای داده و از سوی دیگر، آرزوهای فرومایه را در خود جای داده است. اگر مردی جای خود را به بخل پس دهد، آرزوهای بیش از حد او را از بین می‌برد. اگر ناامید شود، ناامیدی بر او غلبه می‌کند. اگر آشفته شود، حوصله‌اش سر می‌رود. اگر او راضی باشد، پس از احتیاط دست می‌کشد. ترس ناگهانی او را مبهوت و عصبی می‌کند و نمی‌تواند فکر کند و راهی برای برون رفتن از شرایط پیدا کند.

در زمان صلح و سعادت، او نسبت به آینده بی‌توجه می‌شود. اگر ثروت بدست آورد، مغرور می‌شود. اگر در پریشانی فرورود، تحریک، بی‌حوصلگی و عصبی بودن او را رسوا می‌کند. اگر فقر بر او غلبه کند، خود را در وضعیت بسیار ناراحت کننده‌ای می‌بیند. گرسنگی او را ضعیف می‌کند و پرخوری به او آسیب می‌رساند. به طور خلاصه، هر نوع ضرر و سود، او را از نظر ذهنی (و از نظر روحی) ناپایدار می‌کند.

## جهان مکانی برای کسب پاداش است:

مطمئنناً، این جهان برای کسانی که با دقت به آن نگاه می‌کنند، خانه‌ی حقیقت است. این مکان محل سکونت و آرامش برای کسانی است که راه و روحیات آن را درک می‌کنند و بهترین مکان کار برای کسانی است که می‌خواهند برای زندگی آخرت خود پاداش کسب کنند. این مکان کسب دانش و خرد برای سالک و عبادتگاه دوستان خداست. این مکانی است که پیامبران از جانب خدا وحی می‌گیرند. این مکان برای

افراد نیکوکار و مقدسین است که کارهای خوب انجام می دهند و پاداش می گیرند. فقط در این دنیا آنها می توانند با انجام کارهای خیرخواهانه، نعمت های خداوند را کسب کنند. کجا می توان همه اینها را انجام داد؟ این به ما آموخته است که همه ساکنان آن باید در نهایت با مرگ روبرو شوند.

این نشانه ای از مصیبت هایی است که ممکن است رخ دهد، و لذت های آن کوتاه مدت است. عصر روز امید به رونق را افزایش می دهد و صبح روز بعد اضطراب و نگرانی ایجاد می کند. افرادی هستند که در روز قیامت، دنیا را به خاطر یادآوری آخرت برای آنها ستایش می کنند، زیرا آنها در کارهای پس از زندگی (در زندگی دنیوی) بهره مند شدند.

### کلیدهای موفقیت:

داشتن چهار ویژگی زیر کلیدهای سود و موفقیت هستند:

۱. کسی که به درگاه خداوند دعا می کند و به او التماس می کند، از استجاب دعا محروم نمی شود.

۲. کسی که (صادقانه) توبه کند از پذیرش توبه محروم نخواهد شد.

۳. کسی که گناهان خود را کتمان کند، از نجات محروم نخواهد شد.

۴- کسی که برای نعمت ها و لطف خدا شکر کند، ادامه (نعمت) از او سلب نمی شود و ممکن است در نعمت ها افزایش یابد.

خداوند درخواست کسی را که از او می خواهد، جلب می کند، به کسی که توبه می کند بخشش می کند و برای کسی که از او سپاسگزار است نعمت ها و برکات را افزایش می دهد.

### مشاوره به پسرش:

پسرم، چهار چیز از من بیاموز، و از طریق آنها چهار چیز دیگر یاد خواهی گرفت. اگر آنها را بخاطر بسپارید، اعمال شما هیچ ضرری برای شما نخواهد داشت.

۱. بزرگترین ثروت خرد است.

۲. بزرگترین فقر حماقت است.

۳. بدترین صفات ضداجتماعی پوچی و خود بزرگ بینی است.

۴. بهترین اشراف نسب خود را با ادب و ظرافت در ادب نشان می دهد.

### پسرم، چهار چیز بعدی عبارتند از:

۱. با یک شخص احمق دوستی نکنید، زیرا وقتی او سعی می کند به شما خیر برساند، در واقع به شما آسیب می رساند.

۲. بخیل را دوست خود قرار ندهید، زیرا او در زمان نیاز شدید از شما فرار خواهد کرد.

۳. با شخص شرور دوستانه رفتار نکنید، زیرا او شما و دوستی شما را با ارزان ترین قیمت به فروش می رساند.

۴- با یک دروغگو دوست نشوید، زیرا مانند یک سراب، او باعث می شود چیزهایی را ببینید که در واقعیت خیلی دور هستند و بالعکس.

### توصیه او به عمویش:

گاهی انسان از به دست آوردن چیزی احساس خوشبختی می کند، غافل از اینکه در هر صورت این امر به سرنوشت او می انجامد. گاهی اوقات مرد از اینکه نمی تواند یک چیز (معین) را بدست آورد غمگین می شود، غافل از اینکه برای او مقدر نبوده و هرگز نمی توانست آن را بدست آورد. چیزهایی که باید مورد رضایت شما قرار بگیرند مواردی

هستند که در آخرت برای شما پاداش به ارمغان می‌آورند ، در حالی که فقط برای از دست دادن پاداش های دنیای بعدی باید متاسف باشید.

(نامه ۲۲)



## بخش هفتم:

(دولت)

نامه به مالک اشتر - فرماندار جدید مصر

مشاوره به فرمانداران و مقامات دولتی

دستورالعمل‌های او به افسران ارتش

خط مشی‌های مالی وی، دستورالعمل‌های جمع‌آوری

مالیات

این نامه به دلیل اهمیتش توسط دبیرکل در سازمان ملل قرائت شده است.

#### مقدمه:

این نامه حاوی دستوراتی است که از طرف حضرت علی (ع) به مالک اشتر، استاندار تازه منصوب مصر صادر شده است. وظایف استاندار شامل جمع آوری مالیات شرعی، مبارزه با دشمن، مراقبت از رفاه مردم و اطمینان از رونق منطقه بود. اصولی که در این نامه آورده شده، عمیق، منحصر به فرد و دارای اهمیت گسترده ای است.

این اصول حاکمیت به روشی عادلانه و صادقانه چنان برجسته است که این نامه در یک مجمع اقتصادی در سازمان ملل توسط دبیرکل وقت به عنوان راهنمایی برای رهبران جهان قرائت شد.

بسم الله الرحمن الرحيم، به تو دستور می دهم، ای مالک، همیشه با معرفت خداوند باش، عبادت او را در اولویت قرار ده، و دستورات او را نسبت به هر چیز دیگری در زندگی برتر بدان، دستورات صادقانه مطابق با کتاب مقدس را، و همچنین آموزه های پیامبر (ص) را اطاعت کن. موفقیت یک شخص برای رسیدن به سعادت در این دنیا و در دنیای بعدی به این بستگی دارد.

من به شما دستور می دهم که از همه توانایی ها و اندام های خود برای کمک به رعایای خود (مخلوقات خدا) استفاده کنید، زیرا خداوند متعال به کسانی که صادقانه سعی می کنند به او کمک کنند (از طریق کمک به مردم) کمک می کند. خداوند بعداً به شما امر کرده است که خواسته های خود را تحت کنترل درآورید و خود را در برابر رذیلت و شرارت باز دارید. روح شما (خود پایه) شما را به بدنامی و لعنتی تحریک می کند و می کشاند، مگر اینکه پروردگار مهربان (برای راهنمایی) به کمک شما بیاید.

بگذارید برای شما معلوم شود که من شما را به عنوان فرماندار به کشوری که تغییرات زیادی در رژیم دیده است می فرستم. برخی از آنها دلسوز و خوب بودند، در حالی که

برخی دیگر مستبد ، ستمگر و بی رحم بودند. مردم دولت شما را همان گونه قضاوت خواهند کرد که شما با آنها رفتار می نمایید.

حتماً می دانید که فردی آگاه و با فضیلت توسط کلمات تأیید دیگران شناخته می شود. بنابراین ، خود را در افکار ، نیت ها و اعمال خود سرچشمه ای از خوبی ها قرار دهید. این مهم فقط با کنترل خواسته ها ، صرف نظر از قدرت آنها قابل دستیابی است. به یاد داشته باشید که بهترین راه برای عدالت خواهی درونی و جلوگیری از آسیب رساندن به آن ، خویشنداری از قربانی شدن در مقابل رذیلت و خواسته های اساسی است.

شما باید در ذهن خود مهربانی ، عطوفت و عشق به افراد خود ایجاد کنید. طوری با آنها رفتار نکنید که گویی یک جانور خشن هستید و گویی موفقیت شما در بلعیدن آنهاست. در بخشیدن و فراموش کردن دریغ نکنید. در مجازات خیلی سریع نباشید و به قدرت خود افتخار نکنید. به راحتی عصبانی نشوید و در برابر اشتباهات و شکست های زبردستان، کنترل خود را از دست ندهید. صبور و دلسوز باشید. عصبانیت یا میل به انتقام گیری کمکی به شما نمی کند. هرگز به خود نگوئید ، "من پروردگارشان ، حاکم آنها هستم و باید مطیعانه و فروتنانه از من اطاعت شود" ، زیرا چنین تفکری شما را بیهوده مغرور می کند و ایمان شما به خدا را سست می کند. اگر به خاطر اقتدار خود افتخار می کنید یا احساس بیهودگی می کنید ، پس به فکر عالی ترین قدرت و حکومت پروردگار عالم باشید. به گستردگی خلقت ، قدرت ، جلال و قدرت مطلق او برای انجام هر کاری که بخواهد فکر کنید ، که حتی تصور داشتن آنها را هم ندارید. چنین افکاری شما را از پوچی ، تکبر و غرور دور نگه می دارد و عقل و تعادل را در ذهن شما باز می گرداند.

## ظلم، خشم خدا را برمی‌انگیزد:

هرگز وانمود نکنید که صاحب قدرت هستید و ممکن است شبیه قدرت خدا باشد، زیرا پروردگار توانا همیشه استبداد را تحقیر خواهد کرد. در مورد امور شخصی خود (از جمله اقوام و دوستان)، اطمینان حاصل کنید که آنها با وظایفی که خدا بر عهده شما گذاشته است، مغایرت نداشته باشد و حقوق مردم را غصب نکنید. بی طرف باشید و نسبت به آنها عدالت داشته باشید، زیرا اگر انصاف و عدالت را کنار بگذارید، مطمئناً شما یک ستمگر خواهید شد. هرکس به رعایای خدا ظلم کند، خشم و نفرت خود را از مظلومین بدست خواهد آورد. و هرکسی که خشم خدا را به دست آورد، شانس رسیدن به رستگاری را از دست می‌دهد. او در روز قیامت بهانه‌ای برای ارائه نخواهد داشت.

هر ظالمی دشمن خداست، مگر اینکه توبه کند و اصلاح شود. به یاد داشته باشید، در این دنیا هیچ چیز بیشتر از آنکه اصرار بر ظلم و ستم بر رعایای او داشته باشد، در این جهان وجود ندارد، زیرا خدای مهربان همیشه دعای مظلوم را می‌شنود. شما باید سیاستی را اتخاذ کنید که نه خیلی شدید باشد و نه خیلی ملایم، سیاستی که مبتنی بر عدالت باشد. به یاد داشته باشید که نارضایتی مردمان عادی و افراد غیر مجاز بیشتر از تأیید چند شخص مهم است. اگر توده‌های مردم از شما راضی باشند، نارضایتی چند نفر مهم توسط خداوند معذور خواهد بود.

## افراد فقیر در ایمان خود قوی هستند:

به یاد آورید! افراد "بزرگ و مهم" (غالباً) از نظر ذهنی زائد جامعه بشری هستند. آنها در لحظات آرامش و خوشبختی شما را درگیر خود خواهند کرد و در طول ساعت‌های نیاز شما کمترین کاربرد را خواهند داشت. آنها بیشتر از عدالت متنفر هستند، بیشتر از شما منابع دولت را مطالبه می‌کنند و به ندرت از آنچه دریافت می‌کنند راضی خواهند بود. در صورت رد هر یک از خواسته‌های بی دلیل خود، آنها نسبت به بسیاری از لطف‌های

دریافت شده خود را موظف نخواهند دید. آنها هرگز بهانه معقول یا هیچ استدلال عقلی را نمی پذیرند و وفادار نخواهید یافت.

مردمان عادی ، فقرا و افراد دارای امتیاز کمتر در میان افراد شما ستون های دین هستند. آنها قدرت واقعی و دفاع در برابر دشمنان دولت هستند. به امور آنها توجه لازم را داشته باشید ، با آنها دوستانه رفتار کنید و اعتماد و حسن نیت آنها را جلب کنید. در کاستی هایی که بدیهی نیستند، پیش بینی نکنید. آنها را به خدا بسپارید. با این حال ، نقاط ضعفی که در موضوعات شما مورد توجه شما قرار می گیرد ، باید در غلبه بر آنها کمک کنید. کمبودهای مردم را آشکار نکنید ، تا خداوند عیوب شما را پنهان کند.

حسادت را در بین مردم ناامید کنید و سعی کنید بی اعتمادی و خصومت متقابل را در میان افراد خود ریشه یابی کنید.

### با همه با عدالت رفتار کنید:

در برخورد با دیگران منصفانه و عادلانه رفتار کنید و مراقب باشید شخصیت ، موقعیت و عملکرد خود را با عنوان منبع سو نیت قرار ندهید. اجازه ندهید هیچ فرد غیر شایسته ای خیلی به شما نزدیک شود. هرگز از حیثیت و اعتبار خود پایین نیاورید. به یاد داشته باشید که متخلفان و رسوا کنندگان به گروهی پست و حيله گر تعلق دارند ، هرچند که آنها خود را به عنوان مشاورانی صمیمانه جلوه میدهند. در اعتقاد به اخباری که می آورند عجله نکنید و به توصیه آنها توجه زیادی نکنید.

نصیحت های افراد بخیل را نپذیرید. آنها سعی خواهند کرد شما را از کارهای خوب و نیک دور نگه دارند. آنها سعی خواهند کرد شما را از فقر بترسانند.

به همین ترتیب ، اجازه ندهید ترسوها به عنوان مشاور شما عمل کنند ، زیرا آنها شما را در اجرای دستورات ترسو می کنند ، شما را از اداره شجاعانه امور مهم می ترسانند و از تأثیر کمتری برخوردار می شوند. در عین حال ، از شخصی حریص و طمع ورز که می

خواهد به عنوان مشاور شما آرزو کند و به شما توصیه کند از جامعه بهره برداری کنید و مردم را تحت فشار قرار دهید، اجتناب کنید. به یاد داشته باشید که بخل، بزدلی و حرص و آز، از عدم ایمان و اعتماد به خدا ناشی می‌شود.

در بین افسران شما بدترین کسانی خواهند بود که زیر نظر حاکمان مستبد خدمت کرده و مرتکب قساوتی شده‌اند. افراد عاقل، فرهیخته، صادق، راستگو و متقی پیدا کنید. چنین افرادی کمترین مشکل را برای شما به اثبات می‌رسانند. آنها دلسوز علل شما خواهند بود. چنین افرادی را به عنوان همراه خود در کنار خود داشته و به جلسات رسمی ببرید. برخی از آنها اعتماد و اطمینان کامل شما را دریافت می‌کنند. آنها کسانی هستند که همیشه می‌توانند بدون هیچ‌گونه احتیاطی، بدون ترس از جایگاه شما، حقایق را بیان کنند و از همکاری با شما در اقدامی که ممکن است خدا تأیید نکند، امتناع می‌ورزند. آنها را تعلیم دهید تا به شما تملق نگویند و با تمجیدهای دروغ مورد پسند شما نباشند، زیرا تملق و تمجیدهای دروغ، پوچی و غرور ایجاد می‌کند.

با افراد خوب و بد نباید یکسان رفتار کنید، زیرا به این ترتیب افراد خوب را دلسرد و بدکاران را جسور خواهید کرد. با هرکس باید مطابق آنچه شایسته اوست رفتار شود.

دریابید که یک حاکم می‌تواند حسن نیت، وفاداری و اخلاص را در ذهن رعایای خود ایجاد کند اگر در هنگام رسیدگی به نیازهایشان با آنها مهربان و ملاحظه باشد و آنچه بیش از توان آنها نیست از آنها مطالبه نکند. اینها اصولی است که باید به خاطر داشته باشید و باید به آنها عمل کنید. بگذارید نگرش شما به گونه‌ای باشد که مردم به شما ایمان نیاورند، زیرا حسن نیت از طرف آنها بسیاری از مشکلات مدیریت شما را کاهش می‌دهد و شما را از بسیاری از نگرانی‌ها راحت می‌کند. حسن اعتماد خود را به کسانی که آزمایش کرده‌اید، برسانید. از روش‌هایی که موجب ایجاد وحدت و دوستی در بین اقشار مختلف جامعه شده و به سود توده‌ها است، دست نکشید. آنها را نشکنید و

نوآوری نکنید ، زیرا اگر قوانین و سنتهای خوب را از بین ببرید ، مجازات الهی تخریب آنها نصیب شما خواهد شد.

### طبقات مختلف افراد جامعه:

حتماً می دانید افرادی که بر آنها حکومت می کنید به طبقات مختلفی تقسیم می شوند. رفاه طبقات جامعه به رفاه متقابل آنها بستگی دارد ، به طوری که کل جامعه مانند یک شبکه متصل به هم بافته شده است. یک طبقه نمی تواند با آرامش ، خوشبختی وجود داشته باشد و بدون حمایت و حسن نیت طبقه دیگر نمی تواند فعالیت کند.

طبقه ای از سربازان هستند که از (برای دولت) هدف خدا دفاع می کنند. طبقه دیگر دبیران و معلمان است. طبقه سوم قضات است. چهارم افسران مأمور نظم و قانون هستند. پس از آن مردمان و مودیان هستند. سپس طبقه مردان حرفه ای و بازرگان هستند و آخرین گروه افراد با درآمد پایین هستند که در پایین ترین طبقه جامعه قرار دارند. خدای مهربان برای هر یک از آنها حقوق و تکالیف مشخصی دارد ، یک کد کامل که در اختیار ماست. تا آنجا که به سربازان مربوط می شود ، آنها از دولت و ساکنان آن محافظت و دفاع می کنند. آنها از صلح حفاظت می کنند. در واقع ، آنها حافظان واقعی صلح هستند و به حفظ یک دولت سالم کمک می کنند. نگهداری ارتش به مالیات های دریافتی توسط دولت بستگی دارد. از این میان خداوند سهمی برای آنها تعیین کرده است.

مردم عادی طبقه مهمی از شهروندان را تشکیل می دهند ، اما در یک کشور رفاهی نمی توان رفاه آنها را بدون عملکرد صحیح سایر طبقات ، از جمله قضات ، دبیران و افسران ادارات مختلف که درآمد جمع می کنند تضمین کرد ، نظم و قانون را حفظ کنید و همچنین صلح و دوستی را در بین طبقات مختلف جامعه حفظ کنید.

رونق جامعه به بازرگانان و صنعت گران بستگی دارد. آنها به عنوان واسطه ای بین مصرف کنندگان و تأمین کنندگان عمل می کنند. آنها نیازهای جامعه را می دانند. آنها کالاهای

مصرفی، مایحتاج ضروری زندگی را فراهم می‌کنند و بازارها و مراکز تجاری را اداره می‌کنند. سپس طبقه بعدی طبقه فقیر، محروم و معلول است. کاملاً لازم است که از آنها مراقبت و به اندازه کافی محافظت شود. خدای مهربان راه‌ها و روش‌های تأمین این طبقه را بیان کرده است. از طرف حاکم کشور، هر عضوی از این طبقه حق دارد برای نیازهای اساسی خود کمک بگیرد.

به یاد داشته باشید که خداوند متعال هیچ حاکمی را از تعهدات خود برکنار نمی‌کند مگر اینکه با خلوص تمام تلاش خود را در انجام آنها به ثمر برساند. بنابراین، از خدا بخواهید تا در انجام وظایفی که با آن روبرو هستید به شما کمک کند.

### انتخاب فرمانده کل ارتش:

او باید فردی باشد که صادق‌ترین و وفادارترین به خدا، به پیامبر (ص) و به امام (رهبر معنوی) باشد. نامزد باید کسی باشد که با تقوا باشد، به صبر، مهربانی و لطافت مشهور باشد، نه زودرنج است و نه زود عصبانی می‌شود، که دلسوزانه عادلانه‌ها را ارزیابی می‌کند و عذرخواهی را می‌پذیرد. که با ضعیفان مهربان و دلسوز است، اما در برابر قوی و قدرتمند شدید است؛ کسی انتقام جویی ندارد که ممکن است منجر به خشونت یا عقده حقارت یا ضعف ذهن شود (یا در افرادش احساس آرامش و ناتوانی کند). برای یافتن و انتخاب چنین شخصی باید با خانواده‌های شریف و نجیب ارتباط برقرار کنید که به خاطر شجاعت، شهامت، سخاوت و بزرگواری مشهور باشند.

وقتی چنین شخصی را پیدا کردید و انتخاب کردید، او را تحت مراقبت قرار دهید، زیرا والدین مراقب کودک هستند تا در صورت مشاهده تغییر در رفتار او، متوجه شوید. با او با مهربانی رفتار کنید. تبلیغات شایسته یا درخواست‌های کوچک را انکار نکنید. این باعث می‌شود او به شما اعتماد کند و به شما وفادار خواهد بود. از نیازهای جزئی او غافل نشوید، زیرا لطف‌های کوچک اغلب نتایج خوبی دارند. توجه دقیق به نیازهای عمده وی بسیار مهم است.

## مشاوره نهایی وی:

حضرت علی (ع) در اینجا آنچه از حاکم انتظار می‌رود را برمی‌شمارد.

برای مدت طولانی از مردم دور نشوید.

نه بیش از حد سخاوتمند باشید ، و نه بخل ورزید.

مراقب موارد دلخواه خود باشید ، که ممکن است بخواهند از شما استفاده کنند.

به هر کسی که متعلق باشد از حقوق لازم برخوردار شوید.

در هر فرصت موجود با دشمن خود صلح کنید.

تعهدات و توافق نامه های افتخاری با دشمن را فراموش نکنید.

از ریختن خون بدون توجیه خودداری کنید.

از خودپسندی و تحسین خودداری کنید.

از تعهد دادن به سوژه های خود به دلیل کمک به آنها به عنوان بخشی از شغل خود

اجتناب کنید.

بیش از آن که امری به سر برسد ، سهمی برای خود اختصاص ندهید.

## سخنان نهایی وی:

من از خدا می‌خواهم که به رحمت و قدرت بی‌حد و مرز خود متوسل شود ، که او ما

را به سمت خوبی سوق دهد و من و شما را به سمت آنچه مورد پسند او است و موجب

لذت مردم و موجب رفاه و افتخار است ، راهنمایی کند. باشد که او موجب شهادت من

و شما به شهادت (در خدمت او) شود. در پایان ، همه ما به سوی او بازمی‌گردیم. من

پیام را با فرستادن سلام و درود بر پیامبر و فرزندان پاکش پایان می‌دهم.

## مشاوره به استانداران و مأموران عمومی

مقدمه: در این فصل، حضرت علی (ع) به مسئولیت‌ها و روش‌های مدیریت برای مقامات دولتی تحت حکومت خود می‌پردازد. او بیشترین تأکید را بر صداقت، رعایت قانون، فروتنی و خیرات دارد. بیش از همه، او بر آگاهی از پاسخگویی در برابر خداوند در قبال اقدامات یک مدیر یا یک مقام عالی دولت تأکید می‌کند.

### حقوق متقابل حاکم و مردم:

خداوند سبحان، با قرار دادن من بر امور شما، به من حقی بر شما داده است، و به همین ترتیب شما بر من حقی دارید. خداوند سبحان، حق خود را (که) مقرر داشته است که باید تنها او را بپرستند، و بر عهده خود قرار داده است که به آنها پاداش فراوان دهد. او حقوق معینی را برای برخی در برابر دیگران ایجاد کرده است. برخی از این حقوق موجب ایجاد حقوق دیگری می‌شود.

بزرگترین حقوقی که خداوند سبحان واجب قرار داده است، حقوق حاکم بر مردم و حقوق مردم بر حاکم است. مردم نمی‌توانند پیشرفت کنند مگر اینکه حاکم سالم باشد، در حالی که حاکم نمی‌تواند سالم باشد مگر اینکه مردم ثابت قدم باشند. اگر رعایا از حقوق حاکم و بالعکس برخوردار شوند، در این صورت دین به درستی اجرا می‌شود و عدالت برقرار می‌شود. این به یک دولت پایدار منجر خواهد شد و دشمنان را دلسرد خواهد کرد. با این حال، اگر حقوق متقابل رعایت نشود، در نتیجه منجر به ظلم و شرارت در این کشور خواهد شد. خواسته‌ها برانگیخته می‌شوند، دستورات (دین) کنار گذاشته می‌شوند، بیماری‌های روح افزایش می‌یابد و خطاهای بزرگتری مرتکب می‌شوند. در چنین شرایطی، نیکوکاران تحقیر می‌شوند در حالی که شرور مورد تکریم قرار می‌گیرند. مجازات‌های خداوند متعال پس از آن بر سر مردم خواهد آمد.

بنابراین شما باید (برای انجام تعهدات خود) با یکدیگر مشاوره و همکاری کنید. این وظیفه ای است که بر عهده همه مردم از جانب خداوند است، صرف نظر از موقعیت، شرافت و تقوا.

اگر مردی جلال خدا را متعالی بداند، باید همه چیزهای دیگر را از اهمیت کمتری برخوردار بداند. نعمتهای خدا بدون افزایش متقابل حق خدا نسبت به افرادش افزایش نمی یابد.

بدترین صفات در یک حاکم، پوچی و غرور است. من از تمجیدهای والایی که به من تعلق گرفته متنفرم. خداوند متعال سزاوارتر چنین ستایش هایی است. مرا به خاطر تعهداتی که انجام می دهم ستایش نکنید، زیرا من از این تعهداتی که هنوز مجبور به انجام آنها نیستم می ترسم و من خود را آنگونه خطاب نمی کنم به گونه ای که مستبدان (ترسناک) مورد خطاب قرار می گیرند. برای من چاپلوسی نکنید و فکر نکنید که وقتی به حقیقتی در مورد امور دولت اشاره شد، آزرده خواهم شد. بنابراین، در اشاره به موضوع عدالت دریغ نکنید، زیرا من خود را بالاتر از ارتکاب خطا نمی دانم. قطعاً من و شما بندگان خدا هستیم؛ هیچ اربابی نیست جز او. او صاحب روح ماست. او به ما سعادت، هدایت و عقل عطا کرده است.

(خطبه ۲۱۵)

### درباره ویژگی های یک حاکم:

خدایا، مطمئناً می دانی که حاکمی که شرافت، زندگی، ثروت، قانون و نظم را بر عهده دارد، نباید یک فرد بخیل یا حریص باشد، زیرا در این صورت ثروت را نادرست می شمرد. و همچنین نباید نادان باشد، زیرا در این صورت افراد خود را گمراه می کند. و همچنین او نباید طبیعت بی سپاسی داشته باشد، زیرا پس از آن موضوع را از خود دور می کند. همچنین نباید او ناعادل باشد، و گروهی را به گروه دیگر ترجیح می دهد.

هنگام تصمیم‌گیری نباید رشوه بپذیرد، زیرا در این صورت از حقوق دیگران سلب می‌کند و همچنین نباید تعالیم پیامبر را نادیده گرفت، زیرا ایمان را از بین می‌برد.

(خطبه ۱۳۰)

### نامه به یک مقام عالی مقام:

از اسراف صرف نظر کنید و در هزینه (با بودجه عمومی) عادل باشید. اجازه ندهید که لذت‌های امروز، روز حساب (قضاوت) را فراموش کنید. پول اضافی (فراتر از نیاز دولت) را میان فقرا تقسیم کنید تا در دنیای بعدی بتواند به عنوان تأمین مالی برای شما عمل کند. آیا انتظار دارید که خداوند پادشاهی را به شما اختصاص دهد که مختص افراد خوش اخلاق، مهربان و خیرخواه باشد در حالی که واقعاً مغرور، بیهوده، و بخیل هستید؟ آیا امیدوارید نعمتهای او را که مخصوص افراد خیرخواه، سخاوتمند و مهربان است که همیشه به فقرا و نیازمندان کمک می‌کنند، دریافت کنید، در حالی که در تجملات به سر می‌برید و مانع از رسیدن هر بخشی از ثروت خود به معلولان، زنان بیوه و بی بضاعت می‌شوید؟

به یاد داشته باشید، شخصی طبق اعمال موجود در دنیا پادشاه در دنیای بعدی دریافت می‌کند.

(نامه ۲۱)

### نامه به قاضی یک استان:

امام علی (ع) مطلع شد که رئیس دادگستری یک استان خانه‌ای بسیار گران قیمت را به مبلغی بسیار کمتر از قیمت بازار از فردی (احتمالاً) که در ازای آن به او لطف می‌کند خریداری کرده است. حضرت علی (ع) او را احضار کرد و به او هشدار داد که این معامله با پولی صورت گرفته که مال او نیست. او به او هشدار داد که این کار باعث می‌

شود جایی در بهشت را از دست بدهد. اگر رئیس‌دادگستریا و مشاور تمی کرد، امام معامله را رد می‌کرد.

اگر قبل از این معامله به من مراجعه می‌کردید، چنان سندی را برای شما تنظیم می‌کردم که حتی برای کسر ناچیزی از هزینه نیز به خرید این ملک اهمیت نمی‌دادید. سند انتقال به شرح زیر است:

"یک موجود فروتن و ناتوان این خانه را از موجود فانی دیگری خریداری کرده است. مرزهای آن به شرح زیر است: از یک طرف، به بلاها و بلایا محدود شده است. در طرف دیگر، ناامیدی و اندوه وجود دارد. از طرف سوم محدود به خواسته‌های بیش از حد است که منجر به شکست می‌شود. و در سمت چهارم، جذابیت‌های شیطان را دارد. در این خانه به سمت این چهارم باز می‌شود.

"مردی که زندگی خود را زیر چنگال بی‌رحم امیال به سر برده است، این خانه را از شخص دیگری خریداری کرده است که بی‌رحمانه توسط مرگ تعقیب می‌شود. او با قیمت خرید، شکوه یک زندگی با افتخار و رضایت و قابل احترام را با زندگی نفرت‌انگیز تسلیم هر نوع تحقیر برای سود و لذت عوض کرده است.

"سرنوشت او اکنون به دست او (خدای متعال) است که اجساد پادشاهان را به خاک می‌فرستد و امپراتوری‌های آنها را سرنگون می‌کند، و سلطنت‌های مصر باستان، ایران، یونان، روم و پادشاهان یمن او ثروت، قدرت و شکوه همه کسانی را که به جمع‌آوری ثروت بیش از حد پرداختند، عمارت‌هایی ساختند، آنها را مجلل ساخته و باغ‌های زیبایی را محاصره کردند. صاحب چنین املاکی باید در روز قیامت، روزی که در آن بدکاران برای راه‌های شرور خود رنج خواهند برد، پاسخگو باشند.

(نامه ۳)

## دستورالعمل هایی برای فرماندار جوان تازه منصوب شده در مصر:

با مردم با احترام رفتار کنید و مهربان و ملاحظه کار باشید. با خوشرویی با آنها دیدار کنید در معاملات خود منصفانه ، عادلانه و بی طرف باشید ، به طوری که افراد با نفوذ جرات نمی کنند از لطف شما بی جهت بهره ببرند و مردم عادی و فقیر احساس بی توجهی نکنند.

ای مخلوق خدا! به یاد داشته باشید که پروردگار متعال قرار است حساب هر یک از گناهان شما را اعم از کبیره یا جزئی ، مرتکب علنی یا مخفیانه انجام دهد. اگر او شما را مجازات کند ، عدالت اوست و اگر شما را ببخشد ، به خاطر رحمت و بخشش بزرگ او خواهد بود.

به یاد داشته باشید ، متدینان پس از گذراندن زندگی آبرومندانه و پر بار ، از این دنیا رفتند و در دنیای بعدی پاداش خواهند گرفت. آنها هنگام ترک دنیا ، مقرراتی را به همراه داشتند که در دنیای بعدی قابل استفاده خواهد بود.

ترس از مرگ؛ اجتناب ناپذیر و نزدیک است. برای دیدار با آن آماده باشید. به راستی ، مهمترین و بزرگترین رویداد زندگی شما خواهد بود. این برکات و پاداشی (برای آخرت) برای شما به ارمغان می آورد ، یا مجازات ، رنج و لعنت ابدی را در پی خواهد داشت. (پس از مرگ) هیچ گونه رستگاری وجود نخواهد داشت. این به شما بستگی دارد که تصمیم بگیرید آیا به سوی صلح و برکت همیشگی پیش بروید ، یا بسوی بدی رهنمون باشید. به یاد داشته باشید که زندگی در واقع شما را به سمت مرگ سوق می دهد. مرگ گویی به گردن شما زخم خورده است و زندگی گویی با هر نفس به آن نزدیک می شود. جهنم اقامت گاهی است که در آن نماز و دعای کسانی که در بسوی آن می روند، پذیرفته نمی شود (زیرا آنها بی توبه مردند).

از خدا بترسید و به عدالت، رحمت و عشق او امیدوار باشید. این دو باور (یعنی امید و ترس) را به یک اندازه نگه دارید. فردی متناسب با ترس و هیبت او که در ذهن او ایجاد می شود، عشق و احترام به او را گرامی می دارد.

به یاد داشته باشید، من فرماندهی مهمترین بخش ارتش خود را که ارتش مصر است به شما سپرده ام. اجازه ندهید هوی و هوس های شما بر قضاوت شما غلبه کنند. همچنان از دین و کشوری که تحت اعتماد شما است محافظت و دفاع کنید. مراقب باشید، زیرا برای جلب رضایت یک شخص، نباید حتی یکبار هم خشم خدا را بر خود تحمیل کنید.

به یاد داشته باشید که خشنودی خدا از رضایت همه افرادش (همراه) بهتر و برای شما مفیدتر است. هیچ چیز نمی تواند جای خوشحالی او را بگیرد. نمازهای (واجب) خود را به موقع بخوانید، در آنها عجله نکنید و هرگز در اقامه نماز تأخیر نکنید. به یاد داشته باشید که تقوا و اشراف اعمال شما بر اساس اخلاص و دقت نمازهای شما (واجب) قضاوت می شود.

به یاد داشته باشید که یک امام و رهبر واقعی را نمی توان با کسی که بشریت را به سمت شرارت، ذیلت و آتش جهنم سوق می دهد برابر دانست. و همچنین نمی توانند برابر باشند: پیرو و پیامبر (ص)، و قسم خورده ای که دشمن او است.

(نامه ۲۷)

### نامه ای به فرماندار بصره در عراق:

من اطلاعاتی دریافت کرده ام که شخصی از بصره شما را به یک شام دعوت کرده و شما بلافاصله دعوت را پذیرفته اید. من همچنین شنیده ام که وعده های غذایی بسیار مجلل در آنجا سرو می شده است. بهترین نوع عایدات قبل از شما در بشقاب های بزرگ قرار داده شد و شما از آنها لذت بردید. از شنیدن خبر متاسفم من هرگز انتظار نداشتم که

دعوت شخصی را بپذیرید که افسران بزرگ و افراد ثروتمند را دعوت می‌کند، اما فقیران ، مستضعفان و گرسنه‌ها را از درهای خود بی‌ادبانه برگردانده‌اند.

با دقت به چیزهایی که می‌خورید نگاه کنید. اگر حتی اثری از غیرقانونی بودن آنها به دست آمده است، آنها را دور بریزید. فقط چیزهایی بخورید که در مورد آنها اطمینان دارید که صادقانه به دست می‌آیند. هر پیرو دین، پیشوایی دارد که می‌تواند احکام دین و راه‌های زندگی پرهیزگاران را از او بیاموزد.

خوشبخت کسی است که وظیفه خود را در برابر خدا و مردم انجام داده است، که صبر و شکیبایی سختی را تحمل می‌کند، و هنگامی که خواب بر او غلبه می‌کند، او از دست خود به عنوان بالش استفاده می‌کند و در کنار کسانی که ترس از روز قیامت دارند، روی زمین قرار می‌گیرد بیدار ماند او وقت زیادی برای خواب پیدا نمی‌کند. لبه‌ایش مشغول تسبیح و ستایش خداوند است و گناهانش به دلیل توبه برطرف شده است. او فردی نجیب است و نجات را حفظ خواهد کرد. بنابراین، خدا را آگاه باشید و به نانی که از راه حلال به دست می‌آورید بسنده کنید، تا در روز قیامت از مجازات نجات پیدا کنید.

(نامه ۴۵)

### نامه به یک همراه:

این جهان مانند یک مار است. لمس آن نرم (دلپذیر) است، اما نیش آن کشنده است. بنابراین، سعی کنید از مواردی که باعث خشنودی و دلجویی شما می‌شوند، اجتناب کنید، زیرا این جهان برای مدت بسیار کوتاهی (فقط) با شما خواهد بود. نگذارید ذهن شما کاملاً درگیر کارهای روزمره باشد، زیرا می‌دانید که به زودی این دنیا را ترک خواهید کرد.

در این دنیا بیشترین احتیاط را داشته باشید ، زیرا وقتی بیشتر از همه شما را خشنود کند و از آن راضی باشید و احساس امنیت کنید ، ناگهان شما را ترک خواهد کرد.

(نامه ۶۸)

### نامه به یک مقام عالی دولت:

هرگز دستورات و توصیه های مندرج در قرآن را ترک نکنید. احکام مربوط به حلال و منع را در آن بپذیرید. از تاریخ درس بگیرید ، زیرا تاریخ اغلب تکرار می شود.

تمام این جهان سرانجام در حال پایان است و هر فردی مجبور است آن را ترک کند (در زمان تعیین شده). به ویژه مراقب باشید که به خداوند متعال قسم نخورید ، مگر اینکه برای یک امر درست و حلال سوگند یاد کنید. همیشه مرگ را به یاد داشته باشید (برای آن آماده باشید) ، اما هرگز آرزوی آن را نکنید.

از عملی که مخفیانه انجام شده و در صورت صراحت انجام آن باعث احساس شرمندگی می شود خودداری کنید. از عملی که برای آن پشیمان می شوید و باید عذرخواهی یا بهانه تراشی کنید، خودداری کنید. اجازه ندهید حسن شهرت شما مورد تحقیر قرار گیرد. شایعات (تأیید نشده) را به عنوان واقعیت قبول نکنید ، زیرا چنین عملی کافی است که توسط دیگران به عنوان یک فرد دروغگو در نظر گرفته شود. عادت تناقض و جعل دیگران را در هر موقعیتی پیدا نکنید ، زیرا این یک عادت ناپسند است.

خلق و خوی خود را کنترل کنید ، و حتی اگر قدرت تلافی را دارید ، بهتر است ببخشید و فراموش کنید. وقتی عصبانی هستید ، سعی کنید تحمل و صبر داشته باشید. علی رغم داشتن ثروت و اقتدار ، بخشنده ، مهربان و دلسوز باشید. این ویژگی ها به شما کمک می کند تا به رستگاری برسید. از تمام نعمتهایی که خدای مهربان به شما عطا کرده صمیمانه سپاسگزار باشید. برای استمرار نعمت دعا کنید؛ سو استفاده نکنید و آنها را هدر ندهید.

همیشه به شرایط افرادی که در شرایط کمتری از شما هستند نگاه کنید ، زیرا رعایت زندگی آنها باعث رضایت شما در زندگی شما می شود و باعث شکرگذاری بیشتر شما در برابر خدا می شود (به خاطر نعمت ها).

جمعه ها بدون اقامه نماز جمعه سفر نکنید ، مگر اینکه شرایط جنگی پیش بیاید یا گزینه دیگری ندارید.

مواظب باشید که چنین بلایی بر شما غلبه نکند که در حالی که شما از تعهدات دینی و (بی توجه به وظایف خداوند) چشم پوشی می کنید و به دنبال عقاید باطل دنیا می دوید ، مرگ (ناگهانی) بر شما غلبه می کند.

از عصبانیت خود بترسید ، زیرا از بین تمام سلاح های شیطان ، تحریک خشم (در شخص) قوی ترین (سلاح) او است.

(نامه ۶۹)

### نامه به یک مقام فاسد:

من اطلاعات موثقی دریافت کرده ام که شما خواسته های بیش از حد خود را بررسی و کنترل نمی کنید ، هیچ اهمیتی برای زندگی خود پس از مرگ قائل نیستید ، اینکه می خواهید زندگی خود را به قیمت نجات خود آراسته و زیبا کنید ، و شما دست و پا می زنید دین خود را به منافع بستگان خود تغییر دهید. مردان با اختیار شما نباید در امور مالی اعتماد داشته باشند ، یا به پست های مهم دولت منصوب شوند. بنابراین ، به محض دریافت این نامه ، به دیدن من برگردید.

(نامه ۷۱)

### دستورالعمل هایی به استاندار در مورد وفاداری با مردم:

با مردم با مهربانی رفتار کنید ، آنها را در برابر مخاطبان پذیرا شوید و در صدور و اجرای دستورات سخت گیر نباشید. روحیه خود را از دست ندهید ، زیرا این امر به شیطان اجازه می دهد تا به ذهن شما راه یابد. این نکته را همیشه به خاطر داشته باشید: اینکه چیزی که شما را به خدا نزدیک می کند ، شما را از جهنم دور می کند و چیزی که شما را از خدا دور می کند ، شما را به جهنم می راند.

(نامه ۷۶)

### دستورالعمل برخورد رسمی با مخالفان:

هنگام بحث ، هرگز جملاتی از قرآن را نقل نکنید ، زیرا قسمتهای این کتاب به مطالعه و بررسی دقیق احتیاج دارد ، زیرا می توان آنها را به طرق مختلف نقل کرد و مفاهیم آنها متفاوت برداشت شود. بنابراین ، با توجه به سنتهای پیامبر (ص) با آنها بحث کنید ، و سپس آنها هیچ راهی برای بیان نادرست حقیقت نخواهند یافت.

(نامه ۷۷)

## دستورالعمل‌های او برای ارتش و افسران

### مقدمه:

حضرت محمد (ص) در دوران وزارت خود مجبور به نبردهای دفاعی زیادی شدند. وی جنگهای متجاوز یا آغاز خصومت را ممنوع کرد. امام علی (ع) به عنوان رئیس دولت ، تعالیم پیامبر (ص) را سخت اجرا می کرد. بعلاوه ، دستورات وی به فرماندهان و سربازان نشان دهنده بالاترین درجه برخورد انسانی و احترام به دشمن اسیر شده ، مجروحان ، زنان و کودکان است. چنین معیارهای مثال زدنی برای انجام جنگ بسیار متفاوت از آنچه در سراسر جهان در جنگهای مدرن که منجر به ضرب و شتم ، بی رحمی و کشتار غیرنظامیان می شود ، مشاهده می کنیم.

### دستورالعمل برای سربازان قبل از نبرد:

شما جنگ را آغاز نمی کنید ، اما بگذارید دشمن آن را آغاز کند ، زیرا به لطف خدا ، شما در کنار حقیقت و عدالت هستید. بگذارید آنها خصومت خود را آغاز کنند و سپس شما در جنگ مبارزه می کنید. تمایل آنها برای شروع جنگ دلیل دیگری بر اعتقاد صادقانه شما به اطاعت از خدا خواهد بود.

اگر خداوند شما را با موفقیت مورد لطف خود قرار داده و دشمن را شکست می دهد ، به کسانی که تسلیم شده اند حمله نکنید ، معلولین و ضعیفان را مجروح نکنید ، به مجروحان حمله نکنید ، حتی اگر از سخنان تند و توهین آمیز علیه زنان استفاده می کنند با بی ادبی رفتار نکنید. فرمانده و افسران شما ، زیرا آنها به راحتی هیجان زده می شوند و به سرعت می ترسند. در طول روزهای حضور پیامبر (ص) ، ما دستورات سختگیرانه ای داشتیم که حتی اگر کافران باشند ، زنان را لمس نکنیم ، مورد آزار و اذیت قرار ندهیم.

(نامه ۱۴)

## بخش نامه ای به سرگروه های ارتش وی:

این نامه از بنده خدا، علی بن ابی طالب، به روسای لشکر و ژنرال ها است.

وظیفه من در قبال شما این است که، به جز اطلاعات طبقه بندی شده در مورد مسائل مربوط به جنگ، من نباید هیچ اطلاعاتی در مورد امور کشور را از نظر شما پنهان نگه دارم. به جز سوالات مربوط به امور دینی، باید اطمینان شما را جلب کنم و در سایر امور از شما مشاوره بگیرم. من باید از منافع و حقوق شما در حد توان خود محافظت کنم، باید ببینم که شما به خوبی محافظت می کنید و از او مراقبت می کنید و من باید با همه شما یکسان رفتار کنم. اطاعت شما از من این است که از دستورات من پیروی می کنید، (تلاش می کنید) خوب باشید، و با شجاعت برای رسیدن به راه درست با مشکلات روبرو می شوید. اگر نتوانید این استاندارد وفاداری را حفظ کنید، آنگاه مسیر مستقیم، راه فضیلت را از دست خواهید داد و در چشم من موقعیت خود را از دست خواهید داد. من در این صورت مجازات را برای شما تعیین می کنم. شما باید اطمینان حاصل کنید که افسران زیر مجموعه شما مطابق آن عمل می کنند و باید امکانات و امتیازات مشابهی را که به شما داده می شود به آنها بدهید تا امور شما نیز روان پیش برود.

(نامه ۵۰)

## دستورالعمل های فرمانده نیرویی که به جبهه نبرد می رود:

(من به شما توصیه می کنم) همیشه خدا را آگاه کنید، چه در روز و چه در شب. مراقب دنیای جذاب و بیرحمانه باشید و هرگز به آن اعتماد نکنید. اشتیاق خود را برای به دست آوردن چیزهای بیش از حد جهان (غنیمت) بررسی کنید. در غیر این صورت، خواسته های شما مطمئناً شما را به سمت ضرر سوق می دهد. من به شما توصیه می کنم کنترل خشم و عصبانیت خود را از دست ندهید.

(نامه ۵۶)

## سیاست های مالی او ، دستورالعمل هایی برای جمع آوری کننده مالیات

مقدمه: امام علی (ع) قوانین سختگیرانه ای را برای رسیدگی به سرمایه های عمومی وضع کرد. بالاترین درجه صداقت از مسئولان و مأموران جمع آوری مالیات انتظار می رفت. باج گیران موظف بودند در برخورد با مودیان از تدبیر ، از سخاوت و انصاف برخوردار باشند.

هشدار نسبت به سوءاستفاده از بودجه عمومی ، حتی در صورت مواجهه با فقر:

به خدا سوگند ، من ترجیح می دهم شبی را بیدار بر خارها بگذرانم ، یا به عنوان زندانی در زنجیر رانده شوم ، تا اینکه در روز قیامت به عنوان ستمگر بر هر شخص یا غاصب هرگونه دارایی دنیایی ، با خدا و رسولش ملاقات کنم. چگونه می توانم به خاطر (زندگی) کسی که به سوی پایان (مرگ) پیش می رود و برای مدتی طولانی در زیر خاک مدفون شده است ظلم کنم؟

(خطبه ۲۲۲)

## اطلاعات بیشتر در مورد بودجه عمومی:

این پول (در خزانه عمومی) برای من یا شما نیست بلکه مال جمعی مردم است.

(خطبه ۲۳۰)

## تذکر به یک استاندار:

به خدا سوگند اگر من متوجه شدم که شما ثروت مال خود را (از بیت المال) تصرف کرده اید ، شما را به گونه ای مجازات می کنم که در آخر فقیر شوید. علاوه بر این ، بار گناه بر دوش شما خواهد بود ، رسوا و خوار خواهید شد و جایگاه و اعتبار خود را از دست خواهید داد.

(نامه ۲۰)

## بخش هایی از نامه به مأموران مالیات:

من به شما دستور می دهم که در همه امور و در همه موارد ، حتی در جایی که کسی نیست که شاهد اعمال و کردار شما باشد یا فعالیت های شما را هدایت کند ، خدا را آگاه باشید. تقوا پیشه کنید و از احکام خدا سرپیچی نکنید. کسی که کارهایش با گفته های او موافق است و به همان اندازه که در جمع مخفیانه صادق است ، کسی است که صادقانه وظیفه ای را که خداوند به او واگذار کرده انجام داده است. او صادقانه به مواردی که به او سپرده شده رسیدگی کرده و در جستجوی لطف و برکات خداوند صادق است. من به شما سفارش می کنم که به مردم (مودیان) ظلم نکنید ، با آنها برخورد سخت نکنید و با آنها بدرفتاری نکنید. در نتیجه ، آنها (کاملاً) با شما همکاری خواهند کرد و به شما در انجام وظیفه کمک می کنند.

(نامه ۲۶)

## دستورالعمل وی در مورد جمع آوری کنندگان مالیات:

خداپسندانه بودن را رها نکنید و (بدانید که) او هیچ شریکی ندارد. غم و اندوه را برای مردم به ارمغان نیاورید (و با اعمال خود) ، و آنها را وادار نکنید که از شما بدشان بیاید. از آنها اضافه مالیات نگیرید.

وقتی برای ارزیابی مالیات به گروهی از افراد (قبیله یا روستا) رسیدید ، در خانه های آنها نمانید. با حفظ عزت و منزلت خود به سراغ آنها بروید و هنگامی که در میان آنها هستید ، برای آنها آرزوی سلامتی و برکت خدا کنید و به آنها احترام لازم را قائل شوید. به آنها اطلاع دهید که خلیفه شما را فرستاده است تا از آنها حقوق (مالیات شرعی) خود را بگیرد. از آنها بپرسید آیا آنها توانایی کافی برای پرداخت حقوق را دارند؟ اگر کسی به شما گفت که دارایی کافی را ندارد که بتواند وی را ملزم به پرداخت مالیات کند ، او را اذیت نکنید و ادعای او را بپذیرید. اگر کسی به شما گفت که در موقعیت پرداخت مالیات

قرار دارد، مالیات را به صورت نقدی یا نقدی دریافت کنید (حسب مورد). او را نترسانید و عصبی نکنید و با او سخت برخورد نکنید.

در حالی که مالیات گاو و سایر دامها را ارزیابی می‌کنید، صاحب دام را تحت ظلم قرار ندهید و حیوانات را نترسانید. پس از امنیت حیوانات، آنها را به شخصی صادق اختصاص دهید تا آنها را به مقامات دولتی تحویل دهد. آنها را به شخصی قابل اعتماد و دارای ذاتی مهربان بسپارید تا در حین عبور با حیوانات بد رفتاری نکند و حیوانات را از گرسنگی و خستگی از پا در نیاورد.

به او دستور دهید که شتر را از فرزند خود جدا نکند، آنقدر آن را ندوشد که چیزی برای فرزندش باقی نماند و آنها را به سختی نراند یا با بار بیش از حد آنها را سنگین نکند. او باید همیشه در مکان‌های آبیاری به آنها استراحت کافی بدهد. آنها نباید تا آنجا که ممکن است از طریق بیابانها رانده شوند، و باید از زمین‌های سرسبز و مناطق جنگلی محافظت کنند. بنابراین، باید مراقبت‌های لازم صورت گیرد تا در شرایط سالم و مقاوم به مقصد برسند. به راستی، جمع‌آوری حقوق (به دستور خداوند) به روشی که من برای شما شرح دادم عملی تقوی و وظیفه شرعی است که ثواب خود را در برابر پروردگار به دوش می‌کشد.

(نامه ۲۵)

## زندگی این جهان و مرگ

مقدمه: مفهوم اسلامی زندگی (این جهان) به یک حالت موقت وجود و یک دوره آزمایشی اشاره دارد. این زندگی برای افراط در تجملات و افراط و تفریط نیست. بلکه برای آمادگی برای زندگی ابدی در آخرت است. مرگ آغاز مرحله بعدی زندگی است، زندگی همیشگی، "زندگی واقعی". شرح مفصلی از زندگی در آخرت در قرآن و خطبه‌های حضرت محمد (ص) ثبت شده است. در صفحات بعدی، حضرت علی (ع) با

فصاحت این مفاهیم را به عنوان هشدار و راهنمای بشریت بیان می کند. شناخت و درک عمیق وی از قرآن و تعالیم پیامبر در اینجا مشهود است. درک او از عملکرد خدا شاخص سطح بینش معنوی بالای اوست.

### طبیعت گذرا این جهان:

مطمئنناً این دنیا خواهد رفت، و جهان بعدی جای آن را خواهد گرفت. "امروز" روز آماده سازی است، در حالی که "فردا" روز مسابقه (به مقصد) خواهد بود. بهشت مکان سعادت است، در حالی که جهنم مکان نابودی است. آیا کسی پیش از مرگ برای گناهان خود توبه کرده است؟ آیا کسی هست که قبل از روز محاکمه اعمال نیکو (کفاره) انجام دهد؟

شما با امیدهای زیادی خود را سرگرم می کنید، اما مراقب باشید. مرگ خیلی دور نیست. هرکس به حق عمل کند، منافع آن را خواهد برد و مرگ نزدیک، ضرری برای او نخواهد داشت. با این حال، هرکس قبل از نزدیک شدن به مرگ نتواند به حق عمل کند، ضرر خواهد کرد و مرگ به او آسیب می رساند. برحذر باشید؛ همانطور که در یک دوره دشواری عمل می کنید، در یک دوره آسایش (محتاطانه) رفتار کنید.

برحذر باشید؛ مطمئنناً من کسی را که آرزوی بهشت دارد، یا کسی که از جهنم بخواهد (در غفلت) ندیده‌ام. برحذر بودن؛ کسی که حق (خیر) به دردا و نرسد، باید آسیب نادرست (بد) را متحمل شود و کسی که هدایت آن را ثابت نگه ندارد (در راه صحیح) قربانی گمراهی و نابودی خواهد شد.



## بخش هشتم:

(آماده شدن برای زندگی جاودانه)

زندگی دنیا، آخرت، مرگ و بهشت

## زندگی این جهان، مرگ و پس از آن

مقدمه:

مفهوم اسلامی زندگی (این جهان) به یک حالت موقت وجود و یک دوره آزمایشی اشاره دارد. برای افراط در تجملات و افراط و تفریط نیست. بلکه برای آمادگی برای زندگی ابدی در آخرت است. مرگ آغاز مرحله بعدی زندگی است، زندگی همیشگی، "زندگی واقعی". شرح مفصلی از زندگی در آخرت در قرآن و خطبه‌های حضرت محمد (ص) ثبت شده است. در صفحات بعدی، حضرت علی (ع) با فصاحت این مفاهیم را به عنوان هشدار و راهنمای بشریت بیان می‌کند. شناخت و درک عمیق وی از قرآن و تعالیم پیامبر در اینجا مشهود است. درک او از عملکرد خدا شاخص سطح بینش معنوی بالای اوست.

### طبیعت گذرا این جهان:

مطمئناً این دنیا خواهد رفت و جهان بعدی جای آن را خواهد گرفت. "امروز" روز آماده سازی است، در حالی که "فردا" روز مسابقه (به مقصد) خواهد بود. بهشت مکان سعادت است، در حالی که جهنم مکان نابودی است. آیا کسی پیش از مرگ برای گناهان خود توبه کرده است؟ آیا کسی هست که قبل از روز محاکمه اعمال نیکو (کفاره) انجام دهد؟

شما با امیدهای زیادی خود را سرگرم می‌کنید، اما مراقب باشید. مرگ خیلی دور نیست هرکس به حق عمل کند، منافع آن را خواهد برد و مرگ نزدیک، ضرری برای او نخواهد داشت. با این حال، هرکس قبل از نزدیک شدن به مرگ نتواند به حق عمل کند، ضرر خواهد کرد و مرگ به او آسیب می‌رساند. برحذر باشید؛ همانطور که در یک دوره دشواری عمل می‌کنید، در یک دوره آسایش (محتاطانه) رفتار کنید. برحذر باشید؛ مطمئناً من کسی را که آرزوی بهشت دارد، یا کسی که از جهنم بخوابد (درغفلت)

ندیده‌ام. برحذر باشید؛ کسی که حق (خیر) به او نرسد، باید آسیب نادرست (بد) را متحمل شود و کسی که هدایت آن را ثابت نگه ندارد (در راه صحیح) قربانی گمراهی و نابودی خواهد شد.

برحذر باشید؛ به شما تقدیر شده است که بی وقفه سفر کنید (برای ملاقات پروردگارتان)، و به شما توصیه شده است که برای آن روزی جمع کنید. مطمئناً ترسناک‌ترین چیز دنبال کردن خواسته‌های (بیهوده) و داشتن امیدهای متوهم است. تمهیداتی از جهان جمع کنید که فردا (روز قیامت) به آن نیاز خواهید داشت.

(خطبه ۲۸)

برحذر باشید! عملی که فقط برای کسب سود در دنیا انجام شود، در آخرت سودی ندارد. مردم در این دنیا از طریق (از دست دادن و) مصیبت‌ها آزمایش می‌شوند. لذت‌های دنیوی در اینجا (با مرگ) خاتمه می‌یابد و از مردم در مورد لذت‌ها سوال می‌شود. هرچه (کارهای نیک) انجام داده‌اند، آنها را در جهان بعدی پیدا می‌کنند.

(خطبه ۶۲)

ای مخلوقات خدا! در این دنیا شما با مدت اقامت محدود مانند میهمانانی هستید. بسیاری از افراد (وقت و تلاش خود) را هدر می‌دهند و خود را به خطر می‌اندازند. شما به دوره‌ای تعلق دارید که فضیلت رو به زوال است، شرارت رو به افزایش است و شیطان تلاش خود را برای نابودی مردم دوچندان می‌کند.

نگاه خود را به هر کجا که دوست دارید به مردم بیندازید. خواهید دید که یک فرد فقیر از فقر رنج می‌برد، یا یک فرد ثروتمند غافل از خدا (حضور او) در حالی که از نعمت‌های خود لذت می‌برد. خواهید دید که یک بخیل با زیر پا گذاشتن تعهداتش در برابر خدا، یا یک شخص بی‌ادب گوش خود را به توصیه‌های خوب می‌بندد، که ثروت خود را افزایش می‌دهد. مردم خوب شما کجا هستند؟

### توصیه به گروه خاصی از افراد:

"مردم فاضل شما کجا هستند؟ مردان با روحیه و سخاوت شما کجا هستند؟ کجا هستند کسانی که در کارشان از فریب کاری دوری می‌کنند و در رفتارشان پاک می‌مانند؟ آیا همه آنها از این جهان ناآگاه، گذرا و دردسرساز دور نشده‌اند؟ خداوند این را در کتاب مقدس می‌فرماید: "به راستی که ما از خدا هستیم (از آن خدا هستیم) و به راستی به او باز خواهیم گشت" (قرآن ۲: ۱۵۶)

(خطبه ۱۲)

ای مخلوقات خدا به شما توصیه می‌کنم که خدا را آگاه باشید و در مورد این دنیا که خانه ای است که عزیمت اجتناب ناپذیر است به شما هشدار می‌دهم.

ای مخلوقات خدا، اکنون باید بدانید که باید اعمال (خوبی) انجام دهید، زیرا (در حال حاضر) آزادی بیان دارید و بدن سالم (وقوی) است. این را در نظر بگیرید: مرگ اجتناب ناپذیر است.

(خطبه ۱۹۵)

### پست بودن این جهان:

نابودی این جهان از پیش تعیین شده است و مقید است که ساکنان آن از آن دور شوند. شیرین و جذاب است. به سرعت به طرف سالک خود می‌شتابد و تمایل دارد که برای قلب آنها جذاب باشد. بنابراین، بیش از آنچه معقول است در اینجا جستجو نکنید. با بهترین روزی (برای آخرت) از دنیا بروید.

(خطبه ۴۵)

## درباره سقوط و نابودی این جهان:

ای مخلوقات خدا، آماده باشید که این دنیا را ترک کنید، زیرا محل زندگی شما آخرت شماست. مواظب باشید مبادا خواسته های قلبتان بر شما چیره شود. اقامت خود در این دنیا را یک مدت طولانی تصور نکنید. به خدا روی آورید، تقرب او را جویا شوید و برای مقام شرافتمندانه در کنار او تلاش کنید. همانطور که فرشتگان ثبت کرده اند، برای آمرزش گناهان خود دعا کنید.

ای مخلوقات خدا، لذت های همیشگی (آخرت) را با ذکر لذت های گذرا دنیا بخرید. زندگی شما را به سمت مرگ سوق می دهند، که متعلق به شماست. قطعاً خداوند شما را بدون هدف خلق نکرده است. هر لحظه ای که می گذرد عمر شما را کوتاه می کند. امروز از این دنیا چیزی تهیه کنید که فردا (در زندگی پس از مرگ) به آن نیاز خواهید داشت.

بنابراین، از خداوند سبحان می خواهیم که نگذارد نعمت های این دنیا ما را فریب دهد، که هیچ چیز مانع اطاعت (و تسلیم) او نمی شود و شرم و اندوه پس از مرگ برای ما رخ نمی دهد.

(خطبه ۶۳)

## درباره جهان و مردم دنیا:

به چه روشی می توانم زندگی جهان را توصیف کنم؟ آغاز آن غم و اندوه و پایان آن نابودی است. هر عملی که در این دنیا انجام شده باید محاسبه شود، در حالی که برای اعمال ممنوع، مجازاتی در نظر گرفته شده است (در آخرت، اگر بخشیده نشود). هرکس در اینجا ثروتمند باشد با شیطنت روبرو می شود و هرکس فقیر باشد از اندوه رنج می برد. کسی که پس از آن (جهان) خمار شود به آن دست نمی یابد و کسی که از آن دوری

کند ، به سمت او پیش می رود. اگر کسی از طریق آن بیند ، به او بصیرت می بخشد ، اما اگر کسی چشمش به آن باشد ، این کار او را کور می کند.

(خطبه ۸۱)

من شما را نسبت به این دنیا هشدار می دهم ، زیرا خودش را با فریبکاری تزئین کرده است. خدا آن را فرومایه می شمارد. در آن ، حلال با حرام آمیخته ، خوب با شر ، زندگی با مرگ ، و شیرینی آن با تلخی آن است. محل زندگی آن در نهایت با ویرانی روبرو خواهد شد. چه فایده ای دارد خانه ای که مقصد ویرانی باشد؟

تحقق آنچه را که بر شما واجب کرده است از خدا بخواهید. یاد مرگ از قلب شما ناپدید شده است ، در حالی که امیدهای دروغین شما را گمراه کرده است. بنابراین ، این جهان بیش از دنیای بعدی بر شما مسلط شده است. اگرچه در دین خدا برادر هستید ، اما در بارهای یکدیگر شریک نیستید ، و نه به یکدیگر مشاوره می دهید ، نه داریبی خود را برای کمک هزینه می کنید و نه یکدیگر را دوست دارید.

وضعیت شما چیست؟ شما از آنچه از این دنیا تأمین کرده اید احساس رضایت می کنید ، در حالی که از باخت خود در دنیای بعدی غافل هستید. اگر اندکی از این دنیا گم شوید ، غم شما را غمگین می کند و نسبت به آنچه برداشته شده صبر و شکیبایی به خرج می دهید ، گویا اینجا محل زندگی دائمی شماست. شما عاشق این دنیا شده اید و از جهان بعدی غافل شده اید.

(خطبه ۱۱۲)

### انواع مختلف مردم در جهان و در مورد حقارت جهانیان

ای مردم! ما در چنین زمانی زندگی می کنیم ، که در آن نیکوکاران به عنوان پایگاه شناخته می شوند و ستمگر مجاز به افراط و تفریط است. ما از آنچه می دانیم استفاده نمی کنیم و آنچه را که نمی دانیم کشف نمی کنیم. ما تا زمانی که بلایی سر ما نیامد از آن هراسی

نداریم. شخصی وجود دارد که به دلیل موقعیت پایین در جامعه و کمبود منابع از شیطنت منع می شود. او آن را قناعت و اصراف می نامد، گرچه هرگز ارتباطی با این صفات (نجیب) نداشته است.

سپس کسی است که شمشیر خود را کشیده، آشکارا شرارت می ورزد و خود را وقف تأمین ثروت، قدرت و موقعیت کرده است. او اجازه داده است که ایمانش از بین برود. معامله ای که در عوض آنچه خدا برای شما (در آخرت) دارد، انتخاب می کنید (لذت بردن از) دنیا چقدر بد است!

بعضی از افراد هستند که فکر بازگشت آنها (به سوی خدا) آنها را فروتن می کند و ترس از قیامت آنها را به اشک می اندازد. بعضی از آنها ترسیده و مقهور هستند، برخی در گفتار خود ساکت و خویشتندار هستند و برخی صمیمانه نماز می خوانند. آنها (تلاش می کنند) موعظه کنند (خوب بودن)، اما (توسط صاحبان قدرت) مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. عده ای به ناحق کشته می شوند و تعداد کمی (موفق به زنده ماندن) می شوند. (ارزش جهان) در چشمان شما باید "کمتر از پوست گیاه اقاویا باشد (یعنی بی ارزش). از کسانی که جلوتر از شما رفتند (از این دنیا رفتند) عبرت بگیرید.

(خطبه ۳۲)

## دلیل خلقت ما:

ای مخلوقات خدا، خدا را آگاه باشید؛ از دلیلی که او شما را آفریده است آگاه باشید. خود را مستحق (نعمت ها) قرار دهید که با توکل به خدا، و ترس از روز قیامت به شما وعده داده است.

(خطبه ۸۲)

در پاسخ به سوالی، حضرت علی این سخن را فرمودند: «جهان بدون هدف و برنامه، ایده کافران و مشرکان است. متأسفم، وضعیت آنها در آتش جهنم خواهد بود.» مرد با

شنیدن این حرف از حضرت علی پرسید، "پس چه سرنوشتی داشتیم؟" امام علی پاسخ داد: "این دستور خداوند بود که آن را مانند دستوری که در کتاب مقدس خود داده انجام دهد: شما مقدر شده اید که جز او را عبادت نکنید، ۲ و در اینجا مقصد "به معنای" دستور داده شده است."

### مشاوره در مورد پرهیز از افراط در تجملات و در مورد تغییر زمان:

ما خدا را به خاطر آنچه گذشته تحسین می‌کنیم و در امور خود برای آنچه در آینده قرار دارد به دنبال کمک او هستیم و از او می‌خواهیم تا ایمان ما را حفظ کند، همانطور که برای حفاظت از بدن خود از او درخواست می‌کنیم.

ای مخلوقات خدا! من به شما توصیه می‌کنم که از (تجملات) این دنیا که (به زودی) مجبور به ترک آن هستید، خودداری کنید، گرچه ممکن است برای آن آماده نباشید.

پس از عزت و سربلندی دنیایی خود مغرور نشوید و از زینتها و نعمتهای آن احساس سرخوشی نکنید و از زیانها و بدبختی‌های آن گریه نکنید، زیرا عزت و افتخار آن پایان می‌یابد، در حالی که زیبایی و فضل آن از بین می‌رود. همه چیز در آن به پایان خواهد رسید، و هر موجود زنده‌ای در آن (مقدر) است که بمیرد. آیا در یادگارهای پیشینیان هشداری برای شما نیست؟ آیا نمی‌بینید که پیشینیان بر نمی‌گردند؟

برحذر بودن! در زمان ارتکاب اعمال شرور، از بین برنده شادی‌ها، خراب‌کننده لذت‌ها و قاتل آرزوها (یعنی مرگ) باشید. برای تحقق حقوق واجب او و (تشکر از او) بخاطر نعمت‌ها و لطف‌های بی‌شمار او از خدا کمک بگیرید.

(خطبه ۹۸)

ای مردم! به کسانی که از هوس‌های دنیا پرهیز می‌کنند و روی می‌گردانند بنگرید. به خدا سوگند به زودی شادمانان و (خود را) ایمن می‌دانند با غو و اندوه مواجه می‌شوند و کسی که از آن دور می‌شود دیگر بر نمی‌گردد. آنچه قرار است اتفاق بیفتد (زمان مرگ)

معلوم نیست و نمی توان آن را پیش بینی کرد. خوشی های (دنیا) با غم و اندوه آمیخته است. رحمت خدا باد بر آن کسی که تدبیر می کند. از آن درس می گیرد و از این طریق به روشننگری می رسد. هر چه موجود در این جهان (در نهایت) وجود ندارد، در حالی که همیشه برای بودن در دنیای بعدی از قبل وجود دارد.

(خطبه ۱۰۲)

### احتیاط در برابر فریب های جهان:

من در مورد این دنیا به شما هشدار می دهم ، زیرا آن شیرین و جذاب است ، و در محاصره شهوات است و به دنبال لذت های فوری آن است. این شگفتی را برانگیخته ، با امیدهای (کاذب) تزئین شده و با فریب تزئین شده است. شادی آن مدت زیادی طول نمی کشد و نمی توان از گرفتاری های آن جلوگیری کرد. این فریب ، تغییر ، فسادپذیری ، فرسایش و تخریب است. در مورد کسی که به خواسته های (دنیوی) دست یابد و با آن احساس خوشبختی کند ، خداوند سبحان می فرماید (در قرآن کریم):

" و برای آنان زندگی دنیوی را به آبی مثل بزن که آن را از آسمان نازل کنیم و به آن گل و گیاه زمین آمیزد، و سرانجام خرد و خوار شود که بادها پراکنده اش کنند، و خداوند بر هر کاری تواناست "

(قرآن سوره ۱۸:۴۵)

هیچ کس بدون تجربه غم و اندوه از این دنیا لذت نمی برد و هیچ کس بدون اینکه بعداً به سختی ها پردازد از راحتی آن لذت می برد. صبح ، از یک فرد پشتیبانی می کند ، اما در شب ، او را نمی شناسد. اگر یک طرف آن شیرین و دلپذیر باشد ، طرف دیگر آن تلخ و ناراحت کننده است.

هیچ کس لذت بردن از طراوت آن را تضمین نمی کند ، اما (متعاقباً) مجبور است با مصیبت های خود روبرو شود. هیچ کس عصر را با خیال راحت نمی گذراند ، اما اینکه

صبح ترس ایجاد می‌کند. پر از فریب است، و همه چیز در آن نابود خواهد شد. بهترین روزی در آن تقواست. چه تعداد از مردم به این دنیا اعتماد کردند، اما باعث پریشانی آنها شد. و (چند نفر) در آن احساس آرامش کردند، اما آنها را فروپاشید. چه تعداد در آن به اعتبار رسیدند، اما آنها را پایین آورد و چه تعداد از آن احساس افتخار کردند، اما رسوا شدند؟

اقتدار آن همیشه در حال تغییر است و شیرینی آن تلخ می‌شود. افراد سالم در آن مستعد بیماری هستند، افراد قوی در آن شکست خورده و ثروتمندان در بدبختی گرفتار می‌شوند. آیا شما در خانه کسانی که قبل از شما رفته اند (اقامت) ندارید؟ چگونه آنها خود را وقف دنیا کردند و جذب آن شدند! سپس آنها (با دست خالی) بدون هیچ گونه تأمینی از دنیا رفتند.

باید بدانید که (سرانجام) باید از این دنیا دور شوید. بنابراین، در حالی که در آن هستید، از کسانی که اعلام کرده اند عبرت بگیرید:

"چه کسی از ما قدرتمندتر است؟" (قرآن ۴۱:۱۵).

با این حال، آنها را به محل زندگی خود در گور خود منتقل کردند.

(خطبه ۱۱۹)

**مراقب تله باشید:**

مطمئناً، ظاهر این جهان جذاب است و درون آن مخرب است. پر از فریب و سراب است. وقتی فرد شروع به پسندیدن کرد و احساس راحتی کرد، پایش را پایین می‌گذارد و (قربانی خود) را در دام خود می‌گیرد.

(خطبه ۸۲)

## درباره نحوه برخورد این دنیا با کسانی که به آن پیوستند:

بدانید که این دنیایی که شما به آن اشتیاق ورزیده اید ، علاقه مند به آن هستید ، که گاهی اوقات شما را خشمگین می کند و گاهی اوقات شما را خشنود می کند ، محل زندگی (دائمی) شما نیست. دل‌های خود را از این دنیا دور کنید و از آنچه در آن محروم شده اید غصه نخورید.

بدانید که اگر از اصول دین خود محافظت کنید ، از دست دادن هر چیزی از این دنیا به شما آسیب نمی رساند. این را هم بدانید که پس از از دست دادن دین خود ، هیچ چیز از این دنیا به درد شما نمی خورد. باشد که خداوند قلبهای ما را به حق هدایت کند و به ما استقامت عطا کند.

(خطبه ۱۷۲)

## آمادگی برای روز قیامت:

بدانید که (در روز قیامت) باید از مسیر (آسمانی) (صراط) عبور کنید ، جایی که پله ها متزلزل می شوند ، پاها می لغزند و خطرات موجود در هر مرحله وجود دارد. ای مخلوقات خدا ، مانند انسان خردمندی که فکر (دنیای بعدی) او را از سایر امور (پیش پا افتاده) دور کرده ، خدا را آگاه باشید ، نماز شب او را بیدار نگه می دارد (در حالی که دیگران می خوابند) ، امید (از پاداش ابدی) خواسته های او (دنیوی) را مهار کرده است و یاد خدا همیشه بر زبان او است. او از روشهای انحرافی (در زندگی) به نفع روشهای روشن پرهیز می کند. او سریعترین مسیر را برای تأمین هدف (نجیب) خود طی می کند. آرزو ، تفکر او را مخدوش نمی کند و ابهامات (زندگی) او را گیج نمی کند. او شبها با آرامش می خوابد و روز را با قناعت سپری می کند ، زیرا (امید او به) بشارت و لذت (آخرت) است.

سلوک او در این دنیا ستودنی است و تأمین او برای دنیای بعدی فضیلت است. او (به سوی فضیلت) شتاب می‌کند و از رذیلت می‌ترسد. او در مدت زمان کوتاه زندگی در این دنیا سریع حرکت می‌کند. او خود را در جستجوی (مزایای ابدی) وقف می‌کند، از شر دور می‌شود و به آینده توجه دارد قطعاً بهشت بهترین پاداش و بالاترین دستاورد است و جهنم (محل مجازات و رنج) است. خدا بهترین یاور است و بهترین انتقام را از دشمنانش می‌گیرد. قرآن بهترین دلیل (برای خدا) و بهترین برخورد (با منکرات) است. (خطبه ۸۲)

### درباره جمع آوری امور مورد نیاز برای جهان بعدی:

ای مردم، مطمئناً این جهان یک گذرگاه است، در حالی که دنیای بعدی محل سکونت دائمی است. بنابراین، از گذرگاه (همه آنچه را برای اقامت دائم می‌توانید) بردارید، زیرا شما برای دنیای بعدی خلق شده‌اید. وقتی مرد می‌میرد، مردم می‌پرسند، "او چه دارایی دارد؟" در حالی که فرشتگان می‌پرسند، "او چه چیزهایی را فرستاده است؟" خدا به شما برکت دهد، پیشاپیش چیزی (برای دنیای بعدی) ارسال کنید. به شما اعتبار داده می‌شود، و (دارایی مادی) که پشت سر می‌گذارید برای شما مسئولیتی است (در روز قیامت).

(خطبه ۲۰۲)

### مرگ و قیامت

مردم به سوی مرگ خود در حرکت هستند. سپس خداوند آنها را (در قیامت) از گورهایشان بیرون می‌آورد. آنها به فرمان او پاسخ خواهند داد و به صورت گروهی به سوی مکان‌های تعیین شده عجله خواهند کرد. آنها بی‌زبان خواهند بود، در صف‌ها می‌ایستند و در دید خدا می‌مانند.

آنها در وضعیت درماندگی، تسلیم و فروتنی قرار خواهند گرفت. زیرکی آنها ناپدید می شود، قلب هایشان فرو می رود، گلوهایشان خفه می شود، از ترس بر آنها غلبه می کند و گوش هایشان با صدای رعد و برق گوینده طنین انداز می شود، و آنها را به سمت قضاوت فرا می خواند تا پاداش اعمال خوب را بگیرند، یا مجازات دریافت کنید.

(خطبه ۸۲)

### جنبه های معنوی مرگ و آمادگی برای روز قیامت:

آیا افرادی که در جوانی هستند اکنون منتظر رسیدن پیری (اجتناب ناپذیر) هستند؟ آیا کسانی که در حال حاضر از سلامتی خوبی برخوردارند منتظر بیماری های (غیرمنتظره) هستند؟ آیا کسانی که زنده هستند پیش بینی برخورد با مرگ را دارند؟ وقتی که ساعت مرگ نزدیک است، زمان آن فرا خواهد رسید که برای کمک (و حمایت) از اقوام و دوستان خود درخواست کنید. آیا در این صورت نزدیکان می توانند جلوی مرگ را بگیرند (یا معکوس کنند)، یا اینکه عزاداری سود خوبی خواهد داشت؟ همه مردگان در قبر به پایان می رسند. سپس، نه می توان اعمال خوب را اضافه کرد و نه می توان گناهان را با توبه جبران کرد. آیا شما پسران، پدران، برادران و روابط دیگر مردگان نیستید؟ آیا شما نباید آنها را به همان شیوه دنبال کنید؟ با این حال، قلب ها هنوز متزلزل نشده اند (برای گذراندن درس)، بی توجه به راهنمایی و حرکت در مسیری اشتباه، گویی کار صحیح جمع آوری دستاوردهای دنیاست.

بدانید که (در روز قیامت) باید از مسیر (پل صراط) عبور کنید ۱ جایی که پله ها متزلزل می شوند، پاها سست می شوند و ترس و خطر در هر مرحله وجود دارد. ای مخلوقات خدا، خدا را آگاه باشید، مانند ترس از انسان خردمندی که فکر (دنیای بعدی) او را از سایر امور (کمتر) دور کرده است، ترس (از حساب) بدن او را با اضطراب و درد آزار داده است پرهیز از خواسته های دنیوی او را مهار کرده است، و یاد خدا همیشه بر زبان او است. او از روش های بیهوده به نفع روش های روشن پرهیز می کند. او برای تأمین

هدف خود کوتاه‌ترین مسیر را طی می‌کند، آرزو فکر او را مخدوش نمی‌کند و ابهامات چشم او را کور نمی‌کند. او از خواب آرام لذت می‌برد و محتوای روز خود را به دلیل بشارت (پیش بینی) و لذت (در آخرت) می‌گذراند. او مسیر این جهان را به شکلی ستودنی می‌گذراند. او با فضایل به دنیای بعدی می‌رسد. او از ترس از افتادن در رذایل، به سوی فضیلت شتاب می‌گیرد. او خود را در جستجوی سود ابدی وقف می‌کند و از شر دور می‌شود. او آینده را از نظر خود حفظ می‌کند. قطعاً بهشت پاداش و دستاورد است، در حالی که جهنم مجازات و رنج است. خدا حسابگر و یاری دهنده است و قرآن بهترین دلیل و مقابله است (کسانی که نافرمانی می‌کنند).

(خطبه ۸۲)

### درسی که می‌توانید از کسانی که گذشته اند یاد بگیرید:

ای مخلوقات خدا! کسانی که درسین بالا هستند و از نعمت‌ها لذت می‌برند کجا هستند؟ به آنها وقت داده شد و آنها بیهوده آن را هدر دادند. به آنها سلامتی اعطا شد، اما وظیفه خود را فراموش کردند. به آنها مدت طولانی (زندگی) اجازه داده شد، به آنها مجازات هشدار داده شد و به آنها پاداش‌های زیادی داده شد. بنابراین، شما باید از گناهان منجر به نابودی و رذایلی که موجب خشم (خدا) می‌شود، خودداری کنید.

ای مردم، ای صاحبان چشم، گوش، سلامتی و ثروت؛ آیا پناهگاهی وجود دارد که بتواند در آن ایمنی باشد؟ آیا می‌توانید پناهگاهی امن یا هر فرصتی برای فرار از مرگ، یا بازگشت به این دنیا پیدا کنید؟ خداوند این را در قرآن از منکرات می‌پرسد:

"خداوند شکافنده دانه و هسته است، زنده را از مرده خارج می‌سازد و مرده را از زنده، این است خدای شما پس چگونه از حق منحرف می‌شوید؟"

(قرآن ۶:۹۵)

ای مردم) چه چیزی شما را فریب داده است؟ مطمئناً، سهم شما از این زمین فقط یک قطعه زمین است، به اندازه قبر شما. شما در آنجا غبارآلود خواهید خوابید. زمان حال لحظه ای مناسب برای عمل (به حق) است.

ای مخلوقات خدا، از آنجایی که از اوقات فراغت و آزادی لذت می برید، اکنون زمان راهنمایی است. شما آزادانه می توانید جمع شوید و آزادی عمل دارید، بنابراین قبل از اینکه گرفتار شرایط سخت، پریشانی، ترس، ناتوانی یا مرگ شوید، از فرصت استغفار استفاده کنید.

ای مخلوقات خدا! از موعظه ها و پندها بهره مند شوید. راهپیمایی شما به سمت مکانی است که همه باید بروند، یعنی قبر شما. قرآن می فرماید:

"و هر کسی می آید [در حالی که] با او سوق دهنده و گواهی دهنده ای است"

(قرآن ۲۱:۵۰).

سوق دهنده او را به سمت روز قیامت می راند، در حالی که شاهد شواهدی راجع به اعمال او ارائه می دهد.

(خطبه ۸۲)

**مشاوره ی حضرت در مورد مرگ، معنویت آن و آمادگی برای آن:**

وقتی ساعت عزیمت نزدیک باشد، سفر (به دنیای بعدی) نزدیک خواهد بود. غم و اندوه، رنج، خفگی وجود خواهد داشت و زمان آن فرا می رسد که برای کمک به خانواده و دوستان خود فراخوانده می شوید. آیا آن وقت نزدیکان می توانند مانع از مرگ شوند یا عزاداری چه فایده ای خواهد داشت؟

در آن زمان، نه اعمال خوب اضافه می شوند و نه توبه پذیرفته می شود. آیا شما پسران، پدران، برادران و اقوام کشته شدگان نیستید؟ آیا شما نباید دنباله رو آنها باشید (سرانجام

با مرگ روبرو شوید؟ با این وجود، بعضی از قلب‌ها هنوز بی حرکت هستند، زیرا از راهنمایی غافل هستند و در جهت نادرستی حرکت می‌کنند، گویی که راه مناسب، جستجو و جمع‌آوری دستاوردهای دنیاست.

(خطبه ۸۲)

آنها آن (مرگ) را نادیده می‌گرفتند، اما این حمله باعث جدایی آنها از این دنیا شد. آنها همانطور که به آنها وعده داده شده بود به مقصد خود در جهان بعدی رسیدند و سرنوشت آنها برای اقوامشان ناشناخته است.

مرگ بین او و قومش ایستاده است. او (روح او) قادر به دیدن و شنیدن است. سپس او (روح) در مورد اینکه چگونه زندگی خود را هدر داده و در چه (فعالیت‌هایی) وقت خود را گذرانده می‌اندیشد. وی به یاد می‌آورد ثروت خود را جمع‌آوری کرد، (اگر) در طلب آن از طمع کور شده بود، و اینکه آیا آن را از طریق منصفانه یا ناعادلانه به دست آورد. اکنون عواقب جمع‌آوری ثروت او را فرا گرفته است. او باید ثروت خود را برای اقوام بعدی ترک کند. آنها از ثروت او (غافل از رنج او) لذت خواهند برد.

آنچه او وصیت می‌کند برای دریافت کنندگان یک پاداش خواهد بود، اما این یک بار (مسئولیت پاسخگویی) بر عهده او خواهد بود، و او نمی‌تواند از پاسخگویی فرار کند. پس از آن وقتی اعمالش به او نشان داده شود، از شرم (و پشیمانی) نوک انگشتانش را گاز می‌گیرد. او از آنچه در طول زندگی طمع کرده پشیمان خواهد شد و آرزو خواهد کرد کسی غیر از او صاحب این ثروت باشد.

(خطبه ۱۰۸)

ما خدا را به خاطر آنچه از ما می‌گیرد (یا انکار می‌کند) و هر آنچه به ما عطا می‌کند، ستایش می‌کنیم. هر آنچه او به ما تحمیل می‌کند، یا با هر آنچه ما را امتحان می‌کند.

او (کاملاً) از همه آنچه پنهان است آگاه است و آنچه را که پنهان است می بیند. او همه اینها را قلب و چشم می داند.

ما شهادت می دهیم که خدایی جز او وجود ندارد، که محمد (ص) برگزیده او (پیام آور) است، و او توسط به عنوان راهنمای بشریت فرستاده شده است.

به خدا قطعاً مرگ یک واقعیت است. شما کسانی را دیده اید که قبل از شما زندگی می کردند. آنها ثروت جمع کردند و سپس مرگ بر آنها غلبه کرد و آنها را از امنیت خانه هایشان خارج کرد.

آیا شاهد کسانی نبودید که در رسیدن به خواسته های خود مشغول بودند؟ آنها ساختمانهای بزرگ و محکمی ساختند، ثروت زیادی جمع کردند، اما مرگ آنها را به سمت قبرهایشان سوق داد و مجموعه های آنها به ویرانه تبدیل شد. املاک و مستغلات آنها توسط افراد به جا مانده به ارث رسید.

بنابراین، هرکس قلب خود را به خدا آگاهی تبدیل کند، به موقعیتی رو به جلو دست می یابد و تلاش های او موفقیت آمیز است. بنابراین، خود را برای آخرت آماده کنید و تمام تلاش خود را برای رسیدن به بهشت انجام دهید.

مطمئناً این جهان به عنوان محلی برای اقامت دائم شما تعیین نشده است. این دنیا به عنوان گذرگاهی ساخته شده است تا شما بتوانید مواد (کارهای خوب خود) را برای سکونت دائمی خود (در آخرت) از آن بگیرید. خود را برای عزیمت از این دنیا آماده کنید.

(خطبه ۱۳۱)

## از کسانی که قبل از شما از دنیا رفتند پند بگیرید:

من همچنین به شما توصیه می‌کنم که مرگ را به یاد داشته باشید و بی‌توجهی خود را نسبت به آن کاهش دهید. کسانی که قبل از شما مردند باید به عنوان مثال کافی باشند. دیگران آنها را به مزار خود منتقل کردند. آنها مکانهای زندگی خود را تخلیه کردند و اکنون در مکانی تنها (قبر) دراز کشیده‌اند. اکنون، آنها نه می‌توانند از عواقب کارهای گناه‌آلود خود فرار کنند، و نه می‌توانند بر کارهای خوب خود بیفزایند. آنها خود را به دنیا متصل کردند، اما دنیا آنها را فریب داد. آنها به آن اعتماد کردند، اما دنیا آنها را رها کرد.

(خطبه ۱۸۷)

## درباره فرشته مرگ:

آیا وقتی فرشته مرگ وارد خانه‌ای می‌شود و وقتی زندگی را از یک فرد بیرون می‌کشد، او را می‌بینید؟ آیا می‌دانید چگونه او زندگی را از جنینی در رحم مادرش بیرون می‌کشد؟ آیا او در فضای داخلی مادر به جنین می‌رسد؟ بنابراین، او که قادر به توصیف (یا درک) موجودی مانند این نیست چگونه می‌تواند خدا را توصیف کند؟

(خطبه ۱۱۱)

## درباره مردگان و وضعیت آنها در گورها:

کسانی که مرده‌اند به هدف خود رسیده‌اند و پیش از شما به مقصد رسیده‌اند. آنها مقام‌های افتخار در این جهان را داشتند. برخی از آنها حاکم بودند و برخی دیگر مناصب عالی داشتند. حالا آنها بی‌جان در گور خود افتاده‌اند. نزدیک شدن خطرات زمینی دیگر آنها را نمی‌ترساند، زمین لرزه‌ها آنها را آزار نمی‌دهد، و آنها توجهی به رعد و برق ندارند.

وضعیت آنها برای کسانی که زنده مانده اند ناشناخته است. آنها را به نوشیدن فنجان (مرگ) وادار کردند، که گفتار آنها را به سکوت تغییر داده است، شنوایی آنها به ناشنوایی و حرکات آنها به سکون تبدیل شده است. به نظر می رسد که آنها در خواب فرو رفته اند. هرکدام از آنها در مکانی تنها (قبر) قرار دارند و از زمان روز یا شب بی خبرند. صورت و بدن آنها غبار پوشیده است. کسانی که هنوز زنده هستند باید از آنها درس بگیرند.

(خطبه ۲۱۹)

### درباره بهشت

مقدمه: مفهوم زندگی پس از مرگ و پاداش بهشت بخشی از سیستم اعتقادی بسیاری از ادیان است. قرآن جزئیات بسیاری درباره نعمت های آسمانی آورده است. همچنین افراد مبارکی را توصیف می کند که وارد بهشت میشوند. حضرت علی (ع)، در این چند بند، خلاصه ای از لذت های بهشت و راه دستیابی به آنها را بیان می کند. برخی از جزئیات شگفت انگیز است و باعث می شود که فرد تعجب کند که آیا او واقعاً از بهشت بازدید کرده است، یا شاید آن را از پیامبر (ص) آموخته است، که در شب معراج به بالاترین سطح آسمان صعود کرد.

بهشت، یک خانه ابدی:

در بهشت، محل های (سطح) مختلفی برای اقامت وجود دارد. مرزهای آن محدودیتی ندارد. او یا کسی که در آن باقی بماند هرگز مجبور نخواهد شد از آن خارج شود. کسی که مبارک باشد هرگز به چیز دیگری احتیاج نخواهد داشت.

(خطبه ۸۴)

### شرح بهشت:

اگر ذهن خود را به آنچه در مورد بهشت برای شما توصیف می‌شود معطوف گردانید، قلب شما از لذت‌ها و زینت‌های این جهان بیزار می‌شود. شما در خوش‌خوش درختان بهشت گم می‌شوید، که ریشه‌های آنها در تپه‌های مشک درحاشیه رودخانه‌ها و در دید میوه‌های مختلف از زیر پوشش برگ آنها پنهان شده است. این میوه‌ها را می‌توان بدون مشکل برداشت کرد، زیرا به خواست ساکنان پایین می‌آید. عسل خالص به کسانی که در حیاط کاخ‌های آن مستقر می‌شوند، تحویل داده می‌شود.

آنها افراد شریفی هستند که در خانه اقامت ابدی ساخته شده‌اند و از سفر خود در آنجا آرام گرفته‌اند. ای شنوندگان، اگر خود را در پیشبرد صحنه‌های شگفت‌انگیزی که به سمت شما هجوم می‌آورند مشغول کنید، آرزوی قلبتان این است که با اشتیاق برای آنها بمیرید. خدایا، به رحمت خود، ما را نیز در زمره کسانی قرار ده که با قلب خود برای اقامتگاه نیکوکاران تلاش می‌کنند.

(خطبه ۱۶۴)

### دعوت به بهشت:

منزه هستی، تو ای خالق، پرستش شده‌ای. شما خانه‌ای (بهشت) ایجاد کردید و (امکاناتی) در آن برای مهمانی، نوشیدن نوشیدنی، جفت، خدمتکار، نهرها، مزارع و میوه‌ها فراهم کردید. سپس شما پیام‌آوری فرستادید تا مردم را به سوی آن دعوت کند، اما بسیاری از مردم به آن پاسخ ندادند و نسبت به آنچه به آنها پیشنهاد کردید اشتیاق نشان ندادند. آنها روی واگن (از لذت‌های گذرا) پریدند، آنها دنیا را دوست داشتند و در آخرت شرم‌سار شدند.

(خطبه ۱۰۸)

## بخش نهم:

(فرمایشات امام علی (ع) درباره‌ی

موضوعات متفرقه)

فرمایشات امام در رابطه با شخصیت گرامی حضرت پیامبر اکرم (ص)؛ خاندان شان، خودشان، اسلام، قرآن کریم؛ خانه خدا، سفر حج و نمازها و همچنین درباره شیطان، تفرقه افکنی؛ ایمان، ناباوری، تردید و مباحث متفرقه

## درباره پیامبر حضرت محمد (ص)

### مقدمه:

درباره حضرت محمد (ص) آخرین پیامبر خدا بسیار نوشته شده است. امام علی (ع) به دلیل ارتباط نزدیک با پیامبر، در مقام توصیف شخصیت پیامبر قرار دارد. وی نه تنها پسرعموی او، بلکه داماد پیامبر (ص) نیز بود. حضرت علی (ع) نیز توسط پیامبر بزرگ شده و همراه و معتمد وی بود. به همین ترتیب، حضرت علی (ع) نقش محافظ پیامبر و محافظ مومن را بر عهده گرفت. علی (ع) علاوه بر اینکه دائماً در محضر پیامبر بود، محرم بر دانش الهی وحی شده بر پیامبر (ص) بود.

### خداوند پیامبران خود را انتخاب می‌کند:

خداوند از فرزندان او (آدم) پیامبران را برگزید و وعده آنها را برای وحی او و حمل پیام خود به عنوان امانت گرفت. با این حال، مردم اعتماد (پیام) را پس از دریافت آن انحراف دادند. شیطان مردم را از حقیقت خدا دور کرد و آنها را از پرستش خود منحرف کرد. خداوند پیامبران خود (پیامبرانی که کتابهای آسمانی نیز آورده اند) و یک سری پیامبران را برای بشر برای انجام ودیعه (فقط پروردگار متعال را پرستش کنید) فرستاد تا نعمت های خود را به آنها یادآوری کند، آنها را به راه خدا ترغیب کند، به آنها فضایل را بیاموزد و نشانه های قدرت مطلق او را به آنها نشان دهد. نمونه هایی از نشانه های قدرت مطلق او آسمانی است که بر فراز آنها برافراشته شده است، زمینی است که در زیر آنها قرار گرفته است، وسایل معیشتی آنها، بیماری ها، پیری و ناتوانی، مصائبی است که آنها را به خطر بیندازد و سرانجام مرگ که پایان دنیاست.

خداوند هرگز اجازه نداد که خلقتش بدون پیامبری که او فرستاده است، یا کتابی (پیام) فرستاده شده توسط او باقی بماند. این پیام رسان ها به گونه ای بودند که علی رغم

نیروهای قوی مخالف آنها، (در اعلام پیام) مانع آن نمی شدند. انبیا و رسولان جانشینان خود را طبق دستور الهی تعیین کردند.

(خطبه ۱)

**درباره نبوت محمد (ص):**

سرانجام، خداوند محمد (ص) را در انجام وعده خود و خاتمه بخشیدن به نبوت، به عنوان پیامبر خود فرستاد. شخصیت او بی نظیر و نسبش شریف بود. مردم زمین در زمان او به گروههای مختلفی تقسیم شدند. اهداف و راههای آنها متنوع بود. آنها خدایان دیگر را با خدا پیوستند (شرک). به وسیله محمد، خداوند آنها را نسبت به گناه و جهل راهنمایی کرد.

(خطبه ۱)

**استناد او به نعمت ها بر حضرت محمد (ص):**

ای خدای من، ای خالق و نگهدارنده آسمانها و زمین، بر محمد و بنده تو و آخرین پیامبر خدا صلوات و عنایات روزافزون بفرست. او حقیقت را اعلام کرد و نیروهای باطل را دفع کرد و نیروهای گمراهی را شکست داد. او بار (نبوت) را به دوش کشید، تسلیم دستورات تو شد، و اراده تو را با استواری و عزم راسخ انجام داد.

او مکاشفه شما را پذیرفت و تأیید کرد، وصیت شما را حفظ کرد، در گسترش دستورات شما پیشقدم شد و راهی را برای جویندگان حقیقت که در تاریکی (جهل) می پیچیدند روشن کرد.

او فرستاده شماست، حامل حقیقت، و رسول شما برای بشر است. خدای من، او را در سایه (رحمت خود) جایی والا عطا کن، و برکات و نعمتهای روزافزون به او اعطا کن.

خدای من ، برای انجام مأموریت تو با وفا ، به نور او کمال عطا کن . خدای من ، نعمتهای خود را به ما عطا کن ، نعمتها را افزایش ده ، نیازها و خواسته های ما را برآورده کن ، مشکلات را برطرف کن ، زندگی راحت ، آرامش خاطر و عطای اقامت شریف (در این زندگی) را به ما ارزانی داشته باش .

(خطبه ۷۱)

### درباره مأموریت او:

هنگامی که مأموریت پیامبران دیگر زودتر به پایان رسیده بود و مردم مدتها در خواب بودند (از غفلت) ، خداوند پیامبر (ص) را فرستاد . شر در حالی بود که جهان سرشار از نیرنگ بود و ناامیدی وجود داشت ، سر خود را بالا می گرفت ، صلح بر هم خورد و شعله های جنگ روشن شد . به خدا قسم ، هرچه پیامبر به آنها گفت ، من در اینجا همین را به شما می گویم و هر آنچه امروز می شنوید با آنچه بزرگان شما از دنیا شنیده اند تفاوتی ندارد . چشمهایشان به آنها گشوده شد و دلهایشان هدایت شد . در این زمان همان پیام به شما داده می شود .

به خدا سوگند ، به شما چیزی نگفته اند که به آنها گفته نشده است و به شما چیزی داده نشده است که آنها را انکار کنند . مطمئناً شما به یک مصیبت (آزمایش) مبتلا شده اید ، بنابراین نگذارید افراد فریبکار شما را فریب دهند .

(خطبه ۸۸)

### مداحی حضرت محمد (ص)

خداوند پیامبران خود را پی در پی فرستاد . آنها از تبار برجسته و پاکدامنی متولد شدند . هر وقت پیامبری می میرد ، پیامبر بعدی در راه دین خدا قیام می کرد ، تا اینکه مأموریت الهی به محمد (ص) رسید .

خداوند او را از همان شجره شریف بیرون آورد که پیامبران دیگر را نیز آورد. او رهبر (امام) همه انسانهای خداشناس و چراغی برای کسانی است که راهنمایی می‌خواهند. او چراغی است که شعله آن روشن است. رفتار او قائم بود، گفتار (استدلال) قاطع، و تصمیم او عادلانه بود. رحمت خدا بر او باد.

(خطبه ۹۳)

### کم توجهی پیامبر به جهان مادی:

او با بی‌اعتنایی نسبت به جهان باطل رفتار می‌کرد و به چیزهای مادی توجه چندانی نداشت. او قلب خود را از آرزوهای دنیوی دور کرد. او استدعای خدا را (در برابر ارتکاب گناهان) ابلاغ کرد، مردم را (نسبت به عذاب الهی) بر حذر داشت و آنها را به سمت بهشت بشارت داد.

(خطبه ۱۰۸)

### او آخرین پیامبر است:

خداوند پس از سالها فاصله از پیامبران قبلی، پیامبر را منصوب کرد. مردم در انتظار آمدن پیامبری بودند. با فرستادن او، خداوند سلسله پیامبران را فرستاد و پیامهای خود را خاتمه داد.

(خطبه ۱۳۲)

### پیامبر آمد تا مردم را از پرستش بت‌ها منصرف کند:

خداوند محمد (ص) را منصوب کرد تا بتواند قوم خود را از پرستش بتها منصرف و آنها را به سمت پرستش خداوند متعال راهنمایی کند. خداوند او را با پیام خود، قرآن، که آن را تعلیم داد و توضیح داد، فرستاد تا مردم بتوانند حافظه خود را بشناسند. خداوند از

طریق کتاب (قرآن) خود، امور خود را آشکار کرد، به طوری که مردم حتی بدون دیدن او به او ایمان می‌آوردند.

(خطبه ۱۴۶)

### محمد (ص) الگویی برای اطاعت خدا است:

مطمئنماً شما باید از پیامبر پاک و پاکدامن خود پیروی کنید. او نمونه‌ای است برای تقلید. محبوب‌ترین شخص در برابر خدا کسی است که در رکاب او (پیامبر) قدم می‌گذارد. او از نعمتهای این دنیا کم لذت برد. کمتر غذا خورد و شکمش را پر نکرد. نعمت‌های جهانی به او پیشنهاد شد، اما او آنها را رد کرد. او از آنچه خدا ناپسند بود، بدش آمد و آنچه را خدا فرومایه می‌دانست، فرومایه در نظر می‌گرفت.

پیامبر کفش‌های خودش را تعمیر می‌کرد و لباس‌هایش را با دست وصله میزد. بر اسب خود بدون زین سوار می‌شد. او قلب خود را از جاذبه‌های این جهان جدا کرد و آنها را از افکارش محو کرد. او ترجیح داد که جذابیت‌های دنیا باید از چشم او دور باشند، به طوری که نباید این جهان را به عنوان یک مکان گسترده قلمداد کند.

مطمئنماً، خداوند محمد (ص) را مژده‌دهنده بهشت و هشدار دهنده عذاب خود قرار داد. نعمتی که خداوند برای ما پیامبر فرستاد، رهبری بزرگ است.

(خطبه ۱۵۹)

### یک نور روشن و یک بحث روشن:

خداوند پیامبر را با نوری روشن، استدلالی روشن، راه باز (صالح بودن) و کتاب راهنما (قرآن) همراه قرار داد. او از تباری نجیب بود، شهرتش بالا بود و پیام او به همه جا سرایت کرد.

خداوند او را با سخنی راسخ و رساله‌ای قانع‌کننده فرستاد. از طریق او، خداوند راههای (حقیقت) را بیان کرد و نوآوریهای معرفی شده را نابود کرد. خداوند از طریق او دستورات خود را روشن ساخت.

(خطبه ۱۶۰)

### پیامبر برای مردم افتخار آورد:

سپس، خداوند سبحان، محمد (ص) را در زمانی که نابودی جهان نزدیک به نظر می‌رسید و روشنایی آن به تاریکی تبدیل می‌شود، حقیقت خود را به تصویر می‌کشد. دنیا برای ساکنانش پر از دردسر شده بود و زوال آن نزدیک شده بود. خداوند او را برای رساندن پیام خود و (وسیله‌ای برای افتخار) برای قومش فرستاد و دوره شکوفائی را برای آنها بشارت داد، و او برای حامیان و یاورانش منزلتی بود.

(خطبه ۱۹۷)

### خداوند از طریق پیامبر مردم را متحد کرد:

خداوند پیامبر را با چراغی منصوب کرد، او را بر دیگران ترجیح داد و بالاترین جایگاه را به او داد. از طریق او، خداوند کسانی را که دچار تفرقه شدند متحد کرد و قدرتمندان را تحت سلطه خود درآورد. او بر مشکلات جامعه غلبه کرد و بدین وسیله گمراهی گسترده را برطرف کرد.

(خطبه ۲۱۲)

### تبار اصیل پیامبر (ص):

من شاهد هستم که خدا عادل است. خداوند خط تبار را برای پیامبر برگزید و هیچ شرووری از تبار او نبود. خداوند جلال، به کسانی که لیاقت آن را دارند فضیلتی اعطا کرده، آنها را به سوی حقیقت رهنمون شده و از انحراف محافظت کرده است.

بدانید که مطمئناً، آن موجودات خدا که از دانش او محافظت می‌کنند، از آنچه او می‌خواهد محافظت شود، محافظت می‌کنند، آنها چشمه‌های برکت الهی را به نفع مردم به جریان می‌اندازند. آنها با دوستی و محبت یکدیگر را ملاقات می‌کنند. آنها از فنجان‌های علم و تقوا که عطش را برطرف می‌کنند، آب می‌نوشند و کاملاً سیر از جاهای آبیاری برمی‌گردند. سو تأثیری در آنها ندارد و معاشرت برای آنها جذابیتهای ندارد. خداوند به آنها حسن خلق عطا کرده است. آنها انتخاب شدند، همانطور که بذرها با نگره داشتن بعضی و دور انداختن بعضی دیگر انتخاب می‌شوند. این انتخاب آنها را نسبت به دیگران متمایز کرده و آنها (روح‌ها) را تطهیر کرده است.

(خطبه ۲۱۳)

### درباره سایر پیامبران

مقدمه: طبق اعتقاد اسلامی، پیامبر خدا فردی است که توسط خدا منصوب شده است تا او را در برابر بشریت نشان دهد. او توسط خداوند برگزیده، تحصیل کرده و تربیت شده است، به طوری که پیامها و دستورات خدا را صادقانه ارائه می‌دهد. تقوا، اخلاق، صداقت و راستی پیامبر فراتر از سوال است و عفت و رفتار او بی‌عیب و نقص است.

هر رفتاری کمتر از آن باعث می‌شود فرد تصور کند که خداوند در قضاوت خود خطایی مرتکب شده است. پیامبران نامدار بسیاری در قرآن وجود دارد، اما پیامبران گمنام دیگری نیز وجود دارند که به بشریت فرستاده شده‌اند. نام‌های عربی پیامبران در قرآن با نام‌های کتاب مقدس در زبان انگلیسی متفاوت است. حضرت علی (ع) به عنوان خلیفه، جانشین و معتمد حضرت محمد (ص) احترام نسبت به همه پیامبران پیشین خدا داشت.

### خداوند پیامبران خود را انتخاب می‌کند:

خداوند هرگز اجازه نداد که آفرینش خود بدون پیامبر او، یا بدون کتابی که از طرف او نازل شده است، یا بدون استدلال الزام آور یا ادعایی باقی بماند. این پیام رسان‌ها احساس خستگی زیاد از تعداد مخالفان خود و نگرانی از تعداد اندک طرفداران خود را نکردند. آنها برای ادامه پیام از جانشینان خود نام می‌برند.

(خطبه ۱)

### درباره حضرت موسی (ع):

من در مورد حضرت موسی که با خداوند متعال گفتگو کرد با شما صحبت خواهم کرد. او گفت:

"خدایا! من به هر خیری که ممکن است به من عطا کنی نیاز دارم. (قرآن ۲۴:۲۸)

به خدا سوگند، او فقط برای خوردن نان درخواست کرد، زیرا او گیاهان زمین را می‌خورد و سبزی گیاهان از پوست او دیده می‌شد.

(خطبه ۱۵۹)

### درباره حضرت داوود (ع):

می‌توانم مثال دیگری از حضرت داوود (ص) برای شما بیاورم. او قاریان زبور بود. او با دستان خود از برگ نخل سبب درست می‌کرد و از همراهانش می‌پرسید که آیا آنها را می‌خرند؟ او نان جو خریداری شده از درآمد خود را می‌خورد.

(خطبه ۱۵۹)

### درباره حضرت عیسی (ع):

من در مورد عیسی پسر مریم برای شما می‌گویم. او برای بالش خود از سنگی استفاده کرد، لباس درشت پوشید، غذای ساده ای خورد و گرسنه ماندن را ترجیح داد. چراغش

در شب ماه بود. پوشش او در زمستان فقط وسعت زمین بود. میوه های او میوه هایی بودند که به طور طبیعی در بیابان رشد می کنند و توسط گاوها خورنده می شدند. او نه زنی داشت که بتواند او را دلداری دهد ، نه فرزندی داشت ، نه ثروتی داشت که حواس او را پرت کند و نه حرص و طمع نسبت به امور دنیوی داشت. دو پا او تنها وسیله حمل و نقل او بود و دو دستش خادم او بودند.

(خطبه ۱۵۹)

### درباره منکران پیامبران خدا؛

الحمدلله خداوند متعال که پیامبران خود را بر سایر آفرینش خود برگزیده است. نفی کنندگان و منکران پیامبران او سزاوار خشم او هستند.

(خطبه ۱۹۱)

موسی (ص) ، پسر عمران (عمران) ، همراه با برادرش هارون (ع) (هارون) ، با پوشیدن لباسهای درشت (پشم) و چوب در دستان خود ، به پادشاه فرعون رفت و تخت و افتخار فرعون خود را تضمین کرد ، اگر فقط او باشد. تسلیم خدا شد. با این حال ، فرعون به قوم خود گفت ، "آیا تعجب نمی کنید که این دو مرد تداوم عزت من و حفظ کشور من را تضمین کنند ، اگرچه فقر و فرومایگی آنها را می بینید؟ چرا آنها مچ بندهای طلایی ندارند؟" فرعون از داشتن ثروت خود احساس غرور کرد و به لباس پشمی (زمخت) موسی (ص) نگاه کرد.

اگر خداوند برای پیامبران خود آرزو می کرد ، به آنها گنجینه ای از طلا اعطا می کرد و آنها را با باغ های زیبا محاصره می کرد. اگر او چنین می کرد ، دیگر هیچ آزمایشی برای مردم و هیچگونه جبرانی (در دنیای بعدی) انجام نمی شد. با این حال ، خداوند سبحان ، آنها را به عنوان افرادی با ظاهر معمولی می فرستد ، که در برابر چشم کافران حقیر به نظر می رسند.

اگر پیامبران از اقتدار و عزت برخوردار بودند ، باور مردم به آنها بسیار آسان بود و آنها از ترس آنها را تصدیق می کردند. بنابراین ، خداوند تصمیم گرفت که مردم باید از پیامبران او پیروی کنند ، کتابهای او را تصدیق کنند ، در برابر او فروتن باقی بمانند و با اخلاص از دستورات او اطاعت کنند ، بدون این که انگیزه دیگری همانند ترس و طمع داشته باشند.

(خطبه ۱۹۱)

### سخنان امام علی (ع) در مورد خود:

مقدمه: دانشمندان و مورخان مسلمان و غیر مسلمان درباره امام علی (ع) مطالب زیادی نوشته اند. ابن ابیل حدید ، مفسر مشهور مصری کتاب "نهج البلاغه" می گوید:

"علی دارای شخصیتی بود که خصوصیات متضاد آن چنان خود را جمع کرده بودند که باور اینکه چنین ترکیبی می تواند خود را در یک انسان نشان دهد دشوار است. او شجاع ترین مرد و جسورترین جنگجویی بود که تاریخ می تواند به او استناد کند ، و در حالی که چنین افراد شجاعی سخت دل ، بیرحم و خونخوار هستند ، در عوض ، علی فردی مهربان ، دلسوز ، پاسخگو و خونگرم بود. این خصوصیات خداترس است. او با ثروتمندان ، فقرا ، تحصیلکردگان و نادانان یکسان بود. او برای هر فرد مستضعف ، معلول ، بیوه و یتیم یک نقطه لطیف در قلب خود داشت."

در این فصل گزیده ای از سخنان امام و رهنمودهای آن به مسلمانان ارائه شده است که موضع وی را درباره بسیاری از موضوعات روشن می کنند.

### حضرت علی (ع) موقعیت خود را توضیح می دهد:

خدایا! من اولین کسی هستم که (به سوی تو) متمایل شدم و (خواهان تسلیم) را شنیدم و پاسخ دادم. به جز پیامبر (ص) هیچ کس در اقامه نماز (آیینی) بر من مقدم نبود.

## دامنه دانش وی:

یکی از یاران امام به او گفت: "ای امیرالمومنین، به تو چیزهای پنهان داده شده است." از این رو، حضرت علی خندید و به آن مرد گفت:

"ای برادر، این دانش چیزهای پنهان نیست. این شناختی است که من از پیامبر کسب کردم. در مورد دانش چیزهای پنهان، این به معنای شناخت روز قیامت و مواردی است که خداوند در آن قرار داده است، همانطور که در آیه زیر آمده است: در حقیقت خداست که علم [به] قیامت نزد اوست. [قرآن ۳۴:۳۱]."

"بنابراین، خدا به تنهایی می‌داند چه چیزهایی در رحم وجود دارد، اعم از زن و مرد، بد یا خوب، سخاوتمند یا بخیل، شیطنت یا پارسا، و چه کسی به جهنم محکوم می‌شود و چه کسی همراه با پیامبران در بهشت خواهد کرد. این دانش چیزهای پنهان است که کسی جز خدا نمی‌داند. خداوند همه دانش‌های دیگر را به حضرت محمد (ص) منتقل کرد، و سپس آن را به من منتقل کرد. او از خدا خواست که دامن من این دانش را حفظ کند."

(خطبه ۱۲۷)

## پیشگویی او درباره آینده:

مطمئنأً پس از رفتن من زمانی فرا خواهد رسید که هیچ چیز بیش از فضیلت ناپسند نخواهد بود و چیزی بیش از رذیلت دوست نخواهد داشت.

(خطبه ۱۴۶)

## درباره دانش او:

به خدا قسم ، من می توانم به هرکدام از شما بگویم از کجا آمده اید ، یا کجا باید بروید. من می توانم از امور شما برای شما بگویم ، اما می ترسم مبادا رسول خدا را به نفع من کنار بگذارید. من مطمئناً این موارد را به منتخبان منتقل می کنم ، آنها از گمراهی در امان خواهند ماند. به خدا سوگند ، که پیامبر را با حقیقت نادیده گرفت و او را بر تمام آفرینش ها متمایز کرد ، من جز حقیقت صحبت نمی کنم.

(خطبه ۱۷۴)

ای مردم! قبل از اینکه مرا از دست بدهید از من سوال کنید ، زیرا مطمئناً من حتی بیشتر از مسیرهای زمین با مسیرهای آسمان آشنا هستم.

(خطبه ۱۸۸)

## درباره جایگاه و سهم وی در اسلام:

مطمئناً اگر خدا اجازه می داد که هر کس به غرور بپردازد ، این اجازه را به پیامبران و معاونین منتخب خود می داد. با این حال ، خداوند متعال ، از پوچی برای آنها بیزار بود و فروتنی را برای آنها ترجیح می داد. بنابراین ، فروتن ماندند. خدا آنها را با گرسنگی امتحان کرد ، آنها را به سختی رنج داد آنها را با ترس امتحان کرد ، و آنها را با مشکلات ناراحت کرد. بنابراین ، ثروت و فرزندان را ملاک رضایت و ناخشنودی خداوند قرار ندهید. شما از شیطنت ها و آزمایش هایی که ثروت و قدرت به بار می آورد آگاه نیستید. خداوند سبحان و متعال فرموده است:

" آیا می پندارند که آنچه از مال و پسران که بدیشان مدد می دهیم ، از آن روی است که می خواهیم به سودشان در خیرات شتاب ورزیم نه بلکه نمی فهمند

(قرآن کریم ۲۳: ۵۵-۵۶).

مطمئنأً، خداوند سبحان، افراد فرومایه خود را با فرومایه نشان دادن رعایای محبوب خود در برابر آنها، امتحان می‌کند.

موسی، پسر عمران، نزد فرعون رفت و در صورت تسلیم شدن در برابر خدا، تضمین ادامه حکومت خود را به وی پیشنهاد داد. فرعون به قومش گفت: "آیا تعجب نمی‌کنید که این دو مرد عزت و پادشاهی مرا تضمین کنند، اگرچه فقر و فرومایگی آنها را می‌بینید؟ در غیر این صورت، چرا آنها مچ دستهایشان طلا نیست؟" او به طلا و نقره خود افتخار می‌کرد.

خداوند سبحان، اگر اراده می‌کرد، می‌توانست برای پیامبران خود گنجینه‌ها و معادن طلا و باغ‌های پر از گل برای آنها بیوراند. اگر او چنین می‌کرد، دیگر هیچ محاکمه‌ای، جبران خسارت و مژده‌ای (برای مردم به خاطر اطاعتشان) انجام نمی‌شد.

خداوند متعال تصمیم گرفت که مردم باید از پیامبران او پیروی کنند، کتابهای او را تصدیق کنند، در برابر او فروتن باقی بمانند، از فرمان او اطاعت کنند و اطاعت او را بدون هیچ انگیزه دیگری غیر از اخلاص بپذیرند.

خداوند مخلوقات خود را از طریق دشواری‌ها امتحان می‌کند و انتظار دارد حتی در سختی‌ها او را عبادت کنند. او موجبات پریشانی آنها را فراهم می‌کند تا پوچی از قلب آنها پاک کند، و سپس درگاه لطف و بخشش خود را باز می‌کند.

شیطان به دلیل منشأ خود از آتش احساس غرور می‌کرد و به آدم نسبت به ریشه خود از خاک رس طعنه می‌زد. به همین ترتیب، ثروتمندان به دلیل ثروت خود احساس بیهودگی می‌کنند، همانطور که (خدا) فرمود:

"و گفتند ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد!"

[قرآن ۳۵:۳۴].

اگر نمی‌توانید از باطل اجتناب کنید، در انجام کارهای خوب، مانند کمک به همسایه، انجام قراردادها، گسترش سخاوت به دیگران، دور ماندن از خونریزی، عدالت در برابر مردم و سرکوب خشم، افتخار کنید. همچنین باید به خاطر داشته باشید که چه اتفاقی برای افراد قبل از شما افتاده است و مراقب باشید که اشتباهات یکسانی را مرتکب نشوید.

به وضعیت افراد بین مومنانی که مدتها پیش از دنیا رفته اند فکر کنید. فراعنه آنها را به عنوان برده گرفتند. آنها بدترین مجازاتها و رنجهای تلخ را به آنها تحمیل کردند. آنها در این رسوایی ویرانگر و انقیاد شدید باقی ماندند. آنها هیچ راهی برای فرار و هیچ محافظتی پیدا نکردند. خداوند سبحان، با علم به اینکه آنها در عشق او مشکلات سختی را تحمل می‌کنند و به خاطر او ناراحتی‌هایی را متحمل می‌شوند، آنها را از پریشانی و آزمایشات خود نجات داد. او رسوایی آنها را به افتخار و ترس را به ایمنی تغییر داد. در نتیجه، آنها فرمانروایان، پادشاهان و رهبران شدند و لطف خدا نسبت به آنها فراتر از انتظار آنها بود. ببینید که چه اتفاقی برای آنها افتاده است در پایان، زمانی که اختلافات بر آنها غلبه کرد و وحدت آنها شکسته شد. در گفته‌های آنها و آنچه در واقع در قلب آنها بود اختلاف وجود داشت. آنها وارد شدند

گروه‌ها پراکنده شدند آنها بین خود جنگیدند. سپس خداوند لباس افتخار خود را از آنها گرفت و آنها را از سعادتشان محروم کرد. داستان‌های آنها برای کسانی که ممکن است درس بگیرند در میان شما باقی مانده است.

برحذر باشید! شما اطاعت را رها کرده و دوباره به آداب عرب بادیه نشین بازگشتید و پس از اتحاد به احزاب مختلف وارد شدید.

برحذر باشید! مطمئناً خداوند به من دستور داده است تا با کسانی که قیام می‌کنند یا عهدشکنی می‌کنند یا بر روی زمین مشکل ایجاد می‌کنند، بجنگم. در مورد متعهدین،

من با آنها جنگیده ام. در مورد انحراف کنندگان از حقیقت، من علیه آنها جنگ کرده ام. و در مورد کسانی که عصیان کرده و از ایمان خارج شده اند، آنها را رسوا می‌کنم.

حتی در سن جوانی خودم را مقهور (رزمندگان معروف) کرده بودم. مطمئناً شما خوشاوندی نزدیک و رابطه ویژه من با پیامبر خدا را می‌دانید. او هیچ صحبتی در گفتار من و هیچ ضعفی در عملکرد من پیدا نکرد.

من مثل شتر جوانی دنبال مادرش می‌رفتم. او هر روز برخی از صفات والای خود را به من نشان می‌داد و به من دستور می‌داد که از آنها پیروی کنم. او هر سال به صورت خلوت به غار می‌رفت، جایی که من تنها با او بودم. در آن روزها، اسلام در هیچ خانه‌ای وجود نداشت، مگر در خانه پیامبر خدا و خدیجه (همسر او)، در حالی که من سومین شخصی بودم که پس از این دو نفر از برکت اسلام برخوردار شدم. من عادت داشتم که افشاگری‌ها و پیام‌های الهی را هنگام فرود آمدن بر پیامبر مشاهده می‌کردم.

وقتی وحی بر پیامبر خدا نازل شد، ناله شیطان را شنیدم. من پرسیدم، "ای پیامبر خدا، این ناله چیست؟" و او پاسخ داد، "این شیطان است که امید خود را برای پرستش از دست داده است. ای علی، همه آنچه می‌بینم را می‌بینی و همه آنچه را می‌شنوم می‌شنوی، جز اینکه تو پیامبر نیستی، اما نائب هستی و مطمئناً در (راه) فضیلت هستی."

مطمئناً من به گروهی از افراد تعلق دارم که به مواخذه کسی در امور مربوط به خدا اهمیت نمی‌دهند. قیافه آنها قیافه راستگویان است و کلامشان گفتار نیکوکاران است. آنها در شبها بیدار هستند (برای پرستش خدا) و روزها چراغ هدایت هستند. آنها (به تعالیم) قرآن محکم هستند و سنتهای خدا و پیامبرش را احیا می‌کنند. آنها نه لاف می‌زنند، نه به خود بینی سر در می‌آورند، نه بدرفتاری می‌کنند، نه شیطنت می‌کنند. قلب آنها در بهشت استدر حالیکهبدن آنها (رویزمین) مشغول به کارهای خوب است.

(خطبه ۱۹۱)

## توکل او بر خدا:

مطمئنأً خدا سپر محافظ محکمی بر من قرار داده است. وقتی زمان عزیمت من فرارسد ، آن (سپر) از من برداشته خواهد شد و مرگ مرا فرا خواهد گرفت.

(خطبه ۶۱)

## درباره بردباری او:

من به عنوان همسایه خوبی با تو زندگی کردم و تمام تلاشم را برای مراقبت از تو کردم و تو را از دام فروتنی و بندهای ظلم رها کردم. چشمهایم را روی بسیاری از کارهای ناشایستی که مرتکب شدی بستم.

(خطبه ۱۵۸)

## سبک زندگی ریاضت و پرهیز او از دنیا

به خدا سوگند ، من آنقدر پارگی های پیراهنم را می دوختم که اکنون از آن خجالت می کشم.

(خطبه ۱۵۹)

ای دنیا! سعی نکن مرا به دام بیندازی ، زیرا من بالاتر از وسوسه های شما هستم و با احتیاط از دام ها جلوگیری می کنم. کجایند آن افرادی که با لذت وسوسه کرده ای؟ کجایند آن گروههایی که با شکوه و جلال آنها را مجذوب خود کرده بودی؟ آنها اکنون در گورهای خود در زیر زمین قرار دارند.

ای دنیا! اگر تو یک شخص یا موجودی دارای جسم بودی ، من تو را تحت قوانین خداوند مجازات می کردم. زیرا ، تو میلیونها نفر را از راه واقعی بشریت وسوسه کرده ای (و آنها را گمراه کرده ای) ، به آنها امیدهای دروغین بخشیده ای ، نابودی آنها را به بار آورده ای ، باعث زوال و سقوط ملتها شده ای و آنها را با قدرت و لذت جذب کرده ای.

ای دنیا، وای بر مردی که با اعتماد به نفس نابجا، روی سطح لغزنده ات قدم می‌گذارد. تو آن را به عنوان یک پایه محکم به نظر می‌رسانی، تا او مطمئناً بلغزد (گمراه شود). وای به حال مردی که وسوسه شده‌اند و سوار بر امواج دروغین و انتظارات (غیر واقعی) تو شود، زیرا مطمئناً غرق خواهد شد.

هرکس از دام، وسوسه‌ها، تله‌ها و افسون‌های تو پرهیز کند، مسیر مستقیم ایمنی و نجات را پیدا می‌کند. هرکس تو را رد کند، به عواقب عمل خود اهمیتی نمی‌دهد، حتی اگر ممکن است در دشواری‌هایی قرار بگیرد. زندگی این دنیا با لذت‌ها و گرفتاری‌هایش مانند روزی است که به زودی می‌گذرد. مرا رها کن، نمی‌توانی مرا غافل گیر کنی تا مرا در ننگ و ذلت غرق کنی.

به خدا سوگند، از سرنوشتی که کنترلی بر آن ندارم منع کنترل خویشتن را به خرج می‌دهم تا راضی و شاد باشم، حتی اگر یک تکه نان با یک پیمانۀ نمک داشته باشم، و خودم را حفظ خواهم کرد. قلبی عاری از آرزوی قدرت، لذت و جلال داشته باشم.

(نامه ۴۵)

### وقتی مردی هدیه‌ای به او پیشنهاد داد:

مردی آمد و یک فلاسک پر از عسل به من پیشنهاد داد، اما من از پذیرش آن بیزار شدم. من از او پرسیدم که آیا این یک پاداش است یا یک خیریه، زیرا اینها برای ما، اعضای خاندان پیامبر (ص) ممنوع است. گفت هدیه است. سپس گفتم، "آیا آمده‌ای که مرا از دین خدا اغوا کنی؟" [به عنوان مثال، امام می‌تواند احساس کند که انگیزه فرد این بوده که در ازای آن لطف بیجا بخواهد].

به خدا سوگند، حتی اگر تمام قلمرو آسمانها به من داده شود، با تمام آنچه در زیر آسمان وجود دارد، تا بتوانم از خدا سرپیچی کنم تا آنجا که یک دانه جو را از مورچه ربودم، من این کار را نمی‌کنم. برای من، همه (ثروت‌های جهان) کمتر از برگ دهان ملخی است

که می‌جود. علی چه ارتباطی با نعمت‌هایی دارد که از بین می‌روند، و از شر (عواقب) اشتباهات در امان باشیم و ما از او نعمت جاویدان خواهانیم.

(خطبه ۲۲۲)

### خطبه او اندکی قبل از مرگ:

ای مردم! همه باید با مرگ روبرو شوند. زندگی همه را به سمت خود سوق می‌دهد. اطلاع از زمان مرگ پنهان است. من شهادت می‌دهم که به شریکی برای خدا اعتقاد ندارم و تعالیم محمد (ص) را نادیده نمی‌گیرم. بنابراین، (من به شما توصیه می‌کنم) به این دو ستون متصل شده و این دو منبع را روشن نگه دارید. اگر تقسیم نشوید، هیچ بدی به شما نمی‌رسد. هرکدام از شما مجبور به تحمل بار خود هستید خداوند مهربان است. ایمان سراسر است. رهبر (پیامبر) دارنده دانش است. دیروز من با شما بودم، امروز برای شما موضوع درسی شده ام و فردا شما را ترک می‌کنم. خدا من و شما رو می‌بخشد.

من همسایه شما بودم و به شما دانش دادم، اما به زودی من را بی‌جان خواهید یافت. سکون اندام‌های من ممکن است به شما پند دهد، زیرا این یک توصیه موثرتر از یک سخنرانی فصیح است. من مانند کسی مشتاق دیدار (خدا) از پیش شما می‌روم. فردا، شما به خدمات من نگاه خواهید کرد، سپس امور ارزشمند من (خدمات ارزشمند و صادقانه) مورد توجه شما قرار می‌گیرد، و بعد از اینکه فرد دیگری جای من را گرفت بهتر متوجه خواهید شد.

(خطبه ۱۴۸)

### مشاوره به خانواده وی قبل از مرگ:

توصیه من به شما این است که نباید کسی را در برابر خداوند بدانید. بر این عقیده خود قاطع باشید که یک خدا تنها و تنها وجود دارد.

دانشی را که پیامبر (ص) به شما داده است هدر ندهید و از تعالیم (سنت‌ها) او صرف نظر نکنید و آن را گم نکنید. این دو ستون اسلام را بالا نگه دارید. اگر طبق توصیه من رفتار کنید، پس نمی‌توان مقصر شما را در فساد دین دانست.

تا دیروز من رهبر شما بودم. امروز من فقط شیئی هستم که می‌توانید از او درس و اخطار بگیرید و فردا از شما جدا می‌شوم. اگر از این زخم جان سالم به در ببرم، می‌توانم تصمیم بگیرم که چگونه با مردی که قصد کشتن من را دارد، تصمیم بگیرم. اگر بمیرم، آن وقت زندگی دنیوی من پایان می‌یابد. اگر قاتل خود را ببخشم، بدست آوردن نعمت‌های خداوند برای بخشش او است که به من آسیب رسانده است. کار خوبی خواهد بود اگر شما او را نیز ببخشید. آیا شما تمایل به بخشش پروردگار ندارید؟ تا آنجا که به مرگ با شهادت مربوط می‌شود، من همیشه آن را پیش بینی می‌کردم و آرزو می‌کردم، و اکنون مانند یک شخص بسیار تشنه که آب پیدا می‌کند، از آن استقبال می‌کنم. من سالکی هستم که آنچه را که بدنبال آن بود (یعنی شهادت) را پیدا می‌کنم. مردم متدین بهترین‌ها را از خداوند دریافت می‌کنند.

(نامه ۲۳)

### بیانیه ای از پیامبر (ص) به حضرت علی (ع)

"ای علی، هیچ مسلمان وفاداری هرگز دشمن تو نخواهد بود و هیچ منافقی هرگز دوست تو نخواهد بود."

## درباره خانواده محمد (ص)

### مقدمه:

خاندان حضرت محمد (ص) دارای مقامی والا و ممتاز در اسلام هستند. دخترش ، فاطمه (س) ، پسر عمو و دامادش ، علی (ع) ، و نوه هایش ، حسن و حسین (ص) ، نه تنها برای او بسیار خاص بودند ، بلکه از همه گناهان پاک بودند . آیات مختلفی در قرآن در ستایش آنها وجود دارد.

امامان منصوب از خانواده وی رهبران معنوی مسلمانان بودند. تقوای آنها بی نظیر بود و دانش آنها در مورد قرآن فقط مربوط به پیامبر (ص) بود.

### درباره اعضای (برگزیده) خاندان پیامبر:

آنها متولی اسرار خدا ، پناهگاه امور او ، منبع دانش درباره او ، مرکز حکمت او ، وادی کتاب های او و نگهدارنده ی دین او هستند.

#### (خطبه ۲)

برحذر باشید! نمونه فرزندان محمد (ص) مانند ستاره های آسمان هستند. وقتی یک ستاره غروب می کند ، ستاره دیگری طلوع می کند. بنابراین ، شما در موقعیتی هستید که نعمت های خداوند بر شما کامل شده است.

#### (خطبه ۹۹)

ما (اعضای برگزیده) درخت نبوت ، محل استراحت پیام (الهی) ، محل نزول فرشتگان ، معادن دانش و منبع خرد هستیم. طرفداران و عاشقان ما در انتظار رحمت هستند در حالی که دشمن ما در انتظار خشم (خدا) است.

#### (خطبه ۱۰۸)

### درباره فرزندان پیامبر (ص):

اعضای منتخب خانواده وی افسار درستی، پرچم‌های ایمان و زبان‌های حقیقت هستند. شما باید همان موقعیت والایی را که برای قرآن قائل هستید به آنها بسپارید و با نزدیک شدن شترهای تشنه به چشمه آب، نزد آنها بیایید (برای رفع تشنگی هدایت).

(خطبه ۸۶)

### برای پیروی از خاندان پیامبر (ص):

به دنبال اعضای خانواده پیامبر باشید. به مسیری که شما را راهنمایی می‌کنند پایبند باشید. ردپای آنها را دنبال کنید، زیرا آنها هرگز اجازه نمی‌دهند گمراه شوید. اگر آنها بنشینند، شما بنشینید، و اگر آنها برخیزند، شما برخیزید. سعی نکنید بر آنها مقدم شوید، زیرا گمراه می‌شوید و از آنها عقب‌نمانید، زیرا در نتیجه تباه می‌شوید.

(خطبه ۹۶)

### درباره عظمت اعضای خانواده پیامبر:

به خدا قسم، من از انتقال پیام‌ها و تحقق وعده‌ها اطلاع دارم. ما اهل بیت (پیامبر) دارای درهای خرد و نور حکمرانی هستیم. مسیر دین یکی است و شاهراه آن مستقیم است. کسی که از آن دور بود گمراه شد.

(خطبه ۱۱۹)

### اعضای خانواده پیامبر اعظم دارای دانش هستند:

کجایند کسانی که به دروغ ادعا کردند که در دانش کاملاً تبحر دارند! خداوند ما را در جایگاه خود قرار داده بود و آنها را پایین نگه داشت، به ما دانش عطا کرد اما آنها را از آن محروم کرد. با ما، ناپینایی (گمراهی) به روشنایی هدایت تبدیل می‌شود. مطمئناً امامان (رهبران منصوب الهی) از قبیله قریش خواهند بود.

حضرت علی (ع) در پاسخ به کسانی که جایگاه و اقتدار او را به چالش می کشند: قلبها در کجا وقف و اطاعت از خدا هستند؟ همه آنها به سمت امور باطل دنیوی ازدحام می کنند و بر سر مسائل غیرقانونی با هم اختلاف دارند. آنها چهره خود را از بهشت برگردانده‌اند. خدا آنها را صدا کرد، اما آنها برگشتند. وقتی شیطان آنها را صدا کرد، آنها پاسخ دادند.

(خطبه ۱۴۳)

آنها حقیقت را می گویند و خزانه داران خدا هستند:

کسی که ذهن هوشمندی دارد به دنبال هدف خود است. او جاده درست و غلط خود را می شناسد.

آنها (مخالفتان خاندان پیامبر اسلام) وارد اقیانوسهای آشوب شده اند و به جای سنت (تعالیم و اعمال پیامبر) به نوآوری هایی دست زده اند. در حالی که مومنان مقهور هستند ، گمراهان و دروغگویان صریح هستند. ما نزدیکان (به سوی خدا) ، دارندگان گنج و درها (به تعالیم پیامبر) هستیم. ورود به خانه ها از طریق درب انجام نمی شود. هرکس از غیر از در وارد شود دزد نامیده می شود. (معنای ضمنی در اینجا این است که برای دریافت دانش واقعی ، به اعضای برگزیده خاندان پیامبر نزدیک شوید).

آنها خزانه داران خدا هستند. هنگامی که آنها صحبت می کنند ، آنها حقیقت را بیان می کنند ، اما وقتی سکوت می کنند ، هیچ کس دیگری به جای آنها صحبت نمی کند (یعنی هیچ کس حرف بهتری برای گفتن ندارد).

(خطبه ۱۵۳)

### درباره دانش خاندان پیامبر:

آنها "زندگی" برای دانش و "مرگ" برای جهل هستند. بردباری آنها از دانش آنها به شما می‌گوید و سکوت آنها حکمت آنها را نشان می‌دهد. نه آنها خلاف آنچه درست است می‌روند و نه در این مورد (با هم) اختلاف دارند. آنها ستون‌های ایمان و محافظان آن هستند.

با آنها حقیقت به جایگاه مناسب خود بازگشت و اشتباه ریشه کن شد. آنها این دین را درک نکرده‌اند، نه با شنیدن سخنان صرف و یا از طرف سخنان عامیانه. بیان‌کنندگان دانش بسیارند، اما فقط تعداد کمی از آنها آن را درک می‌کنند.

(خطبه ۲۳۷)

ما، منتخب از خاندان پیامبر اکرم (ص)، چنان موضع اصلی و محوری در دین داریم که کسانی که به دنبال درک اصول و اعمال دین هستند، مجبورند برای کمک (و راهنمایی) به ما مراجعه کنند.

### حقوق پیامبر و خاندانش:

هرکسی از شما که بمیرد (یک مرگ طبیعی)، در حالی که او از حقوق خدا و حقوق پیامبرش و حقوق اعضای (برگزیده) خانواده اش آگاهی دارد، با مرگ یک شهید در بندگی خدا برابر است. پاداش او به عهده خداوند است.

(خطبه ۱۸۹)

## درباره اسلام:

### مقدمه:

واژه عربی اسلام به معنای صلح و تسلیم است. در معنای دینی، اصولاً این ادعا است که خدایی جز خدا وجود ندارد و محمد (ص) رسول خداست. به معنای عملی، تسلیم در برابر اراده خداوند است. این برای یک مسلمان مستلزم اعتقاد به یک خدا، اعتقاد به همه پیامبران قبلی خدا، پیروی از تعالیم محمد (ص) و پیروی از دستورات (قوانین) موجود در قرآن است. در این فصل، حضرت علی (ع) دیدگاه خود را در مورد اعتقادات مذهبی، ایمان قوی به خدا و اعتقاد خود به نبوت محمد (ص) ارائه می‌دهد.

او اسلام را تعریف می‌کند:

من اسلام را برای شما طوری تعریف خواهم کرد که هیچ کس قبل از من چنین کاری نکرده است.

اسلام به معنای اطاعت از خداست. اطاعت از خدا به معنای ایمان صادقانه به اوست. چنین ایمانی به معنای باور داشتن به قدرت اوست. اعتقاد به قدرت او به معنای شناخت و پذیرش اعلیحضرت است. قبول اعلیحضرت به معنای انجام تعهدات تعیین شده است. انجام تعهدات به معنای اعمال است. بنابراین، منظور از اسلام ایمان صرف نیست، بلکه ایمانی همراه با عمل نیک است.

وی درباره محاسن اسلام توضیح می‌دهد:

خدا را شکر که اسلام را بنیان نهاد و آن را برای کسانی که به آن نزدیک می‌شوند و آن را در برابر هر کسی که سعی در غلبه بر آن دارد، آسان می‌کند. بنابراین، خداوند آن را (که منبع آرامش است) برای کسی که به آن متصل است، ایمنی برای کسی که وارد آن می‌شود، استدلالی برای کسی که در این باره صحبت می‌کند، برای او که با کمک آن می‌جنگد (در دفاع) شاهد است. وی آن را برای کسی که از آن نور می‌جوید، به عنوان

وسیله ای برای درک او که آن را پشتیبانی می کند ، برای او که تلاش می کند ، منبع صبر و نشانه ای برای هدایت است.

او این کار را برای او که به دنبال نصیحت است ، وسیله نجات برای شهادت دهنده ، منبع اطمینان برای او که اعتماد می کند ، برای او که تکیه می کند و برای او که تحمل می کند سپر قرار داده است.

درخشان ترین مسیرها و روشن ترین معابر است. این شهر دارای بزرگراه های پرنور ، چراغ های روشن ، زمینه های فعالیت معتبر و اهداف عالی است. با جدیت دنبال آن می رود. ناظران آن شریف هستند ، شهادت (به یگانگی خدا) راه آن است و کارهای خوب از نکات برجسته آن است.

(خطبه ۱۰۵)

### خطاب به پیروان گمراه اسلام:

خدا به شما نعمت عطا می کند ، زیرا شما موقعیتی را به دست آورده اید که حتی بندگان شما ارج می نهند و با همسایگان شما رفتار خوبی دارند. با این حال ، اکنون می بینید که وعده های خدا را می شکنند ، اما احساس خشم نمی کنید ، اگرچه از شکستن سنت های نیاکان خود دلخور شده و اخم می کنید. شما شرکت منحرفین را ترجیح داده اید و امور خود را به دست آنها سپرده اید. آنها در کاری که انجام می دهند تردید دارند و به دنبال خواسته های خودخواهانه خود عمل می کنند. خداوند همه شما را در روزی (روز حساب) جمع خواهد کرد که برای ستمکاران سخت خواهد بود.

(خطبه ۱۰۵)

### به معنای جستجوی قرب به خدا:

بهترین وسیله برای تقرب به خدا ایمان داشتن به او (یگانگی او) و پیامبرش و جنگیدن برای دفاع از آرمان اوست، زیرا این بالاترین قله ایمان است. اعتقاد به پاکی و عدالت او (خدا) است. اقامه نماز (آیینی)، زیرا آنها بنیان اجتماع هستند. پرداخت به مستمندان (خیریه اسلامی یا زکات)، این یک تعهد است. در ماه رمضان یک ماه روزه بگیرید، زیرا این سپری در برابر عذاب است. حج (زیارت) به خانه خدا (کعبه) را انجام دهید، زیرا فقر را از بین می برد و گناهان را می شوید.

همچنین، توجه به خویشاوند را فراموش نکنید، زیرا ثروت و نیز طول عمر را افزایش می دهد (به عنوان پاداشی از طرف خداوند). مخفیانه صدقه دادن، زیرا کاستی ها را می پوشاند؛ صدقه دادن آشکارا، زیرا از مرگ بد محافظت می کند، و منفعت (برای مردم) دارد، زیرا از امور نادرست محافظت می کند.

خدا را به یاد داشته باشید، زیرا این بهترین یادآوری است، و آرزوی آنچه را که به مردم متقیان قول داده است، زیرا وعده او واقعی ترین وعده است. راه پیامبر را اتخاذ کنید، زیرا این متمایزترین راه است. تعالیم و سیره پیامبر را دنبال کنید، زیرا این افتخارآمیزترین عمل است.

قرآن را بیاموزید، زیرا این عادلانه ترین گفتار است و آن را کاملاً بفهمید، زیرا بهترین وسیله برای شکوفایی قلب است. با نور خود به دنبال درمان باشید، زیرا این درمان کننده بیماریهای قلب است. آن را به زیبایی بخوانید، زیرا زیباترین روایت است.

مسلماناً عالمی که مطابق دانش خود عمل نکند، مانند نادان بی سر و رو است که از جهل خود آسانی نمی یابد. از نظر دانشمندان، تقاضای خدا بیشتر است، غم و اندوه بر دوش اوست، و او به دلیل تقصیرهای خود در برابر خدا مقصرتر است.

(خطبه ۱۰۹)

## خدا اسلام را برگزید :

این اسلام دینی است که خداوند برای خود برگزیده ، آن را در برابر چشمان خود توسعه داده ، آن را به عنوان بهترین در میان آفریده های خود ترجیح داده و ستون های آن را بر عشق خود بنا نهاده است. او بالاتر از عقاید دیگر به آن افتخار داده است.

او با حمایت خود دشمنان خود را فرومایه و مخالفان خود را ناامید کرده است. او ستون های گمراهی را با آن خرد کرده است. او تشنگی تشنگان را با مخازن آن سیراب کرده است.

وی اسلام را به گونه ای ساخت که اجزای سازنده آن از هم پاشیده نشوند: پیوندهای آن از هم جدا نشوند. ساختار آن نمی تواند سقوط کند. ستون های آن نمی تواند پوشیده شود و نمی توان آن را ریشه کن کرد. علاوه بر این، زمان آن پایان نمی یابد: قوانین آن منقضی نمی شوند. مسیرهای آن باریک نمی شود.

سهولت آن به سختی تبدیل نمی شود. وضوح آن تحت تأثیر تیرگی قرار نمی گیرد. صاف بودن آن کج نمی شود. مسیرهای وسیع آن هیچ باریکی ندارد. چراغ آن خاموش نمی شود و شیرینی آن به تلخی تبدیل نمی شود.

پایه و اساس آن محکم و مبتنی بر راستگویی است. جریان های آن همیشه پرنور است. چراغ های آن همیشه روشن مانده و چراغ های راهنما به مسافران راهنما کمک می کنند. خداوند بالاترین رضایت خود را به اسلام اعطا کرده است: آن را در اوج ستون های خود و مسیر اطاعت خود قرار داده است. بنابراین ، باید آن را گرمی بدارید و از آن پیروی کنید. به تعهدات خود عمل کرده و به آن موقعیتی که شایسته آن است ، اختصاص دهید.

سپس ، خداوند سبحان ، محمد (ص) را با پیام حقیقت ، در زمانی که روشنایی تمدن به تاریکی تبدیل می شد ، فرو فرستاد. دنیا برای ساکنانش دردسرساز شده بود و فرو پاشی

آن نزدیک شده بود. خداوند او را مسئول رساندن پیام خود قرار داده و آن را (وسیله ای) برای عزت مردم خود، مایه عزت طرفداران آن و افتخاری برای یارانش قرار داده است.

(خطبه ۱۹۷)

### درباره قرآن کریم:

مقدمه: کتاب مقدس نازل شده از سوی خدا برای حضرت محمد (ص) در میان همه کتب مقدس بی نظیر است. فرشته جبرئیل پیامها را از طرف خدا برای محمد (ص) آورد. افشاگری ها طی یک دوره بیست و سه ساله ادامه یافت. محمد پیامها (آیات یا سوره) را برای شاگردان خود که آنها را حفظ می کردند، تکرار می کرد. این مکاشفه ها روی پوست ها نیز حک شده بود. با این وجود، نسل به نسل، مسلمانان همچنان کل کتاب مقدس را حفظ می کنند. کلام مکتوب خداوند به زبان عربی در قرآن دقیقاً همان است که از زمانی که بر پیامبر نازل شد حفظ و منقوش بود. بنابراین، اصالت کتاب مقدس به عنوان کلام اصلی خدا، بیش از هرگونه شك و تردید حفظ می شود. نه تنها زبان مکاشفه زنده و جاری است، بلکه پیام به اندازه ۱۴۰۰ سال پیش نیز مرتبط است. در این فصل، حضرت علی (ع) برخی از جنبه های معنوی قرآن را بیان می کند

### مطالب قرآن کریم:

پیامبر (ص) کتابی (قرآن) را برای شما به یادگار گذاشت، که مجاز و منع شده توسط خداوند، واجب و اختیار را روشن می کند. این شامل موضوعات عمومی و همچنین خاص است. این دارای درسها و تصاویر، و آیات کوتاه است. آیاتی وجود دارد که علم آنها واجب است.

(خطبه ۱)

### خداوند در قرآن می فرماید:

"ما در کتاب (قرآن) غفلت نکرده ایم."

(قرآن ۳۸:۶)

### قرآن عاری از هرگونه اختلاف است:

"و اگر غیر از خدا بود ، مطمئناً اختلاف زیادی در آن پیدا می کردند."

(قرآن ۸۲:۴)؛ (خطبه ۱۸)

### ظاهر و پنهان در قرآن:

مطمئناً ، بیرون قرآن (برون گرا) شگفت انگیز است ، و درون آن عمیق است (از نظر معنی). شگفتی های آن هرگز پایان نخواهد یافت ، شگفتی های آن هرگز از بین نخواهد رفت و پیچیدگی های آن قابل درک نیست ، مگر از طریق خود او.

### قرآن، گفتمانی منصفانه:

قرآن را بیاموزید ، زیرا این عادلانه ترین گفتار است و (در تلاش برای) درک کامل آن ، زیرا این بهترین برای شکوفا شدن قلب است. با نور خود به دنبال درمان باشید ، زیرا درمان کننده (بیماریهای) قلبها است. آن را به روشی زیبا بخوانید ، زیرا این زیباترین روایت است.

(خطبه ۱۰۹)

### قرآن "خانه ای با ستون های محکم" است:

کتاب خدا در میان شماست. صحبت می کند و زبانش اشتباه نمیکند. این خانه ای است که تکیه گاه های آن خرد نمی شود و قدرتی است که نمی توان پارانش را از بین برد.

(خطبه ۱۳۲)

### قرآن "چراغ" است:

شگفتی های آن پایان ناپذیر و ظرافت های آن پایان ناپذیر است. نوری است (هدایتگر) برای ظلمت (جهل). (درهای) فضیلت را می توان فقط با کلیدهای آن گشود ، و همچنین تاریکی را می توان با نور آن از بین برد. خداوند از نقاط غیرقابل دسترس خود (در برابر دشمنان) محافظت کرده و اجازه چرا (برای پیروان خود) را در مراتع خود داده است. این شامل راه حل (از بیماری گمراهی) برای سالک است. (خطبه ۱۵۱)

### قرآن یک "طناب قوی" است:

قرآن یک طناب محکم ، یک نور روشن ، مداوا ، رفع کننده تشنگی (برای دانش) ، محافظ و نجات دهنده (از بلاها) است. بنابراین ، من به شما توصیه می کنم که به آن پایبند باشید. هیچ کج خلقی در آن نیست. شنیدن تلاوت مکرر آن گوش ها را خسته نمی کند. نقل قرآن بیان حقیقت است.

(خطبه ۱۵۵)

### قرآن حاوی دانش آینده است:

پیامبر با کتابی آمده است که به کتابهای مقدس (قدیمی) گواهی می دهد. این شامل آگاهی از آنچه در آینده رخ خواهد داد ، داستانهای گذشته ، درمان بیماریهای روحی و اخلاقی شما و مقررات مربوط به همه شرایطی که با آنها روبرو هستید.

(خطبه ۱۵۷)

### قرآن یک مشاور است:

قرآن یک مشاور ، یک رهبر است که هرگز فریب نمی دهد ، و یک راوی است که هرگز دروغ نمی گوید. هیچ کس در کنار این قرآن نخواهد نشست (گوش می دهد یا تلاوت می کند) اما وقتی قیام می کند ، به هدایت یا بهبود کوری (معنوی) دست می یابد. باید

بدانید که هیچ کس پس از (دریافت راهنمایی از) قرآن به راهنمایی دیگری احتیاج ندارد. بنابراین، برای بیماری‌های خود از آن درمان بجوید و در پریشانی خود از آن کمک بگیرید. این شامل دارویی برای بدترین بیماریها، از جمله بی‌ایمانی (به خدا)، ریا، عصیان (علیه خدا) و گمراهی (از راه واقعی) است. از طریق تلاوت قرآن، خدا را بخوانید و با کمک آن به خدا متوسل شوید. هیچ چیز مانند قرآن نیست که از طریق آن باید به خداوند متعال متوسل شد.

بدانید که قرآن یک شفیع موثر است و شفاعت آن در روز حساب پذیرفته می‌شود. بنابراین، شما باید در زمره پیروان قرآن باشید. آن را راهنمای خود در جستجوی خدا قرار دهید. از توصیه‌های آن پیروی کنید و به نظرات خود فراتر از آنچه در قرآن است اعتماد نکنید. خداوند سبحان، کسی را مانند این قرآن نصیحت نکرده است، زیرا این طناب محکم خداست و وسیله قابل اعتماد اوست. این شامل شکوفایی قلب و چشمه‌های دانش است. برای قلب، هیچ تصفیه‌کننده دیگری بهتر از قرآن وجود ندارد.

(خطبه ۱۷۵)

### قرآن اثبات خداست:

قرآن دستور می‌دهد و همچنین خودداری می‌کند، و همچنین سکوت می‌کند و همچنین صحبت می‌کند. این دلیل بر خلق خداست. او جلوه آن را به کمال رسانده و از طریق آن دین خود را کامل کرده است. او پیامبر را منصوب کرد تا همه دستورات خود را از طریق آن به مردم منتقل کند.

(خطبه ۱۸۲)

## قرآن رفع کننده تشنگی برای سالک است.

دانش:

سپس خداوند برای پیامبر (ص) کتاب (قرآن) را به عنوان چراغی که شعله آن خاموش نمی شود، نوری که از روشنایی آن کم نمی شود، دریایی که نمی توان به عمق آن پی برد، راهی است که گمراه نمی کند و پرتوی نوری که کم نور نمی شود. این یک تبعیض آمیز (خوب و بد) است که نمی توان ادله آن را کوچک شمرد، روشن کننده ای است که نمی توان بنیاد آن را متزلزل کرد، درمانی است که هیچ اثری از بیماری باقی نمی گذارد، یک کتاب افتخار است که نمی توان بر طرفدارانش غلبه کرد و حقیقتی است که به یارانش رها نشده اند. این معدن اعتقاد، منبع دانش، صحن عدالت، سنگ بنای اسلام، دره ها و دشت های حقیقت، چشمه ای است که آب آن پایان ناپذیر است، هدفی که مسافران در تلاش برای رسیدن به آن از دست نمی روند، و تابلویی که هیچ جوینده ای قادر به دیدن آن نیست.

خداوند آن را رفع کننده تشنگی دانشمندان، شکفتنی برای قلب فقهای دینی، شاهراهی برای راه صالحان، درمانی که پس از آن هیچ بیماری باقی نماند، درخششی که تاریکی با آن باقی نماند، طنابی که گرفتن نیرومند است، قلعه ای آسیب پذیر نیست. این کسی را که دوستش دارد، یک مکان آرامش برای او که وارد آن می شود، یک راهنما برای او که آن را دنبال می کند، افتخار می کند، موفقیت برای کسی که با کمک آن بحث می کند، شاهد علیه او که آن را سرزنش می کند. برای او که خود را مسلح می کند (در برابر گمراهی) سپری است، برای او که با دقت به آن گوش می دهد منبع دانش است، روایتی شایسته برای او که آن را تلاوت می کند و برای او که طبق آن قضاوت می کند حکم قطعی دارد.

(خطبه ۱۹۷)

## کعبه (بیت الله) و حج (زیارت خانه خدا)

### مقدمه:

کعبه خانه نمادین خدا در روی زمین است ، که در مکه (در عربستان سعودی فعلی) واقع شده است. این تقریباً یک اطاقک پنجاه فوت در پنجاه فوت است که در اصل توسط اولین انسان روی زمین ، حضرت آدم (ع) بنا به دستورالعمل های الهی برای پرستش خداوند متعال ساخته شده است. این بنا توسط حضرت ابراهیم (ص) ، پدر سه دین توحیدی - یهودیت ، مسیحیت و اسلام - با کمک پسرش اسماعیل (ص) بازسازی شد. در زمان محمد (ص) آخرین پیامبر خدا دوباره ساخته شد. مسلمانان موظفند یک بار در طول زندگی خود زیارت کعبه را به عنوان یک وظیفه واجب انجام دهند. این در دوازدهمین ماه از تقویم مسلمانان ، ماه ذی الحجه اتفاق می افتد. سالانه میلیون ها مومن از سراسر جهان به زیارت خانه خدا (حج) می پردازند.

حضرت علی (ع) در اینجا به زائران یادآوری می کند که بازدید از این مکان در هنگام حج صرفاً برای رضای خدا و عاری از انگیزه های دنیوی است. علاوه بر این ، او یادآور می شود که سختی هایی که در طول سفر به وجود آمده امتحان ایمان است.

### برنامه الهی با توجه به خانه اش ، کعبه:

خداوند سبحان ، خانه مقدس خود (کعبه) را در ناهموارترین قسمت زمین، در دره ای باریک بین کوههای ناهموار (در شهر مکه) ساخته بود. در آن زمان ، بیابان خشک و منابع آب ناچیز نه به شتر و نه اسب و نه گاو و نه گوسفند اجازه رشد نمی داد.

سپس به حضرت آدم و پسرانش دستور داد که در آن شرکت کنند. به این ترتیب ، محور سفرهای آنها قرار گرفت. از آن زمان ، بشر از سرزمین های دوردست به سوی آن شتاب کرده و از بیابان های بی آب ، دره های عمیق و کم ارتفاع و جزایر پراکنده سفر می کند. آنها با تواضع ، با خواندن شعار رسیدن به مخاطب خدای متعال ، با عجله و پیاده با

ظاهری نامرتب و چهره‌های پوشیده از غبار، می‌رسند. آنها موظفند در طی این آیین‌ها به عنوان وسیله آزمایش، تراشیده نشوند. خداوند آن را شرط رحمت خود و تقرب به بهشت خود قرار داده است.

اگر خداوند سبحان، خانه مقدس خود و نشانه‌های بزرگ خود را در میان مزارع سرسبز، جویبارهای آب، دشت‌های نرم و هموار، فراوانی درختان، جمعیت شکوفا و باغ‌های پر بار قرار داده بود، مقدار پاداش معنوی زائران به دلیل سبکی آزمایش کاهش یافته است. اگر خانه بازمرد سبز و یاقوت سرخ ساخته می‌شد، این امر شک و تردید در ذهن مردم را کاهش می‌داد (یعنی به راحتی به سمت آن جذب می‌شدند) و از نفوذ شیطانی شیطان بر دلها کاسته می‌شد (یعنی در دلسرد کردن مردم از سفر به خانه خدا). با این حال، خداوند افراد خود را با مشکلات مختلف امتحان می‌کند، و می‌خواهد آنها با وجود سختی‌ها و پریشانی‌ها او را عبادت کنند. او آرزو دارد که پوچی را از قلب آنها پاک کند، و روحیه آنها را فروتن کند و بدین وسیله درهای احسان و بخشش‌های او را باز کند.

(خطبه ۱۹۱)

### توصیه امام علی درباره سفر حج:

خداوند زیارت (حج) به خانه مقدس خود (کعبه) را بر شما واجب کرده است، این جهتی است که مردم چهره خود را برمی‌گردانند (هنگام انجام عبادت‌های آیینی) و مانند جانوران به سوی آن (کعبه) پیش می‌روند کبوترهایی که به طرف چشمه آب می‌روند (برای رفع تشنگی). خداوند بزرگ، آن را نشانه تسلیم آنها در برابر عظمت خود و تصدیق مقام والای خود قرار داده است. او (نوع بشر) را از میان خلقت خود برگزید، تا با شنیدن ندای او، به آن پاسخ دهند و امر او را ارج نهند.

آنها بدین ترتیب واکنش نشان داده و به فرشتگان او شباهت داشتند که در کرسی عرش الهی (واقع در آسمان بالاتر)، تمام مزایای انجام عبادت او را تأمین کرده و به سوی بخشش وعده داده شده شتاب می جستند. خداوند سبحان، آن را (خانه مقدس خود) به عنوان نمادی برای اسلام و احترام کسانی که به آن روی می آورند، قرار داد. وی زیارت آن را واجب کرد و ادعای خود را مطرح کرد، و شما را مسئول تخلیه آن دانست. بنابراین ، خداوند سبحان فرمود:

"و برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد یقیناً خداوند از جهانیان بی نیاز است." (قرآن ۹۶:۳)

(خطبه ۱)

## عبادات آیینی اسلامی (نماز)

### مقدمه:

نماز آیینی در اسلام به زبان عربی خوانده می‌شود. این تعهدی است که لازم است پنج بار در روز انجام شود و یکی از "ارکان" اسلام است. در این فصل، حضرت علی (ع) با بکارگیری تشبیهات غنی، اهمیت نماز را آشکارا و روشن بیان می‌کند.

با نماز خود متعهد شوید و بر آن ثابت قدم بمانید. نمازهای مستحبی را حتی الامکان بخوانید (علاوه بر نمازهای واجب) و از طریق آنها تقرب (به خدا) را جویا شوید. این امر بر مومنان به عنوان یک مصوبه به موقع تعیین شده است.

### آیا شما از اهل جهنم سوال نکردید:

"چه چیزی شما را به جهنم آورده است؟" آنها می‌گویند: "ما از نماز گزاران نبودیم."  
(قرآن ۷۴: ۴۲-۴۳)

قطعاً نماز گناهان را مانند ریختن برگها (از درختان در پاییز) می‌ریزد. رسول خدا آن را به حمامی گرم تشبیه کرده است، شخصی که روزانه پنج بار در آن غسل می‌کند، به راحتی قابل دسترسی است. (او پرسید،) آیا پس از آن هیچ آلودگی بر روی او باقی می‌ماند؟

این تعهد را کسانی که نه ثروت و نه فرزندان نمی‌توانند از آن برگردانند، به خوبی شناخته‌اند. خداوند سبحان می‌فرماید:

"مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی‌دارد و از روزی که دلها و دیده‌ها در آن زیرورو می‌شود می‌هراسند.

(قرآن ۲۴: ۳۷)

حتی پس از اطمینان از بهشت، رسولخدا (ص) به خاطر امر خداوند مجید، خود برای اقامه نماز تلاش می کرد:

"و با پیروان خود نماز بخوانید، و پیوسته به آن پایبند باشید." (قرآن ۳۲: ۲۰)

پیامبر عادت داشت که با پیروان خود نماز بخواند و خود نیز به میزان قابل توجهی در آنها حضور می داشت.

(خطبه ۱۹۹)

## درباره شیطان

مقدمه: شیطان، اصالتاً جن، شخصیت بسیار جالبی است. قرآن اشارات فراوانی به او دارد. نام اصلی وی در عربی (لوسیفر به انگلیسی) است، اما بیشتر او را شیطان می شناسند. هنگامی که او امتناع از سجده در برابر حضرت آدم کرد، در حالی که همه فرشتگان سجده می کردند، از خدا سرپیچی کرد. خداوند از شیطان سوال کرد که چرا حاضر به سجده نکردن شد؟ شیطان گفت که او از آدم برتر است زیرا از آتش آفریده شده است، در حالی که آدم از خاک رس پست ساخته شده است.

خدا او را بیهوده خواند و او را رد کرد. او به بهشت وارد شد و ادعا کرد که انسانها را از راه حق (مانند راه اطاعت از خدا) اغوا خواهد کرد و آنها را گمراه خواهد کرد. خداوند در پاسخ گفت که کسانی که پیرو شیطان می شوند همراه با جن ملعون مجازات می شوند. بنابراین، شیطان با ایجاد احساس بیهودگی و برتری نسبت به دیگران، انسانها را آزار می دهد. این شامل احساس برتری نسبت به ثروت، نژاد، رنگ، میراث خانوادگی، کشور مبدا، زبان، قومیت و غیره است. به این ترتیب، شیطان نوع بشر را برای خود استخدام می کند و آنها را به عذاب و مجازات بشارت می دهد.

در این فصل، حضرت علی (ع) به انواع دام‌ها و ابزارهای فریب اشاره می کند که شیطان برای گمراه کردن مردم و نابودی آخرت آنها استفاده می کند.

## هشدار علیه شیطان:

من به شما سفارش می‌کنم که خدا را آگاه باشید، زیرا او هیچ عذری در برابر آنچه هشدار داده است باقی نگذاشته و استدلالهای (راهنمایی) را درباره راه (درست) نشان داده است. او شما را نسبت به دشمنی (شیطان) که مخفیانه به قلبها می‌ریزد و یواشکانه آنها را برمی‌انگیزد، هشدار داده است، و بدین وسیله گمراه می‌شود، و نابودی به بار می‌آورد. او وعده‌های (دروغ) می‌دهد و فریب می‌زند. او شر و گناه را در شکل‌ها و ظواهر جذاب ارائه می‌دهد و گناهان بزرگ (علیه خدا) را جزئی جلوه می‌دهد.

(خطبه ۸۲)

## شیطان قول داد مردم را به بی‌راهه ببرد:

بنابراین، شما باید بترسید که مبادا شیطان شما را به بیماری خود آلوده کند، یا شما را از طریق ندای خود گمراه کند، زیرا، به زندگی من، او تیر (فریب) را برای شما در کمان قرار داده، کمان را به شدت کشیده و آن را از یک موقعیت نزدیک به سمت شما هدف قرار داد. همانطور که در قرآن آمده است، این همان چیزی است که شیطان به خدا وعده داده است:

"او گفت: ... پروردگارا! از آنجا که مرا به گمراهی رها کرده‌ای، مطمئناً من راه گمراهی را برای آنها (بشریت) می‌آرایم و قطعاً همه آنها را گمراه می‌کنم" (قرآن ۳۹:۱۵).

او (شیطان) چنین گفته بود، فقط با حدس درباره آینده‌ای که برای او ناشناخته بود. با این حال، فرزندان باطل، برادران مغرور، و شوالیه‌های مغرور و غیر قابل تحمل، حقیقت او را ثابت کردند، تا آنجا که وقتی افراد نافرمانی در برابر او تعظیم کردند، شیطان قدرت خود را جمع کرد، او کنترل کامل را بدست آورد و قربانیان خود را با استفاده از نیروهای تحت فرماندهی خود کنترل نمود.

(خطبه ۱۹۱)

## درباره تنوع طلبی:

مقدمه: حفظ صلح، هماهنگی و وحدت در جامعه در اسلام، در قرآن و آموزه‌های حضرت محمد (ص) بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. اگر شخصی به برقراری صلح بین دو طرف کمک کند یا با یکی از اقوام یا یکی از دوستان جداشده سازش کند، پس از آن رضایت خدا و پاداشی بیشتر از بسیاری از عبادات را کسب می‌کند. حضرت علی (ع) به عنوان یک حاکم با بخشش دشمنان خود برای حفظ هماهنگی و جلوگیری از اختلاف در جامعه، مقدار زیادی بزرگواری و از خودگذشتگی نشان داد.

## درباره بخش در جامعه:

مطمئناً خداوند در این دنیا هیچ ظالم غیرمجاز را مجازات نکرد مگر اینکه به او فرصت برای جبران خسارت فرصت داده باشد. رنج‌ها و بدبختی‌هایی که برای شما اتفاق افتاده است یا شاهد آن هستید، کافی است تا درس بگیرید. هر مرد خوب قلب لزوماً باهوش نیست. هر گوش، گوش نمی‌کند، و هر چشم (حقیقت) را نمی‌بیند.

من در مورد عیب‌های گروه‌هایی که نوآوری‌هایی در دین خود وارد کرده‌اند، تعجب می‌کنم، آنها از پیامبر خود الگو نمی‌گیرند و از جانشین او الگو نمی‌گیرند. آنها به غیب ایمان ندارند و از شر پرهیز نمی‌کنند. آنها با تردیدهای خود هدایت می‌شوند و قربانی احساسات خود می‌شوند. آنها هرچه خیال می‌کنند آن را خوب می‌دانند و هرچه خیال کنند آن را شر می‌دانند. در برخورد با مسائل پیچیده، آنها نظرات خودشان را می‌دهند (یعنی با افراد با دانش مشورت نکنید). آنها طوری رفتار می‌کنند که گویی هرکدام رهبر (امام) هستند. هرچه تصمیم بگیرند، تصور می‌کنند این منبع از منبع معتبری باشد.

## هنگام مواجهه با یک شورش:

شکی نیست که خداوند پیامبر را به عنوان راهنما و با کتابی فصیح فرو فرستاد. هیچ کس به جز خواست خود با ویرانی روبرو نمی شود. مطمئناً فقط نوآوری های مشکوک باعث خرابی می شود. از نظر خداوند ایمنی امور شما نهفته است. بنابراین ، صادقانه از او اطاعت کنید. به خدا سوگند ، اگر از او اطاعت نکنید ، او اختیارات را از شما می گیرد و آن را به قوم دیگری عطا می کند.

این افراد از اقتدار بدشان می آید. در صورت موفقیت (در به دست آوردن قدرت) علی رغم دیدگاههای معیوب ، سیستم حکومتی متلاشی می شود. آنها از روی حسادت به رهبر تلاش می کنند ، در حالی که خداوند نعمت ها و قدرت خود را به او ارزانی داشته است. بنابراین ، آنها قصد دارند به دوران جاهلیت (یعنی دوره قبل از اسلام) برگردند ، در حالی که رعایت کتاب خدا (قرآن) و تعالیم معارف اسلامی به خاطر شما بر من واجب است. پیامبر خدا و حمایت از سنتهای او (پیامبر) (یعنی اعلامیه ها و اعمال).

(خطبه ۱۶۸)

## درباره ایمان، بی اعتقادی و تردید:

مقدمه: حضرت علی (ع) در دین و امور ایمانی بیش از زیادی داشتند. این امر تا حدی به دلیل نزدیکی وی با حضرت محمد (ص) بود که از او دانش و راهنمایی گرفت. در این فصل ، حضرت علی (ع) دیدگاه منحصر به فرد خود را در مورد موضوعات ایمان ، کفر و علل تردید و تزلزل عقیده به اشتراک می گذارد.

## چهار علت از دست دادن اعتقاد به خدا عبارتند از:

• گرفتار به هوی و هوس شدن

• اشتیاق برای اختلاف در هر بحثی

• انحراف از حقیقت

• اختلاف (اختلاف نظر)

هرکس که به دنبال هوی و هوس باشد، به حقیقت گرایش ندارد. هرکسی که علیرغم جهل و ناآگاهی خود به بحث و جدال ادامه دهد، همیشه نسبت به حقیقت کور خواهد ماند. هرکس به دلیل جهل و نادانی از حقیقت منحرف شود، همیشه خیر را به بد و بد را به نیکی اشتباه خواهد گرفت، و در گمراهی مست خواهد ماند. هرکس (با خدا و رسولش) تخطی کند، راه او سخت می‌شود، امورش پیچیده می‌شود و راه نجاتش نامشخص است.

### شک:

به همین ترتیب، شک نیز چهار جنبه دارد:

### استدلال پوچ

ترس

تقویت

تردید

شک منجر به تسلیم آسان در برابر خیانت می‌شود، زیرا کسی که خود را به بحث‌های غیر معقول و پوچ عادت داده است هرگز نور حقیقت را نخواهد دید و همیشه در تاریکی جهل زندگی خواهد کرد. کسی که از رو برو شدن با حقایق (زندگی، مرگ و زندگی پس

از مرگ) می ترسد ، همیشه از واقعیت نهایی دور می شود. کسی که به شک و تردید اجازه دهد او را متزلزل کند ، همیشه تحت سیطره شیطان خواهد بود و کسی که خود را به خیانت تسلیم کند ، در هر دو دنیا (این زندگی و آخرت) مورد لعنت خواهد برد.

وقتی از حضرت علی در مورد ایمان به دین سوال شد ، او پاسخ داد: ساختار ایمان توسط چهار رکن پشتیبانی می شود:

استقامت

محکومیت

عدالت

مبارزه و تحمل

اشتیاق ، ترس ، تقوا و انتظار (مرگ) از چهار صفت تشکیل شده است. بنابراین ، هر که مشتاق بهشت باشد، وسوسه ها را نادیده می گیرد؛ هر کس از آتش جهنم بترسد از گناهان خودداری می کند. هر کس تقوا پیشه کند، مشکلات زندگی را به راحتی تحمل می کند. و هر که مرگ را پیش بینی کند، به سوی کارهای نیکو شتاب می کند.

محکومیت:

همچنین چهار جنبه دارد:

برای محافظت در برابر شیفتگی گناه

جستجوی توضیح حقیقت از طریق دانش

برای کسب درس از امور آموزنده

برای پیروی از الگویی که توسط افراد نسل های گذشته تعیین شده است

هرکسی که بخواهد خود را در برابر رذایل و گناهان محافظت کند ، باید به دنبال علل واقعی شیفستگی ، راه های واقعی مبارزه با آنها و برای یافتن این راه های واقعی ، از دانش کمک بگیرد.

هرکسی که با شاخه های مختلف دانش کاملاً آشنا باشد ، از زندگی درس می گیرد و هرکسی که بخواهد از زندگی درس بگیرد ، به مطالعه علل ظهور و سقوط تمدن های قبلی می پردازد.

### عدالت:

همچنین چهار جنبه دارد:

درک عمیق

دانش ژرف

انصاف در قضاوت

ذهن پاک

هرکسی که تمام تلاش خود را برای درک مسئله ای انجام دهد ، مجبور است آن را مطالعه کند. هرکسی که تمرین مطالعه موضوعی را که باید با آن پردازد داشته باشد ، ذهن روشنی پیدا می کند و همیشه به تصمیمات صحیح می رسد.

هرکسی که برای رسیدن به همه اینها تلاش کند ، باید صبر و بردباری کافی داشته باشد ، و هر کسی که این کار را انجام دهد عدالت را در راه دین رعایت کرده و زندگی با شهرت خوبی را در پیش گرفته است.

## مبارزه (جهاد):

این به چهار شاخه تقسیم شده است:

برای ترغیب مردم به اطاعت از خدا تا آنها را از گناه و بدخواهی منصرف کند.

در همه موارد صادقانه و محکم در راه خدا مبارزه کنیم.

از مفسدان دوری بجوئیم.

هرکس مردم را به اطاعت از دستورات خدا ترغیب کند، قدرت مومنان را فراهم می کند. هرکس آنها را از رذایل و گناهان منصرف کند، کافران را تحقیر می کند. هر کسی که مداوم مبارزه کند، تمام تعهدات خود را برطرف می کند. کسی که از افراد فاسد به خاطر خدا بیزار است، در این صورت خداوند از دشمنانش انتقام می گیرد و موجب خشنودی خداوند در روز قیامت می شود.

وقتی از او درباره صبر سوال شد، او گفت:

صبر بر دو نوع است: صبر بر آنچه موجب آزار شما می شود و صبر در برابر آنچه طمع می کنید.

## مباحث متفرقه

مقدمه: حضرت علی (ع) زندگی بسیار ساده ای داشتند، حتی به عنوان حاکم امپراتوری وسیع اسلامی. او دلیل سبک زندگی سختگیرانه شدید خود را، که به معنای منزوی بودن نیست، توضیح می دهد. بلکه این یک سبک زندگی بود که به موجب آن او از تجملات دوری می کرد. او لباس های ساده و ارزان قیمت می پوشید، در عین حال لباس های بهتری را برای بندگان خود فراهم می کرد. او همچنین غذای ناپذیر می خورد، در عین حال غذای بهتری را به بندگانش می رساند. دلایل این اقدامات در این فصل توضیح داده شده است.

## درباره یک فرد مطلع:

دانشمند کسی است که ارزش خود را می‌داند. کافی است (دلیل) یک مرد قدر خود را نداند تا نادان تلقی شود. مطمئناً منفورترین فرد با خدا کسی است که خداوند او را (تنها) به خود (خودخواهانه) واگذار کرده است. او از راه راست گمراه شده و در گمراهی گمراه است. اگر او را به سمت جاذبه‌های دنیوی فراخوانند، زود پاسخ می‌دهد، اما اگر او را به نعمت‌های دنیای بعدی فراخوانند، مشتاق نیست.

(خطبه ۱۰۲)

## درباره مسئولیت‌های یک امام و توصیه‌هایی برای پیروی از او:

ای مردم، از چراغ‌های (راهنمای) واعظی که آنچه را که موعظه می‌کند کمک جوید، به آنها عمل کنید و از چشمه پاک شده از ناخالصی‌ها (مثلاً معلمی که از گناهان و جاه‌طلبی‌های دنیا پاک شده است)، آب بگیرید.

ای مخلوقات خدا، به جهل خود تکیه نکنید؛ مطیع خواسته‌های خود نباشید. خدا را آگاه باشید و شکایت خود را در برابر او که نمی‌تواند شکایت شما را جبران کند قرار ندهید.

مطمئناً هیچ مسئولیتی بر عهده امام نیست جز مسئولیتی که خداوند بر عهده او نهاده است، یعنی انتقال هشدارها، توصیه‌های خوب، احیای تعالیم پیامبر (ص)، اجرای قانون شرعی و اجرای آن. سهام عادلانه خیریه را برای مستحقین صادر کنید. بنابراین قبل از اینکه خیلی دیر شود، و قبل از اینکه ارتباط خود را با معلم قطع کنید به سمت دانش بشتابید. دیگران را از حرام منصرف کنید و خودتان از آن خودداری کنید، زیرا به شما دستور داده شده است که قبل از موعظه کردن به دیگران ابتدا از خود پرهیز کنید.

(خطبه ۱۰۴)

مطمئنأً امامان (منسوب الهی) نایب خداوند بر مخلوقات او هستند و آنها راجع به خدا (و دستورات او) به مردم می آموزند.

(خطبه ۱۵۱)

**کسانی که به بی راهه می روند:**

در نظر من ، دو دسته از افراد نابود می شوند (گمراه می شوند) ، یعنی کسی که مرا بیش از حد دوست دارد و عشق او را از آنچه درست است دور می کند و دیگری که از من متنفر است و نفرت او را از حق دور میکند.

بهترین فرد در رابطه با من کسی است که حد وسط را نگه میدارد. بنابراین با کسی که در میانه طی می کند همراه باشید و با اکثریت همراه باشید (متحد باشید) زیرا دست خدا (یعنی محافظت) بر روی کسانی است که متحد می مانند. مراقب تفرقه باشید ، زیرا شخصی که از گروه جدا شده است شیطان است (همانطور که گوسفند جدا شده از گله، توسط گرگ شکار می شود).

(خطبه ۱۲۶)

**درباره زهد:**

مردی از برادرش به حضرت علی (علیه السلام) شکایت کرد و گفت: "او کت پشمی (درشت) می پوشد و خود را از دنیا جدا کرده است." حضرت علی فرمود: "او را به من عرضه کن." وقتی آن مرد آمد ، حضرت چنین فرمود:

ای دشمن خودت! قطعاً شیطان شما را گمراه کرده است. آیا شما برای همسر و فرزندان خود هیچ ترحمی ندارید؟ آیا شما اعتقاد دارید که اگر از مواردی که خداوند برای شما حلال کرده استفاده کنید ، از شما بدش می آید؟ شما برای انجام چنین کاری بیش از حد مهم نیستید. "

مرد گفت: "ای رهبر مومنان، تو نیز لباس درشت پوشیدی و غذای ناچیز می خوری." حضرت علی پاسخ داد، وای بر تو، من مثل تو نیستم. مطمئناً خداوند متعال این امر را بر رهبران واقعی واجب کرده است که باید خود را در سطح افراد فقیر حفظ کنند تا فقرا از فقر خود ابراز ناراحتی نکنند."

(خطبه ۲۰۸)

## بخش دهم:

(گزیده‌ای از حکمت‌ها و راهنمایی‌ها)

سخنان امام علی (ع)

## مقدمه:

ترجمه اصطلاحات و سخنان از زبان عربی به انگلیسی با مشکلات و نقص‌هایی همراه است. ماجراهای منتخب ارائه شده در اینجا از میان ۴۸۰ جمله حداکثر استخراج شده از کتاب قله فصاحت، برای انتقال اصل و هدف آنچه گفته شد، دوباره بیان شده‌اند. امید است که خواننده از خرد موجود در آن بهره‌مند شود.

کسی که حریص است رسوا است؛ کسی که سختی‌های خود را فاش می‌کند، با تحقیر روبرو می‌شود. کسی که هیچ تسلطی بر زبان خود ندارد، خود را تحقیر می‌کند.

## نقل قول‌ها:

۱. بخل؛ رسوایی است.
۲. فقر غالباً مانع بحث شخصی در مورد فرد می‌شود.  
یک مرد فقیر در شهر خودش غریبه است.  
بدبختی و درماندگی مصیبت است.  
صبر نوعی رشادت است.  
تقوا بهترین سلاح دفاعی است.
۳. بهترین همراه تسلیم شدن در برابر اراده خداوند است. خرد، نجیب‌ترین میراث است؛ دانش بهترین نشانه تمایز است.
۴. ذهن یک انسان عاقل امن‌ترین نگهداری اسرار است. خوشرویی کلید دوستی است. صبر بسیاری از نقایص را پنهان خواهد کرد.
- ۵- شخصی که خود را تحسین کند، دوست نداشتن دیگران را به همراه دارد. صدقه بهترین راه حل برای بیماری‌ها و بلاها است.

۶. وقتی این دنیا به نفع شخصی است ، لیاقت دیگران را به او نسبت می دهد و وقتی روی خود را از او برگرداند ، شایستگی های خودش را از او می گیرد.
۷. در میان مردم به گونه ای زندگی کنید که اگر بمیرید بر سر شما گریه می کنند ، و اگر زنده هستید، مشتاق دیدار شما باشند.
۸. اگر بر دشمن خود چیره شدید ، او را عفو کنید (به شکر خدا) که شما را قادر به تسلیم کردن خود کرده است.
۹. هنگامی که نعمت ها (حتی کوچک) به شما می رسند ، آنها را با ناسپاسی (نسبت به خدا) از دست ندهید.
- ۱۰- کسی که با امور ناپسند همراهی میکند ، با مرگ برخورد می کند.
۱۱. از کاستی های افراد سخاوتمند غافل شوید ، زیرا اگر آنها سقوط کنند ، خدا آنها را پشتیبانی می کند.
۱۲. عدم موفقیت اغلب به دلیل ترس است. ناامیدی ها به دلیل خجالت است. ساعت های فراغت مانند ابرهای تابستانی می گذرد ، بنابراین فرصت انجام کارهای خوب را از دست ندهید.
۱۳. تسکین به مریضان و کمک به مظلومان وسیله کفاره گناهان بزرگ است.
۱۴. ای پسر آدم ، وقتی می بینی که پروردگار تو ، سبحان ، به شما لطف می کند ، در حالی که از او سرپیچی می کنید ، باید از او بترسید (یعنی خشم او می تواند آن نعمت ها را به بدبختی تبدیل کند).
۱۵. حالت های چهره شما ممکن است افکار پنهان شما را نشان دهد.
۱۶. بهترین راه برای بندگی خدا به نمایش نداشتن آن است.

۱۷. مراقب باشید! خداوند بسیاری از فعالیتهای گناه آلود شما را آشکار نکرده است. ممکن است به نظر شما برسد گویی که او شما را بخشیده است. (احتمالاً او به شما مهلت می دهد تا توبه کنید).

۱۸- شخص فاضل بهتر از فضیلت است و شخص شرور از رذیلت بدتر است.

۱۹. سخاوتمند باشید اما اسراف نکنید. مقرون به صرفه عمل کنید اما بخیل نباشید.

۲۰. بهترین ثروت کنار گذاشتن خواسته های بیش از حد است.

۲۱. کسی که حرفهای منفی درباره دیگران بزند ، خودش هدف رسوایی قرار خواهد گرفت.

۲۲. نمازهای اختیاری (نماز اختیاری) وقتی نماز واجب را نادیده می گیرد نمی تواند به رضایت خدا برسد

۲۳. یک انسان عاقل قبل از اینکه صحبت کند ، فکر می کند ، در حالی که یک احمق قبل از اینکه فکر کند ، صحبت می کند.

۲۴. قلب یک احمق از رحمت زبان او برخوردار است ، در حالی که زبان یک انسان خردمند تحت کنترل قلب او (ذهن) است.

۲۵. یکی از یاران امام بیمار شد. حضرت علی او را صدا زد و این توصیه را به او کرد: «خدا را شکر کن. او این بیماری را چیزی برای جبران گناه شما قرار داده است ، زیرا یک بیماری به خودی خود برای کسی پاداش نمی آورد. این فقط گناهان شخص را تسویه می کند. تا آنجا که به پاداش مربوط می شود ، فرد باید آن را با اندیشه و کردار خوب خود بدست آورد. پروردگار متعال به دلیل تقوا و اندیشه های نجیب آنها ، بهشت را به رعایای خود عطا می کند.»

۲۶. خوشا به حال مردی که همیشه زندگی با معیارهای آخرت را حفظ می‌کند، که در تمام اعمال خود روز قیامت را به یاد می‌آورد و از آنچه خداوند برای او رقم زده خوشحال است.

۲۷. مطمئناً جایزه‌ای که هدف شما در آن است (در آخرت) بهشت است، پس خود را کوتاه برای لذت‌های دنیا. نفروشید.

۲۸. گناهی که باعث ناراحتی و توبه شما می‌شود مورد پسند خداوند قرار گرفته است تا عمل خوبی که باعث بیهودگی شما می‌شود.

۲۹. ارزش یک مرد به شجاعت او بستگی دارد. حقیقتش به عزت نفس او بستگی دارد. و عفتش به احساس شرافتش بستگی دارد.

۳۰. موفقیت نیاز به آینده‌نگری و عزم راسخ دارد؛ آینده‌نگری نیاز به تفکر و برنامه‌ریزی دارد.

۳۱. بخشش واقعی (عمل) بخششی است که در عین قدرت مجازات داشتن باشد.

۳۲. کمکی که بعد از درخواست انجام می‌شود یا به دلیل احساس احترام به خود خواهد بود یا به دلیل ترس از سرزنش. (بنابراین، بهتر است قبل از درخواست کمک کنید)

۳۳. ثروتی بیشتر از خرد و فقری بیش از جهل وجود ندارد. هیچ میراثی بزرگتر از حسن خلق و پشتیبانی بیشتر از مشورت وجود ندارد.

۳۴. صبر بر دو نوع است: صبر بر آنچه شما را آزار می‌دهد و صبر در برابر خواسته‌های (تحقق نیافته) شما.

۳۵. ثروت، سرزمین بیگانه را به میهن تبدیل می‌کند و فقر محل بومی خود را به سرزمین خارجی تبدیل می‌کند.

۳۶. قناعت سرمایه‌ای است که کم نمی‌شود.

۳۷. ثروت چشمه نور است.
۳۸. هرکس شما را (نسبت به گناه) بر حذر دارد مانند کسی است که به شما بشارت می‌دهد.
۳۹. زبان یک جانور است. اگر رها شود، می‌بلعد.
۴۰. سلام و احوالپرسی را با گرمای بیشتری برگردانید. با آنچه بیشتر است، لطف کنید. آغازگر یک لطف شایسته لیاقت بیشتر است.
۴۱. انکار نیازمند شرمساری بزرگتری نسبت به دادن چیز کوچک در امور خیریه است.
۴۲. اگر نمی‌توانید به خواسته خود برسید، پس به آنچه دارید راضی باشید.
۴۳. یک فرد نادان در انجام یک کار یا زیاده روی می‌کند یا سهل‌انگاری می‌کند.
۴۴. هر کسی عاقل‌تر باشد، کمتر صحبت می‌کند.
۴۵. برای رهبر بودن، فرد باید آگاه باشد و قبل از موعظه آن را تمرین کند.
۴۶. هرنفس شما یک قدم دیگر به سوی مرگ است.
۴۷. از هرکسی که می‌توانید خرد بگیرید (حتی از یک دشمن).
۴۸. دانش و خرد امتیاز مومنان است، پس آنها را حتی از کسی که بی‌اعتقاد است، کسب کنید.
۴۹. ارزش یک فرد در دستاوردهای اوست.
۵۰. برای به دست آوردن این پنج ویژگی تلاش کنید:
- یک) فقط به خدا امیدوار باشید.
- دو) از گناه بیشتر بترسید.

سه) شرمسار نباشید و آنچه را نمی‌دانید بپذیرید.

چهار) از یادگیری امر جدید شرم‌منده نباشید (یا نترسید).

پنج) صبر به دست آورید ، زیرا رابطه آن با ایمان مانند رابطه "سر به بدن" است.

۵۱. کسی که فرض کند همه چیز را بداند ، نادان خواهد ماند.

۵۲. من به نظر محتاطانه یک فرد مسن بیشتر از شجاعت یک جوان اهمیت می‌دهم.

۵۳. من از کسی تعجب می‌کنم که امید نجات را از دست می‌دهد در حالی که هنوز در توبه باز است.

۵۴. دو منبع‌رهایی از عذاب خدا وجود دارد. خداوند خطاب به حضرت محمد (ص) گفت: "خداوند قرار نیست آنها (گناهکاران) را مجازات کند ، در حالی که شما (پیامبر) در میان آنها هستید، و همچنین خدا نباید آنها را مجازات کند، در حالی که آنها هنوز هم طلب‌آمزش می‌کنند"

(قرآن سوره ۸ ، آیه ۳۳).

۵۵. هرکس امور خود را با نظم و ترتیب مناسب خدا (مطیع بودن خدا) نگه دارد ، خداوند امور جهانی او را نیز مرتب خواهد کرد. هرکس امور را برای نجات خود با اعمال نیکوکارانه ترتیب دهد ، خداوند امور دنیوی او را مرتب می‌کند. هرکس خود را هشدار دهد (قلب خود را پاک کند) ، خدا حافظ او خواهد بود.

۵۶. نصیحت: "امید به رحمت خدا را از دست ندهید. در عین حال تخفیف عذاب او را دست‌کم نگیرید."

۵۷. ذهن خود را خسته کنید و با گفتن سخنان خردمندانه سرگرم شوید.

۵۸. دانشی که فقط بر زبان می‌ماند ، دانش سطحی است. ارزش ذاتی (واقعی) دانش وقتی به آن عمل شود ، تحقق می‌یابد.

۵۹. از خداوند این دعا را نکنید که بگوید ، "پروردگارا! مرا در برابر وسوسه ها و آزمایش ها محافظت کن ، " زیرا کسی نیست که وسوسه نشود و محاکمه نشود. از او بخواهید تا شما را در برابر چنین وسوسه ای که شما را به گناهان سوق می دهد ، محافظت کند. خداوند در کتاب خود می فرماید:

"بدانید که ثروت و فرزندان شما وسیله ی ارزیابی هستند."

(قرآن سوره ۸ ، آیه ۲۸)

۶۰. وقتی از او سوال شد که چه چیز خوبی است ، او پاسخ داد: "خوبی داشتن مال و فرزندان زیاد نیست ، بلکه خوبی داشتن دانش زیاد ، بردباری و پرستش زیاد خداست. و خدا را به خاطر کار خیر خود شکر کنید و برای کار بد خود توبه کنید."

۶۱. خوابیدن در حالت اعتقاد راسخ بهتر از نماز خواندن در حالت تردید است.

۶۲. با توجه به متن زیر قرآن: "به راستی که ما از آن خدا هستیم و به او باز می گردیم" (۲: ۱۵۶). امام علی توضیح داد ، "اعلام ما ، " ما از آن خدا هستیم " ، نشانگر این است که ما او را به عنوان استاد و مالک خود می پذیریم ، و وقتی می گویم " بازگشت ما به اوست ، " این اعتراف است که ما فانی هستیم."

۶۳. شخصی حضرت علی را ستود. او پاسخ داد ، "خدا من را بهتر می شناسد ، و من خودم را بهتر از تو می شناسم." سپس دعا کرد ، "پروردگارا! مرا از آنچه در مورد من فکر می کنند بهتر ساز و نقاط ضعف من را که از آنها آگاهی ندارند از من دور نما."

۶۴. برآورده ساختن نیازهای دیگران از راه های زیر به فضیلت ماندگار تبدیل می شود: «آن را کوچک بدانید تا به عظمت برسد ، آنرا پنهان کنید تا خود را نشان دهد و به موقع آن را بدهید تا موجب خوشبختی شود."

۶۵. هرکس دوست دارد در لذات بیهوده عمل کند ، از ریاضت بدش می آید ، در حالی که نجات به ریاضت نیاز دارد.

۶۶. حضرت علی (ع) در مورد افرادی که شب بیدار می‌شوند و به درگاه خداوند دعا می‌خوانند این جمله را فرمودند: «این افراد خوشبخت هستند، زیرا آنها قرآن و نماز را راهنما و محافظ خود می‌دانند. آنها مانند عیسی مسیح دنیا و لذت‌های بیهوده آن را ترک می‌کنند. حضرت داوود گفته بود که این ساعت قبول شدن نماز است.»

۶۷. بسیاری از افراد تحصیل کرده به دلیل ناآگاهی از دین، آخرت خود را خراب کرده‌اند. دانش (سکولار) آنها برای آنها فایده‌ای نداشت.

۶۸. هیچ کس نمی‌تواند حکومت خدا (روی زمین) را برقرار کند مگر فردی که در اجرای عدالت، نه کمبود دارد و نه ضعیف است. او نه حریص است و نه خطاکار.

۶۹. کسی که خاندان پیامبر را دوست دارد، باید حاضر باشد زندگی سختی داشته باشد.

## ۷۰. مرواریدهای خرد:

هیچ ثروتی سودمندتر از خرد نیست.

هیچ تنهایی از پوچی آدم بدتر نیست.

هیچ بزرگواری برتر از تقوا نیست.

هیچ صفتی از ادب مفیدتر نیست.

هیچ میراثی بهتر از خوش اخلاقی نیست.

هیچ هدایتی برتر از هدایت الهی نیست.

هیچ معامله‌ای سودآورتر از کارهای خوب نیست.

هیچ سودی بیشتر از پاداش الهی نیست.

هیچ پرهیزکاری بهتر از رهایی از شك و تردید (در مورد دین) نیست.

هیچ فضیلتی بهتر از خودداری از کارهای حرام نیست.

هیچ تعالی برتر از دانش نیست.

هیچ دانشی برتر از تدبیر و تدبیر نیست.

هیچ عبادتی مقدس‌تر از انجام تعهدات (در دین) نیست.

هیچ اعتقادی بالاتر از حیا و استقامت نیست.

هیچ بزرگواری از فروتنی بزرگتر نیست.

هیچ قدرتی مانند بردباری نیست.

هیچ حمایتی قوی‌تر از مشاوره نیست.

۷۱. کار خیر همراه با آگاهی از خدا مطمئناً پذیرفته می‌شود.

۷۲. دو نوع افراد به خاطر من گمراه می‌شوند: کسانی که به عقیده خود در مقام من بزرگ نمایی می‌کنند و کسانی که به دلیل حسادت یا بدخواهی مقام مرا تحمل می‌کنند.

۷۳. یک فرصت از دست رفته باعث غم و اندوه می‌شود.

۷۴. این دنیا مانند مار است؛ لمس آن نرم است اما پر از سم است. افراد ساده لوح جذب آن می‌شوند، اما افراد خردمند از آن دور می‌شوند.

۷۵. عملی وجود دارد که لذت آن به سرعت از بین می‌رود، درد و مجازات را پشت سر می‌گذارد، و عملی وجود دارد که اگرچه ناخوشایند است، اما پاداش الهی به دست می‌آورد.

۷۶. شخصی در مراسم خاکسپاری با صدای بلند خندید. با شنیدن این حرف، حضرت علی (ع) اظهار داشت: "آیا مرگ فقط برای دیگران مقدر شده است؟" یا ما از آن معاف هستیم؟"

## ۷۷. خوشا به حال آن شخص:

که در برابر خدا فروتن است.

منبع درآمد وی از راه حلال است.

نیت آنها محترم است.

شخصیتش نجیب است.

ثروت خود را برای رضای خدا می‌بخشد.

کسی که زبانش را از حرف‌های بیهوده باز دارد.

به کسی ظلم نمی‌کند.

در دین نوآوری نمی‌کند.

۷۸. حضرت علی (ع) از کنار قبرستانی عبور کرد. او متوقف شد و به این ترتیب آدرس داد: «ای ساکن این اقامتگاه‌ها (گریز) که در آن تنها هستی! ای اهل غبار. ای اهل تباهی! شما از ما جلوتر رفته‌اید، اما ما شما را دنبال می‌کنیم و باید شما را ملاقات کنیم.

خانه‌هایی که پشت سر گذاشتید توسط دیگران تصرف شده است. همسران شما (زنان بیوه) با دیگران ازدواج کرده‌اند. املاک شما بین وراثتان توزیع شده است! این خبر از اینجاست چه خبرهایی از اوضاع پیرامون شماست؟»

## ۷۹. سخنان ارزشمند

من از یک بخیل تعجب می‌کنم که یک زندگی بی بضاعت را انتخاب می‌کند، اما در دنیای بعدی مجبور خواهد شد مثل یک فرد ثروتمند حساب خود را بدهد.

من از شخص مغرور و بیهوده تعجب می‌کنم. دیروز او فقط یک نطفه فرومایه بود و فردا یک جسد خواهد شد.

من از شخصی متعجب هستم که جهان خلق شده توسط خدا را مشاهده می‌کند ، اما در وجود خدا شک دارد.

من از شخصی که می‌بیند مردم می‌میرند تعجب می‌کنم ، اما پایان خود (مرگ) را فراموش می‌کند.

من از شخصی متعجب هستم که شگفتی آغاز زندگی را می‌فهمد ، اما قبول نمی‌کند که دوباره به زندگی بازگردد.

من از مردی تعجب می‌کنم که برای تزئین زیستگاه موقتی خود (از این دنیا) زحمت زیادی می‌کشد ، اما خانه دائمی خود (آخرت) را نادیده می‌گیرد.

۸۰ هر کس در ثروت خود سهمی برای خدا (خیرات) نداشته باشد ، در پادشاهی خدا جایی برای او نیست.

۸۱. اگر قدر والای خدا را بدانید ، اهمیت کمتری برای موجودات فرومایه قائل خواهید شد.

۸۲. اگر اهل قبر صحبت می‌کردند ، به شما اطلاع می‌دهند که بهترین تأمین برای دنیای بعدی تقوا و خداشناسی است.

۸۳. این دنیا اقامتگاه دائمی نیست؛ این مانند یک بزرگراه است و شما یک مسافر هستید.

۸۴. یک دوست نمی‌تواند یک دوست واقعی باشد مگر اینکه در سه نوبت مورد آزمایش قرار گیرد: الف) در زمان نیاز شخص ، ب) پشت سر خود ، و ج) بعد از مرگ شخص.

۸۵. نمازهای روزمره (آیینی) بهترین واسطه ای است که می‌توان از طریق آن تقرب به خدا را جست.

۸۶. قبل از اینکه از خدا برای افزایش رزق و روزی دعا کنید ، چیزی را خیرات بدهید.

۸۷. شخصی که از بازگشت خوب مطمئن باشد ، سخاوت را نشان می‌دهد.

۸۸. کمک (از جانب خدا) متناسب با نیاز است.
۸۹. کسی که اعتدال را رعایت کند با فقر روبرو نخواهد شد.
۹۰. دوست داشتن یکدیگر نیمی از خرد است.
۹۱. تحمل (خدا) تحمل متناسب با دشواری است.
۹۲. بسیاری از افراد از روزه گرفتن چیزی معنوی کسب نمی‌کنند، جز گرسنگی و تشنگی. بسیاری از آنها از نماز شب خود صرفاً از طریق اعمال جسمی و از دست دادن خواب چیزی دریافت نمی‌کنند. خواب و خوردن یک فرد باهوش (خدایپسند) بسیار بهتر (قابل قبول تر) است.
۹۳. ایمان خود را با خیرات محکم کنید. با کمک زکات (خیرات اسلامی واجب) از ثروت خود محافظت کنید. با اقامه نماز بلاها را از بین ببرید.
۹۴. ارزش فردی از طریق گفتار او شناخته می‌شود.
۹۵. کسی که ارزش خودش را نمی‌داند محکوم به شکست است.
۹۶. صبر در نهایت به موفقیت می‌انجامد.
۹۷. کسی که با عمل گروهی موافق باشد (از نظر خداوند) مرتکب آن عمل شده است.
۹۸. مردی که در یک عمل گناهکاری شرکت کند، در نظر گرفته شده که مرتکب دو گناه شده است، یکی مرتکب گناه و دیگری گناه دیگری به دلیل موافقت با آن.
۹۹. به شما امور درست نشان داده شده است، اگر فقط به دیدن خود اهمیت بدهید. شما هدایت شده‌اید، فقط اگر به مراقبت توجه داشته باشید. به شما مشاوره داده شده است، اگر (فقط) به گوش دادن اهمیت بدهید.
۱۰۰. کسی که از شهرت‌های نامناسب بازدید می‌کند حق شکایت از شخصی را ندارد که از او بد می‌گوید.

۱۰۱. کسی که اقتدار پیدا می‌کند ، تسلیم طرفداری می‌شود.
۱۰۲. کسی که از اسرار خود محافظت می‌کند ، بر امور خود نظارت دارد.
۱۰۳. غرور مانع پیشرفت می‌شود.
- ۱۰۴- وسواس برای حصول منافع مانعی برای دستیابی به بسیاری از افراد دیگر است.
۱۰۵. کسی که در راه خدا تلاش می‌کند ، از او کمک می‌گیرد.
۱۰۶. مزیت شما نسبت به دیگران متناسب با دانش و خرد شما است.
۱۰۷. با پاداش دادن به نیکوکار ، با یک بدکار مقابله کنید.
۱۰۸. برای از بین بردن شر از دیگران ، ابتدا آن را رها کنید!
۱۰۹. لجبازی مانع توصیه‌های خوب می‌شود.
۱۱۰. حرص و طمع (شبییه به) بردگی است.
۱۱۱. سکوت در مواقعی که می‌توانید چیزی عاقلانه و مفید بگوئید به همان اندازه ترویج ایده‌های احمقانه است.
۱۱۲. مرگ هرگز خیلی دور نیست.
۱۱۳. کسی که حقیقت را ترک کند ، لعنت ابدی به دست می‌آورد.
۱۱۴. اگر (ثروت) بیش از نیاز خود جمع‌آوری کرده باشید ، پس (در واقع) به عنوان متولی آن عمل می‌کنید تا شخص دیگری پس از مرگ شما از آن استفاده کند.
۱۱۵. عدم سپاسگزاری (توسط شخص) به نفع شما نباید شما را ناامید کند. شخص دیگری وجود دارد که از لطف بسیار کمتری قدردانی می‌کند. پاداش خوبی شما با خداست.
۱۱۶. بردباری مردم را در برابر کسی که به شما ظلم کرده است ، بی طرف می‌کند.

۱۱۷. گذشته معلم خوبی برای موارد زیر است:

کسی که از وقایع زندگی درس می‌گیرد بنابراین بینایی پیدا می‌کند؛ بینش او را خردمند می‌کند، و خرد او را به کسب دانش می‌رساند.

کسی که از کمبودهای خود آگاهی داشته باشد، از آن بهره‌مند می‌شود و کسی که نسبت به کاستی‌های خود بی‌توجه باشد، عواقب آن را خواهد دید.  
کسی که از روز قیامت می‌ترسد از مجازات خداوند در امان است.  
۱۱۸. خوشبختی تحمل اندوه و مصیبت با صبر و حوصله است.

۱۱۹. قدرت منجر به سوءاستفاده می‌شود.

۱۲۰. ناسازگاری شجاعت شخص را نشان می‌دهد.

۱۲۱. حسادت به دوستی صادقانه خیانت می‌کند.

۱۲۲. حرص، توانایی‌های قضاوت و خرد را کم می‌کند.

۱۲۳. ظلم و ستم بدترین تأمینات آخرت را به دست می‌آورد.

۱۲۴. بزرگترین عمل اشراف است که از خطاهای دیگران چشم‌پوشی می‌کند.

**۱۲۵. مشاوره:**

سکوت باعث احترام و عزت خواهد شد.

عدالت و بازی جوانمردانه دوستان بیشتری پیدا خواهد کرد.

خیرخواهی و خیریه باعث افزایش اعتبار و جایگاه می‌شود.

حسن نیت به دیگران احسان ارائه می‌دهد.

خدمت به بشریت رهبری را تضمین می‌کند.

کلمات خوب بر دشمنان قدرتمند غلبه خواهند کرد.

۱۲۶. شخص حریص (همیشه) در بند ننگ است.

۱۲۷. افرادی هستند که برای کسب پاداش خدا را می‌پرستند. این پرستش‌بازرگانان است. عده‌ای هستند که او را می‌پرستند و از مجازات او در امان هستند. این عبادت‌بردگان است. عده‌ای به دلیل احساس شکرگذاری خدا را عبادت می‌کنند. پرستش‌آنها آزادگان و نجیب است.

۱۲۸. هر نعمتی حق خدا را دارد. اگر کسی آن حق را ادا کند، نعمت زیاد می‌شود، اما اگر کوتاهی کند، نعمت از بین می‌رود.

۱۲۹. ترشی این جهان (در واقع) شیرینی دنیای بعدی است و شیرینی این جهان تلخی دنیای بعدی است.

۱۳۰. خشم مانند جنون است و فرد معمولاً توبه می‌کند. اگر نه، دیوانگی تأیید می‌شود.

۱۳۱. دوست خود را تا حدی دوست بدار، زیرا ممکن است روزی او به دشمن شما تبدیل شود. دشمن خود را تا حدی منفور کنید، زیرا ممکن است روزی او دوست شما شود.

۱۳۲. وقتی اعمال اختیاری در اعمال واجب شما تداخل می‌کند، اقدامات اختیاری را حذف کنید.

۱۳۳. حتی اگر هیچ مجازاتی برای نافرمانی وجود نداشته باشد، باز هم اطاعت از خدا به خاطر شکرگذاری نعمت‌هایش واجب است.

۱۳۴. خداوند سبحان امرار معاش فقرا را در ثروت مرفهین قرار داده است. در نتیجه، وقتی فرد بی‌بصاعت گرسنه می‌ماند، به این دلیل است که برخی از افراد مرفه او (سهم

خود) را انکار کرده بودند. خداوند متعال ، از او (فرد مرفه) در این باره سوال خواهد کرد.

۱۳۵. گوهر در مورد دانش

دانش دو نوع است: یکی جذب شده و دیگری که جذب نشود. مورد دوم سود نخواهد شد مگر اینکه جذب شود.

دانش بهتر از ثروت است. دانش از شما محافظت می کند ، در حالی که شما باید از دانش محافظت کنید.

ثروت با صرف هزینه کاهش می یابد ، در حالی که دانش با صرف هزینه چند برابر می شود.

با دانش ، اطاعت بدست می آید و پس از مرگ نام خوبی بر جای می گذارد.

دانش حاکم است، در حالی که بر ثروت حکومت می شود.

دانش عمل را طلب می کند ، در غیر این صورت دانش از بین می رود.

۱۳۶. کسی نباشید که عیب دیگران را قابل توجه قلمداد کند ، اما عیب خود را کوچک جلوه دهد.

۱۳۷. آگاهی از کاستی های شخص باعث می شود فرد به دیگران نزدیک نگردد.

۱۳۸- کسی که زیاد صحبت می کند مرتکب خطاهای بیشتری می شود و کسی که می داند سخنان وی جز اعمال اوست ، مراقب گفته های خود است.

۱۳۹. قناعت سرمایه ای است که هرگز کم نمی شود. کسی که مرگ را به یاد می آورد، از دریافت لطف های کوچک در این دنیا راضی است.

۱۴۰. بزرگترین نقص در شخص ، نشان دادن نقص در دیگران است در حالی که خود او این نقص را دارد. جدی ترین گناه گناهی است که فاعل آن را سبک می داند.

۱۴۱. خودسازی این است که از آنچه در دیگران بد می‌دانید اجتناب کنید.

۱۴۲. ای مردم! از خدا بترسید زیرا انسان برای اینکه هیچ‌کسی خود را هدر ندهد و برای انجام اعمال مزخرف بی حساب مانده باشد، خلق نشده است.

۱۴۳. امرار معاش بر دو نوع است: معیشتی که طلب میکنید و معیشتی که شما را می‌طلبند. حتی اگر به دنبال مورد دوم نباشید، به سراغ شما می‌آید.

۱۴۴. کلمات قبل از گفتن آنها در کنترل شما هستند، اما وقتی آنها را گفتید، تحت کنترل آنها هستید. بنابراین، همانطور که از طلا و نقره خود محافظت می‌کنید، از زبان خود محافظت کنید. یک عبارت ممکن است باعث شود نعمت خود را از دست بدهید یا مجازات را دعوت کنید.

۱۴۵. وقتی نیرومند هستید، در اطاعت از خدا محکم باشید و وقتی ضعیف هستید، در ارتکاب گناهان ضعیف باشید.

۱۴۶. مراقب باشید، فلاکت یک مصیبت است. بدتر از فقر، بیماری بدن است. و بدتر از بیماری بدن، ناراحتی قلب (روح) است.

۱۴۷. مراقب باش، ثروت نعمت است؛ سلامت بدن بهتر و (حتی) خلوص قلب بهتر از سلامت بدن است.

۱۴۸. صحبت کن تا شناخته شوی. فرد پشت زبانش پنهان شده است.

۱۴۹. طلب مغفرت، نیاز به شش شرایط زیر دارد:

- برای گناه مرتکب شده توبه کنید.
- عزم راسخ داشته باشید که آن را تکرار نکنید.
- حقوق دیگران را از بین نبرید.
- انجام تعهد نادیده گرفته شده را به جا آورید.

• رزق بدست آمده را به طور قانونی مصرف کنید ، تا بدن از نقایص (معنوی) پاک شود.

• همانطور که لذت نافرمانی را چشیده اید ، سختی اطاعت را بچشد.

۱۵۰. هرکس درون خود را درست کند ، خدا خود ظاهر او را درست می کند. هرکس برای دین عمل (خدمتی) انجام دهد ، خدا نیازهای دنیا را برای او فراهم می کند. اگر معاملات یک فرد بین خودش و خدا خوب باشد ، خداوند معاملات بین آن فرد و افراد دیگر را خوب می کند.

۱۵۱. بردباری مانند پوششی است (برای نقص)، و خرد مانند شمشیری تیز است که خواسته های بیش از حد را می کشد.

#### ۱۵۲. عاشقان خدا:

آنها به جنبه داخلی امور نگاه می کنند (در حالی که دیگران به قسمت بیرونی نگاه می کنند).

آنها خود را با مزایای ماندگار (دنیای بعدی) مشغول می کنند در حالی که دیگران به دنبال فواید فوری (دنیوی) هستند.

آنها آرزوهایی را که می ترسند به آنها آسیب برساند (در دنیای بعدی) سرکوب می کنند. آنها جمع آوری ثروت؛ توسط دیگران را از اهمیت کمتری برخوردار می دانند.

آنها امیدهای دنیا را بالاتر از امیدهای آخرت خود نمی دانند.

آنها ترس دنیوی را بیشتر از ترس قطع ارتباط با خدا نمی دانند.

۱۵۳. بدترین گناه، گناهی است که مرتکب آن را سبک می شمارد.



## ضمیمہ

(ادامہ سخنان حکمت آمیز حضرت امیر (ع))

۷. از این آدمی شگفتی گیرید: با پیه می‌نگرد و با گوشت سخن می‌گوید: و با استخوان می‌شنود، و از شکافی دم برمی‌آورد.

۱۱. دانش میراثی است گزین و آداب، زیورهای نوین - جان و تن - و اندیشه آینه روشن.

۱۳. صدقه دارویی است درمان‌بخش و کردار بندگان در دنیای آنان پیش دیده‌هاشان بود در آخرت ایشان هرچه را در این جهان کنند، در آن جهان بینند .

۱۴. چون دنیا به کسی روی آرد، نیکویی‌های دیگران را بدو به عاریت سپارد، و چون بدو پشت نماید، خوبی‌های او را بر باید.

۱۵. با مردم چنان بیامیزید که اگر مردید بر شما بگریند، و اگر زنده ماندید به شما مهربانی ورزند.

۱۶. اگر بر دشمن دست یافتی بخشیدن او را سپاس دست یافتن بر وی ساز.

۱۷. و آن حضرت را از فرموده رسول (ص) پرسیدند «پیری را با خضاب بپوشانید و خود را همانند یهود مگردانید» گفت: او که درود خدا بر وی باد چنین فرمود: - و شمار مرد - دین اندک بود. اما اکنون که میدان اسلام فراخ گردیده و دعوت آن به همه جا رسیده، هر کس آن کند که خواهد.

۲۲. و درباره کسانی که از جنگ در کنار او کناره جستند، فرمود: [حق را خوار کردند و باطل را یار نشدند.

۲۳. ترس با نومیدی همراه است، و آزم با بی‌بهرگی هم‌معنان، و فرصت چون ابر گذران. پس فرصت‌های نیک را غنیمت بشمارید.

۲۶. آن که کرده وی او را بجایی نرساند نسب او وی را پیش نراند.

۲۸. پسر آدم! چون دیدی پروردگارت پی در پی نعمت‌های خود به تو می‌رساند و تو او را نافرمانی می‌کنی از او بترس.

۳۰. بترسید، بترسید، به خدا سوگند، که گاه چنان گناه را می‌پوشاند که پنداری آن را بخشیده است.

۳۱. هیچ کس چیزی را در دل نهان نکرد، جز که در سخنان بی‌اندیشه‌اش آشکار گشت و در صفحه رخسارش پدیدار.

۳۶. با درد خود بساز چندان که با تو بسازد.

۳۷. اگر تو به زندگی پشت کرده‌ای و مرگ به تو روی آور است پس چه زود دیدار میسر است.

۳۸. و او را از ایمان پرسیدند، فرمود: [ایمان بر چهار پایه استوار است، بر شکیبایی، و یقین و داد و جهاد. و شکیبایی را چهار شاخه است: آرزومند بودن، و ترسیدن، و پارسایی و چشم امید داشتن. پس آن که مشتاق بهشت بود، شهوت‌ها را از دل زدود، و آن که از دوزخ ترسید، از آنچه حرام است دوری گزید، و آن که ناخواهان دنیا بود، مصیبت‌ها بر وی آسان نمود، و آن که مرگ را چشم داشت، در کارهای نیک پای پیش گذاشت. و یقین بر چهار شعبه است: بر بینایی زیرکانه، و دریافت عالمانه و پند گرفتن از گذشت زمان و رفتن به روش پیشینیان. پس آن که زیرکانه دید حکمت بر وی آشکار گردید، و آن را که حکمت آشکار گردید عبرت آموخت، و آن که عبرت آموخت چنان است که با پیشینیان

زندگی را در نوردید. و عدل بر چهار شعبه است: بر فهمی ژرف نگرنده، و دانشی پی به حقیقت برنده، و نیکو داوری فرمودن، و در بردباری استوار بودن.

پس آن که فهمید به ژرفای دانش رسید و آنکه به ژرفای دانش رسید از آبشخور شریعت سیراب گردید، و آن که بردبار بود، تقصیر نکرد و میان مردم با نیکنامی زندگی نمود. و جهاد بر چهار شعبه است: به کار نیک وادار نمودن، و از کار زشت منع فرمودن. و پایداری در پیکار با دشمنان، و دشمنی با فاسقان. پس آن که به کار نیک واداشت، پشت مؤمنان را استوار داشت، و آن که از کار زشت منع فرمود بینی منافقان را به خاک سود، و آن که در پیکار با دشمنان پایدار بود، حقی را که بر گردن دارد ادا نمود، و آن که با فاسقان دشمن بود و برای خدا به خشم آید، خدا به خاطر او خشم آورد و روز رستاخیز وی را خشنود نماید. و کفر بر چهار ستون پایدار است: پی وهم رفتن و خصومت کردن و از راه حق به دیگر سو گردیدن و دشمنی ورزیدن.

پس آن که پی وهم گرفت به حق بازنگشت، و آن که از نادانی فراوان، خصومت ورزید، از دیدن حق کور گشت، و آن که از راه حق به دیگر سو شد، نیکویی را زشت و زشتی را نیکویی دید و مست گمراهی گردید، و آن که دشمنی ورزید راه‌ها برایش دشوار شد و کارش سخت و برون شو کار ناپایدار.

شک بر چهار شعبه است: در گفتار جدال نمودن و ترسیدن و دو دل بودن، و تسلیم حادثه‌های روزگار گردیدن. پس آن که جدال را عادت خود کرد، خویش را از تاریکی شبهت برون نیاورد، و آن که از هر چیز که پیش رویش آمد ترسید، پیوسته واپس خزید، و آن که دو دل بود پی شیطان او را بسود، و آن که به تباهی دنیا و آخرت گردن نهاد هر دو جهانش را به باد داد.

۴۳. آن که آرزو را دراز کرد، کردار را نابساز کرد.

۴۵. و چون دهقانان انبار هنگام رفتن امام به شام او را دیدند، برای وی پیاده شدند و پیشاپیش دویدند. فرمود: [این چه کار بود که کردید؟ گفتند: عادتی است که داریم و بدان امیران خود را بزرگ می‌شماریم. فرمود:] به خدا که امیران شما از این کار سودی نبردند، و شما در دنیای‌تان خود را بدان به رنج می‌افکنید و در آخرت‌تان بدبخت می‌گردید. و چه زیانبار است رنجی که کیفر در پی آن است، و چه سودمند است آسایشی که با آن از آتش امان است.

۴۷. و به فرزند خود حسن (ع) فرمود: [پسرکم چهار چیز از من بیاد دار، و چهار دیگر به خاطر سپار که چند که بدان کار کنی از کرده خود زیان نبری: گرانمایه‌ترین بی‌نیازی خرد است، و بزرگ‌ترین درویشی بی‌خردی است و ترسناک‌ترین تنهایی خودپسندی است و گرامی‌ترین حسب خوی نیکوست. پسرکم از دوستی نادان پرهیز، چه او خواهد که تو را سود رساند لیکن دچار زیانت گرداند، و از دوستی بخیل پرهیز، چه او آنچه را سخت بدان نیازمندی از تو دریغ دارد، و از دوستی تبه‌کار پرهیز که به‌اندک بهایت بفروشد، و از دوستی دروغگو پرهیز که او سراب را مانند، دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نمایاند.

۴۹. زبان خردمند در پس دل اوست، و دل نادان پس زبان او.

۵۰. و این معنی به لفظی دیگر از آن حضرت روایت شده است که: [دل بی‌خرد در دهان اوست و زبان خردمند در دل او و معنی هر دو یکی است.

۵۱. و به یکی از یاران خود فرمود هنگامی که او از بیماری شکوه نمود. [خدا آنچه را از آن شکایت داری موجب کاستن گناهانت گرداند، چه در بیماری مزدی نیست، لیکن گناهان را می‌کاهد و می‌پیراید چون پیراستن برگ درختان، و مزد در گفتارست به زبان، و کردار با گام‌ها و دستان، و خدای سبحان به خاطر نیت راست و نهاد پاک- بنده- هر بنده را که خواهد به بهشت در آورد.

۶۴. سخاوت بی‌خواستن بخشیدن است، و آنچه به خواهش بخشند یا از شرم است و یا از بیم سخن زشت شنیدن.

۶۵. هیچ بینیزی چون خرد نیست، و هیچ درویشی چون نادانی و هیچ میراثی چون فرهیخته بودن و هیچ پشتیبان چون مشورت نمودن.

۶۶. شکیبایی دو گونه است: شکیبایی بر آنچه خوش نمی‌شماری و شکیبایی از آنچه آن را دوست می‌داری.

۶۸. توانگری در غربت چون در وطن ماندن است و درویشی در وطن، در غربت به سر بردن.

۷۲. زن کژدمی است، گزیدنش شیرین.

۷۵. هر چه شمردنی است به سر رسد و هر چه چشم داشتنی است در رسد.

۷۶. چون کارها همانند شود- یکی را بر دیگری قیاس کردن توانست و- پایان آن را از آغاز دانست.

۷۷. و در خبر ضرار پسر ضمیره ضبابی است که چون بر معاویه در آمد و معاویه وی را از امیرالمؤمنین (ع) پرسید، گفت: گواهم که او را در حالی دیدم که شب پرده‌های خود را افکنده بود، و او در محراب خویش بر پا ایستاده، محاسن را به دست گرفته چون مار گزیده به خود می‌پیچید و چون اندوهگینی می‌گریست، و می‌گفت: [ای دنیا! ای دنیا! از من دور شو! - با خودنمایی - فرا راه من آمده‌ای؟ یا شیفته‌ام شده‌ای؟ مباد که تو در دل من جای گیری. هرگز! جز مرا بفریب! مرا به تو چه نیازی است؟ من تو را سه بار طلاق گفته‌ام و بازگشتی در آن نیست. زندگانی‌ات کوتاه است و جاهت ناچیز، و آرزوی تو داشتن خرد - نیز - آه از توشه اندک و درازی راه و دوری منزل و سختی درآمدنگاه.

۷۸. و از سخنان آن حضرت است، چون کسی از او پرسید: «رفتن ما به شام به قضا و قدر خدا بود» پس از گفتار دراز، و این گزیده آن است: وای بر تو! شاید قضاء لازم و قدر حتم را گمان کرده‌ای، اگر چنین باشد پاداش و کیفر باطل بُود، و نوید و تهدید عاطل. خدای سبحان بندگان خود را امر فرمود - و در آنچه بدان مأمورند - دارای اختیارند، و نهی نمود تا بترسند و دست باز دارند. آنچه تکلیف کرد آسان است نه دشوار و پاداش او بر - کردار - اندک، بسیار. نافرمانیش نکنند از آنکه بر او چیرند، و فرمانش نبرند از آن رو که ناگزیرند. پیامبران را به بازیچه نفرستاد، و کتاب را برای بندگان بیهوده نازل فرمود و آسمان‌ها و زمین و آنچه میان این دو است به باطل خلق ننمود. «این گمان کسانی است که کافر شدند. وای بر آنان که کافر شدند از آتش.

۸۳. و به مردی که در ستودن او افراط کرد، و آنچه در دل داشت به زبان نیاورد فرمود: من کمتر از آنم که بر زبان آری و برتر از آنم که در دل داری.

۸۴. آنچه از کشتار برهد دیرتر پاید و بیشتر زاید.

۹۵. هیچ کاری با تقوی اندک نیست و چگونه اندک بود آنچه پذیرفتنی است.

۹۶. نزدیکترین مردم به پیامبران، داناترین آنان است بدانچه آورده‌اند. [سپس برخواند: «همانا نزدیکترین مردم به ابراهیم آنانند که پیرو او گردیدند و این پیامبر و کسانی که گرویدند.»] [سپس فرمود:] دوست محمد(ص) کسی است که خدا را اطاعت کند هرچند نسبش به محمد(ص) نرسد، و دشمن محمد(ص) کسی است که خدا را نافرمانی کند هرچند خویشاوند نزدیک محمد(ص) بود.

۹۸. شنید که مردی از خارجیان شب بیدار است در نماز و خواندن قرآن، فرمود: [به یقین خفتن به که با دو دلی نماز گزاردن.

۱۰۲. روا ساختن حاجت‌ها جز با سه چیز راست نیاید، خرد شمردن آن، تا بزرگ نماید. پوشیدن آن، تا آشکار گردد، و شتاب کردن در آن، تا گوارا شود.

۱۰۳. بر مردمان روزگاری آید که جز سخن چین را ارج نهند، و جز بدکار را خوش طبع نخوانند، و جز با انصاف را ناتوان ندانند. در آن روزگار صدقه را تاوان به حساب آرند، و بر پیوند با خویشاوند منت گذارند، و عبادت را وسیلت بزرگی فروختن بر مردم انگارند. در چنین هنگام کار حکمرانی با مشورت زنان بود، و امیر بودن از آن کودکان و تدبیر با خواجگان.

۱۰۴. و او را دیدند با جامه‌ای کهنه و پینه‌زده. سبب پرسیدند فرمود: [دل را خاشع کند و نفس را خوار، و مؤمنان بدان اقتدا کنند - در کردار-]. همانا دنیا و آخرت دو دشمنند نافرهم، و دو راهند مخالف هم. آن که دنیا را دوست داشت و مهر آن را در دل کاشت، آخرت را نه پسندید و دشمن انگاشت؛ و دنیا و آخرت چون خاور و باختر است و آن که

میان آن دو رود چون به یکی نزدیک گردد از دیگری دور شود. و چون دو زنند در نکاح یکی شوی - که ناسازگارند و در گفتگوی -

۱۰۵. و از نوف بکالی روایت است که شبی امیر المؤمنین (ع) را دیدم از بستر خود برون آمده نگاهی به ستارگان انداخت و فرمود: نوف خفته‌ای یا دیده‌ات باز است گفتم دیده‌ام باز است. فرمود: [نوف! خوشا آنان که دل از این جهان گسستند و بدان جهان بستند. آنان مردمیاند که زمین را گستردنی خود گرفته‌اند و خاک آن را بستر. و آب آن را طیب. قرآن را به جانشان بسته دارند و دعا را ورد زبان. چون مسیح دنیا را از خود دور ساخته‌اند- و نگاهی بدان نینداخته-]. نوف! داود(ع) در چنین ساعت از شب برون شد و گفت این ساعتی است که بندهای در آن دعا نکنند جز که از او پذیرفته شود، مگر آن که باج ستاند، یا گزارش کار مردمان را به حاکم رساند، یا خدمتگزار داروغه باشد، یا عرطبه - طنبور - نوازد، یا دارنده کوبه باشد و آن طبل است. [و گفته‌اند عرطبه، طبل است و کوبه، طنبور.

۱۰۸. بسا دانشمند که نادانی وی او را از پای درآورد و دانش او با او بود او را سودی نکرد.

۱۱۰. ما تکیه گاه میان راهیم. آن که از پس آمد به ما رسد، و آن که پیش تاخته به ما بازگردد.

۱۱۱. فرمان خدا را بر پا ندارد جز کسی که - در حق - مدارا نکند و خود را خوار نسازد و پی طمع‌ها نتازد.

۱۱۲. سهل پسر حنیف أنصاری پس از بازگشت از صفین در کوفه مرد، و امام او را از هرکس بیشتر دوست میداشت فرمود: اگر کوهی مرا دوست بدارد درهم فروریزد. [یادداشت سید رضی: و معنی آن این است که رنج بر او سخت شود و مصیبت‌ها به سوی او شتاب گیرد. و چنین کار نکنند جز با پاکیزگان نیکوکار و گزیدگان اخیار.

۱۱۵. چون نیکوکاری بر زمانه و مردم آن غالب آید و کسی به دیگری گمان بد برد، که از او فضیحتی آشکار نشده، ستم کرده است. و اگر بدکاری بر زمانه و مردم آن غالب شود و کسی به دیگری گمان نیک برد خود را فریفته است.

۱۱۸. دو تن به خاطر من تباه شدند: دوستی که از اندازه نگاه نداشت و دشمنی که بغض - مرا - در دل کاشت.

۱۲۰. دنیا همچون مار است سودن آن نرم و هموار، و درون آن زهر مرگبار. فریفته نادان دوستی آن پذیرد، و خردمند دانا از آن دوری گیرد.

۱۲۵. رشک بردن زن کفران است و رشک بردن مرد ایمان.

۱۲۸. اسلام را چنان وصف کنم که کس پیش از من نکرده است. اسلام گردن نهادن است و گردن نهادن یقین داشتن، و یقین داشتن راست انگاشتن، و راست انگاشتن بر خود لازم ساختن، و بر خود لازم ساختن انجام دادن، و انجام دادن به کار نیک پرداختن.

۱۲۹. از بخیل در شگفتم، به فقری میشتابد که از آن گریزان است و توانگری از دستش می‌رود که آن را خواهان است، پس در این جهان چون درویشان زید، و در آن جهان چون توانگران حساب پس دهد؛ و از متکبری در شگفتم که دیروز نطفه بود و فردا مردار است،

و از کسی در شگفتم که در خدا شک میکند و آفریدههای خدا پیش چشمش آشکار است؛ و از کسی در شگفتم که مردن را از یاد برده و مردگان در دیده‌هایش پدیدار؛ و از کسی در شگفتم که زنده شدن آن جهان را نمی‌پذیرد، و زنده شدن بار نخستین را می‌بیند؛ و در شگفتم از آن که به آبادانی ناپایدار می‌پردازد و خانه جاودانه را رها می‌سازد.

۱۳۰. آن که در کار کوتاهی ورزید دچار اندوه گردید، آن را که از مال و جاننش نصیبی از آن خدا نیست خدا را بدو نیازی نیست.

۱۳۱. در آغاز سرما خود را از آن بپایید و در پایانش بدان روی نمایید که سرما با تنها آن میکند که با درختان. آغازش میسوزاند و پایانش برگ می‌ریاند.

۱۳۵. خدا را فرشته ای است که هر روز بانگ برمی‌دارد: بزایید برای مردن و فراهم کنید برای نابود گشتن و بسازید برای ویران شدن.

۱۳۸. کسی را که چهار چیز دادند از چهار چیز محروم نباشد: آن را که دعا دادند از پذیرفته شدن محروم نماند؛ و آن را که توبه روزی کردند، از قبول گردیدن؛ و آن را که آمرزش خواستن نصیب شد، از بخشوده گردیدن؛ و آن را که سپاس عطا شد از فزوده گشتن. و گواه این جمله کتاب خداست که درباره دعاست «مرا بخوانید تا بپذیرم.» و در آمرزش خواستن گفته است: «آن که کاری زشت کند یا بر خود ستم کند سپس از خدا آمرزش خواهد، خدا را بخشنده و مهربان مییابد.» و درباره سپاس گفته است: «اگر سپاس گفتید برای شما میافزاییم.» و در توبت گفته است: «بازگشت به خدا برای کسانی است که از نادانی کار زشت میکنند، سپس زود باز میگردند، خدا بر اینان میبخشاید و خدا دانا و حکیم است.»

۱۳۹. نماز تقرب هر پرهیزگار است و حج جهاد هر ناتوان، و برای هر چیز زکاتی است و زکات تن روزه است، و جهاد زن بودن شوی را به فرمان.

۱۴۱. آن که عوض را باور کند، در بخشش جوانمرد بُود.

۱۴۳. آن که میانهروی گزید، درویش نگردید.

۱۴۷. شکیبایی به اندازه مصیبت فرود آید، و آن که به هنگام مصیبت دست بر رانهایش زند ثوابش به دست نیاید.

۱۵۰. کمیل پسر زیاد گفت: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) دست مرا گرفت و به بیابان برد، چون به صحرا رسید آهی دراز کشید و گفت: ای کمیل! این دلها آوندهاست، و بهترین آنها نگاهدارنده ترین آنهاست. پس آنچه تو را میگویم از من به خاطر دار: مردم سه دسته‌اند: دانی که شناسای خداست، آموزنده‌ای که در راه رستگاری کوشاست، و فرومایگانی رونده به چپ و راست که درهم آمیزند، و پی هر بانگی را گیرند و با هر باد به سوی خیزند. نه از روشنی دانش فروغی یافتند و نه به سوی پناهگاهی استوار شتافتند. کمیل! دانش به از مال است که دانش تو را پاسبان است و تو مال را نگهبان. مال با هزینه کردن کم آید، و دانش با پراکنده شدن بیفزاید، و پرورده مال با رفتن مال - با تو - نپاید. ای کمیل پسر زیاد! شناخت دانش، دین است که بدان گردن باید نهاد. آدمی در زندگی به دانش طاعت - پروردگار - آموزد و برای پس از مرگ نام نیک اندوزد، و دانش فرمانگذارست و مال فرمانبردار. کمیل! گنجوران مالها مرده‌اند گر چه زنده‌اند، و دانشمندان چندان که روزگار پاید، پاینده‌اند. تنهاشان ناپدیدار است و نشانه هاشان در دلها آشکار. بدان که در اینجا [و به سینه خود اشارت فرمود] دانشی است انباشته، اگر

فراگیری برای آن مییافتم. آری یافتم آن را که تیز دریافت بود، لیکن امین نمینمود، با دین دنیا میاندوخت و به نعمت خدا بر بندگانش برتری میجست، و به حجّت علم بر دوستان خدا بزرگی میفروخت. یا کسی که پیروان خداوندان دانش است، اما در شناختن نکته های باریک آن او را نه بینش است. چون نخستین شبهت در دل وی راه یابد در ماند - و راه زدودن آن را یافتن نتواند. - بدان - که برای فرا گرفتن دانشی چنان - نه این در خور است و نه آن. یا کسی که سخت در پی لذت است و رام شهوت راندن یا شیفته فراهم آوردن است و مالی را بر مال نهادن. هیچ یک از اینان اندک پاسداری دین را نتواند و بیشتر به چارپای چرنده ماند. مرگ دانش این است و مردن خداوندان آن چنین. بلی زمین تهی نماند از کسی که حجّت بر پای خداست، یا پدیدار و شناخته است و یا ترسان و پنهان از دیده هاست. تا حجّت خدا باطل نشود و نشانه های از میان نرود، و اینان چندند، و کجا جای دارند؟ به خدا سوگند اندک به شمارند، و نزد خدا بزرگمقدار. خدا حجتها و نشانه های خود را به آنان نگاه میدارد، تا به همانند های خویش بسپارند و در دل های خویش بکارند. دانش، نور حقیقت بینی را بر آنان تافته و آنان روح یقین را دریافته و آنچه را ناز پروردگان دشوار دیده اند آسان پذیرفته اند. و بدانچه نادانان از آن رمیده اند خو گرفته. و همنشین دنیایند با تنها، و جانهاشان آویزان است در ملاً اعلی. اینان خدا را در زمین او جانشینانند و مردم را به دین او میخوانند. وه که چه آرزومند دیدار آنانم؟ کمیل اگر خواهی بازگرد.

۱۵۱. هر کس را سر انجامی است، شیرین و یا تلخکامی است.

۱۵۳. شکیبا پیروزی را از کف ندهد اگر چه روزگاری بر او بگذرد.

۱۵۵. جنگ در پیمانهای کسانی در آرید که چشم وفا از ایشان دارید.

۱۵۶. آنان را طاعت دارید که در ناشناختنشان عذری ندارید.
۱۵۸. برادرت را با نیکویی بدو سرزنش کن، و گزند وی را به بخشش بدو به وی بازگردان.
۱۶۱. هر که خود رأی گردید به هلاکت رسید، و هر که با مردمان رأی بر انداخت خود را در خرد آنان شریک ساخت.
۱۶۴. آن که راز خود را نهان داشت، اختیار را به دست خویش گذاشت.
۱۶۵. تنگدستی بزرگتر مرگ است.
۱۶۶. آن که حق کسی را گزارد که حقش را به جا نیارد، به بندگی او اعتراف دارد.
۱۶۸. مرد را سرزنش نکنند که چرا حق خود را دیر درخواست نمود، بلکه او را عیب کنند که دست بدانچه از آن او نیست گشود.
۱۶۹. خود پسندیدن مانع به زیادت رسیدن است.
۱۷۰. مرگ نزدیک است و همصحبتی - دنیا - اندک.
۱۷۱. برای کسی که دو دیده اش بیناست، بامداد، روشن و هویداست.
۱۷۳. بسا یک خوردن که مانع شود لذت از خوردنیها را بردن.
۱۷۴. مردم دشمن آنند که نمیدانند.
۱۷۵. آن که پیشاپیش رایها تاخت، درست را از خطا باز شناخت.

۱۷۶. هر که برای خدا خشم کرد، باطل را هر چند سخت بود از پا در آورد.

۱۸۱. ستیز، تدبیر را باطل کند.

۱۸۳. کوتاهی در کار را پشیمانی بار است و دور اندیشی را سلامت در کنار.

۱۸۶. از آن هنگام که حق را به من نمودند در آن دو دل نگردیدم.

۱۸۹. رخت بر بستن نزدیک است.

۱۹۰. آن که با حق بستیزد خون خود بریزد.

۱۹۱. هر که را شکیبایی نرھاند بی تابیش تباہ گرداند.

۱۹۲. شگفتا خلافت از راه همصحبتی به دست آید. [و شعری از او در این باره روایت شده است:] اگر با شورا کار آنان را به دست گرفتی چه شورایی بود که رأی دهندگان در آنجا نبودند. و اگر از راه خویشاوندی بر مدعیان حجّت آوردی، دیگران از تو به پیامبر نزدیکتر و سزاوارتر بودند.

۱۹۳. آدمی در جهان نشانه است و تیرهای مرگ بدو روانه، و غنیمتی است - در میان - و مصیبتها بر او پیشدستی کنان. و با هر نوشیدنی، - نای - گرفتنی است و با هر لقمهای طعام در گلو ماندنی، و بنده به نعمتی نرسد تا از نعمتی بریده نشود، و به پیشباز روزی از زندگی خود نرود تا روزی از آنچه او راست سپری نشود. پس ما یاران مرگیم و جانها مان نشانه مردن، پس چسان امیدوار باشیم جاودانه به سر بردن و این شب و روز بنایی را بالا نبردند جز که در ویران کردن آن بتاختند و درپراکندند آنچه فراهم ساختند.

۱۹۴. پسر آدم! آنچه بیش از خوراک روزانهات کسب نمودی در آن گنجور جز خود بودی.

۱۹۶. چون خشمناک شوم، کی خشم خود را فرو نشانم؟ آنگاه که انتقام گرفتن نتوانم، تا مرا گویند اگر شکیباشی - بهتر - یا آنگاه که توانم تا مرا گویند اگر بیخشایی - نیکوتر.

۱۹۷. و بر پلیدی که در پارگین بود گذشت و فرمود: این چیزی است که بخیلان در آن بخل میورزیدند. و در روایت دیگری است که فرمود: این چیزی است که دیروز بر سر آن همچشمی میکردید.

۲۰۱. و در وصف جمع فرومایگان فرمود: [آناند که چون فراهم آیند پیروز گردند، و چون پراکنده گردند شناخته نشوند و گفته‌اند امام فرمود: آناند که چون فراهم آیند زیان رسانند و چون پراکنده شوند سود دهند. گفتند زیان فراهم آمد نشان را دانستیم سود پراکنده شدنشان چیست؟ فرمود: خداوندان پیشهها به سر پیشههای خود بازگردند و مردم از آنان سود برند: چون بنا که بر سر ساختن بنای خود رود و بافنده که به کارگاهش و نانوا که به نانوا خانه بازگردد.

۲۰۳. با هر آدمی دو فرشته است که او را میپایند و چون قدر - الهی - رسد بدان واگذارش نمایند، و مدت زندگانی که برای انسان است چون سپری وی را نگهبان است.

۲۰۵. و طلحه و زبیر بدو گفتند با تو بیعت میکنیم به شرط آنکه ما را در خلافت شریک کنی، فرمود: نه، لیکن شما شریکید در نیرو بخشیدن و یاری از شما خواستن، و دو یارید به هنگام ناتوانی و به سختی در ماندن.

۲۰۷. آن که سپاس نیکی تو را نگذارد، مبادا به نیکویی کردنت بیرغبت گرداند، چه بُود که کسی تو را بدان نیکی سپاس دارد که سودی از آن بر ندارد، و بود که از سپاس سپاسگزار بیابی بیش از تباه کرده کافر نعمت غدار، «و خدا نیکوکاران را دوست میدارد».

۲۰۸. هر آوندی بدانچه در آن نهند تنگ شود جز آوند دانش که هر چه در آن نهند فراختر گردد.

۲۱۰. نخستین عوض بردبار از بردباری خود آن بود که مردم برابر نادان یار او بوند.

۲۱۱. اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار چه کم است کسی که خود را همانند مردمی کند و از جمله آنان نشود.

۲۱۲. آن که حساب نفس خود کرد سود برد، و آن که از آن غافل ماند زیان دید، و هر که ترسید ایمن شد و هر که پند گرفت بینا گردید. و آن که بینا شد فهمید و آن که فهمید دانش ورزید.

۲۱۴. از خدا بترسید، ترسیدن وارستهای که دامن به کمر زده و خود را آماده ساخته، و در فرصتی که داشته کوشیده و ترسان به راه بندگی تاخته و نگریسته است در آنجا که رخت بایش کشید و پایان کار و عاقبتی که بدان خواهد رسید.

۲۱۵. جوانمردی آبروها را پاسبان است و بردباری بی خرد را بند دهان و گذشت پیروزی را زکات است و فراموش کردن آن که خیانت کرده برای تو مکافات، و رأی زدن دیده راه یافتن است، و آن که تنها با رأی خود ساخت خود را به مخاطره انداخت، و شکیبایی دور کننده سختی های روزگار است و ناشکیبایی زمان را- بر فرسودن آدمی یار، و گرامی

ترین بینبازی وانهادن آرزوهاست و بسا خرد که اسیر فرمان هواست، و تجربت اندوختن، از توفیق بود و دوستی ورزیدن پیوند با مردم را فراهم آرد، و هرگز امین مشمار آن را که به ستوه بُود و تاب نیارد.

۲۱۹. هر که را نهال - خوی و خلق - به بار بود، شاخ و بر او بسیار بود.

۲۲۰. داوری در حق افراد اطمینان، با تکیه بر گمان، رسم عدالت نیست.

۲۲۱. ستم راندن بر بندگان بدترین توشه است برای آن جهان.

۲۲۰. از شریفترین کردار مرد بزرگوار آن است که از آنچه میدانند غفلت نماید.

۲۲۳. هر که پوشش شرم گزیند کس عیب او نبیند.

۲۲۴. با خاموش بودن بسیار، وقار پدیدار شود و با دادن داد، دوستان فراوان گردند و با بخشش، بزرگی قدر آشکار گردد و با فروتنی، نعمت تمام و پایدار، و با تحمل رنجها سروری به دست آید و به عدالت کردن دشمن از پا در آید. و با بردباری برابر بی‌خرد، یاران بسیار یابد.

۲۲۵. شگفت است از رشک بران که غافلند از تندرستی مردمان.

۲۳۳. با کسی که روزی روی بدو آورده شریک شوید که او توانگری را سزاوارتر است و روی آوردن بخت بر وی شایسته تر.

۲۳۶. نیکوترین خوی زنان زشتترین خوی مردان است: به خود نازیدن و ترس، و بخل ورزیدن. پس چون زن به خویش نازد، رخصت ندهد که کسی بدو دست یازد، و چون

بخل آرد، مال خود و مال شویش را نگاه دارد، و چون ترسان بود، از هر چه بدو روی آرد هراسان بود.

۲۳۷. و او را گفتند خردمند را برای ما بستای فرمود: [خردمند آن بود که هر چیزی را به جای خود نهد. [پس او را گفتند نادان را برای ما وصف کن، گفت: [وصف کردم.

۲۳۹. مردمی خدا را به امید بخشش پرستیدند، این پرستش بازرگانان است، و گروهی او را از روی ترس عبادت کردند و این عبادت بردگان است، و گروهی وی را برای سپاس پرستیدند و این پرستش آزادگان است.

۲۴۰. زن همهاش بدی است و بدتر چیز او این که از او چاره نیست.

۲۴۲. سنگی که به غصب در خانه است، در گرو ویرانی کاشانه است.

۲۴۳. روز ستمدیده بر ستمکار سختتر است، از روز ستمکار بر ستم کشیده.

۲۴۵. از خدا بترس هر چند ترسی اندک بود، و میان خود و خدا پردهای بنه هر چند تنک بود.

۲۴۶. هرگاه پاسخ ها همانند و در هم بود، پاسخ درست پوشیده و مبهم بود.

۲۴۷. خدا را در هر نعمتی حقی است، هر که آن حق از عهده برون کند خدا نعمت را بر او افزون کند و آن که در آن کوتاهی روا دارد خود را در خطر از دست شدن نعمت گزارد.

۲۴۸. چون توانایی بیفزاید، خواهش کم آید.

۲۴۹. از گریختن نعمتها بترسید که هر گریختهای باز نخواهد گردید.

۲۵۰. جوانمردی مهرآورتر از خویشاوندی است.

۲۵۲. آن که به تو گمان نیک برد - با نیکویی در کار - گمان وی را راست دار!

۲۵۳. بهترین کارها آن بود که به ناخواه خود را بدان خدا را در هر نعمتی حقی است، هر که آن حق از عهده برون کند خدا نعمت را بر او افزون کند و آن که در آن کوتاهی روا دارد خود را در خطر از دست شدن نعمت گزارد.

۲۵۷. بهترین کارها آن بود که به ناخواه خود را بدان واداری.

۲۵۹. تلخی این جهان شیرینی آن جهان است و شیرینی این جهان تلخی آن جهان.

۲۶۰. خدا ایمان را واجب کرد برای پاکی از شرک ورزیدن، و نماز را برای پرهیز از خود بزرگ دیدن، و زکات را تا موجب رسیدن روزی شود، و روزه را تا اخلاص آفریدگان آزموده گردد، و حج را برای نزدیک شدن دینداران، و جهاد را برای ارجمندی اسلام و مسلمانان، و امر به معروف را برای اصلاح کار همگان، و نهی از منکر را برای بازداشتن بی‌خردان، و پیوند با خویشاوندان را به خاطر رشد و فراوان شدن شمار آنان، و قصاص را تا خون ریخته نشود، و برپا داشتن حد را تا آنچه حرام است بزرگ نماید، و ترک میخوارگی را تا خرد برجای ماند، و دوری از دزدی را تا پاکدامنی از دست نشود، و زنا را وانهادن تا نسب نیالاید، و غلامبارگی را ترک کردن تا نژاد فراوان گردد، و گواهی دادنها را - بر حقوق - واجب فرمود تا حقوق انکار شده استیفا شود، و دروغ نگفتن را تا راستگویی

حرمت یابد، و سلام کردن را تا از ترس ایمنی آرد، و امامت را تا نظام امت پایدار باشد، و فرمانبرداری را تا امام - در دیده ها - بزرگ نماید.

۲۶۴. حسد چون کم بود، تن درست و بی غم بود.

۲۶۵. کمیل! کسان خود را بگو تا پسین روز پی ورزیدن بزرگیها شوند و شب پی برآوردن نیاز خفتهها. چه، بدان کس که گوش او بانگها را فرا گیرد، هیچ کس دلی را شاد نکند جز که خدا از آن شادمانی برای وی لطفی آفریند، و چون بدو مصیبتی رسد آن لطف همانند آبی که سرازیر شود روی به وی نهد، تا آن مصیبت را از او دور گرداند چنانکه شتر غریبه را - از چراگاه - دور سازند.

۲۶۵. چون تنگدست شدید به صدقه دادن با خدا سودا کنید.

۲۶۶. وفا با بیوفایان، بیوفایی است با خدا، و بیوفایی با بیوفا وفا بود نزد خدا.

۲۶۷. بسا کس که با نیکویی بدو گرفتار گردیده است و بسا مغرور بدانکه گنااهش پوشیده است، و بسا کس که فریب خورد به سخن نیکویی که درباره او بر زبانها رود، و خدا هیچ کس را نیازمود چون کسی که او را در زندگی مهلتی بود.

۲۶۹. و گفته اند حارث بن حوث نزد او آمد و گفت چنین پنداری که من اصحاب جمل را گمراه میدانم؟ فرمود: حارث تو کوتاه بینانه نگرستی نه عمیق و زیرکانه، و سرگردان ماندی. تو حق را شناخته‌ای تا بدانی اهل حق چه کسانیند و نه باطل را تا بدانی پیروان آن چه مردمانند. حارث گفت من با سعید بن مالک و عبدالله بن عمر کناره میگیرم فرمود: سعید و عبد الله بن عمر نه حق را یاری کردند و نه باطل را خوار ساختند.

۲۷۰. همنشین پادشاه همچون شیر سوار است، حسرت سواری او خوردند و خود بهتر داند که در چه کار است.

۲۷۱. به بازماندگان دیگران نیکی کنید تا بر بازماندگان شما رحمت آرند.

۲۷۲. گفتار حکیمان اگر درست باشد درمان است، و اگر نادرست بود درد - تن و جان.

۲۷۳. و مردی از او خواست تا ایمان را به وی بشناساند، فرمود: [چون فردا شود نزد من بیا، تا در جمع مردمان تو را پاسخ گویم، تا اگر گفته مرا فراموش کردی دیگری آن را به خاطر سپارد که گفتار چون شکار رمنده است یکی را به دست شود و یکی را از دست برود

۲۷۴. ای پسر آدم! اندوه روز نیامدهات را بر روز آمدهات میفزاید که اگر فردا از عمر تو ماند، خدا روزی تو را در آن رساند.

۲۷۵. فدوستت را چندان دوست مدار! مبادا که روزی دشمنت شود و دشمنت را چندان کینه مورز که بود روزی دوستت گردد.

۲۷۸. و روایت شده است که دو مرد را نزد او آوردند که از مال خدا دزدی کرده بودند: یکی از آن دو بنده بود از بیت المال مسلمانان، و دیگری در ملک مردمان. فرمود: اما آن یکی از مال خداست و حدّی بر او نیست چه مال خدا برخی از مال خدا را خورده، و اما دیگری بر او حدّ جاری است و دست او را برید.

۲۷۹. اگر دو پایم را در این لغزشگاه استوار ماند چیزهایی را دگرگون کنم.

۲۸۰. به یقین بدانید که خدا بندهاش را - هر چند چاره‌اندیشیاش نیرومند بود و جستجویش به نهایت و قوی در ترفند - بیش از آنچه در ذکر حکیم برای او نگاشته مقرر نداشته، و بنده ناتوان و اندک حيله را منع نفرماید که در پی آنچه او را مقرر است برآید، و آن که این داند و کار بر وفق آن راند، از همه مردم آسوده‌تر بود و سود بیشتر برد، و آن که آن را واگذارد و بدان یقین نیارد دل مشغولیاش بسیار است و بیشتر از همه زیانبار، و - بسا نعمت خوار که به نعمت فریب خورد و سرانجام گرفتار گردد، و بسا مبتلا که خدایش بیازماید تا بدو نعمتی عطا فرماید. پس ای سودخواهنده سپاس افزون کن و شتاب کمتر، و بیش از آنچه تو را روزی است انتظار مبر!

۲۸۱. دانش خود را نادانی میانگارید، و یقین خویش را گمان مپندارید، و چون دانستید دست به کار آرید، و چون یقین کردید پای پیش گذارید.

۲۸۲. طمع کشاننده به هلاکت است و نارهاننده، و ضامنی است حق ضمانت نگزارنده، و بسا نوشنده که گلوش بگیرد و پیش از سیراب شدن بمیرد، و ارزش چیزی که بر سر آن همچشمی کنند هر چند بیشتر بود مصیبت از دست دادنش بزرگتر بود، و آرزوها دیده بصیرت را کور سازد و بخت سوی آن کس که در پی آن نبود تازد.

۲۸۳. خدایا به تو پناه میبرم که بروم در دیده‌ها نیکو نماید و درونم در آنچه از تو نهان میدارم به زشتی گراید، پس خود را نزد مردم بیارایم به ریا و خودنمایی که تو بهتر از من بدان دانایی، پس ظاهر نکویم را برای مردمان آشکار دارم و بدی کردارم را نزد تو آرم تا خود را به بندگان تو نزدیک گردانم، و از خشنودی تو به کنار مانم.

۲۸۴. نه! بخدایی که از - قدرت - او در مانده شبی سیاه به سر بردیم که روزی سپیدی را در پی خواهد داشت، چنین و چنان نبوده است.

۲۸۵. اندکی که با آن پایی به از بسیاری که از آن دلگیر آیی.

۲۸۶. اگر مستحبها به واجبها زیان رساند، مستحبها را واگذارید.

۲۸۷. آن که دوری سفر را یاد آرد، خود را برای آن آماده دارد.

۲۸۹. میان شما و موعظت پردهای است از غفلت.

۲۹۰. نادان شما در کار فزاید آنچه نشاید، و داناتان واپس افکند آن را که کنون باید.

۲۹۱. علم راه عذر بر بهانه جویان بسته است.

۲۹۲. همگان را به شتاب خواهانند و همگان مهلت جویانند، و همه را وقتی معین نهادانند و آنان درنگ میکنند و از کار باز ایستاده‌اند.

۲۹۳. مردم چیزی را نگفتند: خوش باد، جز آنکه روزگار برای آن روز بدی را ذخیرت نهاد.

۲۹۴. و او را از قدر پرسیدند، فرمود: راهی است تیره آن را می پماید و دریایی است ژرف بدان در می‌آید، و راز خداست برای گشودنش خود را مفرسایید.

۲۹۵. هرگاه خدا بندهای را خوار دارد، او را از - آموختن - علم برکنار دارد.

۲۹۷. اگر خداوند از نافرمانی خود بیم نمیداد، واجب بود بشکرانه نعمتهایش نافرمانی نشود.

۲۹۹. و بر مزار رسول خدا(ص)، هنگام به خاک سپردن او گفت: شکیبایی نیکوست جز در از دست دادنت، و بی تابی ناپسند است مگر بر مردنت. مصیبت تو سترگ است و مصیبتهای پیش و پس خرد، نه بزرگ.

۳۰۰. و از او پرسیدند: خدا چگونه حساب مردم را میرسد با بسیار بودن آنان فرمود: چنان که روزی شان میدهد با فراوان بودنشان. پرسیدند: چگونه حسابشان را میرسد و او را نمیینند فرمود: چنان که روزیشان میدهد و او را نمی بینند.

۳۰۱. فرستاده تو میزان خرد تو را رساند و نامه ات رساتر چیزی است که از سوی تو سخن راند.

۳۰۲. آن که به بلایی سخت دچار است چندان به دعا نیاز ندارد تا بی بلایی که بلایش در انتظار است.

۳۰۳. مردم فرزندان دنیايند، و فرزندان را سرزنش نکنند که دوستدارِ مادر خود چرایند.

۳۰۵. غیرتمند هرگز زنا نکند.

۳۰۶. برای پاسبانی بس بُود مدت زندگانی.

۳۰۸. دوستی پدران - سبب - خویشاوندی میان فرزندان است و خویشاوندی را به مودّت بیشتر نیاز است تا مودّت را به خویشاوندی.

۳۰۹. از گمان‌های مردم با ایمان پرهیزید که خدا حق را بر زبان آنان نهاده است.
۳۱۰. ایمان بنده راست نباشد، جز آنگاه که اعتماد او بدانچه در دست خداست بیش از اعتماد وی بدانچه در دست خود اوست بود.
۳۱۱. و انس پسر مالک را نزد طلحه و زبیر به بصره فرستاد تا آنان را حدیثی به یاد آرد که از رسول خدا (ص) شنیده بود. انس از رساندن پیام سر برتافت و چون بازگشت گفت: «فراموش کردم.» امام فرمود: اگر دروغ می‌گویی خدایت به سپیدی درخشان گرفتار گرداند که عمامه آن را نپوشاند یعنی بیماری برص. از آن پس انس را در چهره برص پدید گردید و کس جز با نقاب او را ندید.
۳۱۲. دلها را روی آوردن و روی برگرداندنی است اگر دل روی آرد آن را به مستحبات وادارید، و اگر روی برگرداند، بر انجام واجبه‌هاش بسنده دارید.
۳۱۳. در قرآن است خبر آنچه پیش از شما بود، و خبر آنچه پس از شماست، و حکم آنکه چگونه بایدتان زندگی نمود.
۳۱۴. سنگ را بدانجا که از آن آمده باز باید گرداند، که شر را جز با شر نتوان راند.
۳۱۵. و به نوپسند خود عبیدالله بن ابی رافع فرمود: دوات را لایقه بینداز و از جای تراش تا نوک خامهات را دراز ساز، و میان سطرها را گشاده‌دار و حرفها را نزدیک هم آر که چنین کار زیبایی خط را سزاوار است.
۳۱۶. من پیشوای مؤمنانم و مال پیشوای تبه‌کاران. و معنی آن این است که مؤمنان پیرو منند، و تبهکاران پیرو مال چنانکه زنبوران عسل مهتر خود را به دنبال.

۳۱۷. یهودیی او را گفت پیامبر خود را به خاک نسپرده در باره‌اش خلاف ورزیدید. امام فرمود: ما درباره آنچه از او رسیده خلاف ورزیدیم نه درباره او، لیکن شما پایتان را از تری دریا خشک نگردیده پیامبر خود را گفتید «برای ما خدایی بساز چنانکه ایشان را خدایان است، و او گفت شما مردمی نادانید.

۳۱۸. او را گفتند: چگونه بر هم‌آوردان پیروز گشتی فرمود: کسی را ندیدم جز که مرا بر خود یاری میداد. [یعنی بیم من در دل او میافتاد.

۳۱۹. و به پسر خود محمد بن حنفیه فرمود: پسرکم از درویشی [= فقر] بر تو ترسانم. پس، از آن به خدا پناه بر که درویشی دین را زیان دارد و خرد را سرگردان کند و دشمنی پدید آرد.

۳۲۰. و به کسی که از او مشکلی را پرسید فرمود: برای دانستن پرس نه برای آزار دادن که نادان آموزنده همانند داناست و دانای برون از راه انصاف، همانند نادان پر چون و چراست.

۳۲۱. و به عبد الله پسر عباس درباره نظری که داده بود و امام موافق آن نبود فرمود: [تو راست که به من نظر دهی و اگر نپذیرفتم از من اطاعت کنی.

۳۲۲. و گفته اند چون از صفین به کوفه بازگشت به شبامیان گذشت و آواز گریه زنان را بر کشتگان صفین شنود. حرب پسر شرحبیل شبامی که از مهتران مردم خود بود به سوی حضرتش آمد. امام فرمود: [چنان که میشنوم زنان شما بر شما دست یافته‌اند چرا آنان را از افغان باز نمیدارید حرب پیاده به راه افتاد و امام سواره بود، او را فرمود: بازگرد که پیاده رفتن چون تویی با چون من موجب فریفته شدن والی است و خواری مؤمن.

۳۲۳. و چون روز نهروان به کشتگان خوارج گذشت فرمود: بدا به حال شما، آن که شما را فریفته گرداند زیانتان رساند. او را گفتند ای امیر مؤمنان! که آنان را فریفت؟ فرمود: [شیطان گمراه کننده و نفسهای به بدی فرمان دهنده، آنان را فریفته آرزوها ساخت و راه را برای نافرمانیشان برداخت، به پیروز کردنشان وعده کرد و به آتششان در آورد.

۳۲۴. از نافرمانی خدا در نهانها پرهیزید چه آن که بیننده است هم او داوری کننده است.

۳۲۵. و چون خبر کشته شدن محمد پسر ابو بکر بدو رسید فرمود: اندوه ما بدو همچند شادمانی آنهاست، جز که از آنان دشمنی کاست و از کنار ما دوستی برخاست.

۳۲۶. سالیانی که پسر آدم در آن نزد خدا - از پیروی هوا- معذور است، شصت سال است.

۳۲۷. آن که گناه بر او دست یافت روی پیروزی ندید، و آن که بدی بر وی چیره گشت مغلوب گردید.

۳۲۹. بینای از عذر بودن ارجمندتر تا از روی راستی عذر آوردن.

۳۳۰. کمترین حقی که از خدای سبحان بر گردن شماست این که از نعمتهای او در راه نافرمانیاش یاری نباید خواست.

۳۳۱. خدای سبحان طاعت را غنیمی ساخته است برای زیرکان آنگاه که مردم ناتوان کوتاهی کنند در آن.

۳۳۲. قدرت حاکمان پاسبانان خداست در زمین او.

۳۳۵. هر کس را در مال وی دو شریک است: وارث و حوادث.

۳۴۰. پاکدامنی زیور درویشی است، و سپاس زینت توانگری.

۳۴۲. بزرگتر توانگری نومییدی است از آنچه در دست مردم است.

۳۴۳. گفتارها سپرده نزد نگه‌دار است» و «نهفتهها آشکار»، و «هر نفس بدانچه کرده گرفتار». و مردم ناقص عقل و بیمار، جز آن را که خداست نگه دار. پرسندهشان مردم آزار و پاسخ دهندهشان به تکلف در گفتار. - آن که رایی بهتر داند، بود که خشنودی یا خشمی وی را بگرداند، و آن که از همه استوارتر است از نیم نگاهی بیازارد یا کلمهای وی را دگرگون دارد.

۳۴۴. مردم از خدا بترسید که چه بسیار آرزومند که به آرزوی خود نرسید، و سازندهای که در ساخته خویش نیارمید، و گردآورندهای که به زودی گردآوردهها را رها خواهد کرد و بود که آن را از راه ناروا فراهم آورد، و حقی که به مستحقش نرساند، از حرام به دست آورد و گنااهش بر گردنش ماند. با گرانی بار بزه، باز گردید، و با پشیمانی و دریغ نزد پروردگار خود رسید. «این جهان و آن جهان زیانبار، و این است زیان آشکار.

۳۴۵. گناه نتوانستن کردن، گونه ای از ترک گناه است.

۳۴۷. ستودن بیش از سزیدن، چاپلوسی کردن است و کمتر از آنچه باید در ماندگی است یا رشک بردن.

۳۵۰. ستمکار را سه نشان است: بر آنکه برتر از اوست ستم کند به نافرمانی، و بر آن که فروتر از اوست به چیرگی و آزار رسانی، و ستمکاران را یاری کند و پشتیبانی.

۳۵۱. چون سختی به نهایت رسد، گشایش در رسد، و چون حلقه‌های بلا سخت به هم آید، آسایش در آید.

۳۵۲. و یکی از یاران خود را فرمود: [بیش در بند زن و فرزندان مباش که اگر دوستان خدایند، خدا دوستانش را ضایع ننماید، و اگر دشمنان خدایند، ترا غم دشمنان خدا چرا باید؟]

۳۵۳. بزرگترین عیب آن بود که چیزی را زشت انگاری که خود به همانند آن گرفتاری.

۳۵۴. و مردی پیش روی امام (ع) دیگری را به پسری که برایش زاده بود چنین مبارک باد گفت: تو را مبارک باد این گزیده سوار که خدایت داد. امام فرمود: [چنین مگو، بگو: بخشنده را سپاس بدار، و بخشیده بر تو مبارک باد و به کمال خود رساد و نیکویی او روزیت بواد.]

۳۵۵. و مردی از کارگزاران او کاخی شکوهمند بر افراخت امام فرمود: [نقره‌ها سر برآورده خود را مینمایاند، این بنا توانگری تو را رساند.]

۳۵۶. و او را گفتند اگر در خانه مردی را به رویش بندند روزی او از کجا سوی او آید؟ فرمود: [از آنجا که مرگش بر وی در آید.]

۳۵۷. و مردمی را در مرگ یکی از آنان تعزیت گفت و فرمود: [این کار نه با شما آغاز گردید، و نه بر شما به پایان خواهد رسید. این رفیق شما به سفر میرفت کنون او را در یکی از سفرهایش بشمارید، اگر نزد شما بازگشت چه خوب و گرنه شما روی بدو می آرید.]

۳۵۸. مردم! باید خدا به هنگام نعمت شما را ترسان ببیند، چنانکه از کیفر هراسان. آن را که گشایشی در مالش پدید گردید و گشایش را چون دامی پنهان ندید، خود را از کاری بیمناک در امان پنداشت، و آن که تنگدست شد و تنگدستی را آزمایشی به حساب نیاورد پاداشی را که امید آن میرفت، ضایع گذاشت.

۳۵۹. ای اسیران آز! باز ایستید که گراینده دنیا را آن هنگام بیم فرآید که بلاهای روزگار دندان به هم سایید. مردم! کار ترتیب خود را خود برانید و نفس خود را از عادتها که بدان حریص است باز گردانید!

۳۶۱. هرگاه تو را به خدای سبحان نیازی است در آغاز بر رسول خدا (ص) درود فرست، سپس حاجت خود بخواه که خدا بزرگوارتر از آن است که بدو دو حاجت برند، یکی را برآرد و دیگری را باز دارد.

۳۶۲. آن که نخواهد آبرویش بریزد، از جدال پرهیزد.

۳۶۳. از ابلهی است پیش از توانا بودن شتابیدن، و پس از فرصت داشتن درنگ ورزیدن.

۳۶۴. نیامده را مپرس که چیست، که آنچه رخ داده برای مشغول ساختن تو کافی است.

۳۶۷. خدای سبحان پاداش را در طاعت نهاده است و کیفر را برابر معصیت تا بندگان خود را از عذابش برهاند و به بهشت خویش راند.

۳۶۸. مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز نشانندن نماند و از اسلام جز نام آن. در آن روزگار بنای مسجدهای آنان از بنیان آبادان است و از رستگاری ویران. ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمینند، فتنه از آنان خیزد و خطا به آنان درآیزد. آن

که از فتنه به کنار ماند بدان بازش گردانند، و آن که از آن پس افتد به سوش براند. خدای تعالی فرماید: به خود سوگند، بر آنان فتنهای بگمارم که بردبار در آن سرگردان ماند و چنین کرده است، و ما از خدا می‌خواهیم از لغزش غفلت درگذرد.

۳۶۹. و روایت شده است که امام علیه‌السلام کمتر به منبر مینشست که پیش از خطبه نگوید: [مردم از خدا بترسید که هیچ انسانی بی‌پرده نگردیده تا به بازی پردازد، و او را و نهادهاند تا خود را سرگرم بیفایدت سازد، و دنیایی که خود را در دیده او زیبا داشته جایگزین آخرتی نشود که آن را زشت انگاشته، و فریفتهای که از دنیا به بالاترین مقصود نایل گردیده چون کسی نیست که از آخرت به کمترین نصیب رسیده.

۳۷۰. هیچ شرفی برتر از اسلام نیست، و نه عزتی ارجمندتر از پرهیزگاری و نه پناهگاهی نکوتر از خویشنداری، و نه پایمردی پیروزتر از توبت و نه گنجی پرمایه‌تر از قناعت. و هیچ مال درویشی را چنان نزاید که آدمی به روزی روزانه بسنده نماید، و آن که به روزی روزانه اکتفا کرد آسایش خود را فراهم آورد و در راحت و تن آسانی جای کرد، و دوستی دنیا کلید دشواری است و بارگی گرفتاری، و آز و خودبینی و رشک موجب بیپروا افتادن است در گناهان، و درویشی فراهم کننده همه زشتی هاست - در انسان.

۳۷۱. و جابر پسر عبد الله انصاری را فرمود: [جابر! دین و دنیا به چهار چیز برپاست: دانایی که دانش خود را به کار برد، و نادانی که از آموختن سرباز نزند و بخشندهای که در بخشش خود بخل نکنند، و درویشی که آخرت خویش را به دنیای خود نفروشد.

پس اگر دانشمند دانش خود را تباه سازد نادان به آموختن نپردازد، و اگر توانگر در بخشش خویش بخل ورزد درویش آخرتش را به دنیا در بازد. جابر! آن که نعمت خدا بر او بسیار

بُود نیاز مردمان بدو بسیار بود. پس هر که در آن نعمتها برای خدا کار کند خدا نعمتها را برای وی پایدار کند. و آن که آن را چنانکه واجب است به مصرف نرساند، نعمت او را ببرد و نیست گرداند.

۳۷۲. و ابن جریر طبری در تاریخ خود از عبد الرحمن پسر ابی لیلی فقیه روایت کرده است، و عبد الرحمن از آنان بود که با پسر اشعث برای جنگ با حجاج برون شد. عبد الرحمن در جمله سخنان خود در برانگیختن مردم به جهاد گفت:

روزی که با مردم شام دیدار کردیم، شنیدم علی (ع) میفرمود: [ای مؤمنان! آن که ببیند ستمی میرانند یا مردم را به منکری میخوانند و او به دل خود آن را نپسندد، سالم مانده و گناه نورزیده، و آن که آن را به زبان انکار کرد، مزد یافت و از آن که به دل انکار کرد برتر است، و آن که با شمشیر به انکار برخاست تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او کسی است که راه رستگاری را یافت و بر آن ایستاد، و نور یقین در دلش تافت.

۳۷۳. و در گفتار دیگری که از این مقوله است فرمود: [از مردمان کسی است که کار زشت را ناپسند می‌شمارد و به دست و زبان و دل خود آن را خوش نمیدارد، چنین کسی خصلتهای نیک را به کمال رسانیده؛ و از آنان کسی است که به زبان و دل خود انکار کند و دست به کار نبرد، چنین کسی دو خصلت از خصلتهای نیک را گرفته و خصلتی را تباه ساخته؛ و از آنان کسی است که منکر را به دل زشت میدارد و به دست و زبان خود بر آن انکار نیارد، چنین کس دو خصلت را که شریفتر است ضایع ساخته و به یک خصلت پرداخته؛ و از آنان کسی است که منکر را باز ندارد به دست و زبان، چنین کس مرده‌ای است میان زندگان؛ و همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون دمیدنی است به دریای پر موج پهناور. و همانا امر به معروف و نهی

از منکر نه اجلی را نزدیک کنند و نه از مقدار روزی بکاهند و فاضلتر از همه اینها سخن عدالت است که پیش روی حاکمی ستمکار گویند.

۳۷۴. و ابوجحیفه گوید از امیر المؤمنین (ع) شنیدم که میگفت: [نخست درجه از جهاد که از آن باز میمانید، جهاد با دست‌ها تا آن بود، پس جهاد با زبان، سپس جهاد با دل‌ها تا آن که به دل کار نیکی را نستاید و کار زشت او را ناخوش نیاید، طبیعتش دگرگون شود چنانکه پستی وی بلند شود و بلندیش سرنگون - زشتیهایش آشکار و نیکوییهایش ناپدیدار.

۳۷۵. حق سنگین است اما گوارا، و باطل سبک لیکن در کام چون سنگ خارا.

۳۷۶. بر نیکوترین این امت از کیفر خدا ایمن مباش که خدای سبحان فرموده است: «از کیفر خدا ایمن نیستند، مگر زیانکاران» و بر بدترین این امت از رحمت خدا نومید مگرد. که خدای سبحان فرموده است: «همانا از رحمت خدا نومید نباشند جز کافران.

۳۸۰. سخن در بند توست تا بر زبانش نرانی و چون گفتیاش تو در بند آئی، پس زبانت را چنان نگهدار که درمت را و دینار. چه بسا سخنی که نعمتی را ربود و نعمتی را جلب نمود.

۳۸۱. مگو آنچه نمیدانی، بلکه مگو هر چه میدانی چه خدا بر اندامهای تو چیزهایی واجب کرد و روز رستاخیز بدان اندامها بر تو حجت خواهد آورد.

۳۸۲. بترس که خدایت در معصیت خود ببند و در طاعت خویش نیابد و از زیانکاران باشی. پس اگر نیرومند شدی نیرویت را در طاعت خدا بگمار! و اگر ناتوان گشتی، ناتوانیات را در نافرمانی او به کار دار.

۳۸۳. نادانی بود به دنیا آرمیدن و ناپایداری آن را دیدن و کوتاهی در کار نیک با یقین به پاداش آن زیان است، و اطمینان به هر کس پیش از آزمودن او، کار مردم ناتوان-.

۳۸۵. آن که چیزی را جوید، بدان یا به برخی از آن رسد.

۳۸۶. خیری را که آتش - دوزخ- در پی بود خیر نتوان به حساب آورد، و شری را که پس آن بهشت بود، شر نتوان وصف کرد. هر نعمتی جز بهشت خوارست، و هر بلایی جز آتش - دوزخ- عاقبت به شمار.

۳۸۷. بدانید که از جمله بلاها درویشی است و سختتر از درویشی بیماری تن، و سختتر از بیماری تن بیماری دل. بدانید که از نعمتها فراخی مال است و بهتر از فراخی مال، درستی تن و بهتر از درستی تن، دل از گناه محفوظ بودن.

۳۸۹. مؤمن را سه ساعت است: ساعتی که در آن با پروردگارش به راز و نیاز است، و ساعتی که در آن زندگانی خود را کارساز است، و ساعتی که در حلال و نیکو با لذت نفس دمساز است، و خردمند را نسزد که جز پی سه چیز رود: زندگی را سر و سامان دادن، یا در کار معاد گام نهادن، یا گرفتن کام از چیزهایی غیر حرام.

۳۹۰. خواهان دنیا مباش، خدا زشتیهای آن را به تو خواهد نمود و بی خبر ممان که از تو بی خبر نخواهند بود.

۳۹۳. سخن گویند تا شناخته شوید که آدمی زیر زبانش نهان است.

۳۹۵. بسا سخن که از حمله کارگزر بود.

۳۹۶. هر چه بدان بسنده کردن توان، بس بود همان.

۳۹۷. مردن و خواری نبردن، و به اندک ساختن و به این و آن نپرداختن، و آن را که نصیب به آسانی به دست نیاید با کوشش با آن برنیاید و روزگار دوروز است روزی از تو و روزی به زیان تو، در روزی که از توست سرکشی بنه و در روزی که به زیان توست تن به شکیبایی ده.

۳۹۸. مشک عطری است نیکو. بردن آن آسان و بوی خوش آن پرورنده دماغ - انسان -

۳۹۹. ناز خود بگذار و کبر از سر به در آر و گور خود را به یاد آر.

۴۰۰. فرزند را بر پدر حقی است و پدر را بر فرزند حقی. حق پدر بر فرزند آن بود که فرزند در هر چیز، جز نافرمانی خدای سبحان، او را فرمان برد، و حق فرزند بر پدر آن است که او را نام نیکو نهد و نیکش ادب آموزد و قرآنش تعلیم دهد.

۴۰۱. آمیزگاری با مردمان ایمنی است از گزند آنان.

۴۰۲. و به یکی از کسانی که بدو سخنی گفته بود و از مقدار وی بزرگتر مینمود فرمود: پر نیاورده پریدی و در خردسالی بانگ در کشیدی.

۴۰۳. آن که پی چاره‌های گونگون تازد، چارهجویی کار او را نسازد.

۴۰۴. و از معنی لا حول و لا قوة إلا بالله از او پرسیدند، فرمود: [با وجود خدا ما را بر چیزی اختیار نماند و چیزی نداریم جز آنچه او ما را مالک آن گرداند. پس چون ما را مالک چیزی کرد که خود بدان سزاوارتر است تکلیفی بر عهدهمان گذاشته و چون آن را از ما گرفت تکلیف خود را از ما برداشته.

۴۰۵. و به عمار پسر یاسر فرمود، چون گفتگوی او را بامغیره پسر شعبه شنود. عمار او را واگذار، چه او چیزی از دین بر نگرفته جز آنچه آدمی را به دنیا نزدیک کردن تواند، و به عمد خود را به شبهه ها در افکنده تا آن را عذرخواه خطاهای خود گرداند.

۴۰۶. چه نیکوست فروتنی توانگران برابر مستمندان برای به دست آوردن آنچه نزد خداست، و نیکوتر از آن بزرگمنشی مستمندان به اعتماد بر خدا برابر اغنیاست.

۴۰۷. خدا خرد را نزد کسی به ودیعت نهاد، جز که روزی او را بدان نجات داد.

۴۰۸. آن که با حق در آویخت، خون خود بریخت.

۴۰۹. آنچه دیده بیند در دل نشیند.

۴۱۰. پرهیزگاری سر خلق هاست.

۴۱۱. بدان کس که تو را سخن آموخت به تندی سخن مگوی و با کسی که گفتارت را نیکو گرداند راه بلاغتگویی مپوی.

۴۱۲. در ادب نفست این بس که واگذاری، آنچه را از جز خود ناپسند شماری.

۴۱۳. در مصیبتها- چون آزادگان شکیبایی باید و یا چون نادانان فراموش کردن شاید.

۴۱۴. و در خبر دیگر است که به اشعث پسر قیس در تعزیت وی فرمود: [چون بزرگواران شکیبایی، و گرنه چون چارپایان فراموش نمایی.

۴۱۵. و در صفت دنیا فرمود: [میفریبد و زیان میرساند و میگذرد. خدا دنیا را پاداشی نپسندید برای دوستانش و نه کیفری برای دشمنانش. مردم دنیا چون کاروانند، تا بار فکندند کاروانسالارشان بانگ بر آنان زند تا بار بندند و برانند.

۴۱۶. و به پسرش حسن فرمود: [پسرکم چیزی از دنیا بجا منه! چه آن را برای یکی از دو کس خواهی نهاد: یا مردی که آن را در طاعت خدا به کار برد پس به چیزی که تو بدان بدبخت شده‌ای نیکبخت شود، و یا مردی که به نافرمانی خدا در آن کار کند و بدانچه تو برای او فراهم کرده‌ای بدبخت شود پس در آن نافرمانی او را یار باشی و هیچ یک از این دو در خور آن نبود که بر خود مقدمش داری. [و این گفتار به گونه‌های دیگر روایت شده است که:]

اما بعد، آنچه از دنیا در دست توست پیش از تو خداوندانی داشت و پس از تو به دیگری رسد و تو فراهم آورنده‌ای که برای یکی از دو تن خواهی گذاشت: آن که گردآورده‌ی تو را در طاعت خدا به کار برد پس او بدانچه تو بدبخت شده‌ای خوشبخت شود، یا آن که آن را در نافرمانی خدا صرف کند پس تو بدانچه برای وی فراهم آورده‌ای بدبخت شوی و هیچ یک از این دو سزاوار نبود که بر خود مقدمش داری و بر پشت خویش برای او باری برداری، پس برای آن که رفته است آمرزش خدا را امیددار و برای آن که مانده روزی پروردگار.

۴۱۹. بینوا فرزند آدم، مرگش پوشیده است، و بیماریاش پنهان، کردارش نگاشته است و پشهای او را آزار رساند جرعه‌های گلوگیر بکشدش و خوی [یعنی عرق تن] وی را گنده گرداند.

۴۲۰. و روایت شده است که حضرتش روزی میان یاران خود نشسته بود. زنی زیبا بر آنان بگذشت و حاضران دیده بدو دوختند. پس فرمود: [همانا دیدگان این نرینگان به شهوت نگران است و این نگرستن موجب هیجان. پس هر یک از شما به زنی نگرد که او را خوش آید با زن خویشش نزدیکی باید، که او نیز زنی چون زن وی نماید]. [مردی از خوارج گفت خدا این کافر را بکشد چه نیک فقه داند. مردم برای کشتن او برخاستند، امام فرمود: [آرام باشید، دشنام را دشنامی باید و یا بخشودن گناه شاید.

۴۲۲. کار نیک را به جای آرید و چیزی از آن را خرد مشمارید که خرد آن بزرگمقدار است و اندک آن بسیار، و کسی از شما نگوید دیگری در انجام کار نیک از من سزاوارتر است که به خدا سوگند، بُود که چنین شود، چه نیک و بد را مردمانی است، هر کدام را وانهادید اهل آن، کار را به انجام خواهد رسانید.

۴۲۳. آن که نهان خود را اصلاح نماید خدا آشکار او را نیکو فرماید، و آن که به کار دینش پردازد خدا کار دنیای او را درست سازد، و آن که میان خود و خدا را به صلاح آرد، خدا میان او و مردمان را نیکو دارد.

۲۲۴. بردباری پرده‌های است پوشان، و خرد شمشیری است برّان، پس نقصانهای خُلقت را با بردباریات بپوشان، و با خرد خویش هوایت را بمیران.

۴۲۵. همانا خدا را بندگانی است که آنان را به نعمتها مخصوص کند، برای سوده‌های بندگان. پس آن نعمتها را در دست آنان وا مینهد چندان که آن را ببخشند، و چون از بخشش باز ایستند نعمتها را از ایشان بستاند و دیگران را بدان مخصوص گرداند.

۴۲۸. آن که حاجت به مؤمن برَد چنان است که حاجت خود به خدا برده و آن که آن را به کافر برد چنان است که از خدا شکایت کرده.

۴۳۰. بزرگترین دریغها در روز رستاخیز دریغ مردی است که مالی را جز از راه طاعت خدا به دست آورد، پس مردی آن را به ارث برد و در طاعت خدای سبحان انفاق کرد. او بدان انفاق به بهشت رفت و نخستین بدان راه دوزخ سپرد.

۴۳۳. دوستان خدا آناند که به درون دنیا نگریستند، هنگامی که مردم برون آن را دیدند، و به فردای آن پرداختند آن گاه که مردم خود را سرگرم امروز آن ساختند، پس آنچه را از دنیا ترسیدند آنان را بمیراند، میراندند، و آن را که دانستند به زودی رهانشان خواهد کرد رانند و بهره‌گیری فراوان دیگران را از جهان خوار شمردند، و دست یافتنشان را بر نعمت دنیا، از دست دادن آن خواندند. دشمن آنند که مردم با آن آشتی کرده‌اند و با آنچه مردم با آن دشمنند در آشتی به سر برده‌اند. کتاب - خدا- به آنان دانسته شد و آنان به کتاب خدا دانایند. کتاب به آنان برپاست و آنان به کتاب برپایند. بیش از آنچه بدان امید بستهایند، در دیده نمی‌آرند. و جز از آنچه از آن می‌ترسند از چیزی بیم ندارند.

۴۳۴. به یاد دارید که لذتها تمام شدنی است، و پایان ناگوار آن برجای ماندنی.

۴۳۵. بیازمای تا دشمن آن گردی، [و بعضی این جمله را از رسول خدا(ص) روایت کرده‌اند: و آنچه تأیید میکند از سخنان امیر مؤمنان(ع) است روایت ثعلب از ابن اعرابی است که مأمون گفت: اگر علی(ع) نگفته بود «اخبر ثقله» می‌گفتم «أقله تخبر».

۴۳۶. خدا در سپاس گفتن را بر بندهای نمی‌گشاید حالی که در نعمت را به روی او ببندد، و در دعا را بر روی او باز نمی‌کند و در پذیرفتن را بر وی فراز. و در توبه را به روی بنده نمی‌گشاید و در آمرزش را بر وی ببندد - و استوار نماید.

۴۳۷. سزاوارترین مردم به کرم کسی است که کریمان بدو شناخته شوند.

۴۴۰. همه زهد در دو کلمه از قرآن فراهم است: خدای سبحان فرماید «تا بر آنچه از دستتان رفته دریغ نخورید، و بدانچه به شما رسیده شادمان مباشید.» و آن که بر گذشته دریغ نخورد و به آینده شادمان نباشد از دو سوی زهد گرفته است.

۴۴۱. خواب چه تصمیم‌های روزانه را که نقش بر آب کرد.

۴۴۲. حکمرانیها میدانهای مسابقت مردان است.

۴۴۳. شهری تو را از شهر دیگر بهتر نیست. بهترین شهرها آن بود که در آنت آسایش زندگی است.

۴۴۴. و چون خبر مرگ اشتر بدو رسید فرمود: [مالک! مالک! چه بود! به خدا اگر کوه بود کوهی بود جدا از دیگر کوهها و اگر سنگ بود سنگی بود خارا که سُم هیچ ستور به ستیغ آن نرسد و هیچ پرنده بر فراز آن نبرد.

۴۴۵. اندکی که دوام دارد، به از بسیاری که ملال آرد.

۴۴۷. اگر در کسی خصلتی شگفت دیدید، همانند آن را انتظار برید - چه طبیعت او وی را بر انگیزاند دیگر بار، بر کردن چنان کار.

۴۶۰. ایمان آن است که راستی را برگزینی که به زیان تو بُود بر دروغی که تو را سود دهد، و گفتارت بر کردارت نیفزاید و چون از دیگری سخن گوئی ترس از خدا در دلت آید.

۴۶۱. تقدیر بر تدبیر چیره شود چندان که آفت در تدبیر بود.

۴۶۳. به زشتی یاد کردن مردمان پشت سر آنان، سلاحی است برای مرد ناتوان.

۴۶۴. بسا شیفته دلداده بدان که نام نیکش بر زبانها افتاده.

۴۶۵. دنیا را برای جز دنیا آفریده‌اند نه برای دنیا - و راه‌گذاری است به جهان فردا.

۴۶۶. بنی امیه را مهلتی است که در آن می‌تازند، هر چند خود میان خود اختلاف اندازند. سپس کفتارها بر آنان دهن گشایند و مغلوبشان نمایند

۴۶۷. و در ستایش انصار فرمود: [به خدا آنان اسلام را پروراندند چنانکه کره اسب از شیر گرفته را پروراند، با توانگری و دستهای بخشنده و زبانهای بُرنده.

۴۶۸. چشم، نشستگاه را چون رشته سر بند است - چون خواب در چشم آید بند بسته بگشاید.

۴۷۲. نیکو نیست خاموشی آنجا که سخن گفتن باید، چنانکه نیکو نیست گفتن که نادانسته آید.

۴۷۴. و او را گفتند: ای امیر مؤمنان چه میشد اگر موی خود را رنگین میکردی؟ [فرمود:]  
رنگ کردن مو آرایش است و ما در سوک به سر می بریم و از سوک رحلت رسول  
خدا(ص) را قصد دارد.

۴۷۵. قناعت، مالی است که پایان نیابد.

به خدا سوگند، اگر همه هفت اقلیم عالم را و هر چه در زیر آسمان است  
به من دهند تا نافرمانی خدا کنم، آن قدر که پوست جوی را از مورچه ای  
برایم، نپذیرم. و این دنیای شما برای من از برگگی، که ملخی می خاید،  
حقیرتر است.

(امام خطبه ۲۲۴)

